هموطنان مبارز

در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی با محاصره اقتصادی ،نظامی ،بمباران مردم بیدفاع،کشاندن جنگ ارتجاعی ایران و عراق به کردستان ... جنبش انقلابی خلق کرد را مورد وحشیانه‌ترین یورش نظامی قرار داده وکمر به نابودی مردم این مرزو بوم نموده است ،از وقوع حادثه هولناک اورامان کردستان با اطلاع شدیم.

ما امضاء کنندگان بیانیه زیر (مونترال ـ کانادا) با اعتقاد به اصل حاکمیت مردم ،حق تعیین سرنوشت ملت کرد ودفاع از آزادی بدون قید و شرط فعالیت سیاسی ،عقیده و بیان ،بدنبال رویداد اسفبار اخیر اورامان در تاریخ ۱۳۶۳/۸/۲۵ و با توجه به حرکات تاکنونی حزب دمکرات کردستان در رابطه با تحمیل مکرر حملات نظامی به سازمانهای سیاسی فعال در کردستان از جمله کومه‌له و به شهادت رساندن دهها تن از پیشمرگان انقلابی جنبش انقلابی خلق کرد که نقض دموکراسی و عدم پایبندی حزب دمکرات را به آزادی فعالیت سیاسی وعقیده و بیان نشان میدهد وهم چنین با استناد به اسناد منتشره تاکنونی توسط حزب دمکرات و بخصوص بولتن خبری شماره ۹۴ (۶۳/۹/۲۳) که در رابطه با وقایع اخیر اورامان از طرف نمایندگی این حزب در اروپا صادر گردیده است (که خود مملو از تناقضات و توجیهات بیشماری است) بنظر میرسد که بار دیگر حزب دمکرات عامل مستقیم درگیری با کومه‌له و بشهادت رسانیدن ۱۳ تن از پیشمرگان کومه‌له و ۳ تن از پیشمرگان حزب دمکرات بوده است وما بر این مبنا تحمیل درگیری از جانب حزب دمکرات به نیروهای سیاسی را قویا محکوم مینمائیم.

در عین حال ما از تمامی افراد ونیروهای سیاسی فعال در کردستان میخواهیم که از هرگونه درگیری نظامی که تأمین کننده منافع جمهوری اسلامی و تضعیف جنبش انقلابی خلق کرد است اکیدا خودداری ورزیده و با برسمیت شناختن بدون قید و شرط آزادی فعالیت سیاسی و عقیده و بیان وعدم محدودیت بر این آزادی ها اختلافات خود را از طریق مذاکره ،گفتگو و بحث سیاسی حل کنند.

امضای ۱۳۱× نفر از پناهندگان سیاسی مونترال ـ کانادا
۸٤/۱۲/۲۹

رونوشت به :

۱ـ نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در اروپا
۲ـ نمایندگی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه‌له) در خارج کشور
۳ـ جهان نشریه دانشجویان هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در خارج از کشور
٤ـ اکتبر نشریه کمیته خارج از کشور حزب کمونیست ایران
۵ـ نشریه زمان نو
٦ـ اخبار ایران خبرنامه هواداران سازمان وحدت کمونیستی در اروپا
۷ـ نشریه ستاد
۸ـ آهنگر

× جهت اطلاع سازمان ها ونشریات مزبور کپی اصل امضاء ۱۳۱ نفر فرستاده شده است

اکتبر

سال اول ـ شماره ۱

این عکسها را بخاطر بسپارید!

این روزها سران "جبهه ملی مقاومت" ـ ببخشید ـ "شورای ملی مقاومت" سخت گرفتارند. دیدارهای مکرر، مسافرتها و مذاکرات طولانی، ژستهای حاکی از تفاهم متقابل دربرابر دوربین ها، پاسخگویی به سوالهای این و آن خبرنگار، به مهمترین مشغله روزانه سران شورای ملی مقاومت تبدیل شده است. رهبران مجاهدین باید با کوشش بسیار به خیل نمایندگان پارلمانها، به وزیران ونخست وزیران در "سایه" ودرآفتاب به کشیشها، به سناتورها، به نمایندگان دیکتاتورها درباره جمهوری دمکراتیک اسلامی بمثابه "تنها حکومتی که میتواند صلح داخلی وامنیت منطقه را تضمین کند" (کذا!)، درباره اشکد سفارهای "ضدامپریالیستی" شان نابی از بانک‌های سیاسی شان بوده، درباره قدوسیت مالکیت درجمهوری دمکراتیک اسلامی ودست شستن قطعی شان حتی ازهمان عبارت پردازیهای شبه سوسیالیستی "جامعه بی‌طبقه توحیدی" اطمینان خاطر بدهند. این آستانبوسیها دربرابر بورژوازی امپریالیست البته بی پاداش نمانده است. در سال ۵۷ برای شرکت درکنگره بین‌الملل سوسیالیست جناب سنجابی دست نشان میشود وامسال آقای رجوی درکنگره آنها شرکت میکند. درسال ۵۸ جناب بازرگان به دیدار برژینسکی میرود وامسال آقای ابریشمچی به دیدار گنشر نائل میاید. اینهمه تلاش وسرعت قطعا رنگ سران "نهضت مقاومت ملی" را برانگیخته است!

اما صبر کنید! باردیگر همان توده‌های قیام کننده‌ای که "پدربزرگوار" اینان دیدار با هویزر را ازخوفشان پنهان میکرد، به جوشش درخواهند آمد. باردیگر همان کارگرانی که درفردای قیام بهمن یک عکس با شاه وکوچک ابدال هایش را دردادگاههای غیررسمی اما واقعی خودشان سند محکم برای محکومیت قطعی میدانستند به قضاوت خواهند نشست. آنگاه این عکسها که امروز آذین صفحات "مجاهد" اند، مدارک جرمی خواهند شد که بایدازکارگران پنهان گردد.

این عکسها رابخاطر بسپارید! ■



عادی بصورت گروهی (از جمله اعدام ۵۹ نفر از مردم مهاباد)، تخلیه اجباری روستاها و کوچ دادن اهالی (از جمله آخرین توطئه که شامل ۱۰۰ روستا و جمعیتی بالغ بر ۲۰ هزار نفر میشود)، بمباران بلاانقطاع روستاهای کردستان، استفاده از بمبهای شیمیایی در موارد متعدد، قتل عام مردم روستاها (از جمله قتل عام وحشیانه مردم در ایند رقاش و قارنا) و ... تنها گوشهائی از ابعاد وسیع جنایاتی است که رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب جنبش عادلانه مردم کرد مرتکب شده است.

آنچه در این عملیات نظامی برای رژیم اهمیت ندارد جان انسانها است رژیم برای اشغال یک روستا و یا مسلط شدن بر یک تپه چند صد نفر و گاها هزاران نفر از نیروهای خود را قربانی کرده است. بعلاوه در حملات اخیر رژیم بی محابا از هر سلاحی که قدرت تخریب کشتار و وحشتزائی بیشتری داشته باشد استفاده مینماید. برای مثال بمباران روستای بایجان از توابع سقز با بمب های شیمیائی را میتوان نام برد که باعث کشته شدن تعداد زیادی از اهالی گشته و بدن مجروحین پوشیده از تاولهای بزرگ و وحشتناکی شده و اغلب بحالت تهوع و مسمومیت شدید دچار شده بودند.

حملات نظامی گسترده رژیم در کردستان حاکی از این واقعیت است که جمهوری اسلامی و حامیانش پی برده اند که حفظ منافعشان در ایران و منطقه مستلزم سرکوب این جنبش انقلابی است. تحت چنین شرایطی هر دو بلوک غرب و شرق با فراهم آوردن کمکهای اقتصادی ونظامی وسیاسی به رژیم و ادامه توطئه سکوت در مورد وحشیگری بی حد و حصر جمهوری اسلامی در کردستان و سایر مناطق ایران رسما و آشکارا به حمایت خود ادامه میدهند. هم اکنون پنج سال از اشغال کردستان و سرکوب متمرکز خلق کرد توسط نیروهای سرکوبگر نیروهای جمهوری اسلامی میگذرد ولی علی رغم سیاستهای ارتجاعی اعمال شده از جانب رژیم سرمایه داری ایران، جنبش خلق کرد به مقاومت قهرمانانه خود ادامه داده و با تمام محدودیتهای موجود به پیروزی های فراوانی نائل آمده است.

جمهوری اسلامی تعرض اصسال خود به کردستان را در شرایط رکود وبی تحرکی جنبش انقلابی سرتاسری آغاز کرد. این شرایط — همراه با وسعت ودامنه گسترده تعرض امسال در کنار تلاشهای رژیم برای کشاندن جنگ عراق به جبهه های کردستان از اهمیتی تعیین کننده برخوردار بود. در ماههای اخیر کردستان تماما چهره یک سرزمین اشغال شده را بخود گرفته است. این چهره کردستان اولین نشانه ایست که جمهوری اسلامی با تعرض خود، علیرغم پاره ای از موفقیت های نظامیش در محدود ساختن مناطق آزاد — کردستان، عملا در مقابل جنبش انقلابی خلق کرد یک شکست سخت سیاسی را تجربه میکند اکنون بعینه آشکار گشته است جمهوری اسلامی در کردستان یک رژیم اشغالگر است که باتکیه بر تشدید ستمگری ملی و اذیت و آزار مردم بجرم کرد بودن، سربازگیری بزور اسلحه، تسلیح اجباری اهالی مناطق حواشی و گسترش جنگ علیه نیروهای مسلح خلق کرد میخواهد حاکمیت اشغالگرانه خود در کردستان را حفظ کند.

جنبش انقلابی خلق کرد با در دست داشتن دورنمای پیروزیش و با اتکاء به نیروهای محرکه خاص خود، راه پیروزی خود را خواهد پیمود و در این شرایط است که جنبش انقلابی خلق کرد محتاج حمایت فعال و همبستگی همه جانبه مردم آزادیخواه جهان میباشد. ما از تمامی افراد، نیروها، جریانات و سازمانهای انقلابی و مترقی میخواهیم که بهر طریق ممکن بیاری این خلق ستمدیده بشتابند. افشاگری فعال از جنایات جمهوری اسلامی، تبلیغ و شناساندن مبارزات قهرمانانه زحمتکشان کردستان و شکستن جو سکوت در عرصه بین المللی و همچنین جمع آوری کمکهای مالی و داروئی از مهمترین وظائفی است که میتوان و باید در این رابطه بآن دست زد.

ما شما را به همدردی و پشتیبانی از جنبش انقلابی خلق کرد فرا میخوانیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران
پیروز باد مبارزات انقلابی و حق طلبانه خلق کرد

« کمیته همبستگی با جنبش خلق کرد »

K.C.
P.O. BOX 1036
STATION F, TORONTO
ONTARIO, M4Y-2T7

اعلام موجودیت "کمیته همبستگی با جنبش خلق کرد"



دانشجویان و هم میهنان مبارز،

بدنبال اوجگیری هرچه بیشتر جنبش ملی و بحق خلق کرد از یک طرف و افزایش سرکوب متمرکز و بمباران مناطق مسکونی مردم بیدفاع کردستان، گسترش کشتار و اعمال وحشیانه وضد انسانی از جانب رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی از طرف دیگر، نیاز خلق ستمدیده کرد به جلب افکار جهانی وکسب حمایت مادی و معنوی ملل جهان برای این جنبش عادلانه واحتیاج مبرم به کمکهای دارویی و مالی افزایش بیشتری یافته است. بدین مناسبت "کمیته همبستگی باجنبش خلق کرد" برای ایجاد همبستگی بین کارگران، زحمتکشان وآزادیخواهان ملل دیگر باخلق کرد و شناساندن این جنبش به آنها اعلام موجودیت میکند. اهداف و اصول اساسی کمیته از اینقرارند :

الف ـ دفاع بدون قیدو شرط از حق خلق کرد در تعیین سرنوشت خویش.

ب ـ خروج بدون قید و شرط کلیه نیروهای اشغالگر رژیم جمهوری اسلامی از کردستان.

ج ـ افشاء کلیه جنایات رژیم جمهوری اسلامی درکردستان و سایر نقاط ایران.

د ـ معرفی جنبش انقلابی خلق کرد در نزد افکار عمومی ملل جهان و جلب کمکهای مادی(مالی و دارویی) وحمایت سیاسی برای آن.

هـ ـ دفاع از مبارزات کارگران و زحمتکشان سایر خلقهای جهان و تلاش در تحکیم همبستگی بین آنان.

بعلت در پیش گرفتن سیاست سکوت از جانب جمهوری اسلامی و حامیان امپریالیستش در رابطه با سرکوب وحشیانه، اختناق قرون وسطایی، اعدامهای دسته جمعی، محاصره اقتصادی، استفاده از بمبهای شیمیایی و اخیرا کوچ اجباری بیش از ۲۰،۰۰۰ نفر از مردم بیگناه کردستان، لازم میدانیم که مختصرا به معرفی این جنبش بپردازیم. پس از خاتمه جنگ جهانی اول و بدنبال تقسیم جهان بین دول امپریالیستی، ملت کرد درچهار کشور ایران، ترکیه، عراق و سوریه اسکان یافت. ازآن پس این خلق بمشابه یك ملت منقسم همواره تحت فشار دیکتاتوری رژیمهای نامبرده از ابتدائی ترین حقوق خود منجمله حق تعیین سرنوشت محروم بوده است. بورژوازی شووینیست فارس همواره شدیدترین نابرابری اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را بر خلق کرد و سایر ملیتهای ایران اعمال کرده است. بااینوجود خلق کرد علیرغم تحمل ستمگری و سرکوب همه جانبه از طرف دولتهای مرکزی به مبارزاتش در راه رسیدن به حق تعیین سرنوشت خویش و سایر حقوق دمکراتیك ادامه داده و برای برقراری یك دمکراسی انقلابی مبارزه میکند.

درسال ۱۳۲۳، رژیم شاه جمهوری خودمختار کردستان را وسیعا سرکوب کرده، رهبران جنبش را اعدام و جمهوری خود مختار کردستان را ملغی اعلام نمود.

همزمان بارشد مخالفت و مبارزه علیه رژیم شاه در ایران جنبش ملی کردستان نیز به لزوم مبارزه مسلحانه پی برده، تهاجم خود را علیه رژیم آغاز نمود. قیام توده ای که به سرنگونی رژیم وابسته و دیکتاتوری شاه انجامید، موقتا موجب پیدایش جو دمکراتیکی شد که به خلقهای ایران امکان فعالیتهای هرچند محدود را میداد. در این میان خلق کرد نیز موفق به استقرار مجدد سازمانهای سیاسی، ایجاد انجمنهای محلی و سایر تشکلهای مردمی و نشر مطبوعات سیاسی خود گردید.

با ازسرگرفتن سیاست سرکوب جنبش انقلابی ایران، رژیم جمهوری اسلامی سریعا به قصد سرکوب جنبش در کردستان حملات متعددی را آغاز نمود و بدین منظور با نیرویی قریب به ۲۰۰ هزار نفر مرکب از ارتش، سپاه پاسداران، بسیج مستضعفین و مزدوران محلی کردستان را اشغال کرده تحت محاصره شدید نظامی و اقتصادی درآورد. در مدت پنج سالی که از اشغال کردستان میگذرد، رژیم دست به جنایات وحشتناکی علیه این خلق قهرمان زده است. اعدام انقلابیون و مردم

توطئه سازمان مجاهدین خلق ایران بار دیگر ناکام ماند

سازمان مجاهدین خلق که آلترناتیو به اصطلاح شورای ملی مقاومتش به رغم همه تلاشها برای اتحاد با جناحهائی از امپریالیسم جهانی، در مسیر تلاشی قطعی قرار گرفته است در آخرین لحظات حیات این تجمع بورژوائی و افشاء شدن چهره سازشکار سران سازمان مجاهدین در راستای نزدیکی هرچه بیشتر به امپریالیسم جهانی، سازمانهای انقلابی ایران از جمله سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را "مشکوک" اعلام میکند و در عین حال به اقدام بی سابقه و اپورتونیستی "سازمان سازی" متوسل میشود. سازمان مجاهدین خلق که از فردای اتحادش با بورژوازی ایران و تشکیل آلترناتیو بورژوائی شورای ملی مقاومت در صدد "جلب سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" به این تجمع سازش و نهایتا خیانت به انقلاب بود تا بدین وسیله طبقه کارگر ایران را -که اساسا مخالف هرگونه رفرمیسم بورژوائی بوده و پیگیرانه برای هدف نهائی سوسیالیسم مبارزه میکند- از پیشآهنگ رزمنده خود محروم سازد، پس از ناکامی خود برای رسیدن به این هدف سازشکارانه در صدد برآمد تا خشم خود را با علم کردن عنصر خائنی به نام مهدی سامع و معرفی کردن وی به عنوان نماینده سازمان چریکهای فدائی خلق ایران فرونشاند. مجاهدین در حالیکه سامع را نماینده سازمان چریکهای فدائی خلق ایران معرفی میکنند که وی به خاطر خیانتهایش در شاخه کردستان و عدول از مواضع و اساسنامه سازمانی از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اخراج شده است و هم اکنون نیز نظراتش از جمله نفی هژمونی پرولتاریا و پذیرش رهبری بورژوازی در انقلاب هیچ تفاوتی با نظرات ضد انقلابی حزب توده ندارد. در ادامه چنین سیاست اپورتونیستی، سازمان مجاهدین خلق از طریق شورای ملی مقاومت در تاریخ چهارده دسامبر جلسه‌ای را برای مهدی سامع در لندن ترتیب داد. سازمان دانشجویان ایرانی در انگلستان، اسکاتلند و ولز هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیش از برگزاری این جلسه با صدور اعلامیه ای تحت عنوان توطئه جدید شورای ملی مقاومت محکوم است (۱۰ دسامبر ۸۴) این حرکت را شدیدا محکوم کرد. در شب برگزاری جلسه نیز رفقای هوادار سازمان در ابتدای برنامه با اعتراض به استفاده از نام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران متذکر شدند که شخص سامع و شورای ملی مقاومت در استفاده از نام سازمان محق نبوده و خواستار این شدند که سخنران تحت

بقیه در صفحه ۹

مستحکم باد پیوند جنبش دانشجویی با مبارزات توده ها

قطعا ننگ دوام و بقاء این حکومت را تحمل نخواهند کرد و بی شک آینده از آن ما وشکست سرنوشت محتوم مرتجعین تاریخ است.

باشد که "صدای فدائی" این بانگ رسای کارگران و زحمتکشان و مدافع منافع عموم توده‌های ستمدیده و استثمار شده ایران بتواند وظیفه انقلابی خود را در بیداری وآگاهی توده‌های مردم انجام دهد و نقش انقلابی خود را در جنبش ایفا کند.

کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
۱۳۶۳/۹/۱۰

بقیه از صفحه ۱

* خبرگزاری رویتر گزارش داد که متعاقب حملهٔ جنگنده‌های عراقی به کشتیهای نفتکش که قصد عبور از تنگه هرمز را دارند، نرخ بیمه کشتیرانی افزایش قابل ملاحظه‌ای نموده است که این افزایش نرخ -بنابر معاهدات بین‌المللی- به هزینه کشور صادر کننده نفت می باشد وهمین امر موجب کمبود درآمد ارز خارجی ایران گشته است. این منبع همچنین می افزاید که درهمین رابطه اوپك موافقت کرده است که به منظور جبران افزایش نرخ بیمه ایران نفت خود را با تخفیف به کشورهای خریدار بفروشد. دراین گزارش میزان تخفیف قید نشده است.

* خبرگزاری رویتر ۷ ژانویه گزارش داد که دیوان عالی آمریکا شکایت ایران مبنی بر بازپرداخت ۳۵ میلیارد دلار، ولی که شاه از مردم ایران بتاراج برده و ۲۰ میلیارد دلار پولی که جزءاموال شاه درنقاط مختلف جهان پراکنده می باشد، را ردکرد. این گزارش حاکیست علیرغم اینکه بنابرقرارداد الجزایر سال ۱۹۸۱، آمریکا موافقت کرده است که ایران میتواند دعاوی خویش را علیه خانواده سلطنتی سابق ایران در دادگاههای آمریکائی مطرح کند، دولت آمریکا از توقیف اموال شاه وبازپس دادن آن، خودداری کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایك اعتصاب عمومی سیاسی وقیام مسلحانه برانداخت

عنوان دیگری صحبت کند . به رغم اعتراضات پی در پی رفقای هوادار وبعضی ازحضار برگزارکنندگان جلسه از قصد خود مبنی بر جعل نام فدائی عدول نکرده وبا حرکت و شعارهای عوام فریبانهای سعی در مخدوش‌کردن این خواست به حق وجوسازی علیه رفقا نمودند . هواداران سازمان در واکنش با هوشیاری کامل شعارهای مرگ بر سازشکار، مرگ بر جمهوری اسلامی را شعارهای غالب جلسه ساختند و همچنان خواستار عدم استفاده از نام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ، توسط مهدی سامع شدند. برگزارکنندگان که این خواست را نافی هدفهای اصلی خود می یافتند ، تصمیم به ختم جلسه و انتقال هواداران شورا با استفاده از اتوبوس از پیش آماده شده ای به محل دیگروادامه جلسه به شکل دیگری گرفتند . رفقای هوادار در بیرون محل جدید برگزاری جلسه ، کماکان به اعتراض‌خود ادامه دادند ،پلیس‌انگلیس‌که در حمایت مستقیم از برگزارکنندگان جلسه وبه خواست آنها در محل حاضر شده بود هواداران سازمان را تهدید به دستگیری میکرد ، مسئولین انجمن دانشجویان مسلمان در انگلستان با نشان دادن ومعرفی هواداران سازمان به‌عنوان آنارشیست گام جدیدی در همکاری با پلیس‌فاشیست انگلیس برداشتند . غافل از اینکه هواداران سازمان که تنها در یکسال‌گذشته در اعتراضات پیگیر علیه ارگانهای جمهوری اسلامی بارها مورد تهاجم پلیس قرار گرفته‌اند ، باکی از درگیری با نیروهای امنیتی پلیس‌انگلیس‌ندارند . صحنه اسفناك خروج مهدی سامع با کمك بیش‌از ٤٠ نفر ازافراد پلیس‌اسکاتلندیارد وسگهای پلیس‌از درعقب ساختمان نمایشگر شکست مفتضحانه شورای ملی مقاومت در پیاده‌کردن این توطئه بود . نفی اتحاد وحرکت با نیروهای انقلابی وسیر حیرت‌العقول سران سازمان مجاهدین به سوی جناحهائی ازامپریالیسم، تاکتیکهای بورژوائی چون جعل سازمان وتحریف‌تاریخ وسوابق را نیزبه دنبال دارد ، اما شکست ودراُفتادن شورای ملی مقاومت به پهنه سیاست بازیهای بورژوائی رسواتر ازآن است که هرگونه عضوگیری ازمیان پس‌ماندههای سازمانهای سیاسی ووامانـدگان جنبش‌کمونیستی برای آن آبروساز باشد . مجاهدین باید بدانند که نه هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ونه هواداران دیگر سازمانها وگروههای انقلابی ومترقی ونه هیچ فرد دمکرات وآگاهی اجازه نخواهد دادکه جریانی علنا با جعل نام سازمان آنها وبا هر نیتی درغین به کذب مواضع ونظراتشان بپردازند .

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرارباد جمهوری دمکراتیك خلق

نابود باد سرمایه داری

زنده باد سوسیالیسم

سازمان دانشجویان ایرانی درانگلستان ،اسکاتلند و ولز هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۱۵ دسامبر ۱۹۸٤

هرچه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی وانقلابی

است.

طبقه کارگر ایران باید در برابر تمام این خدعه‌ها و فریبها، خیانتها و زد و بندها هوشیارانه ایستادگی کند. پرچم سرخ انقلاب را در پیشاپیش توده‌های زحمتکش در اهتزاز نگاهدارد و آنها را به سوی پیروزی قطعی رهبری کند.

دراین شرایط وظایفی بمراتب سنگین تر بر دوش تمامی اعضاء و هواداران سازمان قرار دارد.

اعضاء و هواداران سازمان باید برتلاشهای مستمر خود برای متشکل کردن و آگاه نمودن طبقه کارگر ایران و رهبری مبارزه این طبقه بیافزایند. تمامی رفقا باید قبل از هرچیز درجهت تشکل و آگاهی روزافزون کارگران صنعتی کوشش کنند. باید هسته‌های سرخ کارگری را درکارخانه‌ها و مراکز کارگری گسترش دهندو عمیقا این واقعیت را دریابند که قدرت ما در تشکل و آگاهی کارگران نهفته است. اعضاء و هواداران سازمان باید با مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی علیه کلیه نیروهای ضدانقلاب و فرصت طلبان و سازشکاران مبارزه کنند. باید مداوما ماهیت ضدانقلابی تمامی جریانات سلطنت طلب و تمام فجایع و جنایات آنها را در ذهن توده‌ها نگهدارند. باید ماهیت تمام اعمال ورفتار فرصت طلبانه و سازشکارانه رهبران مجاهدین خلق را فاش و برملاسازند وبه توده‌های مردم نشان دهند که چگونه آنها از آرمانهای توده‌های مردم دورشده وعلیه انقلاب گام برمیدارند.

باید همچنان ماهیت ارتجاعی و ضدانقلابی حزب خائن توده و خائنین اکثریتی و تمامی سیاستهای خائنانه آنها را به مردم توضیح دادودربرابر تمامی این جریانات برنامه و سیاستهای انقلابی سازمان را بیش ازپیش درمیان توده‌ها تبلیغ نمود.

باید به توده‌های مردم توضیح داد که بدون رهبری طبقه کارگر تمام دست آوردهای انقلابی آنان برباد خواهدرفت.

باید به توده‌های مردم توضیح داد که بدون سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق بمثابه هدف فوری طبقه کارگر، آزادی و دمکراسی ممکن نیست، رفاه و خوشبختی ممکن نیست، برانداختن سلطهٔ امپریالیسم ممکن نیست.

باید تبلیغات وسیعی را علیه جنگ ارتجاعی موجود سازمان داد و به توده‌های مردم توضیح داد که تنها راه پایان بخشیدن به جنگ و دستیابی به یک صلح دمکراتیک که در آن منافع توده‌های زحمتکش تامین شود، تبدیل این جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی انقلابی یعنی قیام مسلحانه علیه رژیم جمهوری اسلامی است.

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دمکراسی جدا نیست

شعارهای ضدجنگ را با شعار سرنگونی بلاواسطهٔ رژیم پیوند بزنید وشعارتبدیل جنگ به جنگ داخلی را بمثابه اساسی ترین شعار به میان کارگران، دهقانان، سربازان و عموم توده‌های زحمتکش ببرید و آنرا بر در و دیوار بنویسید.

اعضاء و هواداران سازمان باید بکوشندکه‌براساس مواضع و رهنمودهای"صدای فدائی" بیانیه‌ها و نشریات سازمانی که مرتبا از رادیوپخش خواهدشد، تبلیغات وسیعی را علیه رژیم سازمان دهند. مواضع اتخاذ شده را ضبط کنند و بصورت اعلامیه و تراکت پخش نمایند.

کلیه رفقا باید در هرکجاکه هستند خودرا خبرنگار "صدای فدائی" احساس کنند و موظف باشند، اخبار مربوط به مبارزات توده‌های مردم را بااستفاده از مطمئن ترین و در عین حال سریع ترین وسیله ممکن بااستفادهٔ از دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور و یا هر وسیله ممکن دیگر دراختیار "صدای فدائی" قراردهند.

انتقال سریع اخبار و گزارشات یکی از وظایف بسیار مهم هرعضو و هوادار سازمان محسوب میگردد.

با "صدای فدائی" مرتبا مکاتبه داشته‌باشید. سوالات و مسائل خودرا با سازمان در میان بگذارید.

رفقائی که‌به‌دلائلی ارتباط آنها با سازمان قطع شده‌است، میتوانندازهمین طریق با سازمان ارتباط مجدد برقرارکنند.

کارگران و زحمتکشان ایران! روشنفکران انقلابی!

برای سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و پیروزی قطعی انقلاب به‌گرد برنامه‌و اهداف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران متحد و متشکل شوید. ننگ است ادامهٔ حکومت جمهوری اسلامی بر توده‌های مردمی که عظمت جنبش انقلابی آنها علیه رژیم ستمگر شاه رعب و وحشت در دل تمامی مرتجعین افکنده‌بود.

ننگ است تحمل حکومتی که جز فقر و نکبت، تباهی و ویرانی برای توده‌های‌ستمدیده مردم ما نتیجه‌ای نداشته‌است. ما در برابر تاریخ بشریت متمدن و نسلهای‌آینده مسئولیم. مرگ هزاران بار بر زندگی اسارتبار در زیرسلطه رژیم جمهوری اسلامی برتری دارد. تردیدی نیست که مردم آگاه و بیدار ایران که تاکنون دهها هزارتن از بهترین و ارزشمندترین فرزندان قهرمان خود را در نبرد علیه رژیم خون آشام جمهوری اسلامی از دست داده‌اند،

گوید برای حفظ وبقاء حاکمیت ننگین خویش ، اختناق و سرکوب را به حداعلاء رسانده است. ابتدائی ترین حقوق مدنی وانسانی را ازتوده های مردم سلب نموده است. حقوق وآزادیهای دمکراتیک را مطلقا از میان برده است. دهها هزارتن ازکارگران و روشنفکران انقلابی ایران را زیر شدیدترین شکنجه های قرون وسطائی درزندانهای خودبه‌بند کشیده است و هزاران تن از آگاهترین فرزندان مردم ایران را به جوخه اعدام سپرده است. اما رژیم به این فجایع بسنده نکرده است ، در اثر جنگی که اکنون بیش ازچهار سال مداوم ادامه یافته است ، دهها هزارتن از فرزندان زحمتکشان ایران را درمیدانهای جنگ به خاک و خون کشیده است ، تعداد کثیری معلول و آوارد ، و نابودی روزافزون بخش عظیمی از ثروتهای مادی جامعه ، جلوه های دیگری از سیاستهای فوق ارتجاعی این رژیم اند.

اما تمامی فجایع و مصائبی که این رژیم ببار آورده است ، او را بیش از پیش در منجلاب بحران فرو برده و تضادهای اجتماعی را عمیق تر و حادتر نموده است. مبارزات توده های مردمی که زیر شدیدترین فشارهای اقتصادی و سیاسی قرار گرفته اند ، مداوما اعتلاءوگسترش می یابد.

اعتصابات متوالی کارگران برغم وحشیگریها و ددمنشی های این رژیم پاسدارسرمایه علیه کارگران بارزترین تجلی رشد روزافزون مبارزات توده ایست.

تداوم مبارزه مسلحانه توده های زحمتکش مردم کردستان علیه رژیم و نیز نخستین جوانه های این شکل مبارزه در میان مردم بلوچستان ، جرقه هائی که هردم دراینجا وآنجا ، زمانی در اقسریه تهران و زمانی دیگر درامجدیه زده میشود ، همگی نوید بخش انفجار قریب الوقوع خشم و عصیان سراسری توده هاست ، نشاندهنده این واقعیت است که بزودی حریقی عظیم سراسر جامعه را فرا خواهد گرفت و تمامی مرتجعین را در آتش خود خواهد سوزاند.

همه حقایق موجود نشاندهند. این واقعیت است که سقوط این رژیم تبهکار و ارتجاعی قطعی است. رژیم هیچ چشم اندازو آینده ای جز سرنگونی ندارد. در چنین شرایطی وظایفی بس بزرگ در برابر طبقه کارگر ایران بمثابه رهبرانقلاب و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمثابه پیشاهنگ ، مظهرآگاه و وجدان بیدار طبقه کارگر ایران قرار گرفته است. طبقه کارگر ایران با تمام تجارب ارزشمندی که طی چندسال اخیر ازمبارزهٔ آشکار و انقلابی خود کسب نموده است ، این صلاحیت ، لیاقت و شایستگی را داردکه رهبری مبارزات توده های

زندانی سیاسی آزاد باید گردد. ترور. شکنجه. زندان نابود باید گردد

مردم را در دست گیرد، انقلاب را به‌فرجام پیروزمندش برساند و اجازه ندهد که یکبار دیگر مرتجعینی امثال خمینی برموج نارضایتی توده‌های مردم سوار شوند وانقلاب را به کجراه بکشانند. چراکه ازهم اکنون کسانی که نزدیک شدن توفان انقلاب را احساس کرده‌اند، به تکاپو افتاده‌اند. "شورای ملی مقاومت" و در رأس آن سازمان مجاهدین خلق که تمام برنامه‌های آن هانشان میدهدکه خواهان هیچ تغییراساسی در وضعیت موجود نیستند ، به توده‌های ستمدیده‌وزجرکشیده‌ازرژیم‌جمهوری‌اسلامی وعده ووعید میدهند که یکباردیگرجمهوری اسلامی را که البته بجای خمینی رجوی در رأس‌آن قرارگرفته باشد، آزمایش‌کنند.

مگر نزدیک به شش‌سال حکومت جابرانه و ستمگرانه جمهوری اسلامی خمینی ماهیت ستمگرانه هر گونه جمهوری اسلامیٔ رابه توده‌های مردم نشان نداد؟مگرتوده‌های مردم‌ایران در عمل و در تجربه درک نکردند که هرحکومت مذهبی دشمن آزادی و دمکراسی است؟

رهبران مجاهدین خلق خیلی مردم رانا‌آگاه تصورکرده‌اند که فکرمی‌کنند توده‌مردمی که این همه مصائب و بدبختی های جمهوری اسلامی را لمس‌کرده‌اند یکباردیگراجازه‌خواهند داد که آقای رجوی هم جمهوری‌اسلامی‌اش راپیاده کند. خیر! توده‌های‌مردم‌ایران دریافته‌اند که آزموده را آزمودن خطاست. مگرجمهوری اسلامی آقای رجوی چه تفاوت‌اساسی با جمهوری اسلامی خمینی دارد؟ هیچ. رهبران مجاهدین خلق ازهنگامیکه باسرمایه‌داران ایران سازش نمودند و به آرمانهای انقلابی توده‌های مردم پشت‌کردند تبدیل به مدافعین پیگیر نظم ستمگرانه سرمایه‌داری و مدافعین منافع طبقه سرمایه‌دارشدند. آنان مدافع‌ارتش ضدخلقی و بوروکراسی پوسیده و فاسد ایران شده‌اند. از برجای ماندن یک حکومت مذهبی دفاع می‌کنند از اینکه کارگران و زحمتکشان ایران قدرت‌سیاسی رادردست‌گیرند، هراس‌مرگبار دارند. بانیروهای انقلابی ایران و قبل از همه باسازمان چریکهای فدائی‌خلق‌ایران کینه و دشمنی دارند و اگر خمینی جنایتکار پس‌از به قدرت‌رسیدن علیه نیروهای انقلابی‌اعلان جنگ داد، رهبران مجاهدین ازهم‌اکنون به‌نیروهای انقلابی ایران اعلان جنگ داده‌اند.

رهبران مجاهدین خلق باامپریالیستها ،این دشمنان سوگندخوردهٔ مردم ایران متحد شده‌اند، امپریالیستها پیام حمایت و پشتیبانی برای آنها می‌فرستندو آقای رجوی به‌دست بوسی آنها میرود.

آیا درچنین شرایطی وعدهٔ بهشت‌برین دادن به‌مردم از سوی رهبران مجاهدین خلق دروغ و فریب‌نیست؟ آیااین همان وعده‌های خمینی نیست؟ آیااینان نیزنمی‌خواهندیکبار دیگربرموج نارضایتی توده‌ها سوارشوند و دوباره انقلاب‌را به کجراه‌بکشند؟ پاسخ مثبت

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهائیبخش سراسر جهان

بقیه از صفحه ۱

امام بزرگوار و ضدامپریالیستشان نیز از همین ۹۰٪ ها دم و ادعا میکرد که "نود درصد کسانی که در راه مبارزه با رژیم ستم شاهی شهید شده اند خواهان برقراری جمهوری اسلامی بودند وکمونیستها و دیگر مبارزان نقشی نداشته اند" ولی سیر حوادث و واقعیت ها بی پایگی این ادعای مسخره خمینی را آشکار نموده است .

در قسمت دیگری از این اطلاعیه بار دیگر ادعای بی اساس مجاهدین دال بر اینکه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به شکست انقلاب و تثبیت رژیم جمهوری اسلامی رسیده، تکرار شده است . ما یك بار دیگر ضمن رد این ادعا توجه دوستان مجاهد و دیگر کسانی را که در این مورد شاید متوهم باشند به نشریات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که در صفحات آن به کرات از تداوم انقلاب یاد شده و میشود جلب میکنیم . باید کور یا غرض ورز بود که بتوان چنین ادعائی را مرتب تکرار نمود .

اما از تکرار مدام مسئله (شکست انقلاب توسط سازمان چریکهای فدائی خلق ایران) توسط مجاهدین این فکر در ذهن آدمی شکل میگیرد که نکند امر به خود مجاهدین مشتبه شده است که اکنون میخواهند آنرا به دیگران نسبت دهند . تا آنجائیکه تجربیات انقلابی خلقهای جهان وعلم انقلاب به ما آموخته است همیشه تاکتیکهای مبارزاتی در رابطه مستقیم با روحیه توده ها اتخاذ میشود ، به عبارتی دیگر زمانی که توده ها نسبت به امور سیاسی بی تفاوت و چشم انداز خیزش توده ای به چشم نمیخورد تاکتیکها تدافعی و هنگامیکه توده ها دارای روحیه انقلابی بوده و جنبش توده ای محتمل است تاکتیکها لزوما تعرضی است ، حال با توجه به این اصول بدیهی کافی است نگاهی به تاکتیکهای مبارزاتی مجاهدین حداقل از سی خرداد شصت به اینطرف بیاندازیم که چگونه مجاهدین از تاکتیك ترور سران رژیم

وایضا وعده های شش ماهه ویکساله (البته قابل تمدید !!) سقوط رژیم به تاکتیك پرتاب تخم مرغ به عکس خمینی "دجال" و استعمال چسب قطره ای رسیده اند . امیدواریم ادامه منطقی این تاکتیکهای مجاهدین به خط زدن مشق فرزند مثلا فلان آخوند در راه مدرسه نیانجامد .

حال قضاوت را به خوانندگان واگذار کنیم که چه کسی بطور تلویحی وضمنی به شکست انقلاب رسیده است ، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران یا مجاهدین ؟ . . . از قرار معلوم مجاهدین ، انقلاب را خیلی دیر میبینند که این چنین دست به هوچی گری وتهمت وافترا علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سایر نیروهای انقلابی زده اند وگرنه باید که روزی بابت این سازشها وتهمتها در برابر خلق حساب پس بدهند .

اما در پایان اطلاعیه بعد از مدتها چشممان به جمله مرگ بر امپریالیسم روشن شد (هرچند به صورتی فرمالیستی) که به نظر ما این نتیجه فشار نیروهای انقلابی بویژه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران میتواند باشد ، ولی خوشحالتر میشدیم اگر این شعار تزئین بخش همیشگی یکی از صفحات نشریه مجاهد شود (البته اگر ملاحظات تاکتیکی اجازه بدهد).

حال که بعد از سه سال مجاهدین به مبارزه بنی صدر زدائی مشغولند ، چه خوب بود اگر همزمان با آن تبلور شعار مرگ بر امپریالیسم در برنامه مجاهدین و شورای ملی مقاومت انعکاس می یافت .

اخبار تلفنی
مونترال ۸۶۳۴-۳۳۱
تورنتو ۸۹۶۲-۹۲۴

زندانی سیاسی آزاد باید گردد . ترور . شکنجه . زندان نابود باید گردد

خبرنامه

انجمن‌های دانشجویان ایرانی در کانادا
هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

دوره جدید - سال سوم - شماره ۷۳



پیام کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بمناسبت آغاز برنامه رادیو "صدای فدائی"

کارگران و زحمتکشان! اعضاء و هواداران سازمان!

"صدای فدائی" رادیو سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در شرایطی کارخودرا آغاز می‌کند که مبارزه بی‌امان توده‌های زحمتکش مردم ایران علیه رژیم فوق ارتجاعی حاکم بر ایران هر روز اعتلای نوینی می‌یابد و وظایف مبرم متعددی در برابر جنبش طبقه کارگر ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران قرارگرفته است.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، این رژیم پاسدار نظم ستمگرانه سرمایه‌داری که در عرصه‌های مختلف اقتصادی و سیاسی با بحرانی ژرف و مزمن روبروست وپایه‌های نظم‌ستمگرانه و ارتجاعی حاکم راسخت متزلزل می‌بیند، برای مهارزدن برموج عصیان ونارضایتی توده‌های مردم، ترور و سرکوب خونینی را بمرحلهٔ عمل در آورده است و دیکتاتوری تروریستی وعنان گسیخته‌ای رابرقرار ساخته است. ستم اقتصادی و سیاسی که این رژیم برمیلیونها تن از توده‌های مردم ایران تحمیل کرده است دارای چنان ابعادی است که نظیر آنراکمترمیتوان پیدا کرد.

شرایط مادی زندگی مردم حقیقتا سخت ومشقت‌بار است. سطح بسیار نازل زندگی، گرانی حیرت‌آورکالاهای موردنیاز زحمتکشان، سطح بسیار نازل دستمزدها، استثمارهولناک کارگران، وارد وی عظیمی از کارگران بیکار، فقروگرسنگی و دهها مصیبت اجتماعی دیگر چنان شرایط دشوار و طاقت‌فرسائی را به توده‌های مردم ایران تحمیل نموده‌است که هرگز سابقه نداشته‌است. این فشارهای اقتصادی باستم وفشارسیاسی عظیمی توأم شده‌است. رژیم که نه میخواهد و نه میتواند به درخواستهای برحق وعادلانه‌زحمتکشان مردم ایران پاسخ

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش



خبرنامه

دورهٔ جدید - سال سوم - شمارهٔ ۷۳

انجمن های دانشجویان ایرانی در کانادا
هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۵ شنبه ۲۴ ژانویه ۱۹۸۵ صفحه ۱

.... و بازتکرار قصه‌ای کهنه توسط مجاهدین

در نشریه مجاهد شماره ۲۲۹ اطلاعیه‌ای به چشم میخورد که ظاهرا از طرف کانون دانشجویان مترقی و ضدامپریالیسم در گیسن (آلمان غربی) انتشار یافته است که علی رغم تکرار تهمتها و تحریف مواضع سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نکاتی را در بر داشت که لازم دیدیم به آن پاسخی هرچند کوتاه داده باشیم .

طبق معمول و سنت مرسوم رهبرانِ مجاهدین ، اطلاعیه ابتدا با وثیقه قرار دادن خون شهدای مجاهد وردیف کردن قصه‌ای پرسوز وگداز که تنها میتواند محرک احساسات هواداران متوهم شان باشد ، تمام سازمانها و نیروهای انقلابی رابی عمل خوانده وخود را یکتاز مبارزات قهرمانانه خلق ایران وانمود ساخته‌اند وبرای اثبات این نکته خاطرنشان ساخته‌اند که ۹۰٪ شهدای لیست ده هزار نفری منتشره از سوی مجاهدین ، از هواداران واعضای مجاهدین بوده‌اند و . . .

ما ضمن ارج گذاشتن به خون این شهدا وتمامی شهدای دیگر خلق تذکر دو مسئله رابی مورد نمیدانیم.

۱- همانطوری که در زمان انتشار سری اول اسامی شهدا دیدیم اشتباهات بسیاری در مورد نام و هویت سازمانی شهدا به چشم میخورد و هیچ تضمینی وجود ندارد که همین اشتباهات در سری بعد نیز وجود نداشته باشد که البته امیدواریم این اشتباهات تنها ناشی از وضعیت خفقان بار کنونی ایران باشد، وانگهی آرمانگرائی قابل ستایش این شهدا به تنهائی نمیتواند نشان دهنده تاکتیک درست مبارزاتی اتخاذ شده از سوی رهبری مجاهدین باشد .

۲- ...طمئنا دوستان مجاهد به یاد دارند که چگونه زمانی

بقیه در صفحه ۲

اخبار ایران

* بنا بر گزارش کیهان ۷ آذر ، شورای اقتصاد جمهوری اسلامی ، با واگذاری و فروش تعدادی از کارخانجات قند به بخش خصوصی موافقت کرد . در این جلسه که به ریاست میرحسین موسوی نخست وزیر برگزار شد ، همچنین تکمیل بعضی از پروژه‌های راه سازی به بخش خصوصی محول گشت . همچنین کیهان ۸ آذر به نقل از روابط عمومی وزارت معادن و فلزات گزارش داد که در ادامه اجرای قانون مصوبه ۱۳۶۳ ، انجام کارهای اکتشاف معادن برای شرکتها وبخشهای خصوصی وتعاونی آزاد اعلام شده است . جمهوری اسلامی که در بحران اقتصادی - سیاسی عمیقی به سر میبرد ، با سپردن بخشهای مختلف صنعت به سرمایه‌داران بخش خصوصی ، سعی در خلاصی خویش از بحران حاکم بر جامعه وتشویق سرمایه‌داران به سرمایه‌گذاری در بخشهای مختلف دارد غافل از آنکه این بحران ریشه در ماهیت سرمایه‌دارانه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی دارد وبا تعویض وجابجائی بخشهای مختلف سرمایه‌داران ، بحران کنونی قابل حل نیست ○

بقیه در صفحه ۸

پیام کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بمناسبت آغاز برنامه رادیو "صدای فدائی"

در صفحه ۳

اخبار تلفنی
مونترال ۳۳۱-۸۶۳۴
تورنتو ۹۲۴-۸۹۶۲

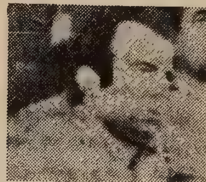
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

Resistance

Khomeinis Revlutionary Guards or Revived Gestapo







Photoes of Criminal " Revolutionary Guards", a familiar face in Iran today.

torturing of political prisoners to massacare of Kurdish villagers of Iranian Kurdistan.

Corrupted by their limitless power, they have Khomeini's regime's licence for killing, raping, flogging, arresting and harrassing almost every citizen who just happen to look"suspicious" to them. In recent weeks however, an incident in which a gang of "Revolutionary Guards" were arrested revealed some more shocking aspects of the activities of this Gestapo like organization.

Twelve"guards" among them three former heads of "local Committee", were put on trial in Tehran for their part in hundreds of cases of robbery, rape, murder, bribery and theft.

Throughout the trial Khomeini's regime pretended in its media that the gangsters "had nothing to do with the actual Guards". However, these men had for two years been driving four government masked bullet-proof and supplied Toyatas, had five revolvers, three machine-guns and two radio's at their disposal, in a situation where boys of 12 are shot in Iran for holding an anti-government leaflet, this clearly shows the colaboration of the regime with these thugs.

This incident is the tip of the iceburg of the oppression in Iran today.

Heroic British Miners .....

to be on the workers side, espically those who claim to be the"leaders".

Neil Kinnock the leader of the Labour Party, condemns the miners for violence... And announces : "There is no place in any industrial dispute in Britain for missiles battering rams or any other implement or act of violence. The miners like all other British trades unionists, understand that their real strength comes from peaceful organisation, peaceful protest and peaceful picketing".

Tony Benn, the lion of the left, in the Labour Party when asked, in an interview in 'Labour Herald' (April 20th) to criticize the Parliamentary leadership's woeful performance in defending the miners said; "I am concerned to do the job i was elected to do and not to criticise others. If solidarity is the order of the day, it means solidarity with the party as a whole and its elected Leadership".

Yes, politics is too serious to leave to the politicians. The leaders must be judged first and foremost on what they do now and not on their platform rhetoric. Such leaders do not see and, indeed, never have seen, the direct mass struggle of workers as the basic class struggle. They do not even believe in using the industrial strength of the working class for political ends. They are frightened that the workers will wake up from the dreams of Parliementry Socialism and the bosses' ballot democracy.

Iranian Students Association

Resistance is a monthly publication of Iranian Students Association (SETAD) in Europe and U.S.

I.S.A. is an open,democratic and anti-imperialist organization which echoes the struggle of Iranian people against the repressive and medieval regime of Khomeini and the exposure of U.S. and other coporate powers plundering Iran.

Through its publications,demonstrations and seminars I.S.A. raises the voice of Iranian people to gain international support for their fight in establishing an independent and democratic Iran. 'Resistance' welcomes any comments,criticisms,or suggestions from every progressive individuals or organizations and states its readiness for joint co-operation with them in their united struggle against Imperialism,fascism and reaction.

Send your articles,comments,criticisms and suggestions to Resistance editorial

our address :

B.M. Box 8561
London
WC1N 3XX

I.S.A.
Po Box 1423
Jeff.City
Mo.65101
U.S.A.

Independence and Democracy for Iran !

Iran-Iraq War .....

The war between Iran and Iraq started in September 1980. Our great revolution was in February 1979. As the aim of the revolution was independence and democracy the first area to be attacked, at the beginning of the revolution was the interests of Imperialism (especially U.S. Imperialism) which were greatly damaged, and the U.S. puppet, the Shah, was overthrown. One of the aims of Imperialism is to crush any opposition which threatens its power in any part of the world, and this is done in various ways. This can be seen by examining some of the policies (Imperialist) in relation to the Iranian revolution. The U.S. hoped that as it built up the Iranian army and had many friends within its ranks, that the army would organize a coup and bring to power a leader favourable to the U.S. However, the U.S. hopes were not fulfilled as some of the U.S. agents in the army were killed by the progressive forces just a few days after the victory, and because the progressive officers and soilders in the army were looking for any counter-revolutionary movement, the planned coup was discovered and the people behind the plan were arrested. The imperialist then tried different tactics, this time it looked for friends inside the government who they could win over but the motivation and the power of the people prevented the U.S. agents from fulfilling their masters aims. When the U.S. realised that it was not going to be able to influence the government it decided to destabilize the country hence the introduction of economic sanctions but this plan failed like the last due to the determination of the peoples safeguard and further the revolution.

Due to the experience of the Vietnam the imperialist power did not attempt action such as using it's own army to defeat the revolution, however, the U.S. did have another plan. The reactionary government of Iraq and its brainless, fascist leader Saddam Hossein misread the situation in Iran, believing that the country was vorurable and weak after the upheaval of the revolution, they thought they could fulfil the old dream of expanding Iraq's territory at the expense of Iran. This idea was keenly fueled by the U.S., who were still eager to see the downfall of the Iranian government, the U.S. gave Iraq assurances of a quick victory and the support of other Arabic governments.

In September 1980 the international news announced that Iraqi forces had attacked the Iranian airport in Tehran, the oil refinery in the south of Iran and some other important targets. Then came the help from the U.S. puppets in the Gulf area, all hoping to see the Iranian revolution overturned, as they feared that their own people may try to copy the example of the Iranian people.

Sadat said, "we welcome any coup in Iran and are ready to give help".
America suddenly gave five A.W.A.X. airplanes to Saudi Arabia which have the capacity to detect all movements of the Iranian army.

When Iraq attempted to overrun the south of Iran(Khozestan) they were confronted by masses of Iranian people, and although in the firstfew days the Iraqi army advanced into Iranian territory easily, it became clear within a few weeks that taking control of the south of Iran was only a dream and would never happen inreality.
Iraq not only had the support from the imperialist powers and other Arabic states, but also the support of high ranking Iranian officers who had been staying in Turkey but now went to Iraq (having escapedfrom Iran during the revolution) to give as much help as possible to the Iraqi army, further Iraq recieved help from high ranking officers within the Iranian army, even Shapour Bahktier the last Prime Minister under the Shah, left France and went to Iraq to offer his assistance. Despite all this, due to the dedication and heroism of the Iranian people, Iraq was unable to hold the teritorry it had taken from Iran.

But after June 1980 the situation in Iran changed, and the government became completely reactionary. The government continued the war for it's own benefit and against the interests of the Iranian people. The Iranian government continues the war so that it can stay in power.

Russia too hoped to use the war for its own benefit, believing that as Iraq was recieving help from the U.S. that the Iranian government would be forced to ally with Russia in order to get the help needed to defend Iran, thus Russia hoped that Iran would now become as close to Russia as it had been close to the U.S. during the Shah's regime. Russia was also hopeful that the war would strengthen the pro Russia line within the Iraqi government.
Thus for reasons of pure self interest, the Russian government and Pravda (the official newspaper) remained silent about the crimes committed in Iran, there is no mention of the execution of 30,000 people and the imprisonment of 100,000 political prisoners. The Russians were displeased with Iran when Iranian troops crossed the border territory as this strengthened the position of Sadam Hossein because now that the "homeland" was in danger, the Iraqi people rallied round him and he became more popular with the army. And then when the Islamic Republic started to arrest Tudeh Party Members (Russian agents in Iran) and even executed some of them, Russia realised that Iran would never become an ally and so it was then that Russia talked about the executions and torture in Iran and condemned its government, dispite the fact that they are supplying Iran as well as Iraq with arms.

Likewise the U.S., Britain and France have provided weapons to both Iran and Iraq dispite having publicly denounced the war. This war is to the advantage of both Khomeini's regime as it helps to keep them in power . However, the Iranian people are demanding an immediate end to the war and will undoubtedly turn their guns against the oppressors.

Ditritch Gencher in.....

Well before giving this official backing for Khomeini's regime, the Western and the Eastern governments have long been sustaining the "Islamic Republic" by their financial technical and military "aids" in return for both political and economical concessions and capitulations offered to them by Khomeini's treacherous regime.

West Germany's "technical and cultural aid" to Iran is not anything new for the Iranian people. It was there for the last half a century during the rule of the Shah, making Iran a dependent country and exploiting the Iranian masses.

The Iranian people's 1979 Revolution was to have put an end to this kind of "cooperation" with imperialist powers and bring about the independence of Iran. This is still an aim for the Iranian people with the same solution, revolution.

Heroic British Miners.....

producing coal, and a massive police operation the strike has still cost the government a considerable amount.

In May the Financial Times stock exchange index fell by 100 points. On 24th May it had its biggest fall for 10 years. The ten year old record was set when Edward Heath lost his "who rules" election against the miners back in 1974.

They had six months of coal stocks, the 1981 employment act and just to add a touch of capitalist ruthlessness they rigged the Social Security benifits so that the strikers would have £15 deducted. The media dragged up as much filth as it could find and surrounded the facts with distortions, half truths and down right lies. But the government had made a miscalculation and had not anticipated the determination of the miners and the support they would get from others. Now they have realised that there is no way that they can win a complete victory over the miners so instead, through their secret meetings with striking miners leaders, they are trying to set up some kind of messy compromise to tide them over and bail them out for the time being. Striking miners should ask themselves: what is happening at these secret meetings where even reporters aren't allowed? What are the leaders hiding from them ?

The heroic struggle of the miners and their families over the past five months not only has attracted the attention of all the British people, but also the attention of the workers and suppressed people of the world. The strike has been a great inspiration to the workers who see their jobs in jeopardy. The British dockers' strike which due to it's bad leadership came to a premature end, was a good example of how the miners strike could spread amongst the workers in other sections of industry. The Miners strike is part of the international movement of the working class and oppressed people against imperialism and reaction. Therefore the miners demands and slogans should not be separated from those of others, working in other sections of industry or the unemployed. So although the miners are getting a lot of finantial and moral support from the working class and the 4 million unemployed in this country, is to generalize the demands and slogans to the level that embraces the common needs and demands of all of them. Only then the other workers will see the miners' struggle as their own. Only then the unemployed will give effective support.

One of the most important aspects of this strike is that the miners have forced the government to show it's true face of "democracy" the democracy which results in mounted police charging at and battering, bludgeoning and arresting thousands of unarmed workers. These paramilitary operations which have cost the government well over £60 million, clearly shows whose side the police are on. The striking miners have learnt through their own experience that the police are only the government's tool to restore their interests at the time of "crisis," it doesn't matter which government is in power, whether Conservative or Labour.... Looking back to what has happened under previous Labour governments, proves that the police have always been used for this purpose.

The strike on the other hand has once again put to the test all those who claim

Cont on Page 4

Iranian Refugees in Turkey .....

for weeks, arrived in Vane at a border town in Turkey but they were later returned to the Iranain authorities at the personal orders of Torgat Ozal, who at that time was visiting Van whilst competing in the primiership "elections" in Turkey.

In another case, in Feb. 1984, 18 young Iranians who were just about to board a plane and go to Sweden from Istanbul airport, were arrested on phoney charges by the Turkish military police and sent to the filthy and infamous Turkish prisons, to be released after three months.

The worst incident, is the story of another six Iranain refugees who left Turkey for France but were sent back to Ankara by the French authorities in a semi-concsious state after having been forcfully given injections of tranqulizers due to their refusal to leave France and go back to Turkey. This barbaric action of the French police has caused considerable mental distress among the six Iranian refugees and they are now "living" in Byram Pasha prison in Istanbul under going treatment for mental illness.

We therefore ask the justice-loving people of the world to be aware of the appaling and intolarable plight of the Iranian refugees all over the world, to condemn Khomeini's barbaric regime as the main cause of this human misery, and to support the defensive Iranian youths and families who land in their country or town as a gesture of their support for all the Iranian people in Iran and their struggle to bring down Khomeini's inhumane regime.

Resistance

Sept84 Iranian Students Association (SETAD) No 30

Iran-Iraq War Enters its Fifth Year, A Review

The war between Iran and Iraq will enter it's fifth year in September 1984. This bloody war has already resulted in nearly a million dead and disabled. There are millions of refugees in Iran and Iraq, living under the worst conditions due to this senseless war. Further many lives are lost needlessly, for example in one attack on Majnoon island, which has no millitary advantage for Iran 30,000 people were killed and 30,000 people injured. The war between Iran and Iraq is still going on although there is little coverage in the international media.

Cont on Page 3

Ditritch Gencher in Ayatollah's Islamic Court



Nice to meet you . Iran's Mullahs find Common interests with German Business men.

In pursuing a course set during last year's Western Imperialists summit to give the Ayatollah's regime every possible support against the interests of the impoverished Iranian people, West Germany's foreign minister Gensher, visited Iran last month to further economical and cultural "cooperation" with Khomeini's barbaric regime.

Iranian Refugees in Turkey Face Deportation Threat

Thousands of Iranian youths and families have escaped Khomeini's prosecution and have gone to neighbouring country of Turkey, and now face daily threats of deportation, with little international help to stop this collabo ration of these two repressive regimes.

In Dec 1983, a group of 53 Iranian refugees having faced the torments of walking through snowy mountains of the Iran-Turkey border

Cont on Page 2

Khomeinis Revlutionary Guards or Revived Gestapo

One of the tens of indispensible tools of Khomeini's barbaric rule in Iran is, the so-called, "Revolutionary Guards". These "fanatic" "zealous" bearded and filthy thugs have long been involved in the most inhumane and savage atrocities against the Iranian people, ranging from execution and

Cont on Page 4

Heroic British Miners Strike Still Goes On!

With the miners strike entering it's 6th month it seems that it has not been easy to crack their strike as the Conservatives had hoped. The "return to work" movements that they hoped to engineer in the solid striking areas, have failed to come off. Even with Nottingham

Cont on Page 2

ایران را به این جماعت وعده می دهد.

۲ ـ تاکید بر حمایت ارتش از مجاهدین و شورای ملی مقاومت: آقایان مسئول شورا از تکرار مکرر این نکته در هر نشست و جلسه خسته نمی شوند. آخر مگر نه اینست که به قول خود آقای رجوی مساله ارتش برای امپریالیست ها در تصمیم گیری راجع به اینکه قدرت بورژوائی در ایران باید به کدام کلوپ و محفل از سیاستمداران محلی واگذار شود نقش تعیین کننده دارد؟ پس شعار "ارتش با ما است" باید همه جا روی کیف دیپلوماتیک نماینده شورا چسبانده شود و به نمایش درآید.

۳ ـ تاکید بر نقش "ثبات آفرین" شورا در برابر نقش "بحران زای" خمینی. آقای رجوی تلاش زیادی در ارائه این تصویر به محافل امپریالیستی دارد. ایشان به هزار زبان می کوشد تا این محافل را متقاعد کند که خمینی برخلاف انتظار غرب در بازگرداندن ثبات آریامهری به ایران و منطقه موفق نبوده است، و امروز این امر باید به کفایت شورا و مجاهدین، که به قول خودشان "نیرو هستند"، "طرح صلح دارند"، "طرح خودمختاری دارند" و غیره، سپرده شود.

۴ ـ تاکید بر بی آیندگی سلطنت طلبان در ایران. نمایندگان شورای ملی مقاومت موظفند همه جا این تم اصلی را تکرار کنند و تا می توانند در محضر مافوق از رقبای سلطنت طلب خود سعایت کنند (کاری که آنها هم متقابلا در حق شورای ملی مقاومت انجام می دهند). در داخل کشور مجاهد عمدتا باید با "رادیکال" نشان دادن خود و با کشف مجدد عبارات مارکس در نهج البلاغه و مکاتبات علی و مالک اشتر، حمایت توده مردم زحمتکش را بخود جلب کنند. اینجا کمونیست ها ارزش ها را تعیین کرده اند و مجاهد خود را در "رقابت" با کمونیست ها می یابد. اما در اروپا و در "نوک سیاسی" مبارزه، یعنی در جلب رضایت و حمایت امپریالیستها، رقیب اصلی شورا سلطنت طلبان اند. پس مسئول و نمایندگان شورا باید حتی المقدور آنجا که رو به بالا سخن می گویند مدام زیرپای سلطنت طلبان و "آلترناتیو" اعاده سلطنت را جارو کنند.

۵ ـ زدودن نگرانیهای امپریالیستها از اقدامات مسلحانه مجاهدین. مجاهدین می دانند که دول غربی از این بابت نگرانی دارند، بنابراین بارها و بارها تاکید می کنند که دول امپریالیستی نباید اقدامات مسلحانه اینجا و آنجای مجاهدین در ایران را به دل بگیرند. حتی اگر جمهوری اسلامی نیمی از نصف آزادی های موجود در فرانسه را جلو مجاهد پرت می کرد، مجاهد هرگز به فکر اقدام قهرآمیز نمی افتاد، و اینکه در تمام ایران نیروئی به مسالمت جوئی و پارلمان پناهی مجاهد یافت نمی شود.

۶ ـ و بالاخره گاه و بیگاه جناب رجوی با نگرانی غرب از گرایش های احتمالی مجاهدین بسوی شوروی مواجه می شود. ایشان که اهمیت اطمینان خاطر دادن به غرب در این زمینه را می شناسد، از آنجا که موضع گیری آشکار در برابر شوروی را قبل از گرفتن قول قطعی از دول اروپائی به مصلحت امروز و فردای خود نمی بیند، تلافی اش را بر سر حزب توده مفلوک در می آورد. زدن حزب توده برای مجاهد و شورای ملی مقاومت، راه دیپلوماتیک مرزبندی با شوروی برای جلب اطمینان خاطر بورژوازی اروپای غربی است.

همانطور که گفتیم شماره های اخیر مجاهد مملو از گزارش ملاقاتهائی است که طی آن نمایندگان شورا و مجاهدین این نکات را صبورانه و خالصانه تکرار کرده اند. خروج بنی صدر، و [illegible] شورای ملی مقاومت و خدشه دار شدن اعتماد و اتکاء بورژوازی اروپا عملا موجب شده است تا شورا برای حفظ موقعیت قبلی خود، ماهیت راست و بورژوائی خود را با صراحت بیشتری بیان کند.

درمقابل این سقوط آزاد مجاهدین و شورای ملی مقاومت بدامن بورژوازی امپریالیست اروپا، کمونیست ها وظایف روشنی برعهده دارند. کمونیست ها باید با توضیح مداوم ماهیت و سیاست های احزاب بورژوائی بطورکلی و مجاهدین و شورای ملی مقاومت بطور اخص، به توده های وسیع مردم، و با تکیه بر تجارب چندساله اخیر خود زحمتکشان از پروسه قدرت گیری خمینی و دار و دسته ارتجاعی اش، این تکرار شرم آور تاریخ را، این پروسه علنی بند و بست از بالای سر مردم علیه مردم توسط مجاهدین و شورای ملی مقاومت را افشا کنند. سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی باید به نیروی توده مردم و بر مبنای یک سیاست انقلابی عملی شود. "نوک سیاسی مبارزه" همانجاست که آگاهی و اراده استوار توده های کارگر و زحمتکش شکل می گیرد. ما باید کاری کنیم که اینبار هیچ جریانی، هرقدر هم که امپریالیست ها را به حمایت از خود متقاعد کرده باشد، نتواند بر مبارزه انقلابی کارگران و زحمتکشان در ایران سوار شود. ما باید در مقابل این بند و بست ها، در مقابل این خوش رقصی ها در مقابل کلیه جناحهای بورژوازی، که در محضر بلوک های امپریالیستی به گدائی قدرت ایستاده اند، نیروی توده کارگر و زحمتکش را در مبارزه قاطع برای دموکراسی انقلابی و سوسیالیسم بسیج و متشکل کنیم.

منصور حکمت

۶۳/۵/۹



ماده اول اساسنامه حزب کمونیست ایران

حزب کمونیست ایران سازمان سیاسی و سراسری طبقه کارگر در ایران است. ایدئولوژی حزب کمونیست ایران مارکسیسم ـ لنینیسم است. حزب کمونیست ایران وظیفه خود را سازماندهی و رهبری مبارزه طبقه کارگر ایران علیه بورژوازی در تمام وجوه آن قرار داده است و بر مبنای برنامه خویش برای کسب قدرت سیاسی بوسیله طبقه کارگر، امحای نظام سرمایه داری، برپائی سوسیالیسم و نیل به کمونیسم، مبارزه میکند.

حزب کمونیست ایران به انترناسیونالیسم پرولتری اعتقاد دارد و همبستگی با مبارزات طبقه کارگر جهان، مبارزه برای اتحاد جهانی طبقه کارگر و تلاش در راه تشکیل انترناسیونال کمونیستی را وظیفه خود میداند.

کمونیست ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران

را بخوانید و بدست
کارگران پیشرو برسانید

تنظیم و تکثیر از: هواداران حزب کمونیست ایران * در کانادا ـ (تورنتو)

برابر بورژوازی وتریبون توهم پراکنی نسبت به سرمایه‌داری و دیکتاتوری پارلمانی بورژوازی امپریالیست انگلستان است. وبالاخره باید به دیدار جناب مسئول شورای ملی مقاومت با خود مقامات حزب محافظه‌کار انگلستان، یعنی هارترین نماینده سیاسی بورژوازی این کشور درقدرت، اشاره کرد. حزبی که درهمان لحظه‌ای که مسئول عنان ازکف داده واز خودبیخودشده شورا را به حضور پذیرفته است، دست اندرکار سازماندهی عظیم ترین یورش بورژوازی انگلستان به حق تشکل، اعتصاب ودیگرحقوق دموکراتیک وصنفی کارگران وسرکوب خونین وجابرانه مبارزات دهها هزارکارگر معدن دراین کشور است. (آقای رجوی، ضمن عرض ارادت ازقول مردم ایران به حضوراین نوکران بورژوازی و توضیح محسنات شورا، خواستار "تصریح" سیاست انگلستان در قبال رژیم جمهوری اسلامی شده است!). اینکه آقای رجوی و مجاهدین وشورای مقاومتشان تاکنون کلامی دردفاع از (ویاحتی اعلام خبر) مبارزات معدنچیان انگلستان برلب نیاورده‌اند کاملا طبیعی و قابل انتظار است، اما آستانبوسی بورژوازی حاکم انگلستان در اوج مبارزه سخت وخونینی که امروزمیان کارگران و دولت محافظه‌کارجریان دارد، نشانگر اوج ورشکستگی سیاسی، اعلام ضدیت آشکار با طبقه ما وشایسته عنوان "وقاحت سیاسی سال" است.

بهررودوستان شورا، یا بهتر بگوئیم کسانی که شورا دوستی‌شان را به حقارت آمیزترین وجهی گدائی می کنند، اینان اند. جناب رجوی وسازمان "پرقدمت" ایشان درجستجوی "گل سیاسی و میوه سیاسی" مبارزه مردم زحمتکش ایران، ازبارگاه امپریالیسم جهانی سردرآورده‌اند. زیارتشان قبول!

این سرنوشت رقت بار سیاسی عاقبت محتوم بینش وخط مشی طبقاتی ایست که شورای ملی مقاومت خودما حصل تشکیلاتی آن است. آقای رجوی دراین اقدامات کاملا به فلسفه وجودی شورا وفادار مانده است. شورای ملی مقاومت حاصل بلوغ سیاسی خرده بورژوازی مستاصل ایران است. بی صدر "رادیکالیسم" مجاهدین را غصب نکرده بود. این خود مجاهدین اند که دیگرفشار رادیکالیسم توده‌های مردم زحمتکش را برخودحس نمی کنند و لذا حرف حساب خودرا می زنند.

آقای رجوی درسال ۵۸ می گفت:

"مهم برای ما حفظ استقلال‌مان است. وقتی استقلال نیست یعنی انقلاب نیست. کدام انقلابی منهای استقلال می تواند ادعای انقلابی گری بکند؟ بحث ازاین قطب یا آن قطب نیست. بحث منافع ملی ومنافع خلقی است و سرمایه‌داری اجنبی آنهم در اوج بلوغ امپریالیسی اش. بفرمائید اینهم فرانسه.

درجریان شورش اخیری که علیه مرتجعین حاکم عربستان اتفاق افتاده بود، وبدنیست بدانیدکه آنها چه هدایائی برای مردم عربستان فرستادند:

دهها تن موادمنفجره، گاز اشک آور، متخصص ژاندارم، متخصص عملیات هماهنگی، و لابدشکنجه‌گر، و از این قبیل!! این ازفرانسه.

انگلیس هم که احتیاجی به معرفی ندارد: ۳ میلیارد دلارذخایرارزی ما را توقیف کرده، تازه پانصدمیلیون دلار هم بهره‌وامهائی که در فلان تاریخ، داده ونگرفته بوده میخواهد، دو قورت ونیمش هم باقی است!! برگردیم به بحث اصلی:

محت ازراه حل ضداستثماری توحیدی است." (ازسخنرانی رجوی درجریان مبارزه انتخاباتی، به نقل ازمجاهد، سال اول فوق العاده شماره ۴ ۱۱ بهمن ۵۸)

دراین مقطع آقایان خمینی راپدرملت اطلاق می کنند و در صددندتا بنی صدررا بهرقیمت در رسیدن به ریاست جمهوری یاری کنند. (نیروی پیشتازدرمبارزه مردم!!)، امامی بینیم که رادیکالیسم توده‌های مردم و ضدیت عمیق آنها با کلیه بلوک ها وجناحهای امپریالیستی جناب رجوی را به‌این "افشاگری" نیم بند ازفرانسه وانگلستان ناگزیر می نماید. دراینجا رجزخوانی توخالی ضدامپریالیستی برای مجاهداجتناب ناپذیراست. اما ۴ سال بعد، هنگامی که جمهوری اسلامی توده‌ها را به عقب می راندوبه زعم مجاهد "نوک سیاسی مبارزه" به اروپا منتقل می شود، ووسوسه‌چیدن "گل مبارزه" تمام ذهن خرده بورژوای تازه به بازی گرفته شده رااشغال می کند، ما با اظهارات (همچنان توحیدی) متفاوتی روبرومی شویم:

"حتی اگرخمینی درایران اجازه نیمی ... نه نیمی از نصف آزادی های موجود در فرانسه را می داد، مطمئنا یک پیروزی دموکراتیک بدست می آوردیم" (رجوی درمصاحبه باارگان حزب سوسیالیست فرانسه، نقل ازمجاهد ۲۰۶)

بفرمائید، "اینهم از فرانسه" درسال ۶۳. اینجا آقای رجوی اولا نسبت به نظام پارلمانی فرانسه، که سال بعد ازسال قدرت رامیان نمایندگان مختلف بورژوازی بزرگ فرانسه دست به دست می کند، توهم پراکنی می کند و دوم، وبدتراز اول، بردموکراسی مورد نظرمردم ایران خاک می پاشد. به زعم ایشان جمهوری اسلامی، با حفظ خمینی، بعلاوه یک چهارم آزادی های موجوددرفرانسه مساوی است با یک نظام دموکراتیک که این یا آن حزب می تواندرآن پیروزی دموکراتیک بدست آورد. پس ازاین "بلوغ" درتفسیردموکراسی وارزش های دموکراتیک، پس ازمعاف شدن ازهمان "استقلال طلبی" بیمقدار سال ۵۸، دیگر همه چیزبرای بسط دادن "راه حل توحیدی ضداستثماری" تا حد گدائی قدرت ازبورژوازی اروپا آماده است.

اما جالب تراز همه مفاد عرضحالی است که سران مجاهدین وشورای ملی مقاومت تقدیم حضورمراجع اروپائی می نمایند. ما اینجا رئوس اصلی اظهارات نمایندگان شورا را درملاقاتهای متعددشان با این مراجع فهرست وارذکرمی کنیم:

۱ - تشکرازامپریالیستها از جانب مردم ایران: هرکس دست نوازشی برسرشورا بکشد، حتی اگرنظیرحزب محافظه‌کار انگلستان ودولت موجودآلمان دشمن رسواشده آزادی وبشریت هم باشد، مستحق آن است که از کیسه مردم ایران وبنام "مقاومت مشروع" این مردم از خدمات اوبه دموکراسی وانقلاب درایران قدردانی شود. این قدردانی ها شامل کسانی شده است که یا پیش ازاین مدافع پروپاقرص رژیم شاه بوده‌اند و یا هم اکنون، نظیردولت های انگلستان وآلمان، ازحامیان جدی رژیم خمینی اند. آقای رجوی، قدرشناسی آتی مردم



زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

که شورای ملی مقاومت برای اتصال خود به یک پایگاه طبقاتی واجتماعی "مناسب" انجام می دهد. اگر "کارتشوریک" نگران رابطه شورا با محافل لیبرال ایرانی است، باید گفت که بورژوازی ایران همواره به رضای غرب راضی است وتاییدیه ای که شورا و مجاهد پس از بلوک های امپریالیستی اروپای غربی بگیرند، درصورتیکه حضرات اخیر قادر شوند یکبار دیگر آمریکا را هم به صحت انتخاب خود متقاعد کنند، کاملا برای به حظ کردن "پایگاه اجتماعی" مورد اشاره کارتشوریک، یعنی "محافل لیبرال ایرانی" و تجار و سرمایه داران بومی "میهن عزیز" نیز کافی ومعتبر خواهد بود.

پس هر توهمی مبنی بر اینکه شورا با خروج بنی صدر دچار "انحراف به چپ" شود بی پایه است. درواقع همانطورکه گفتیم چرخش بیشتر به راست، چرخشی که درجهت تحبیب بیشتر بورژوازی اروپا صورت می گیرد، اجتناب ناپذیر است.

بلافاصله پس از ختم مساله بنی صدر، آقای رجوی ومسئولین خرده پای شورا تلاش هیستریکی را برای حفظ "وجهه" شورا وتخفیف عواقب جدائی بنی صدر آغاز کردند. بدوا می بایست از یک چیز مطمئن شوند: تحکیم تصویر همبستگی شورا وارتش تحت پرچم سه رنگ "میهن وتمامیت ارضی". آخرین یکی از شایعات وتصورات رایج، که درضمن ازموجبات "میثاق" و "پرواز بزرگ" بود این بودکه گویا "ارتش با بنی صدر" است. بنابراین، شورا و بویژه آقای رجوی می بایست به اندازه کافی با ارتش عکس بیاندازد و ضمیمه عرض حال خویش کنند. پروسه منفردکردن بنی صدر با نمایش شرفیابی گروهی از پرسنل نظامی مقیم اروپا به حضور جناب رجوی آغاز می شود. برسخنان آقای رجوی برای این پرسنل نظامی، فی الحال سایه معاملات فردا وفرداهای بعد سنگینی می کند. آقای رجوی رو به مدعوین، اما خطاب به کسان دیگری سخن می گوید. ایشان پس از تاکید مکرر بر "خدمات ارتش به انقلاب"، ضرورت ارتش حرفه ای، لزوم برقراری انضباط وسلسله مراتب وتاکید در آن (البته ازنوع "خوب"اش!) ونیاز "انکارناپذیر" ارتش به جنگ‌افزار مدرن (البته خارج از "کادر مستشاری ووابستگی"!) بالاخره حرف آخر خود را بر زبان می آورد وعقده دل را می گشاید:

"قدرت های استعماری چه می کنند؟... برای آنها اهرم تعیین کننده ارتش است. می بینیدکه در اغلب تبلیغات علیه سازمان، ازجمله ازجانب نیروهای ضدانقلاب در فرنگستان، مساله این است که بگویند ارتش با ماست (مای ضد انقلاب) خودشان می دانندکه اینطور نیست، ولی میخواهند بگویند در تحول نهائی شانس دارند." (همانجا، مجاهد ۲۰۲)

واین دقیقا فلسفه جلسه گذاشتن نمایشی آقای رجوی با "پرسنل نظامی" (لفظ مخففی برای کلمه "ارتشی")، در فرنگستان هم هست. آقای رجوی می خواهد در رقابت با سلطنت طلبان، واکنون بنی صدریون، خیال همه را راحت کند که ارتش با مجاهدین وشوراست (ولابد بنابراین شورا در تحول نهائی شانس دارد!). این عینا کاری است که خمینی در بدو ورود به تهران برای راحت کردن خیال آمریکا انجام داد. عکس یادگاری با تعداد زیادی اونیفورم وپاگون وکلاه و سپس دمیدن در این بوق که: "ارتش با شاه نیست با خمینی است"، "با خمینی نیست با بنی صدر است"، "با بنی صدر وسلطنت طلبان نیست، با رجوی است"! ای آنها که در آن "بالا" هنوز انتخاب خود را نکرده اید می شنوید؟!

پس از این محکم کاری اولیه، جنب وجوش برای عملیات اصلی آغاز می شود. درظرف چندهفته پاشنه در دفاتر احزاب و دول بورژوائی اروپای غربی، از سوسیال دموکراتها ولیبرالها و بین الملل به اصطلاح سوسیالیست هلموت اشمیت ها وشیمون پرزها، تا احزاب راست افراطی حاکم بر انگلستان وآلمان را از جای کندند. تاریخ درباره این دوره از حیات پرتحرک شورا و مجاهدین خواهد نوشت، رفتند، کرنش کردند، آستان بوسیدند، اطمینان خاطر دادند وبرگشتند. همه جا اعتبارنامه منحوس خود را (که پائین تر به مفاد آن اشاره می کنیم) ارائه کردند وطلب ادامه حمایت وکمک نمودند. روزنامه مجاهد به آلبوم عکس سران شورا ومجاهدین خلق با منفورترین نوکران ونمایندگان سرمایه انحصاری ودشمنان رسوای طبقه کارگر وآزادی در اروپا بدل شد. عکس هائی که، همچنانکه تاریخ اخیر ایران نشان داد، در دوره انقلاب ابزار کار آژیتاتور های کمونیست وانقلابی خواهد بود. عکس هائی که سوژه های نگون بختش با اولین برآمد آشکار انقلاب سراسیمه درجستجوی جائی برای دفن آنها به تقلا خواهند افتاد.

به اسامی برخی از حضراتی که سران شورا را به حضور پذیرفته ودست نوازشی برسرشان کشیده اند دقت کنید (افشای سابقه تک تک این سیاستمداران واحزاب اروپائی باید به فرصت دیگری موکول شود): هانس دیتریش گنشر، وزیر امورخارجه ومعاون نخست وزیر دولت دست راستی آلمان غربی، هوادار پروپا قرص ناتو واستقرار سلاحهای هسته ای آمریکا در اروپا، کسی که این افتخار را دارد تا در راس حزب لیبرال آلمان با ائتلاف با حزب دموکرات مسیحی، یکی از دست راستی ترین دولت های آلمان غربی پس از سقوط فاشیسم هیتلری را به قدرت رسانیده است. یکی از مهره های اصلی دولتی که برای خفه کردن جنبش ۳۵ ساعت کار کارگران آلمان از هیچ اقدام علنی و توطئه پنهانی کوتاهی نکرد. دولتی که در آغوش خود فاشیسم نو ظهوری را می پروراند که کارگران ترک آلمان از نخستین قربانیان آنند. بین الملل سوسیالیست، یعنی یک بلوک بورژوائی جهانی که عضویت حزب گلدا مایر واسحاق رابین، سرکوبگران خلق فلسطین جزء افتخارات آن است. مقامات حزب لیبرال انگلستان، یعنی حزب سنتی بورژوازی انگلستان درقرن نوزدهم وشریک کوچکتر قدرت سیاسی در امپراطوری بریتانیا درمقاطع مختلف. حزب گلادستون ولوید جرج، تشکل طبقاتی بورژوازی متوسط انگلستان ویکی ازجریانات آشکارا ضدکارگری دردرون این کشور ومدافع پروپا قرص منافع امپریالیستی انگلستان در اقصی نقاط جهان. سردمداران حزب به اصطلاح کارگر انگلستان؛ حزب دولتی اصلی درسالهای پس ازجنگ دوم جهانی تا همین اواخر؛ حزبی که در مسند قدرت هرگز از ضدیت با منافع کارگران وتحمیل فلاکت وبی حقوقی بر آنان چیزی از همتای محافظه کار خودکم نداشته است ودر اپوزیسیون سمبل سازش طبقاتی، مبلغ تسلیم طلبی کارگران در

←

برقرار باد جمهوری دمکراتیک انقلابی

دنباله سرمقاله

مجاهد در "فاز" معامله

مجاهد کشانیده است. خرده‌بورژوای "رادیکال" همان خرده‌بورژوا است، فقط قدری عصبانی‌تر است.

اما واقعیات دوره کوتاه پس از خروج بنی صدر از شورا باید این توهمات خرده‌بورژوائی را نقش برآب کرده باشد. مجاهدین وشورا یک گام دیگر به راست چرخیدند و سراسیمه به بندکشی شکافهائی پرداختند که احتمالا می توانست با حذف بنی صدر، در اعتماد محافل امپریالیستی اروپای غربی به شورا ظاهر شود. حذف بنی صدر شورا را "رادیکال ـ تر" نکرد، برعکس، ما بقی اعضای شورا بویژه مسئول آن را به تاکید هرچه صریح تر بررآم بودن وقابل اتکاء بودن شورا برای بورژوازی اروپا ناگزیر ساخت.

درواقع نشریه "کارتئوریک" بی آنکه خود متوجه باشد، کلید درک این چرخش به راست در تبلیغات و اقدامات بین المللی شورای ملی مقاومت ومجاهدین را بدست داده است. "کار تئوریک" می نویسد: "شورای ملی مقاومت تلاش خواهد کرد با منفردساختن بنی صدر پایگاه اجتماعی وی را جلب نماید". این، مشاهده و پیش بینی کاملا درستی است. اما فدائی تئوریک ما قادر به درک نتیجه منطقی همین حکم خود نیست. او از مفهوم "پایگاه اجتماعی و طبقاتی" احزاب سیاسی تلقی "ملی" و لاجرم محدود و کودکانه‌ای دارد. اوخصلت جهانی سرمایه‌داری عصر حاضر، جنبه‌های جهانی منافع بورژوازی وصف بندی بین ـ المللی احزاب بورژوائی را فراموش می کند وانتظار دارد که آقای رجوی پس از مرخص شدن جناب بنی صدر برای جلب "پایگاه اجتماعی" ایشان به سراغ "محافل لیبرال" ایرانی برود. اما آقای رجوی پایگاه اجتماعی وطبقاتی موردنیاز شورا را بدقت می شناسد ولذا درست به هدف می زند. پایگاه اجتماعی مطلوب شورای ملی مقاومت، یعنی آن نیروی طبقاتی که شورا امیدوار است اطمینان کامل آن را به خود جلب کند، مقام نمایندگی انحصاری آن را به خود اختصاص بدهد و آینده خود را نزد او بیمه کند، جناح معینی از بورژوازی انحصاری وامپریالیستی جهان، یعنی سوسیال دموکراسی ولیبرالیسم اروپای غربی است. آقای رجوی این را می فهمد که با حذف بنی صدر اعتماد محافل امپریالیستی اروپا به این "تنها آلترناتیو" احتمالا دستخوش تزلزل می شود و از اینرو برای دوره جدیدی از یک بازاریابی تهوع آور در پیشگاه این محافل قدرت ساز کفش وکلاه می کنند.

اگرکسانی، مثلا شاخه‌های مختلف فدائی ونظایر آنها، از انشعاب در شورای ملی مقاومت بوی رادیکالیزه شدن آتی آن به مشامشان خورده است، این گناه آقای رجوی نیست. ایشان فلسفه "پرواز تاریخی" وتشکیل شورای ملی مقاومت واقدامات امروز خود را بروشنی توضیح داده است:

"نه، بعد از ۱۹ سال و در آستانه ۲۰ سال سابقه سازمان، تجاربش به ما آموخته است که کافی نیست که فقط در زندانها ودرصحنه نبرد ومقاومت مردمی پیشتاز باشیم. بلکه همچنین حضور وپیشتازی در <u>صحنه سیاسی</u> هم لازم است تا خودمان حرفمان را بزنیم. نقطه نظراتمان را بیان کنیم. جانشین (!) آلترناتیو، برنامه وطرح خودمان را بدهیم. زیرا کس دیگری برای ما نخواهد کرد" (سخنرانی برای پرسنل مجاهد در فرانسه)

تا اینجا شاید این سوال برای خواننده پیش آمده باشد که مگر مجاهدین تاکنون در "صحنه سیاسی" حاضر نبوده‌اند؟ اگر چنین است، پس آن "میان دعوا نرخ تعیین کردن ها" درباره "پیشتاز" بودن (!) در مقاومت مردمی چیست؟ ویا مگر مجاهدین طرح وبرنامه خودشان را <u>خودشان</u> نمی داده‌اند و در سطح جامعه ارائه نمی کرده‌اند؟ اما یک لحظه صبر کنید. اینجا صحبت آقای رجوی از یک "صحنه سیاسی" <u>دیگر</u> و ارائه طرح وجانشین به <u>کسان دیگری</u> است. آقای رجوی چنین ادامه می دهد:

"دلایلی که سازمان پس از ۱۷ ـ ۱۸ سال سابقه تصمیم گرفت خود من را به اینجا اعزام کند این بود که می دانستیم اگر <u>نوک سیاسی</u> مبارزه‌مان هم نباشیم، <u>گل سیاسی ومیوه آن</u> را دیگری خواهد چید و خواهد ربود" (همانجا)

با این عبارات سانتی مانتال وغم انگیز از چیده شدن گلها وربوده شدن میوه‌جات، مسئول شورای ملی مقاومت به یک "تصحیح" مسیر فکر شده از جانب مجاهدین در جهت تلاش در کسب قدرت از بالا اعتراف می کند. پس از ۱۷ ـ ۱۸ سال "مبارزه" (فعلا به چند وچون و اهداف ونتایج این "مبارزه" کار نداریم). "سازمان" از قرار معلوم بالاخره "پی برده است" که کسب قدرت به مثابه یک نیروی بورژوائی وبنام سرمایه در ایران مستلزم آن است که مجاهدین در "نوک سیاسی" مبارزه، که در مجاورت ارباب ـ قدرت در کشورهای امپریالیستی اروپا قرار دارد، حضور بهم رسانند. قدرت سازان در اروپا هستند، "گل سیاسی" مبارزه مردم زحمتکش وستمدیده ایران تاکنون در اروپا وامریکا به یمن "سیاستمداران مبارز" بورژوازی نصب شده است وبرای گاز زدن به "میوه سیاسی" مبارزه مردم در داخل، باید در اروپا وامریکا در صف ایستاد. آخر مگر تجربه خمینی این واقعیات را اثبات نکرد؟ "صحنه سیاسی" ای که "سازمان" پس از ۱۷ ـ ۱۸ سال "محدود کردن" خود به عملیات داخل کشوری اخیرا کشف نموده است، صحنه معامله‌گری با صاحبان امپریا ـ لیست جهان است. "نوک سیاسی" مبارزه، تلاش برای ربودن گوی سبقت از عمال جناحهای دیگر بورژوازی جهانی (وبخصوص عمال سنتی امپریالیسم امریکا در منطقه، نظیر سلطنت طلبان که از داعیه قدرت دست نکشیده‌اند است وطرح وجانشین وبرنامه و آلترناتیو هم باید به محضر همین محافل قدرت ساز ارائه شود ارائه آن به مردم ایران دردی را دوا نمی کند زیرا "میوه" آن را دیگران خواهند چید و خواهند ربود"! براستی که چه بلوغ حقیری برای نوجوانان عصیان زده خرده‌بورژوازی.

این آن تلاش واقعی ای است



سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

به نقل از :



کمونیست

شماره ۱۱

ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران

مجاهد در "فاز" معامله

وقتی بنی صدر بدنبال یک آگهی چند سطری با حفظ سمت "منتخب شما " از شورای ملی مقاومت خارج شد، برخی از برادران غیرمذهبی مجاهدین خلق در رحمت را بروی خود گشوده پنداشتند. نشریه "کارتئوریک" (متعلق به یکی از فراکسیون های رو به تزاید فدائی) دریک شماره ویژه، با شادمانی زائد الوصفی "رادیکالیزه"شدن عنقریب شورا و رجعت مجاهدین خلق به روزگار انس والفت فدایی و مجاهد را نوید داد. فدایی اقلیت، که تصمیم گرفته است بهر قیمت تا اطلاع ثانوی "رادیکال" و"سازش ناپذیر" بنظر برسد، همین توهم و امید را به شیوه دیگری بیان کرد. شیوه ای که یادآور پیامبران عبوس بنی اسرائیل است. اول وعده دوزخ: "شورای ملی مقاومت متلاشی خواهد شد"؛ وسپس گشودن در رحمت و دعوت خیراندیشانه به راه راست: "تحت هزمونی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران گردآئید". اینکه اقلیت مجاهد را پس از خروج بنی صدر از شورا یک درجه برای "پذیرش هژمونی" فدایی آماده تر مییابد، گواه چیزی جز همان احساس امیدواری و شعف توهم آلودی نیست که "کارتئوریک" را به مداحی

بقیه در صفحه ۲

طول موجها وساعات پخش رادیوهای حزب کمونیست ایران را به اطلاع آشنایان ودوستان خوددر ایران برسانید !

☆

صدای حزب کمونیست ایران

طول موجهای: ۴۹ متر و ۶۵ متر
ساعات پخش : شنبه تا ۵ شنبه : ۹ بعدازظهر و ۶،۲۵ صبح
جمعه ها : ۸ صبح و ۹ بعدازظهر

طول موجها و ساعات پخش صدای حزب کمونیست ایران را به اطلاع همه برسانید



طول موجهای:
۴۹ متر و ۶۵ متر

ساعات پخش: بعد از ظهر: ۱۲،۴۵ تا ۱،۳۰ بزبان کردی
۱،۳۰ تا ۲ بزبان فارسی
عصر: ۶ تا ۶،۴۵ بزبان کردی
۶،۴۵ تا ۷،۱۵ بزبان فارسی

مذهب باید بطور کامل و قطعی از دولت جدا گردد

ستاد

شماره ۳۰ — سازمان توده انقلابی دانشجویان (ستاد) ـ بخش انگلستان — مرداد ۶۳

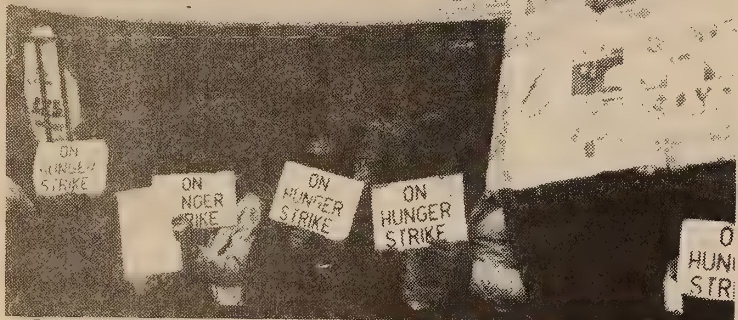
سد پاسیفیسم را بشکنیم

جامعه استعمارزده ملینک در تب بحران سیاسی ـ اقتصادی عمیقی می سوزد و عوامل مختلف دست به دست هم داده وجامعه رابسوی انفجاری همه جانبه سوق میدهند . اقشار وطبقات و نیروهای اجتماعی گوناگون از همه سو برفعالیت خود افزوده وبرای تعیین تکلیف نهایی آماده میگردند .

امروز در شرایطی بسرمیبریم که رشته‌های مختلف تضادهای جامعه وبخصوص تضاد خلق باارتجاع و امپریالیسم بیش از پیش تشدید یافته اند . دورانی راپشت سرمیگذاریم که ارتجاع هارخمینی ودارودسته اش برای بقاءعمرننگینش بهروسیله‌ای روی آورگشته

بقیه در صفحه ۲

اعتصاب غذای موفق ستاد در لندن



در صفحه ۳

کارنامه چهار ساله

مجلس شورای اسلامی

در صفحه ٤

فرخی آوازخوان انقلاب

در صفحه ۱۵

سالگرد شهادت شهرام میرانی

در صفحه ۱٦

توطئه ایران وپاکستان برعلیه پناهندگان را درهم شکنیم !

در صفحه ٦

۵ سال رزم خونین کردستان

با فرارسیدن دوباره ۲۸ مرداد، این روز شوم در تاریخ مبارزات مردم ایران، پنج سال از حمله همه جانبه رژیم جمهوری اسلامی به کردستان قهرمان، برای سرکوبی مبارزات و خواستهای بحق خلق کرد می‌گذرد. رژیمی که از بدو به قدرت رسیدنش گام در راه نابودی دستاوردهای انقلاب ۵۷ گذاشته‌بود، رژیمی که چشم دیدن هیچگونه مبارزه ومخالفتی با سیاستها و اعمال ضدانقلابی خود نداشت، بعداز ماهها حملات پراکنده بر علیه انقلابیون و خلق قهرمان کرد، با استفاده از تانك، توپ، هواپیما وهلکوپتر و با استفاده از ستونهای منظم ارتشی و سپاه پاسداران، حمله‌وسیع خود را به کردستان آغاز نمود.

بقیه در صفحه ۱۲



نامه‌ای از یك رفیق

وای بر ما ایرانیانی که در خارج از وطن زمانیکه به یك هموطن بر میخوریم روی خود را بر میگردانیم.!

بقیه در صفحه ۱۱

مشروعه طلبان دیروزی حاکمان امروزی

در صفحه ۱۲

شب شعر در یاد بود سعید سلطانپور

در صفحه ۸

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی !

سد پاسیفیسم را بشکنیم

توده های زحمتکش در زیر فشارهای سیاستها و اعمال خانمان‌برانداز و ارتجاعی حاکمین مستبد هرروز برنارضایتی هایشان افزوده گشته و بر نفرتشان نسبت به این رژیم متعلق به قرون وسطی اضافه میگردد. تضاد های درونی رژیم که ناشی از بحران عمومی جامعه است هرروز حادتر میگردند، ادامه جنگ ارتجاعی ایران وعراق که به قیمت خون صد ها هزار نفر از جوانان ما و به تاراج دادن ذخائر ثروت ملی ایران برای تامین نیروی انسانی ونظامی این جنگ تمام میشود، در این نابسامانیها وتشدید تضاد ها نقش بسزایی دارد. در چنین شرایطی برعهده نیروهای انقلابی، مبارز ومترقی است که با ارزیابی دقیق از اوضاع واحوال وبا اتخاذ تاکتیکهای صحیح بتوانند در راه پیشبرد انقلاب ونابودی رژیم منحوس جمهوری اسلامی، وظایف خود را به انجام رسانند.

همچنانکه بارها گفته‌ایم، ما جنبش دانشجویی خارج از کشور را بخشی لاینفک وجدا ناپذیر از کل جنبش خلقهای ایران میدانیم ووظیفه خود میدانیم که با در نظر گرفتن شرایط عمومی جنبش ودر نظر داشتن شرایط خاص وویژه خارج از کشور در حفظ وتعمیق دستاورد های گرانبها و پر افتخار جنبش دانشجویی وادای دینی که زحمتکشان جامعه بر ما دارند به بهترین نحو بکوشیم.

این واقعیتی مسلم است که از میان کلیه نیروهای طبقاتی موجود در جامعه آن نیرو وقدرتی که توانایی برقراری ایرانی آزاد ومستقل را دارد، نیروی زحمتکشان است و بهمین دلیل است که جنبش دانشجویی، حتی در خارج از کشور باید با این نیرو سمتگیری نموده وهرچه در توان دارد و در خدمت پیروزی آن بکار گیرد.

جنبش دانشجویی در گذشته با انحرافات گوناگون دستهگریبان بوده است... نگاه مختصری به گذشته جنبش میتواند ما را در انجام وظایف خود در شرایط کنونی یاری دهد.

در دوران سلطنت منفور شاه، جنبش دانشجویی خارج از کشور توانست با مبارزات گسترده ودرخشان خود در سطح جهانی چهره واقعی رژیم شاه وارباب امپریالیستش را در میان توده های مردم افشا نموده وآنها را بیش از پیش بی اعتبار نماید. علیرغم بوجود آمدن دو انحراف عمده راست و "چپ"، که اولی خواهان کشیدن جنبش به ورطه رفرمیسم و سازش‌طلبی ودومی نافی مبارزات اقشار و طبقات بینابینی ونافی دمکراتیک بودن جنبش دانشجویی بودند، بخش وسیعی از دانشجویان خارج از کشور با مرزبندی در مقابل این دو انحراف در سازمانهای دمکراتیک ومبارز گرد آمده ومبارزه با رژیم شاه وامپریالیسم را قاطعانه ادامه دادند.

پس از قیام بهمن و غلبه نسبی تز پشت جبهه در خارج از کشور از بُرد جنبش کاسته شده وتشکیلات هواداران بادر خدمت قرار دادن کلیه نیروی خود در خدمت سازمانهای "مادر" ودنباله روی بدون چون وچرا، نتوانستند حرکات متحد وگسترده را سازماندهی کنند. و بالاخره پس از ۳۰ خرداد ۶۰ که بسیاری از سازمانهای درون ایران دچار بحران شده وصفوف برخی از آنان به انشعاب کشیده و برخی دیگر ضربه خورده وبا به پاسیفیسم وبی عملی گرائیدند، در خارج از کشور نیز تشکلات هواداران یا از هم پاشیدند ویا از مبارزه خود کاستند و اکثرا کسانی که در اینگونه تشکیلات متشکل شده وفعالیت میکردند، مبارزه را ترک کرده وبی‌عمل گشتند.

اما معضلات ومسائل جنبش دانشجویی ما امروز بدینجا ختم نمی گردد زیراکه در نتیجه ضرباتی که بر پیکر سازمانهای انقلابی پس از ۳۰ خرداد وارد آمد و رژیم توانست بطور موقتی خود را بر مردم تحمیل کند، کسانی که رژیم را کاملا پیروز ارزیابی میکردند، آیه‌های یاس ونا امیدی سر داده وشکست جنبش را مطرح کردند.

این ایده ها بیشتر از جانب افراد ویاکسانی مطرح میشوند که دیگر توانایی مبارزه را در این شرایط در خود ندیده ویا بدبینی بمبارزات تشکیلاتی مینگرند. اینان بیشتر کسانی هستند که در گذشته در تشکلات دانشجویی فعال بودند ولی اکنون خود را کنار کشیده اند. با بررسی جنبه‌های مختلف این قضیه به عوامل بوجود آورنده این بحران می پردازیم. گرچه قبل از هرچیز در بررسی یک پدیده عوامل درونی آن پدیده را باید مورد بررسی قرار داد ودر شرایط کنونی این عامل درونی ضعف طبقاتی موجود در قشر دانشجو است. اما با نگاهی به اطراف این پدیده باید به اشکالات ومسائلی که خود به بی عملی دامن میزنند پرداخت. و در چنین شرایطی است که یکی از عوامل، عمل کردن به تز "پشت جبهه" یعنی دنباله روی محض از سازمان "مادر" بود وسازمانهای هوادار که بدون در نظر گرفتن خواسته و مسائل جنبش دانشجویی درگیر مسائل داخلی سازمانهای مادر شده بودند با ضربه‌ای که بر این سازمانها وارد شده دو عمل از هم پاشیده و منحل گشتند. بهترین نمونه چنین بخشهایی هواداران سازمانهای چون "پیکار"، "رزمندگان" و .... میباشند.

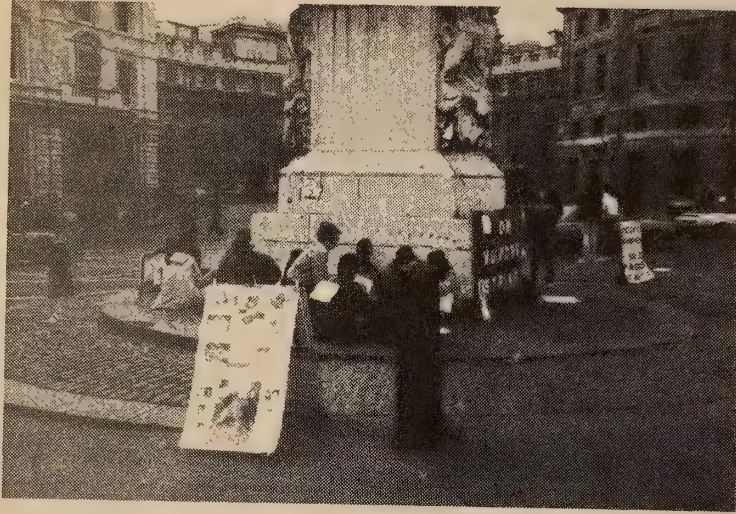
از طرف دیگر از آنجا که خط سیاسی این نوع تشکلات نه توسط خود دانشجویان ویاتوده های متشکل در آن بلکه از طرف سازمانهای "مادر" عرضه میشد، با تغییرات مواضع سیاسی سازمان "مادر" ویا بن بست سیاسی این نوع سازمان ها، دانشجویان هوادار قادر به تغییر مواضع وتوجیه تغییر مواضع نبوده واز صحنه خارج می گردند.

اما مسئله دیگر وحائز اهمیت تاثیر عمیق شرایط جامعه برجنبش دانشجویی بعنوان بخشی از جنبش خلق می باشد. اوضاع جامعه بعد از ۳۰ خرداد مرحله نوینی راآغاز کرد یعنی انقلابی که به بهای بسیار گزافی بدست آمده بود وقرار بود آزادی واستقلال ایران را در پی داشته باشد پس از یک دوره ضربات وحمله‌های ارتجاعیون بالاخره بافجیع ترین نحوی سرکوب گردیده و وادار به عقب نشینی گشت وبسیاری از هواداران صادق آن به بدترین نحوه مورد ضرب وشتم وشکنجه واعدام قرارگرفتند. "قدرت گرفتن" ارتجاع وادامه حیات آن تاکنون، مایه سرخوردگی ونا امیدی در میان آن عناصر وجریانات متزلزل شده که ارتجاع را تثبیت شده وانقلاب را شکست خورده ونابود شده ارزیابی کردند و بالنتیجه عناصر سست ومتزلزل به انفعال و پاسیفیسم کشیده شدند. به عقیده ما رژیم می کوشد وانمود کند که توانسته است خود را بر مردم تحمیل کرده وتثبیت نماید. اما با گذشت ۳ سال از کودتای ۳۰ خرداد تا به امروز نه تنها نتوانسته است کوچکترین قدمی در جهت حل مشکلات خود بردارد بلکه هرروز بر مشکلاتش افزوده میگردد. جنگ ارتجاعی ایران وعراق خود از عواملی است که باعث رشد نارضایتی در میان مردم گردیده، ودولت را هرروز ورشکسته تر از روز قبل می نماید. از طرف دیگر ودر بالای همه آن مبارزات حق طلبانه مردم، در گوشه وکنار کشور بخصوص ادامه مبارزات خلق کرد علیرغم حملات وحشیانه وسبعانه رژیم همه حاکی از بی ثباتی رژیم وعاجز بودن از حل مشکلاتش میباشد. تضاد های درونی ارتجاع که تبلورش در ارگانهای رژیم از دولت گرفته تا مجلس و "شوراهای" رنگارنگ بخوبی پیداست خود دلیل دیگری است بر این ادعا. رژیم عاجز از حل این مشکلات است. رژیم قادر نیست ونخواهد بود وضع فلاکت بار دوران اقتصاد ورشکسته اش را سروسامان دهد. رژیم خمینی محکوم به نابودی است واین نابودی رژیم بزودی فرا خواهد رسید. هارپودن او نیز عجز وناتوانیش را بیشتر به معرض نمایش میگذارد بقول انقلابی بزرگ مائوتسه دون: "در تاریخ بشریت همواره نیروهای مرتجع که در شرف زوال ونابودی اند به آخرین مبارزه نومیدانه علیه نیروهای انقلابی پناه میبرند ولغلب بعضی از انقلابیون تا مدتی مجذوب این قدرت ظاهری که در پس آن ضعف باطنی پنهان است، گردیده واز درک این حقیقت عاجز می مانند که دشمن نزدیک به زوال وخود در آستانه پیروزی اند".

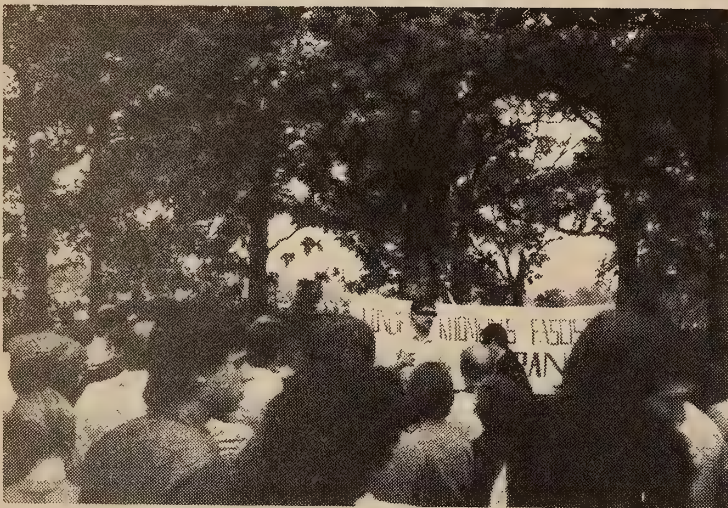
بقیه در صفحه ۵

اعتصاب غذای موفق ستاد در لندن

به منظور دفاع از بیش از ۱۰۰ هزار زندانی سیاسی در ایران و برای افشاگری هر چه بیشتر جنایات رژیم جمهوری اسلامی در بین افکار عمومی جهانیان از طرف ۱۵ نفر از رفقای مبارز ما اعتصاب غذایی بمدت ٤ روز که از تاریخ ۲۸ ژوئن تا اول جولای بطول انجامید آغاز شد از ویژگیهای این اعتصاب غذا انتخاب محلهای پر رفت و آمد شهر لندن بود.
اکسیون در روز اول در خیابان آکسفورد و روز دوم مقابل دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی و روز سوم در یکی از شلوغترین میدانهای شهر لندن بنام ترافالگار ادامه یافت و بالاخره روز چهارم که اول جولای بود در هاید پارک که محل گردهمائی اکثر نیروهای سیاسی و ضد رژیمی می‌باشد خاتمه یافت و اعتصاب شکسته شد.
ضمن انعکاس خبر اعتصاب غذا در مطبوعات، بسیاری از نیروهای مترقی ایرانی و خارجی از اعتصاب غذا پشتیبانی به عمل آوردند. در مدت این چهار روز بیش از ٦ هزار اعلامیه اعتصاب غذا به زبان انگلیسی و هزار نسخه نشریه سازمان به زبان انگلیسی (Resistance) ومقدار زیادی نشریه ستاد و اعلامیه های فارسی توزیع گردید. همچنین نمایشگاه عکسی از شکنجه و اعدام مبارزین و انقلابیون، مبارزات خلق کرد فلاکتهای ناشی از جنگ ایران و عراق و محرومیت زحمتکشان ایران به معرض مشاهده عموم گذاشته شد. این اعتصاب غذا و نمایشگاه عکس و اعلامیه‌ها با استقبال وسیع مردم روبرو گشت و در پایان اعتصاب غذا کمک‌های مالی جمع آوری شده از طرف مردم به بیش از ۷۰۰ پوند می‌رسید این اعتصاب غذا شور و شوق رفقای ما را ارتقاء داده و تجربیات ارزنده‌ای برای رفقای ما به ارمغان آورده. و مقاومت و حماسه هزاران زندانی سیاسی را در دخمه‌های رژیم جمهوری اسلامی در نظرشان زنده کرد خلق ایران میداند که آزادی زندانیان سیاسی و مردم این مرز و بوم که در زندان بزرگتری بنام ایران اسیرند تنها با سرنگونی رژیم مرتجع جمهوری اسلامی تحقق خواهد پذیرفت. دور نیست روزی که با زوان مسلح خلقهای ایران بسیج شده و واژگونی زندان ستمگران را تحقق بخشند.



صحنه ای از اعتصاب غذا در روز سوم



صحنه‌ای از اعتصاب غذا در روز چهارم

بقیه از صفحه ١٤

درحاشیه بحرانهای درون حکومت

یکر هرچه بیشتر به افشای هم خواهند پرداخت. منتظری خائن "جانشین" "امام امت" هم پیرواین فرمولبندی است. " میگویند که آیت‌اله منتظری هم از دولت انتقاد کرده بود، پس نظر امام و حرفهای امام به آقای منتظری هم برخورد داشته ...." (رفسنجانی - کیهان ۳۰ آذر ٦۲). خلاصه کلام، مسئله ای که خمینی خائن و سردمداران دیگر رژیم رانگران کرده است، یکپارچه نبودن رژیم ورشد مبارزات مردم است. هشدار خمینی و تکرار آن توسط جانشین خلفش منتظری، ناله‌های عجز رژیمی درمانده درباطلاق، بابار بسیار سنگین مشکلات اقتصادی وسیاسی است وباگذشت هرروز باضرباتی که خلقهای ایران بامبارزاتشان برسر این رژیم می کوبند هرچه بیشتر آنرا در باطلاق فروبی برند وروز مرگش رانزدیکتر می کنند.

نامه‌ای از یك رفیق

مغزهایمان را، قلمهایمان را، بکار اندازیم. دستهایمان را به هم دهیم با هم همصدا وهمرا شویم، گذشته را چراغ راه آینده کنیم، از اشتباهات پند بگیریم، از تجربیات بیاموزیم، اگاهی خود را بالا بریم. و آنوقت است که خواهیددید جنبش خون صاف وزلالی دررگهایش جاری میشود، از مرگ میرهد و پاهایش دوباره جان می‌گیرند. و آنوقت است که حماسه آفریده میشود. حماسه انقلاب حماسه جوانانی که تسلیم شرایط نشدند. جوانانی که سرنوشت ساز شدند. جوانانی که افتخار نسل جوان و نسل های آینده شدند و نامشان در صفحات تاریخ برجسته خواهد ماند.
به امید رسیدن به آن روز

مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران!

کارنامه چهار ساله

مجلس شورای اسلامی

بقیه از صفحه ۱

در شماره قبل نوشتیم که ٤ سال "فعالیت" مجلس دوره اول جمهوری اسلامی وابستگی اقتصادی ایران را به امپریالیستها که بعد از انقلاب کاهش یافته بود تحکیم نموده و رژیم از طریق روابط گسترده با کشورهایی چون پاکستان، ترکیه و... بیش از پیش با امپریالیستها و غارتگران جهانی نزدیک گشت. اینک می‌پردازیم به انتخابات مجلس دوره دوم.

در این که مجلس دوره دوم نیز راه مجلس پیشین را خواهد پیمود هیچ شکی نبوده و نیست ولی پرداختن به این انتخابات از زاویه بررسی پایه توده‌ای رژیم و همچنین تضادهای درونی رژیم حائز اهمیت زیادی است. بد نیست با دو نقل قول از مهره‌های رژیم درباره این انتخابات شروع کنیم:

روحانی نماینده مجلس میگوید: "..... این انتخابات خیلی موفق نبود برخورد طرفداران کاندیداها وگاهی خود کاندیداها غیراخلاقی بود. از پاره کردن عکسها وپوسترها گرفته تا تهمت وافترا ونوشتن رای برای افراد بیسواد وتاشیوه های ضد اخلاقی دیگر ......"

ناطق نوری وزیرکشور رژیم چنین میگوید: "...... باتوجه به اینکه انتخابات مرحله دوم دور دوم مجلس ... روز پنجشنبه نیمه شعبان برگزار شد وروز بعد از آن جمعه روز تعطیل عمومی بود، مردم نیز از این فرصت استفاده کرده ودرهوای بهاری بمسافرت رفتند ... به این طریق از میزان رای دهندگان کاسته شد."

از ناطق نوری بیش ازاین هم نمیتوان انتظار داشت. وزیر کشور رژیم که نمی تواند به واقعیت اعتراف کرده وبگوید که رژیم دیگر از پایگاهی درمیان مردم برخوردار نیست و جز تعدادی مزدور و جیره بگیرطرفداری ندارد، می گوید که در روزانتخابات" امت ۳٦ میلیونی همیشه درصحنه "صحنه را ترک کرده و درهوای بهاری بمسافرت رفته‌اند. بهانه‌های سردمداران رژیم برای شرکت نکردن مردم در انتخابات علیرغم تفاوت آنها همه به یک اندازه مسخره اند. اما واقعیت چه بود؟

درماههای قبل ازروز انتخابات رژیم تمام سعی وکوشش خود رابکاربرد تا بتواند مردم رابپای صندوقهای رای بکشاند. از جمله اینکه دربرخی از مناطق تاریخ دریافت کوپنهای ارزاق سال جدید راروز ۲٦ فروردین یعنی روز انتخابات اعلام کرده، وازمردم خواسته بودند تا برای دریافت کوپن بمسجد محل خود مراجعه کنند. به خیال رژیم بااین شیوه تعداد زیادی از کسانی که برای دریافت کوپن به مساجد میرفتند یعنی همانجائی که صندوقهای رای هم قرارداشتند مجبور به رای دادن می شدند. ولی هیچیک ام از برنامه‌ها و تبلیغات رژیم کاری از پیش نبرد.

دریکی از حوزه‌ها که طبق پیش‌بینی رژیم باید ۱۰۰۰۰ نفردررای گیری شرکت میکردند تنها ۹۰۰ رای به صندوق ریخته شدو تازه تعدادی از همین ۹۰۰ رای هم به حیوانات مختلف داده شده بود ورژیم بناچار انتخابات این حوزه را ابطال کرد.

دربابل ۹۸۰۰۰ رای به صندوقها ریخته شده بود، درصورتیکه کلیه افراد واجد شرایط برای شرکت در انتخابات ٤۰٫۰۰۰ نفر بودند ورژیم مجبورگشت آرا ریخته شده بصندوقهارا باطل اعلام کند.

خلاصه اینکه سطح شرکت مردم درانتخابات آنقدرکم و مقدار تقلبات آنقدر زیاد بود که انتخابات در ۱۲ شهرباطل شده و به دوردوم موکول میشوند. امامی کاشانی رئیس هیئت نظارت شورای نگهبان دلایل زیر رابرای تصمیم بالا ارائه میکند: "سوءاستفاده از قدرت ومقام اجرائی درحوزه‌ها، یکطرفه بودن بعضی از نظارتها وگماشتن افراد مغرض دربپای صندوقها واستفاده از رای افراد بیسواد به نفع خود، وپاره‌ای از اعمال غیر قانونی دیگر".

علیرغم اینکه حتی داروسته ضد انقلابی نهضت آزادی از شرکت در انتخابات "محروم" شدند. تضاد جناحهای مختلف درون قدرت برسر فرستادن وابستگان خود به درون مجلس ابعاد بسیاروسیعی داشت. حتی ائتلافی که تحت‌عنوان "دفتر تحکیم وحدت" بین نمایندگان انجمن" اسلامی "دانشگاهها و دانشکده‌ها لیست کاندیداهای خود رااعلام کرده بود مدت زیادی دوام نیاورد. وقتی که پس ازپایان دور اول جریانی تحت‌عنوان "انجمن اسلامی دانشگاههای تهران" جداگانه برای خودشان لیستی ازکاندیداهای مورد حمایت انتشار دادند که این لیست شباهت زیادی به لیست کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی داشت، باقیماندگان دردرون "دفترتحکیم وحدت" که پشت سر "انجمن های اسلامی ..." رقیب خود یعنی مجاهدین انقلاب اسلامی رای دیدند، درمورد لیست جدید اعلامیه‌ای صادر کرده وگفتند: "این حرکت جهت انحراف اذهان عمومی مردم ولوث کردن حرکت اصیل دانشجویان که بر پی فرمان امام احیاءگردیده است، می باشد." درطی این جریان تعدادی از کاندیداها که از عاقبت کارخود نگران گشته بودند فوراً اعلام کردند که مدتهاست از این جریان جدا شده‌اند و تعدادی دیگر هم که هنوز اسمشان درلیست بود عنوان کردند که اینکار بدون اطلاع آنان صورت گرفته ودیگر کاندیدای آن جریان نیستند. (کیهان ۲۵ اردیبهشت ٦۳)

دربروجرد به هنگام شمارش آرا زدوخوردی بین طرفداران امام جمعه و مقیسه‌ای نماینده قبلی بروجرد رخ میدهد. مقیسه‌ای از طرف امام جمعه شهر دستگیر وتاصبح دربازداشت بسر میبرد وپس ازآزادی برای شکایت از امام جمعه عازم خرم آباد میگردد ولی درراه درتصادف اتومبیل او باپک تریلی کشته می شود (؟!)

دربهبهان تضادها آنچنان شدت میگیرد که پس ازدرگیرشدن امام جمعه سپاه، رئیس دایره عقیدتی سیاسی شهربانی استان، رئیس آموزش‌وپرورش، رئیس حوزه علمیه بهبهان و فرماندارو حاکم شرع بهبهان، پرونده اختلاف به بازرسی کل کشور ارجاع می گردد.

درنظرداشته باشیم که تمام وقایع بالا درشرایطی صورت پذیرفت که خمینی اعلام‌کرده بود خواهان یک انتخابات بی دغدغه وبدون افتضاح است. خمینی سعی کرده بود که حتی مرحله‌ای هم که شده تضادجناحهای مختلف راملایم‌تر کرده وبرآنان سرپوش گذارد. او درسخنان خود در ۱۵ اسفند ٦۲ گفته‌بود: "اینکه کسانی باشند که درنزد یک صندوق بخواهند بمردم بگویند به این رای بدهید، آنجا دیگر جای این حرفها نیست‌که بایستند وبگویند فلانی خوب است، فلانی بد است. این حرفها همه‌اش باید جلوگیری شود. باید قبل از رفتن بسمت حوزه‌های رای گیری روی افراد مورد نظر به هرنحو تصمیم گیری کنند وبی سوادان یک باسواد مطمئن وآشنا حتما همراه خود ببرند. این یک طرف قضیه است. طرف دیگر قضیه کنترل حوزه‌هاست که روی میزها، لیستهای مخصوص ومطابق باسلیقه‌ عده خاصی نباشد وراهنماهای (؟!؟) غیرمسئول به راهنمائیهای ویژه مشغول نباشند".

خلاصه کنیم. علیرغم تلاش کلیه سردمداران رژیم برای کشیدن مردم به حوزه‌ها رأی ونمایش "پایگاه توده‌ای" کاذب خود وبدینوسیله ارعاب مردم وبهارزیدن، انتخاباتی بود که ورشکستگی و بی ثباتی رژیم رابه نمایش گذاشت. شکستی بود که حتی بسیاری از سردمداران رژیم‌راهم مجبور به اعتراف کرد.

انتخاباتی بود که نه تنها رژیم رایکدست نکرد بلکه تضادها راشدیدتر نمود وبه آنها افزود. شکستی که نفرت وانزجار مردم از رژیم و نمایشهایش را عیانتر ساخت.

سالگرد شهادت شهرام میرانی از صفحه ۱۶

در این راه،مبارزات دانشجویان خارج از کشور طی سالهای گذشته چه در زمان حکومت سگ زنجیری امریکا - شاه خائن ،که تاریخچه مبارزاتی آن زبان زد خاص و عام بوده و هست و چه بعد از آن هنگامی که به انقلاب مردممان خیانت شده و مشتی زالو صفت بر ثروتهای عظیم مملکتمان چشم طمع دوخته اند و هرگونه صدای آزادیخواهی را در کمال بیشرمی خفه میکنند،اینبار نیز از پای ننشسته و در اثبات مبارزات پی گیرش هدیه های سرخی که همانا شهدای مان میباشند تقدیم انقلاب کرده است که ازآنجمله میتوان شهرام میرانی و امیر راهدار را از جنبش دانشجویان ایرانی خارج ازکشور بخش هند را نام برد.

با ادامه جنگ خانمانسوز توسط رژیم خمینی و مهر موقعیت جنگی زدن بر کلیه کمبودها مخواستههای روزمره مردممان را نادیده گرفته وکمال بیشرمی را تا آن حد به پیش میبرد که خانوادهها را مجبور بهفرستادن فرزندانشان به جبهههای جنگ میکند و در این راه با قائل شدن امتیازاتی برای خانوادهشهدای جنگ ترغیب و تشویق مینماید و از سوی دیگر با بالا گرفتن اعتراضات مردم هر روزه به مجهزکردن ماشین سرکوب خود که همانا سپاه پاسداران است میپردازد. این بر همه ما روشن است که هر چه رژیمهای پوسیده و ارتجاعی در بین مردم بی اعتبارتر ومتزلزلتر میشوند،بر شرایط اختناق و اعمال ضدخلقی خود روزبروز میافزایند و اینك در برگزاری و بزرگداشت دومین سال شهادت رفیق شهرام میرانی (هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق - اقلیت) بار دیگر لزوم وحدت کلیه نیروهای مردمی و ضد ارتجاع و امپریالیستی را بر تك تك ما روشن وآشکار میسازد و تنها با اتکا بر یك پارچه شدن و استحکام صفوف خود هر چه بیشتر و مصمم تر در نابودی ارتجاع حاکم ودر نهایت امپریالیسم به جلو گام برداریم و وظایفی را که نسبت به انقلاب و ملتمان داریم به نحو شایستهای انجام دهیم.

یاد رفیق شهید شهرام میرانی گرامی و راهش جاودان باد

مرگ بر ارتجاع و امپریالیسم

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی

بر قرار باد جمهوری دمکراتیك خلق

اتحاد- مبارزه- پیروزی

سازمان توده انقلابی دانشجویان (ستاد)

بخش هند ۸۴/۶/۱۰

تقویم تاریخ

۱۲۸۵/۵/۱٤	اعلام مشروطیت
۱۳۳۲/۵/۲۵	فرار شاه به ایتالیا
۱۳۳۲/۵/۱۲	رفراندم برای انحلال مجلس ۱۷ و پیروزی خلق
۱۳۳٤/۵/۲۷	قیام افسران در خراسان
۱۳۳۲/۵/۲۸	کودتای ننگین سیا و بازگشت شاه
۱۳۵۷/۵/۲۰	تظاهرات ۵۰هزار نفری در اصفهان و اعلام حکومت نظامی
۱۳۵۷/۵/۲۸	فاجعه سینما رکس آبادان و شهادت بیش از ۵۰۰ نفر
۱۳۵۸/۵/۲۸	حمله فاشیستی رژیم جمهوری اسلامی بکردستان
۱۹٦۸/٦/۲۱	تجاوز ارتش روس و پیمان ورشو به چکسلواکی
۱۹٤۵/۸/٦	فاجعه پرتاب بمب اتمی به هیروشیما وناکازاکی

سد پاسیفیسم را بشکنیم

بقیه از صفحه ۲

اگر به تاریخ برگردیم بهنگامی که انقلاب ۱۹۰۵ در روسیه به شکست میانجامد وقتی که دسته دسته از انقلابیون دستگیر واعدام میشوند بسیاری از رفیقان نیمه راه انقلاب از انقلاب روی برگردانده وبه عناوین مختلف برضد انقلاب وبلشویسم برمیخیزند. دراین میان میتوان از افراد سرشناس درجنبش آنزمان نام برد. اما انقلابیون واقعی روسیه باتلاش بدون وقفه وبدون راه دادن کوچکترین یاس و نا-امیدی به مبارزات خود ادامه داده ودرراه کسب رهبری ونفوذ بیشتر درتودههای مردم وانفراد جریانات سازشکار ,بااراده واطمینان تمام به مبارزات قهرمانانه خود ادامه دادند وبالاخره پیروزی راازآن خود ساختند. رژیم خونخوار وجلاد جمهوری اسلامی که فقط بزور ترور وزندان وشکنجه زندگی میکند میخواهد بااستفاده از ضعفهای خود فروخته وتواب که بخاطر زندگی خود به اعتقادات خود وبه مبارزات مردم خیانت کردند تخم پاسیفیسم وبد بینی نسبت به ابزارمبارزاتی علیه خود یعنی تشکیلاتهای انقلابی رابپراکند ولی درمقابل این خود فروشانی بیش از ۴۰/۰۰۰ نفر شهید خون خود را درراه مبارزات آزاد یبخش برعلیه جنایات رژیم خون آشام دادند وتسلیم نشدند وبامشعل خود راه رهایی ایران راروشن ساختند , راهی که خلقهای قهرمان آنراپیموده وتانابودی کلیه مرتجعین ازآن گامی به عقب نخواهند گذاشت. درچنین شرایطی است که وظیفهای بس سنگین وخطیر برعهده ماقرارمیگرد. وظیفهای که مارا ملزم میدارد به پاس خون بیش از ٤۰ هزار شهید گلگون کفن وبه پاس احترام به بیش از ۱۰۰/۰۰۰ آزاده دربند و بمنظور ضربه زدن هرچه بیشتر برارتجاع وامپریالیسم ودرراه آزادی و استقلال ایران و پیروزی زحمتکشان ودرهمبستگی باخلقهای مان دمی دست از مبارزه برنداریم.

بااوضاع واحوالی که درمورد شرایط جنبش دانشجویی خارج بیان شد باید خود را برای یك مبارزه انقلابی که بتواند پاسخ گوی مسائل و معضلات جنبش باشد یعنی بتواند برحول خود وسیعترین قشر دانشجو راسازماندهی کند ,آماده نمود. وهمچنین باید درجنبش دانشجویی باخطوط انحرافی که عمده نیروی خود را به جای مبارزات ضد رژیمی وضد امپریالیستی برای حمایت گیری از نمایندگان امپریالیسم جهانی برای مردم ایران صرف میکنند مبارزه نمود.

جنبش دانشجویی بایستی خود رابرای چنان مبارزهای آماده کند که نتنها بتواند باخطوط انحرافی که مبارزات ضد رژیمی رافقط دربحث وگفتگودر کافه تریاها ودرکنج فلان بارخلاصه میکنند،مبارزه کند بلکه از طرف دیگر بزرگترین ضربه رادرخارج از کشور بررژیم وامپریالیسم وارد کرده ومزدوران رژیم رادرخارج از کشور نیز درامان نگذارد وثابت کنند فرزندان ایران هرکجا که باشند دمی دست از مبارزه برنخواهند داشت وهمچنین چنان مبارزاتی که بتواند درعرصه بین المللی به بهترین نحوی جنایات فجیع رژیم راافشاء نموده ودرهمبستگی بامبارزات خلقهای جهان حمایت آنان رابرای انقلاب ایران بدست آورد.

پیش بسوی ایجاد سازمان واحد سراسری جنبش دانشجویی

توطئه ایران و پاکستان برعلیه پناهندگان را درهم شکنیم!

باردیگر رژیم های ارتجاعی ایران و پاکستان در پی توطئه دیگر برای استرداد امخالفین سیاسی تحت‌عنوان " استرداد اشرار " توافق کرده اند جهت بررسی مسائل مرزی کمیته‌ای تشکیل دهند وبه همین دلیل یك گروه از پناهندگان ایرانی درپاکستان از ۱۹ ژوئن پس از دوماه تلاش‌برای آزادی دوستان دربند خود که درزندان لاهور بسر میبرند اقدام به تحصن در محل دفتر سازمان ملل نمودند وخواستار آزادی کلیه پناهندگان ایرانی از زندانهای پاکستان گردیدند .

دراین رابطه اعلامیه‌ای از طرف پناهندگان متحصن که حاوی مسائل وخواسته های پناهندگان است ،تحت‌عنوان " سرانجام پناهندگان ایرانی بکجای انجامد؟ " بدست ما رسیده که عینا بچاپ می رسانیم .

تمام پناهندگان ایرانی بنوعی زیرفشارند تعدادی ازآنان که بعداز ماهها زندان اخیرا ازاد شده اند جبر از شرایط حیرت‌آور نظیر مرگ وصبر روزانه درمقا بیل چشمانشان سخن میگویند .پناهندگان درسیاهچالهای تاریك نگهداری‌میشوند وزندانبانان برای پیداکردن آنها بامشعل بدنبالشان میگردند تعداد زیادی پناهندگان مبتلا به امراض‌جسمی و روحی اند .

تحصن پناهندگان باحمله وحشیانه پلیس‌فاشیست پاکستان بطور موقتی قطع گردید وباردیگر چهره سازمان ملل علیرغم ژستهای آزادیطلبانه‌اش‌ودفاع از حقوق بشر وغیره افشاشد ونشان دادکه سازمان ملل نتنها حرکتی در جهت‌حل مسائل و برآوردن خواستهای متحصنین پناهنده برنمی‌آورد بلکه درمقابل به پلیس‌فاشیست پاکستان روی می‌آورد وهمراه باتوطئه‌های دورژیم ایران وپاکستان خواستار ضرب وشتم پناهندگان میگردد . درمورد شرح وقایع حمله پلیس‌به متحصنین نیز اعلامیه‌ای به امضای (پناهندگان انقلابی ومبارزایرانی درپاکستان) بدست مارسیده که برای اطلاع هموطنان از اوضاع آنرا نیز عیناً به چاپ میرسانیم .

هدف توطئه مشترك ارتجاعیون برعلیه ایرانیان آواره ضربه زدن به مبارزین ایرانی ودرکل خود به انقلاب ایران است . برای مقابله وشکستن این توطئه هیچ راهی بجز مبارزه برعلیه آن نیست . وظیفه کلیه نیروهای ایرانی افراد بشردوست ایرانی وخارجی است تااز این خواستهای بحق پناهندگان دفاع نماید وبه هرطریق ممکن برعلیه توطئه‌های مشترك دولتین ایران وپاکستان برعلیه پناهندگان مبارزه کنند .

اسنادی مبنی بر توطئه‌های دو رژیم

روزنامه امن کراچی ، ۱۸ آوریل ۱۹۸۳

جستجو برای ۲۵۰ نفر مجرم فراری ایرانی درپاکستان

کراچی ، ۱۷ آوریل (خبرنگار)

فهرست ۲۵۰ نفر مجرم نوجوان ایرانی واردشده درپاکستان بوسیله F.I.A(پلیس مخفی پاکستان) فراهم شد ،طبق اظهارات مقامات سفارت ایران به وزارت امور داخلی پاکستان اطلاع داده اند که بعد از انقلاب اسلامی حدودا ۲۵۰ فراری خطرناك ومحاکمه شده‌مجرم جهت فراراز دستگیری که مخفی شده بودند بعدا از مرز بلوچستان وارد پاکستان شده اند .

اکثریت این افراد مجرم ایرانی درکراچی هستند وبنظر میرسد این افراد مجرم‌فراری که هیچ امکان امرارمعاش‌ندارند وارد کارهای غیرقانونی بزرگ شده اند بعداز اطلاع دادن این موارد از طرف سفارت ایران ،وزارت امورداخلی فهرست تکمیل عکس‌ومشخصات واطلاعات این افراد مجرم ایرانی به F.I.A داده تاهرچه زودتر ۱۰ تن از آنها را دستگیر کرده و درجستجوی بقیه باشد .F.I.A درکراچی کویته و شهرهای دیگر جستجوی خود را آغاز کرده است و درنواحی مختلف مسکونی ،مدارك ایرانیان راشدیدا وارسی کرده وعلاوه برآن پلیس‌مرکزی کارنامه آن سری از مجرمان ایرانی را خواسته است که آنهارا درروزهای گذشته بهاتهام راه زنی و جرمهای بزرگ دیگری دستگیر کرده بود . بدین ترتیب امکان دستگیریهایی وجود دارد .

متن ترجمه شده کلیشه روبرو (روزنامه دان)

دان سه شنبه ۳ جولای ۱۹۸٤

پلیس‌تظاهرکنندگان ایرانی رابیرون کرد .

کراچی ، ۲ جولای : " کمیته معترضین ایرانی " اظهارداشتند که پناهندگان ایرانی متحصن در دفتر سازمان مللU.N توسط پلیس‌بیرون رانده شدند .

طبق یك کنفرانس‌مطبوعاتی آنها خواستار آزادی دیگر پناهندگان تظاهرکننده ایرانی در U.N شدند مقامات U.N برای اظهار نظر حاضر نبودند .

کمیته درکنفرانس‌مطبوعاتی گفت که پلیس‌توسط مقامات U.N برای بیرون کردن ایرانیان معترض‌در ۱۳ روزگذشته فراخوانده شده بود .

8 DAWN TUESDAY, JULY 3, 1984

Police removes Iranian demonstrators

KARACHI, July 2: The "Protest Committee of Iranian Refugees" have alleged that some of the Iranian refugees in Karachi picketing outside the UN offices were removed by police.

According to a Press release they were demanding release of other Iranian refugees allegedly held for demonstrating at the UN offices.

Local UN officials were not available for comment.

The Committee said in the Press release that police was called by the UN officials to remove the Iranians who were protesting for the last 13 days.

هموطنان مبارز، نیروهای انقلابی و مترقی در سراسر جهان!

ایرانیان مبارز و انقلابی در پاکستان از امنیت کافی برخوردار نیستند. رژیم ارتجاعی و متکی به امپریالیسم جمهوری اسلامی با تمدید قراردادی که در زمان شاه خائن به عنوان به اصطلاح "استرداد مجرمین" (مخالفین سیاسی) میان ایران و پاکستان منعقد شده بود با چراغ سبز جدیدی به امپریالیسم امریکا در صدد بچنگ آوردن انقلابیون و مبارزینی است که تحت شرایط اختناق حاکم بر ایران مجبور به ترک وطن خویش شده‌اند.

سال گذشته با انتشار لیست ۲۵۰ نفر که از سوی رژیم ایران تسلیم رژیم پاکستان شده بود، نیروهای سیاسی وانقلابی دست به مبارزهٔ افشاگرانه‌ای زدند که حتی المقدور این قرارداد ننگین را افشا نمود و مقامات پاکستان را مجبور نمود تا لیست ۲۵۰ نفر را انکار نمایند. لیکن با پیشرفتهای رژیم جمهوری اسلامی در آغوش امپریالیسم این قرداد ننگین درهرصورت جان و امنیت پناهندگان ایرانی را در معرض خطر قرار داده است. اما علی رغم جو حاکم بر شرایط پاکستان پناهندگان ایرانی بخاطر وضع نابسامان و بلاتکلیفی، فشارهای مالی، مشکلات بهداشتی و عدم برخورداری از حق مهاجرت که همواره موجب اقدام بسیاری از ایرانیان برای خروج غیرقانونی از کشور گردیده و حتی دستگیری و زندانی کردن آنها نیز مانع اینکار نمیگردد. و از سوی دیگر سازمان ملل نیز از انتقال پناهندگان به کشور ثالث خودداری می‌ورزد. یکی از مسائل مهم مسئلهٔ تبعیض آشکاری است که میان هموطنان بلوچ و سایر هموطنانمان گذاشته میشود. سازمان ملل با بهانه کردن اینکه بلوچها براحتی میتوانند از مرز بلوچستان تردد کنند عملاً از پذیرفتن تعداد کثیری از هموطنان بلوچ ما که اساساً بدلایل سیاسی از کشور خارج گشته و در پاکستان بی هیچ پناهی آواره‌اند، سرباز می‌زنند. بدلایل فوق و مشکلات موجود در روز ۱۹ ژوئن گروهی از پناهندگان ایرانی در دفتر سازمان ملل در کراچی دست به تحصن زده و خواستار آزادی ایرانیان پناهنده در زندانهای پاکستان گردیدند. این تحصن اگرچه خواستهٔ مجدد و پیگیر عمده‌ای را مطرح کرده بود و دارای نواقصی بود اما به لحاظ اینکه جو سکوت و دیپلماسی هواداران مجاهدین و انجمن‌های کنسولی شان را شکسته و مبارزه‌ای را دامن زده بود زمینه مورد استقبال گروهها و عناصر انقلابی و مترقی و همچنین سایر پناهندگان قرار گرفت و با تاثیر از این نیروها عمق و گسترش یافت و چند روز پس از ادامهٔ تحصن که خبر آن در تمامی روزنامه‌های پاکستان انعکاس یافته بود سروکلهٔ لاوانجی فاشیست مسئول U.N کراچی پیدا شده و با وعده‌های پوچ و تهدید به دخالت پلیس محل تحصن را ترک نمود. متحصنین عقب نشینی نکردند تا اینکه روز اول جولای ده خودروی پلیس همراه با یکصد پلیس مسلح به محل دفتر U.N ریختند و به دستور مسئول U.N وحشیانه به ضرب وشتم پناهندگان متحصن پرداختند اما متحصنین که سعی نمودند با پلیس پاکستان درگیر نشوند درحالیکه در یک درگیری ناجوانمردانه و نابرابر زیر ضربات مشت ولگد و چوب پلیس قرار داشتند طنین سرودهای انقلابی آنان که بطور دسته جمعی خوانده میشد تمام منطقه را می‌لرزاند. پناهندگان مبارز دستهای خود را بهم زنجیر کرده بودند و درحالیکه مسئولین U.N درحال تخلیه وسایل آن دفتر به محل دیگری بودند، بطرف درب U.N حمله برده و مدت نیم ساعت زیر شدیدترین ضربات و وحشیانه ترین حملات پلیس از خروج وسایل دفتر U.N جلوگیری نمودند. در این درگیری همهٔ متحصنین زخمی شدند بطوریکه آثار آن هنوز باقی مانده است. روزهای بعد با مراجعه به روزنامه‌ها و مطرح شدن در کراچی با خبرنگاران مختلف مصاحبه گردید و اخبار حملهٔ پلیس علی رغم جو سانسور و حکومت نظامی پاکستان در اغلب روزنامه‌ها درج گردید. اما از یکسو بخاطر مقاومت انقلابی و قلدرمنشانه و بی شرمانهٔ U.N مبارزه برای حصول خواسته‌های ذکرشده ادامه دارد و از سوی دیگر متحصنا فشار تبلیغاتی در داخل پاکستان آنها را تسلیم نخواهد کرد.

نیروهای انقلابی و مترقی ایرانی در سراسر جهان!

با برپایی تظاهراتها و آکسیونهای اعتراضی در اسرع وقت پناهندگان مبارز ایرانی را در پاکستان یاری دهید.

با ارسال نامه و تلگرامهای اعتراضی به روزنامه و خبرگزاریها، نهادها و سازمانهای بین المللی ما را یاری دهید.

ما را یاری کنید تا توطئه‌های موذیانهٔ امپریالیستی را که از طریق U.N اعمال می‌شود رسوا سازیم.

پناهندگان انقلابی و مبارز ایرانی در پاکستان ۸.۷.۱۹۸۴

اطلاعیه شماره ۲

سرانجام پناهندگان ایرانی بکجا می‌انجامد؟!

ما پناهندگان ایرانی بعلت عدم وجود امنیت و تهدیدات دائم از طرف رژیم ایران به طرق مختلف، منجمله وجود قرارداد استرداد مجرمین (مخالفین سیاسی) بین دولت ایران و پاکستان و تروریستهای صادراتی رژیم در لباس دانشجو و دیپلمات و نیز فشارهایی که از جهات مختلف به پناهندگان وارد میکنند و طبق اسناد و مدارک موجود در نشریات پاکستانی صدها تن از پناهندگان ایرانی در مرزهای ایران و پاکستان دستگیر و پنهانی بدولت ایران تحویل داده شده‌اند.

در برابر مشکلات زیادی که پناهندگان با آن مواجه‌اند UNHCR در پاکستان که خود را مدافع حقوق بشر نامیده نه تنها گامی درجهت رفع این مشکلات برنداشته، بلکه خود مشکلاتی برآنها نیز افزوده و در این راه تا آن حد پیش رفته که حتی افرادی را تهدید به استرداد به ایران و لغو کارت و قطع کمک هزینه ناچیز نموده و در چندین مورد پناهندگان را مورد ضرب و شتم قرار داده است.

درجهت حل این مشکلات بارها رسماً صدای اعتراض خود را نه تنها به دفتر این سازمان در پاکستان، بلکه به دفتر مرکزی در ژنو و نیز سایر مجامع بین المللی دیگر رسانده‌ایم. آنها در واکنش نسبت به این اعتراضات هیچگونه اقدامی نکرده و با سکوت خویش عملاً وجود این پناهندگان را انکار کرده‌اند.

لذا در مقابل این سیاست غیرانسانی UNHCR، ما ناچاراً از تاریخ ۱۹ ژوئن ۸۴ در دفتر این سازمان در کراچی اقدام به تحصن نموده‌ایم. در واکنش نسبت به این تحصن، مسئولین این سازمان بجای رسیدگی به خواسته‌های متحصنین اقدام به تعطیل دفتر خود نموده‌اند.

بدینوسیله ما این عمل غیرمسئولانه این سازمان را شدیداً محکوم نموده و تا نیل به خواسته‌هایمان به تحصن خود ادامه خواهیم داد.

خواسته‌هایمان بشرح زیر میباشد.

۱- تأمین امنیت جانی پناهندگان.

۲- به رسمیت شناختن پناهندگان از طرف دولت پاکستان و یا اعزام آنها به کشور ثالث.

۳- رفع مشکلات مبرم اقتصادی پناهندگان، شامل: افزایش هزینه ماهیانه - تهیه مسکن - شغل، با توجه به تورم موجود در پاکستان.

۴- تهیه امکانات تحصیلی برای پناهندگان واجد شرایط.

۵- تسهیلات کافی بهداشتی.

۶- رفع تبعیض بین بلوچهای ایرانی و غیره.

۷- تغییر سیاست U - N در برداشتن موانعی که در بدو ورود افراد پناهنده تا چندین ماه بخاطر مصاحبه و یا ...... بلاتکلیف مانده و هرلحظه در معرض خطر جدی مالی و جانی قرار دارند.

«پناهندگان متحصن ایرانی در دفتر سازمان ملل در کراچی»
۲۴ ژوئن ۸۴

رونوشت به عموم خبرگزاریهای داخلی و خارجی (در پاکستان)

THE STAR

KARACHI, TUESDAY, JULY 3, 1984

UNHCR office cleared of Iran demonstrators

متن ترجمه شده (روزنامه استار)

کراچی، سه شنبه سوم جولای ۱۹۸٤

دفتر U.N.C.R از تظاهرکنندگان خالی شد.

پلیس دفتر کراچی U.N.C.R را از تظاهرکنندگان ایرانی که براحقاق خواسته‌هایشان برای ده روز گذشته موجود بودند را خالی کرد.

طبق سخنگوی پناهندگان ایرانی پلیس برای بیرون راندن پناهندگان از دفتر از چوب وچماق برای ضرب وشتم آنها استفاده کرد.

پناهندگان خواستار آزادی فوری هموطنان دستگیرشدگان توسط قسمت مهاجرت لاهور و برآورد شدن سایر خواسته‌هایشان شدند.

پناهندگان درکنفرانس مطبوعاتی هم چنین ادعاهای بشردوستانه سازمان ملل را محکوم کردند. آنها همچنین تلگرامهائی برای سازمانهای مختلف جهان از جمله سازمان ملل و حقوق بشر جهانی فرستادند.

شب شعر در یاد بود سعید سلطانپور

در تاریخ جمعه ۲۲ ژوئن ۸۴ شب شعری بیاد بود بزرگداشت خاطره شاعر فدائی خلق سعید سلطانپور و بمناسبت ورود دکتر اسماعیل خوئی شاعر مبارز در لندن از طرف کانون نویسندگان برگزار گردید.

در این جلسه که با پشتیبانی و شرکت نیروهای مبارز جنبش دانشجویی خارجه تشکیل شد سیاستهای ضد انقلابی جمهوری اسلامی در رابطه با فرهنگ و هنر انقلابی و متعهد تشریح و به اهمیت نقش هنرمندان مبارز و پیشرو که چون شهید سعید سلطانپور هنر را با مبارزه طبقاتی می‌آمیزند اشاره گردید.

پس از پیام کانون نویسندگان ایران در تبعید بمناسبت شهادت سعید سلطانپور که توسط نعمت آزرم شاعر مبارز وملی قرائت گردید ودکتر اسماعیل خوئی به خواندن اشعاری که خود در ضدیت با حاکمیت قرون وسطائی خمینی ودردفاع از مبارزات مردم سروده بود پرداخت. سازمان ما بنوبه خود در ترویج و پشتیبانی هنر مبارز وقدرشناسی از هنرمندان مردمی را از وظایف دموکراتیک خود دانسته و سلاح ادبیات را که به قلب رژیم ضد فرهنگی و جهل پرور جمهوری اسلامی نشانه رفته است، از ابزار موثر مبارزه با این رژیم میداند.

با توجه به این اصول در این شماره شعر زیر را تقدیم خوانندگان عزیز می‌نمائیم.

از خیزش دوبارهٔ ماموت

اینان که بر این ملک کنون سرهنگ اند،
خصم هنر و زندگی و فرهنگ اند،
فردا که ورق خورد کتاب تاریخ،
مشتی نام‌اند و معنی هرننگ اند.

ای میهن ما کنون گروگان شما!
یک پرسش دارم از بزرگان شما:
این را که هر آدمی دمی از حق است
آیا ننوشتند به قرآن شما؟

اینی که بر ابرو گره از کین دارد،
وزخون کسان ناخن رنگین دارد،
این لاف شنو که خود دم از عشق زند!
وین لاغ نگر که دعوی دین دارد!

تو خون کسان خوری که: آئین این است.
عصیان به خدا کنی که: تمکین این است.
ورزآنکه بگویم که: مکن، دین این نیست،
قرآن سند آوری که خود دین این است.

ای غره بدین که مرد ایمان باشی،
سرخیل جماعت مسلمان باشی!
ماری وخوشی که خط وخالت زیباست؛
خاری وخوشی که از گلستان باشی.

اعلامیه کمیته حمایت از پناهندگان ایرانی در اتریش

با ورود استعمار و سرمایه‌داری و در این مرحله امپریالیسم به جوامع دیگر، این جوامع را بصورت مستعمره یا نومستعمره مورد یورش قرار داده و سلطه همه‌جانبه خود را به این جوامع تحمیل کرده و از این طریق جلو رشد طبیعی این جوامع را گرفته است. رژیمهای تحت‌سلطه ضرورتا رژیمهائی دیکتاتوری هستند که منافع امپریالیسم را حفظ میکنند. تشدید هر چه بیشتر سرکوب و استثمار خلقهای محروم و تحت‌ستم جهان رهائی از یوغ امپریالیسم یعنی عامل تمامی مصائب و دردها را در دستور روز این خلقها قرار داده است.

مبارزات حماسه‌آفرین و شکوهمند خلقهای ایران در مقابل رژیم سفاک محمد رضا شاهی که یکی از حلقه‌های اصلی زنجیره امپریالیسم بوده، تبلور مادی خواست سرنگونی آن رژیم و قطع سلطه امپریالیسم و بنای حکومتی مستقل و آزاد در ایران بود. اما علیرغم جانفشانی و از خودگذشتگی اقشار و طبقات درگیر مبارزه و نمایش دلیرانه قهر انقلابی خلق در بهمن ماه ۵۷ از آنجا که رهبری طبقه کارگر در صدر مبارزات مردم نبود، بر حسب شرایط تاریخی در حین سرنگونی سلطنت، سلطه اقتصادی ـ سیاسی امپریالیسم از بین نرفت. رژیم جمهوری اسلامی ایران از بدو تولد تحمیلی خود بخاطر داشتن بند و بستهای فراوان با امپریالیسم از همان اوان برای حفظ و تثبیت خود از جهتی کوشش در گسترش زدوبندهای اقتصادیش با امپریالیسم نموده و از سوی دیگر سرکوب وحشیانه خواستاران استقلال و آزادی و انهدام دستاوردهای قیام بهمن ماه را در دستور کار خویش قرار داده است.

در طول این دو سیاست کارنامه ننگین رژیم جمهوری اسلامی ایران امروزه پس از گذشت ۵ سال عبارت است از به تاراج دادن منابع کشور، بستن قراردادهای اقتصادی ـ نظامی فراوان با امپریالیسم جهانی (آمریکا، انگلیس، ژاپن، آلمان و ...) و دست‌نشاندگانشان (ترکیه، پاکستان و ....)، بی‌خانمانی و فقر و فلاکت خلقهای ایران، وابستگی و سودرسانی به امپریالیسم و ارتجاع جهانی، حمله نظامی به ترکمن صحرا و سرکوب روستائیان، افروختن جنگ در کردستان و قتل عام مردم ستمدیده این خطه کردپرور، سرکوب هر گونه حرکت مبارزاتی دیگر خلقهای ایران، کشتار دانشجویان و بستن دانشگاه این سنگر همیشه فروزان مبارزات دمکراتیک و ضدامپریالیستی میهن، اعدام و تیرباران بیش از ۲۰ هزار تن از انقلابیون و دمکراتهای مبارز، به بند کشیدن بیش از ۵۰ هزار انقلابی و آزاده، جنگ ارتجاعی بین دو رژیم ضد خلقی و وابسته ایران و عراق و آوارگی و بی‌خانمانی بیش از ۲ میلیون تن از مردم زجر کشیده میهن، ارسال قاتلین حرفه‌ای بخارج از کشور و ضرب و شتم و قتل دانشجویان و آزادیخواهان ایرانی در کشورهای دیگر و هر گونه جوش رقص دیگری که نمایانگر وابستگی به امپریالیسم و همراهیش با ارتجاع جهانی باشد. اینها تنها گوشه‌هایی از تلاش مذبوحانه رژیم جمهوری اسلامی است برای تثبیت خود و در نتیجه چند صباحی بیشتر تکیه‌زدن بر اریکه جنایت و خیانت و تداوم عمر ننگینش!

مجموعه اوضاع حاکم بر ایران یعنی فشار شدید اقتصادی، کمبود و افزایش قیمت مایحتاج زندگی، انهدام هر گونه حق دمکراتیک، لبریز شدن سیاهچالها از مبارزین، اعدام دسته جمعی، آوارگی و بیخانمانی و بیگرد گشتاپووار انقلابیون و دمکراتها از جانب رژیم و جواب کوچکترین اعتراض و مخالفت را با چوبه دار و سرب داغ دادن عرصه را برای ایرانیان و بسیاری از نیروهای مبارز و مترقی آنچنان تنگ کرده که آنان را مجبور به ترک وطن نموده است. اینگونه افراد اساسا از طریق ترکیه و پاکستان امکان خروج از کشور را دارند و در هر دو کشور نیز بخاطر بر سر کار بودن رژیمهای هار و ارتجاعی در عین حالیکه با شرایط سخت تحت نظر و زندان و بازپس فرستادن به ایران هستند، برای دولتهای این کشورها نیز منبع دیگری شده‌اند تا بر سر آنان با رژیم ایران معامله کنند و سودهای کلانی از قراردادهای اقتصادی ببرند و در همرهی با رژیم ایران در غارت و چپاول خلقهای میهنمان سهم بیشتری داشته و بنوبه خود پناهندگان را تحت فشارهای غیر انسانی قرار دهند.

بقیه در صفحه ۹

زان گورکه در بُنش بخفت آن طاغوت،
برخاست،دوباره ، زنده وار ، این ماموت.
بنشست، به نام مرگ ، بر مسندخون:
تاجش از تیغ وتخت اوازتابوت.

چون برسرِکار آمد این اژدرخوک ،
صدره به سلوک بدتراز جمله ملوک ،
زنجیره ٔ زندگانی ی ما گردید
سوک از پی ی سوک از پی ی سوک.

این دیو ،که خونریزترین خونریزاست،
همواره به خونش چنگ ودندان تیزاست،
لافدکه زپشت انبیایم ،اما
از تخم یزیدواز پس چنگیزاست.

با آنچه توبا نام خدا خواهی کرد ،
خلقان را از خدا جدا خواهی کرد ،
تا بانگ اذان خودبه افلاک بری،
از کله مناره ها به پا خواهی کرد .

پیش از تومگرخدا پرستنده نداشت؟
انبوه انبوه درجهان بنده نداشت؟
اینها همه داشت؛زآن که،تابودبه عرش،
برروی زمین چون تونماینده نداشت.

وقتی که به صحرای تو جنبنده نماند ،
وزبهرخدای جهل یک بنده نماند ،
قهقاه زنی که : دین حق شدپیروز ؛
زیرا که ز مسلمین تنی زنده نماند .

ای دردِتوزندگی ودرمان تومرگ ،
درمان روان نفرت افشان تومرگ!
پیری و زمینگیرونمی میری، ازآنک
وا می رمد از پلشتی ی جان تومرگ .

ای داروی واپسین ِبرسام تومرگ ،
آرامش جان آتش آشام تومرگ !
نام تو نشان مرگ وتوزنده ،ازآنک
ننگ آیدش ازاینکه برَدنام تومرگ .

درسینه ٔ ما به غیرکین تومباد ؛
نفرین توبادو آفرین تومباد .
ای دین توبس بترزهرکفرکه هست!
هرکفرکه هست بادو دین تومباد .

ماکزگِل وآرمان سرشتی داریم ،
درعالم خاک سرنوشتی داریم .
افلاک تورا وخاک ما را ،ای شیخ!
ما دوزخیان نیزبهشتی داریم .

تا با دل خلق همزبان نامده ای،
وزدست ستمگران به جان نامده ای،
وزجان به مصاف این ددان نامده ای،
انگارکه هرگزبه جهان نامده ای.

گرابرم و درگریستن خواهم زیست،
ورموجم وسوی نیستن خواهم زیست،
اندیشه ٔ مرگ را رها خواهم کرد ،
همواره برای زیستن خواهم زیست.

من خام نیم که همره عام شوم ،
با عام به کام دام اوهام شوم .
این زندگی ازهزار مردن بتراست:
بگذار هزار بار اعدام شوم .

(دکتر اسماعیل خوئی)

از صفحه ۸

اعلامیه کمیته حمایت از پناهندگان ایرانی در اتریش

تنها راه رهایی انقلابی از شرایط حاکم بر ایران سلما سرنگونی قهری رژیم ارتجاعی و وابسته جمهوری اسلامی ایران و قطع کامل نفوذ امپریالیسم جهانی و بویژه امپریالیسم آمریکا بعنوان دشمن اصلی خلقهای ایران و بر قراری حاکمیت زحمتکشان و استقلال و آزادی میهن است که در صدر مبارزات انقلابیون و دمکراتها بوده و این مهم مادیت نمی یابد مگر اینکه طبقه کارگر رهبری جنبش آزادیخواهانه و استقلال طلبانه میهن را در دست داشته باشد .

پلاتفرم سیاسی فوق به معنی اعلام موجودیت کمیته حمایت و دفاع از پناهندگان سیاسی در اتریش (وین) بوده و در این تشکل مبارزاتی ، ما همکاری خود را با کلیه سازمانهای انقلابی ، دمکرات ، شخصیتهای سیاسی ، انقلابی ، مترقی ، مبارز و کلیه کسانیکه با ارتجاعیون و ضد انقلابیون گوناگون از جمله رژیم جمهوری اسلامی ایران و هواداران آن ، رژیم محمدرضاشاهی ، جانبداران بختیار و سلطنت طلبان ، حزب توده ، سازمان فدائیان (اکثریت) و جانبداران تئوری سه جهان مرزبندی قاطع داشته باشند را اعلام کرده و دست کلیه سازمانها و افراد مبارز را به گرمی میفشاریم .

آنچه در دستور کار این کمیته قرار دارد

۱ـ افشای همه جانبه سیاستهای رژیم و جلب پشتیبانی خلقهای جهان در همسویی با انقلاب ایران .
۲ـ شناسایی ، پشتیبانی و کمک رسانی به پناهندگان سیاسی .
۳ـ جلب حمایت و پشتیبانی ایرانیان و خارجیان دمکرات و مترقی از پناهندگان سیاسی .
۴ـ ایجاد تسهیلات حقوقی ، اداری جهت انتقال پناهندگان به کشورهای مختلف اروپایی .
۵ـ تهیه گزارش از شرایط ناگوار پناهندگان در ترکیه ، پاکستان و ... و پخش وسیع آن .
۶ـ ارتباط با سازمانهای حقوقی بین المللی جهت بوجود آوردن شرایط بهزیستی برای پناهندگان سیاسی.

شرایط عضویت

۱ـ پذیرش پلاتفرم
۲ـ شرکت فعال در فعالیتهای عملی
۳ـ پرداخت حق عضویت

هرچه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای انقلابی و مترقی

۱ـ سازمان توده انقلابی دانشجویان (ستاد) اتریش
۲ـ سازمان دانشجویان ایرانی در وین هوادار چریکهای فدائی خلق ایران (ارتش رهائیبخش خلقهای ایران)
۳ـ هواداران چریکهای فدایی خلق ایران (اتریش)
۴ـ سازمان دانشجویان ایرانی وین ـ اتریش هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پناهندگان ایرانی وفشاررژیمهای ارتجاعی

گزارش یکی از رفقا از ترکیه

یکی دیگر از ره آوردهای رژیم ددمنشانه خمینی ،عزیمت عمدتا اجباری تعداد کثیری از هموطنانمان به خارج از کشور میباشد. هم اکنون دهها و حتی صدها هزار نفر از مردم ایران در کشورهای مختلف پراکنده وآواره هستند. بدینترتیب عرصه دیگری از ضدیت مردم ایران با ره آوردهای جمهوری اسلامی نمایان میشود. ضدیت با اختناق و استبداد لجام گسیخته حاکم بر ایران ،با زورگوئی ،بیکاری وجنگطلبی ،ضدیت با فرهنگ قرون وسطائی و در یک کلام ضدیت با تمامی نمودهای رژیم ولایت فقیه . مهاجرین ایرانی بعد دیگری از افشاگری اعدامها ،شکنجهها و جنایتهای ددمنشانه خمینی و دارو دستهاش را به نمایش گذاشتهاند. اغلب مهاجرین در شرایط بسیار سختی قرار دارند خصوصا آنهائی که از اقشار مرفه جامعه نبوده و از جهت امکانات مختلف نیز در مضیقه می باشند . در این خصوص ما بخشهایی از برخی وقایعی را که در جریانش قرار گرفتهایم ،منعکس میکنیم .

در اواخر سال ۸۳ در شهر وان واقع در نزدیکی مرز ترکیه و ایران ، سرانجام پس از گذشت هفتهها وضعیت ۵۳ ایرانی مشخص گردید. آنها توانسته بودند پس از چند شبانه روز راهپیمایی و پشتسر گذاشتن خطرات و موانع مختلف ،خودشان را به ترکیه رسانده ،در شهر وان خود را به مقامات ترکیه معرفی کرده ومنتظر دریافت جواب رسمی از طریق تلکس بودند تا بتوانند از وان خارج شوند و خودشان را به یکی از مراکز تهیه مقدمات خروج از ترکیه برسانند.

مقامات پلیس به آنها اعلام میکنند که تلکس شما آمده ،آماده باشید فردا صبح عازم استانبول هستید. درست بود تلکس آمده بود ولی برای امر دیگری . صبح روز بعد همه ۵۳ نفر را سوار اتوبوس و مینی بوس کرده بهمراه دهها پلیس و سرباز به مرز ایران باز میگردانند ،در آنجا آنها را وادار میکنند تا از ترکیه خارج شوند. اما دلیل باز گرداندن این ۵۳ نفر از این قرار بوده که تورگوت اوزال نخست وزیر فعلی ترکیه در آنروزها یک سفر انتخاباتی به شهر وان داشته است ،در شهر وان از وضعیت ایرانیان خبردار میشود ، اولین کاری را که جناب نخست وزیر در صدر وظایف خود قرار میدهد ،اخراج ۵۳ نفر بود. تا بدینوسیله هم آوائی و تائید از رژیم خمینی را اعلام داشته و خوشخدمتی کرده باشد. بی جهت نبوده که در مرز نیز پلیسها و سربازان ترکیه اقدام به تیراندازیهای بیدرپی هوائی میکنند تا هم مهاجرین را به رعب و وحشت اندازند و هم برادران پاسدارشان را در جریان خوشخدمتی شان قرار دهند. اما پیشمرگههای قهرمان به یاری مهاجرین شتافته و اکثر آنها را تحت حمایت خودشان قرار میدهند. بنا به اخبار رسیده در آن گیرودار دو نفر کشته میشوند و بعدها هم چند نفری احتمالا در بازرسیهای سپاه در بین راه دستگیر شدهاند. ولی بقیه بسلامت به مقصدهای بعدی خود در نقاط مختلف ایران و حتی خارج از کشور رسیدهاند.

همچنین در اوائل سال ۸٤ نیز ۱۸ نفر از ایرانیانی که میخواستند از ترکیه به مقصد سوئد خارج شوند ،در فرودگاه استانبول و با دستور مقامات بالا تحت نظر پلیس قرار میگیرند. پس از چند روز اقامت در بازداشتگاههای کثیف و انزجار آور ،توقیف میشوند. بعد از دوماه ،دادگاه حکم عدم توقیف را صادر میکند و از زندان به بازداشتگاههای پلیس منتقل میشوند. در آنجا پس از چند روز و پس از تهدیدهای مکرر پلیس مبنی بر تحویل آنها به خمینی ،بالاخره با کفالت آزاد میشوند.

در واقعه دیگری نیز شش نفر از هموطنانمان موفق میشوند که مشکلات را در ترکیه پشتسر بگذارند و از ترکیه خارج شوند ،خودشان را به پاریس میرسانند اما دمکراسی کاذب بورژوازی فرانسه ،که خیلی ها را به تحسین واداشته است ،بهمانگونه که مقامات فاشیست ترکیه به مهاجرین ایرانی برخورد میکنند با آنها رفتار کردهاند. پس از آنکه مسئولین فرانسوی به این ٦ نفر جواب رد میدهند مهاجرین سعی میکنند تا آنها را در جریان عواقب بازگشت به ترکیه و یا ایران قرار دهند. خود مقامات به اصطلاح سوسیالیست فرانسه خوب میدانستند بازگشت آنها چه عواقبی خواهد داشت و برای همین توضیحات ٦ نفر اثری نداشته ،آنها را به زور سوار هواپیما میکنند. قبل از پرواز و برای اعتراض به رفتار غیر انسانی ،جوانان ایرانی در هواپیما خودشان را با شیشه شکسته عینک مجروح کرده و سپس اجبارا تحویل پلیس فرودگاه می شوند . آن شش نفر از فرودگاه با برخی مراکزی که احتمالا میتوانستند کمک کنند و حداقل برایشان وکیل بگیرند ،مجددا تماس می گیرند ولی از هیچکدام جواب مثبتی نمیرسد. وقتی که آنها را دوباره میخواستند برای بازگشت سوار هواپیما کنند ،آنها در اعتراض و برای بار دوم خودشان را با تیغ مجروح میکنند ولی باز به وضعشان رسیدگی نمیشود که هیچ ، توجهی هم به موقعیت آنها نمیشود ،همانگونه که اعتصاب غذا و شعار دادن توی هواپیما و فرودگاه نتوانسته بود بی اعتنائی مقامات را بشکند ، این حرکت نیز بی نتیجه بود و حتی پس از پایان اعتصاب غذایشان پلیس فرانسه از دادن غذا به آنها ممانعت نمود.

با تمام این احوال و پس از چند روز پلیس برای بار دیگر اقدام به باز گرداندن آنها کرد. ولی شش مهاجر ایرانی در اعتراض به زبان انگلیسی شعارهای مرگ بر خمینی ،مرگ بر فاشیسم را تکرار میکردند . مقامات فرانسوی برای چندمین بار دستور ضرب و شتم آنها را صادر کردند . حتی به این نیز بسنده نکرده نمونه دیگری از دمکراسی امپریالیستی را نشان دادند و به چهار نفرشان بزور کتک آمپول عصبی تزریق کردند و پس از مدتی سیستم عصبی آنها در هم ریخت . این آمپولها از مدرنترین وسایل شکنجه امپریالیستی محسوب میشوند و عوارض آن با کابوسهای خواب و بیداری شروع میشود. سر تا آنجا که ممکن است به عقب بر میگردد ،گردن به همانصورت بی حرکت میماند ،فک پائین کج شده و روی فک بالا جفت نمیشود و باز بهمان شکل باقی میماند و بسیاری عوارض دیگر. در نتیجه مجموعه بدن نیمه فلج گشته ،و تمرکز حواس و قدرت فکری سلب میگردد. بدینترتیب فرد قدرت مقاومت را از دست میدهد و حتی خلاف آنچه را که میخواهد مطبق دستور انجام میدهد . در حالیکه آنها از درد آن حالت انزجار آور و از اثرات شکنجه بخود میپیچیدند پلیسها قهقهه سر داده بودند. وقتی که در آن حالت به درمانگاه منتقل میشوند ،جناب دکتر هم بدون هیچگونه معاینهای فقط

بقیه در صفحه ١٤

نامه‌ای از یك رفیق

نامه‌ای از رفیقی بنام "سارا" داشتیم که برای ما مطلبی تحت‌عنوان "بخود آئیم" ارسال داشته‌اند. ما بنا تقاضای خود رفیق عین مطلب را همراه با قسمتهایی از نامه‌ای را که برای ما فرستاده‌اند (مسائل شخصی رفیق در نامه حذف‌شده) بچاپ می رسانیم. از رفیق سارا بخاطر مطلبی که فرستاده‌اند تشکر می‌کنیم و ضمن آرزوی موفقیت برای این رفیق منتظر نامه‌های بعدی ایشان می باشیم.

با سلام و درودهای رفیقانه

رفقای گرداننده نشریه "ستاد" بیائید میز گردی تشکیل دهیم. بیائید ستونی در نشریه‌تان باز کنید تا هر کس هر نظری و یا هر درد دلی داشت آزادانه بنویسد. چرا که نه؟

مدتهاست میخواهم قلم را بدست بگیرم و نامه‌ای برایتان بنویسم. می‌خواهم که نامه‌ام را در نشریه‌تان چاپ کنید حتی با همه اشکالاتش به من نگوئید میسر نیست چون اگر نشریه، نشریه دموکراتیکی است می‌بایستی امکان داشته باشد. شمارا انتخاب کردم چون قبولتان دارم، میخواستم نامه‌ام را به نشریات دیگر بفرستم شاید به علت اینکه نشریات دیگر بیشتر در دست توده‌ها میگردد. لااقل در اینجائی که من زندگی میکنم اینطور است چون در اینجا کسی نشریه "ستاد" نمی فروشد و اگر خواستی باید به شهر دیگری بروی و گیر بیاوری. در هر حالت با شما شروع میکنم، هدفم بیش از هر چیز مطرح شدن مسائل و مردمی تر شدن روزنامه‌هاست. میگوئیم یعنی رهبرانمان میگویند که "باید به درد دل توده‌ها گوش کرد" و مسائل توده‌ها را حل نمود و ...

پس وظیفه ماست که نشریات مان را مردمی تر و همگانی تر کنیم. برویم سر موضوع اصلی مدت شش ماهی است که از ایران خارج شدم و ... به یکی از کشورهای اروپائی وارد شدم. امیدوار بودم جنبش سیاسی و یا فعالیت‌های سیاسی در خارج از کشور حرکتی داشته باشند. علی رغم انتظارم هیچگونه حرکتی ندیدم و در عوض با جو پاسیو و دانشجویان پاسیوتر با کوهی از توهمات و انحرافات و ... روبرو شدم. وضعی که شاید شما بهتر از من بدانید. بهرحال، این وضع در من تاثیر زیادی بر جا گذاشت. با خود می گفتم آخر چرا؟ سالهای ۵۷ ـ ۵٦ فعالیتهای کنفدراسیون ها را بیاد میاورم و جنبش عظیم خارج کشور را و این بی حرکتی امروزی را نمی توانستم توجیه نمایم.

حال بعد از شش ماهی که دور از وطن آن آغوش گرمی که سالهای سال مرا در بر داشته، زندگی می‌کنم خود را متقاعد کرده‌ام که باید آستین ها را بالا زده کاری کرد کارستان. باید این جو را شکست باید این طلسم را شکست و به پیش رفت، و به این دلایل قلم را بدست گرفتم و نوشته زیر را به روی کاغذ آورم. باشد که با چاپ این نوشته تماسمان محکمتر و چشمهای بسته و خواب آلود نیمه باز شوند.

"نوشته‌ای که مایلم در نشریه‌تان چاپ شود."

بخود آئیم

وای بر ما ایرانیانی که در خارج از وطن زمانیکه به یك هموطن بر میخوریم روی خود را بر می‌گردانیم.!

وای بر ما! جوانانی که امیدهای خانواده‌هایمان و امید نسل جوان هستیم و از مسائل و بحث‌های سیاسی گریزانیم و شانه بالا میاندازیم که کاری از ما ساخته نیست.! وای بر ما! انسانهائیکه حتی انسانیت را فراموش کردیم و اگر در همسایگی مان هموطنی زندگی کند و از گرسنگی و یا بی پولی و یا بیماری و ... در عذاب باشد، کك مان هم نمی‌گزد.

وای بر ما جوانانی که دیگر همه چیز را فراموش کردیم و با کثافت‌کاری‌های خود، دزدی، قاچاق و مردم آزاری و ... نام ایران و ایرانی را به ننگ آلودیم. وای بر ما دخترانی که معنای آزادی و آزاد بودن را ندانستیم و خود را به گنداب متعفن رسوایی انداختیم و باز نام خود و هموطنان مؤنث دیگرمان را با شرم و بی آبرویی و ننگ آلودیم. وای بر ما!

وای بر ما دانشجویانی که به قصد تحصیل و آدم شدن و مفید شدن به خارج آمدیم و امروزه کتابها را بوسیده‌ایم و کنار گذاشتیم و بدون هیچگونه مسئولیتی در مقابل جامعه و خانواده ای که بسختی ارز مورد لزوم ما را تهیه می‌کنند، دنبال خوشگذرانی و بیخیالی رفتیم. وای بر ما ...

جوانان، دانشجویان، خواهران، برادران، هموطنان عزیزم، بس است. بخود آئیم. تا کی چشم بسته زندگی کنیم و حقایق اطرافمان را نبینیم. آیا وقتش نیست که دوباره کتابها و قلم ها و مغزها را به کار اندازیم. آیا وقتش نیست که از خواب بیدار شویم. آیا وقتش نیست که به فکر هموطنان مان، خویشان و دوستان و جوانان و کودکان که در جهنم سوزان خمینی دست و پا میزنند، بیفتیم. آیا حقیقتا از ما کاری ساخته نیست؟

از من و تو شاید نه. اما از همه ما هم کاری بر نمی آید؟ میدانم در ته قلب همه مان عشق به وطن عشق به آزادی و استقلال عشق به زندگی نوین عشق به ممنوع پنهان است. چرا باید پنهان باشد؟ میدانید که عشق تا زمانیکه نهفته است در معرض هلاکت و نابودی است. درد دل را آغاز می‌کنید، آخر فلان و آخر بهمان ... از سازمانهای سیاسی دلخوشی ندارید. از فلان شخص سیاسی رفتار درستی ندیده‌اید و یا اشتباه یك فرد و یا یك سازمان را به پای همه جنبش می‌گذارید، با خود می‌گوئید سازمانهای سیاسی داغون شده‌اند، دیگر کسی وجود ندارد، خمینی همه و همه چیز را در دست گرفته و حالا حالاها نظام فاشیستی‌اش بر قرار است. اعتماد به رفقا و دوستان و سازمانها و افراد سیاسی را بطور کلی اعتماد به همه را و حتی اعتماد به نفس خود را از دست داده‌اید برای چه؟ و چرا؟ بماند! شاید تا اندازه‌ای هم حق داشته باشید. اشتباهات بسیار بودند. اما راه حل چیست؟ بر سر جسد "سهراب" باید گریست و یا تجویز نوشدارو بعد از مرگ سهراب را کرد. بالاخره راه حلی موجود است. با ندبه و زاری به جائی نمیرسیم. بخود آئیم.!

بقیه در صفحه ۳

در جواب رفیق باید بگوئیم که ستونی که رفیق خواهان آن هست در نشریه ستاد بر روی همه خوانندگان مبارز باز است و مورد استقبال ما.

در ضمن یاد آور میشویم که لزوما مطالب بیان شده نقطه نظرات ما نمیباشد.

۵ سال رزم خونین کردستان

از صفحه ۱

رژیم که برای این حمله تدارک فراوانی دیده بود و ستونهای ارتشی و سپاهیانش را حتی از شهرهایی چون تهران ،تبریز، اهواز ،بوشهر ،شیراز ،... به منطقه آورده بود ، امید داشت در عرض چند روز مقاومت خلق کرد را در هم شکسته و پیروزمندانه بر قله فتح قرار گیرد. اما چقدر در اشتباه بود. آنچه که گذشت پنج سال نشان داد این بود که علیرغم "پیروزی‌ها" اولیه رژیم و اشغال شهرها توسط ارتش و پاسداران ،رژیم با آنچنان مقاومتی روبرو گشت که حتی تصور آن نیز در فکرش نمی‌گنجید. هدف قراردادن سنگرهای انقلابیون و خانه‌های بیدفاع مردم در شهرها و روستاها توسط توپ و خمپاره و موشک‌های هوا به زمین ،نه تنها مقاومت مردم را درهم نشکست بلکه اراده آنها برای ادامه مبارزه را راسخ تر نیز نمود.

براستی رژیم چقدر در اشتباه بود اگر فکر می‌کرد که خلق کرد ،با آن سابقه درخشان مبارزاتیش ،با آن اراده پولادینش و با آن عزم راسخش در مقابل مزدوران و جاشهای جنایتکار ،در مقابل اعدام وشکنجه مردم و انقلابیون توسط جلادانی چون خلخالی و در مقابل سلاحهای آمریکایی از شاه به ارث رسیده‌اش ،از خواستهای بحق خود چشم خواهد پوشید و عقب خواهد نشست.

در طول این پنج سال رژیم به هر تاکتیک و نقشه‌ای ،به هر حربه وحیله‌ای و به هر جنایتی متوسل گشته است تا "مشکل" کردستان را از پیش پای خود بردارد. از استفاده از بمب‌های فسفری گرفته تا ادغام جنگ با خلق کرد و جنگ با عراق در عملیات والفجر. اما هر بار خلق قهرمان کرد و در پیشاپیش آن پیشمرگه‌های دلاورش آنچنان خیالات رژیم را نقش بر آب کرده‌اند و آنچنان شکستی نصیبش کرده‌اند که امروز حتی نام کردستان لرزه بر اندام سردمداران و مزدوران رژیم می اندازد.

علیرغم استفاده رژیم از نیروی انسانی وسیع و سلاحهای پیشرفته‌ای که از امپریالیستها دریافت می‌کند، پیشمرگه‌های خلقکرد با سلاحهای ساده و به غنیمت گرفته شده از مزدوران متجاوز رژیم قدرت مانورهای عملیاتی را در بیشتر نقاط کردستان از رژیم سلب نموده‌اند. پیشمرگه‌ها ستونهای ارتشی و پاسداران را در جاده‌ها به دام انداخته وبه آنها تلفات سنگین وارد میسازند ،رژیم درمانده و ناتوان به تلافی انقلابیون اسیر را اعدام می‌کند. علیرغم محاصره اقتصادی رژیم، پیرمردها و پیرزنها ،بچه‌ها و خانواده‌ها برای پیشمرگه‌ها آذوقه و امکانات فراهم می‌کنند. رژیم عاجز از رودرویی با رزمندگان خلق کرد خانواده‌ها را کوچ داده و تبعید می‌کند. اینطور به نظر میرسد که هر چه رژیم در کردستان می‌کند به ضد خودش بدل می گردد. براستی که هر چه از قهرمانیها و دلاوریهای خلق کرد و کردستان ،این قلب انقلاب ایران و همچنین از اهمیت این مبارزات در سرنوشت انقلاب ایران بگوییم کم گفته‌ایم.

رژیم جمهوری اسلامی با حمله خود به کردستان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ خاطره شوم کودتای ۲۸ مرداد را در یادها زنده کرد. خلق کرد سرانجام ،بهمراه دیگر خلقهای ایران خاطره روزهای قیام پر افتخار بهمن را به اذهان خواهد آورد و لاشه متعفن و گندیده این رژیم ددمنش و قرون وسطایی را برای همیشه از صحنه ایران محو خواهد نمود.

مشروعه طلبان دیروزی حاکمان امروزی

از صفحه ۱

در چهاردهم امرداد این سال ۸۷ سال از عمر انقلاب مشروطه بعنوان رویدادی تاریخی و گرانبها در تاریخ میهنمان میگذرد. خاطر مجاهدتهای و مبارزات قهرمانانه رادمردان و شیرزنان جنبش مشروطه بعنوان طلایه‌داران راه آزادی و استقلال ایران همواره چون سنتی پاك و فراموش ناشدنی ،بحق یکی از افتخارات ملی و میهنی ما بوده که با الهام از آن در گذشته خلقها مبارزات خود را تداوم بخشیده‌اند.

نیاکان ما که در یکی از سیاهترین اعصار تاریخ ایران بقدرت آتش سلاح خونش به جنگ استبداد دربار فاسد قاجار و دول استعماری پشتیبان آن رفته بودند علیرغم جانفشانیها و دستاوردهای فراوان جنبش مشروطه سرانجام در نتیجه زدوبند عناصر متزلزل و خیانتباران نیمه راه و دسیسه‌های دشمنان خارجی آرزو و وظیفه بیدار کسب آزادی و استقلال واقعی ایران را از نسل قهرمان قیام بهمن ۵۷ طلب کردند. و براستی که بر سرزمین ستار و حیدرو باقر چه خونها که بر حفظ این پیمان عظیم ریخته نشد.

دریغ و درد که مشروعه طلبانی که در انقلاب مشروطه نیز اسلافشان در کنار دربار محمدعلی شاه بر مجاهدان و آزادیخواهان دیروز شمشیر می کشیدند در اثر ضعف و پراکندگی نیروها و دیگر علل تاریخی - اجتماعی پیش از قیام بهمن ،این بار در هیبت "جمهوری اسلامی" انتقام تاریخی و ضدانقلابی خود را از هر آنچه بوی آزادگی و انقلابیگری و عرف ملی میداد، از ستمدیدگان ایران کشیده‌اند.

شگفت آور نیست که مقبره ستارخان و دیگر رهبران جنبش مشروطه با بغض و کین اینان با خاك یکسان میشود، وقتی که "سرداران ملی" اینان عملگان استبداد محمد علی شاهی از قماش شیخ فضل اله مرتجع میباشند.

در سالروز جنبش مشروطه و پیش روی داشتن دفتری خونبار و پر افتخار از مبارزه برای کسب آزادی و استقلال ایران درسهای گرانبهای این جنبش و انقلاب ۵۷ که پیروزی واقعی را در گرو رهبری زحمتکشان و نه دنباله روی آنان از عناصر متزلزل و سازشکار میبیند، یکبار دیگر به خون تمامی شهدای ۸۷ سال نبرد بی امان بر علیه ارتجاع و امپریالیسم سوگند یاد کنیم تا براه آنان وفادار باشیم و پرچم خونینشان را بردوش کشیم.

یاد و پیام انقلاب مشروطه گرامی بـاد

تظاهرات ایستاده در مقابل سفارت پاکستان در لندن

در روز پنجشنبه ۱۹ جولای تظاهرات ایستاده ای در مقابل سفارت پاکستان در افشای توطئه دولتین ایران و پاکستان برای استرداد پناهندگان و همچنین در اعتراض به رفتاروحشیانه دولت پاکستان نسبت به پناهندگان سیاسی ایران و ضرب و شتم قراردادن آنها از طرف "کمیته دفاع از پناهندگان سیاسی ایران در پاکستان" در لندن برگزار شد . در پایان خواستهای تظاهرات که قطع فوری هرگونه رفتار وحشیانه با پناهندگان سیاسی ایران و قطع هرگونه تهدید در مورد تحویل پناهندگان به دولت ایران بود توسط نمایندگان کمیته دفاع . . . . . . به مسئولین سفارت پاکستان در لندن تحویل داده شد .

مرگ بر دولت ضد خلقی روس و ایادی داخلیش

تجدید پیمان با شهدای ۳۰ خرداد ۶۰

در بعد ظهر روز چهارشنبه ۲۷ ژوئن در دانشگاه لندن ,سازمان ما (ستاد ـ بخش انگلستان) مراسم بزرگداشتی برگزار کرد .سالن برگزاری مزین شده بود از تصاویر رفقای شهید ی همچون سعید سلطانپور ,مهدی علوی شوشتری ,موسی خیابانی و قاسم صراف زاده (یکی از بنیانگذاران ستاد در ایران) و....... همچنین برفراز هر تصویرستاره‌ای میدرخشید به فروزندگی آرمان تمامی شهدای راه خلـــق .

مراسم بایک دقیقه سکوت در تجلیل واحترام به تمامی شهدای خلق گشایش یافت ابتدا مقاله‌ای توسط یکی از رفقا قرائت شد که برضرورت ادامه مبارزه خلق تا نابودی کامل امپریالیسم ورهائی این رژیم " اللهی " تاکید داشت .درقسمتهایی ازاین مقاله چنین آمده است . " مبارزات قهرمانانه خلقهایمان درسالهای ـ ۵۷ ـ ۵٦ باقیام پرشکوه بهمن میرفت تاضربات مهلکی برارتجاع وامپریالیســم واردآورد .... باغلبه رهبران سازشکار قیام بهمن نتوانست به یک جمهوری دمکراتیکی که مبین خواستههای اکثریت تودهاباشد مبدل گردد و سرانجــام رژیم درکشمکش بین انقلاب و ضد انقلاب باکودتادی ۳۰ خرداد درمقابل انقلاب ایستاد ..... باوجود اختناق شدید ,دستگیریها ی فراوان ,شکنجه واعدام وحشیانه ,درطول دورانهای بخصوص بعد از ۳۰ خرداد ٦۰ ,مبارزات خلقهای ایران یکدم نایستاد وهرکجا که توانست صدای اعتراض خود رابلند نمود .تظاهراتهای تودهای دزفول ـ مسجد سلیمان بعد ازآن افسریه تهران واخیرا چالوس نمونههای آن میباشند ..... چرا باوجود شدید تربودن فشارهای اقتصادی وسیاسی و باوجود بالا بودن سطح آگاهی عمومی ووجود نیروهای انقلابی در ایران انقلاب نمیشود و رژیم خون آشام خمینی سرنگون نمیگردد . اساسی‌تــرین عامل راباید درنبود یک آلترناتیو جستجو کرد .... دراین دوران کردستان قهرمان بعنوان سنگر همیشه مقاوم خلقهای ایران بانثار خونهای فراوان سربلند ایستاد وتسلیم نشد .... متاسفانه دراین دوران جنبش دانشجویـــی ما باضربه خوردن سازمانهای مختلف درایران ,درخارج نیز این ضرباتتاثیرات خود رادربرخی از سازمانها گذاشت ......هواداران که در جنبش دانشجوئی مبلغ پشت جبهه این یاآن سازمان بودند متاسفانه پاشیده شدند وبخشا بی عمل نیز گشتند " .

درادامه برنامه دوسرود بهنامهای " برپای هموطن " و " سپیده در حال دمیدن است " بوسیله رفقا اجرا شد . درقسمتی دیگر از برنامه دوقطعه شعربه نامهای " درجستجوی بهشت " و " مرداد ـ بهمن ـ خرداد " بوسیله رفیقی که سروده شده بود ,اجرا گردید . شعر تمامی آنچه راکه برمیهن ماگذشته بود بیــان مــی نمود .



در سرزمین بخون نشسته من !
... بهنگام بازگشت آن رهبــر ؟
نمیدید آیا شوق این خلق پراز مهر و پراز باور ؟
ویاچشم بصیرت راخالی بــود ؟
زمان آیا نبود کافـــی ؟
بهای عدل و آزادی ،
مگر بالاتراز جان میتوان پرداخت ؛
واین خاک شهیدان بود که راه آمدش راساخت !
... بیاد آریــم " بهمن را ز مرداد " !

سپس نمایشنامه کوتاهی که یکی ازبازداشتگاههای رژیم ددمنش خمینی را نشان میداد ,که شکنجه‌گری باشلاق مشغول اعتراف گرفتن از یک زندانی سیاســـی بود ,استقامت و مقاومت زندانی ,تبلوری از درد ورنج این خلق محروم بــود که تاپای مرگ ,دم برنیاورد و رســم شهیدان راحفظ کرد .

درقسمتی دیگراز برنامه بحث آزاد برگزارشد که رفقائی در بحثها شرکت کردند . ودرآخربرنامه نمایشنامه کوتاه دیگری تحت عنوان " عباس آقا " کــارگـــــر توسط چندین تن از رفقا اجرا گردید . و جلسه درمیان کفزدنهای حضار و باشعارهائی از قبیل زنده وجاوید باد یاد شهیدان ما ,مرگ برخمینی ,زنده باد انقلاب و .... مراسم خاتمه یافت .

دوستان، هموطنان مبارز
سازمان ما به کمک‌های شما
نیازمند است ما را در این راه
یاری رسانید.

آدرس ما

B.M Box 8561
London WC1N 3XX

I.S.A PoBox 1423
Jeff.City Mo.65101
U.S.A

پناهندگان ایرانی وفشار رژیمهای ارتجاعی

از صفحه ۱۰

از چند متری حدود نیم ساعت وضعیت آنها را تماشا میکند و سپس بدون هیچ اقدامی آنها را بر میگردانند. شاید هم متخصصین امپریالیستی در حال مطالعه تاثیرات شاهکار مدرن شان بوده اند و در فکر چگونگی تکمیل آن. و جالب اینجاست که وقتی جوانان ایرانی اعلام میکنند که از هواداران سازمانهای مترقی ایران هستند ـ سازمانهایی که حداقل برای دار و دسته سوسیالیست های قلابی فرانسه خیلی هم ناآشنا نیستند ـ این توضیحات نه تنها کمکی نمی‌کند بلکه خشونت و ضدیت ماهوی آنها را آشکار‌تر نیز میسازد.

به سه نفر آمپولهایی تزریق میکنند که تاثیرات اولی را از بین می برد ولی یک نفر باقیمانده را پلیس‌ها بهمان صورت و پس از دو روز سوار هواپیما میکنند و بهمراه پنج نفر دیگر دست‌بسته و تحت نظارت چندین پلیس روانه استانبول میکنند. در استانبول پلیس فرانسه آنها را تحویل هم مسلکان ترکیه‌ای شان میکنند. در "کلانتری فرودگاه" پنج نفر بازداشت میشوند و نفر ششم که پلیس ترکیه از تشخیص وضعیتش عاجز مانده بود تحت عنوان اعتیاد شدید به بخش زندان تیمارستان منتقل میشود. پس از گذشت بیشتر از یک شبانه روز و با کمک پنج نفر بقیه، تیمارستان قادر میشود از وضعیت جوان ایرانی مطلع شده و مداوای لازم را انجام دهد. بعد از سه روز هر شش نفرشان توقیف شده و به زندان بایرام پاشا منتقل میشوند و بدون تردید یک مدت دیگر هم در زندان خواهند ماند. لازم به یادآوری است که ترکیه و فرانسه از جمله کشورهایی هستند که در ارتباط با سازمان ملل، باید ایرانیان را بپذیرند و حتی بخاطر هر نفر مقداری هم پول از سازمان ملل دریافت می کنند تا امکانات "رسیدگی" داشته باشند.

در توضیح وضعیت ایرانیان در خارج از کشور، وقایع و گزارش های متعدد دیگری نیز موجودند که حاکی از به زندان افتادن های فردی و گروهی در کشورهای مختلف خصوصا ترکیه، حاکی از مورد ضرب و شتم قرار گرفتن‌ها، مبارزات اعتراضی از جمله اعتصاب غذاها در کشورهای مختلف می‌باشد، ما فقط چند نمونه از آنها را منعکس کردیم.

همینجا باید خاطر نشان کنیم، حتی اگر هم نادر باشد خبرهایی مبنی بر رفتار و اعمال نادرست و حتی غیرانسانی مشتی ناچیز از مهاجرین نیز بگوش می رسد. جا دارد که تمامی هموطنان در خارج از کشور اعمال این چنینی را شدیدا تقبیح و محکوم نمایند. نباید اجازه دهند یک چنین کردارهایی که بهرحال یکی از مشخصه‌های هر جامعه تحت استثمار می باشد به حساب تمام مهاجرین و خصوصا به حساب پناهندگان سیاسی گذاشته شود.

در رابطه با وضعیت ایرانیان در خارج از کشور دو موضوع از اهمیت بسزایی برخوردار است، یکم اینکه مسئولیت تمام این نابسامانیها و بعنوان ریشه اصلی آنان، مسئولیت وضعیت کنونی ایران بر عهده خمینی و دار و دسته‌اش میباشد. این یکی را دیگر حتی عقب مانده ترین بخش افکار عمومی هم پذیرفته است. بنابراین هموطنانی که راهی خارج از کشور شده‌اند و تعدادشان نیز شدیدا افزایش یافته است، نباید بهیچگاه از علت اصلی اوضاع کنونی غافل شوند. باید تحت هر شرایطی که باشند و به هر نحوی که می توانند در جبهه مبارزه بر علیه دار و دسته جنا‌یتکار حاکم شرکت کنند و از مبارزات تبلیغی و بسیجی خارج از کشور گرفته تا گرمترین مبارزات درون ایران این جبهه را یاری رسانند. ناگفته نماند در اینجا و در هر جائی روی سخن ما با کسانی است که هنوز دل در گرو آزادی این مردم دارند. والا ما را با کسانی که سر به چاکری این یا آن امپریالیست نهاده‌اند و با همنشینان آنان کاری نیست. بعضی از آنها حتی با اسکورتهای ارتش و پلیس ترکیه از رابطهای مرزی تحویل گرفته میشوند و پس از اقامت کوتاه در هتل‌های هیلتون یا شرایتون، برای آستانبوسی به بارگاه اربابانشان منتقل می شوند. و دوم اینکه در رابطه با قسمت قبل و با در نظر گرفتن ابعاد وسیع ایرانی‌ها که در کشورهای مختلف پراکنده شده‌اند ضرورت یک سازماندهی مناسب و کاری بیش از پیش نمایان می شود. از جمله وظایف این سازماندهی باید آگاه کردن آن بخش از هموطنانمان باشد که در فکر یک " زندگی بهتر " برای خود عازم خارج از کشور شده‌اند.

کمیته‌های دفاع از پناهندگان در همه جا باید تشکیل شود و حتی در ارتباط با هم قرار داشته باشند. بدینترتیب امکانات آنها از هر لحاظ گسترده‌تر خواهد گشت. در عین حال قادر خواهند بود بنحو صحیح تر و موثرتری مراجع بین المللی را برای رسیدگی به وضع پناهندگان تحت فشار قرار دهند. نیاز به تاکید مجدد دارد که هر صدای اعتراضی هر چقدر هم که ضعیف باشد باید در خدمت مبارزه با رژیم قرون وسطائی خمینی و سرنگونی آن قرار گیرد.

درحاشیه بحرانهای درون حکومت

است حاضر است واردات آهن را در دست بگیرد، نوبت های یکساله را از بین ببرد، بازار سیاه را از بین ببرد، قیمت آهن را از این هم که هست بیشتر نکند ده درصد بیشتر از این مبلغی که دولت از تجارت آهن سود میبرد به دولت بدهد . . . مگر این آقایان خود ما بها نگفتند و اقرار نکردند ما طرح میدادیم ترور شخصیت می کردیم . . . . این خطرا کشف کنید خیلی حقایق معلوم خواهد شد . علت بازار سیاه معلوم خواهد شد ، ریشه گرانیها هم کشف خواهد شد . . . . (هفته نامه شماره ۱۷ و ۲٦ آذر بنقل از کار ۱۷٦) . درباند های مختلف در عرصه سیاست اقتصادی، یکی سود شرا در دولتی کردن می بیند و جناح مقابل را عاملین غرب و دیگری منفعتش را در تجارت آزاد دیده و جناح مقابل را عاملین شرق می خواند . البته عوامل وگرایشات مختلف در درون طرفداران هریک ازاین دو روش وجود دارد . دعواهای سیاست اقتصادی در همه زمینه‌های موجود است و جنگ در تمام عرصه‌ها گسترده و در هر عرصه‌ای جناحهای مختلف در ارگانهای مختلف نمایندگان خود را دارند . در ارتش سپاه و کمیته‌ها و . . . . و وقتی که در نقطه‌ای از کشور یکی بر دیگری غلبه می یابد سعی در تغییر عناصر ارگانهای قدرت بنفع خود میکند . نمونه بارز آن انحلال کمیته بروجرد است . در کیهان ۲۰ خرداد ٦۳ میخوانیم که یک مقام آگاه در بروجرد اعلام کرده است که منحل شدن کمیته " انقلاب " بروجرد ناشی از وجود افراد غیرقابل تائید در کمیته بوده است .

رژیم جمهوری اسلامی با بحران عظیم اقتصادی وسیاسی روبروست. این بحرانها ناشی از روابط اقتصادی و اجتماعی منحط و عقب افتاده و بخاطر وابستگی شدید اقتصادی و بعضاً سیاسی به امپریالیستهاست ، با رشد مبارزات مردم از یکطرف و شکست برنامه های رژیم در زمینه‌های سیاسی واقتصادی از طرف دیگر باعث تشدید تضاد های درونی رژیم خواهد شد و تمام مهره‌های رژیم را به رو در روئی هرچه بیشتر با یکدیگر خواهد کشاند . باند های مختلف برای برتری بریک -

بقیه در صفحه ۳

فرخی آوازخوان انقلاب

بقیه از صفحه ۱۶

آمپول هوا و با کمک عده‌ای ویرا بقتل رسانیده است.

دشمن امید داشت که با مرگ فرخی و دیگر میهن پرستان شعله فروزان مبارزات ملی مردم را یکباره و یا برای مدتی طولانی خاموش گرداند. این پندار در سراسر تاریخ گریزگاه فکری فرمانروایان ستمگر وحکومتهای فاسد و ضد ملی بوده است و در سراسر تاریخ نیز بطلان آن به ثبوت رسیده.

فرخی شاعر توده‌ای در تاریخ فرهنگ و ادب میهن ما و نزد آزادیخواهان ایران چهره‌ای آشناست او در جامعه‌ای پا به عرصه وجود گذاشت که دربدری و نابسامانی بی حد، فقر و فلاکت، بی عدالتی، ظلم و همه و همه در صحنه جامعه بطور عریان آشکار بود. در آن میان که برای الفاظ فداکاری، آزادیخواهی و میهن پرستی که آلت اجرای مقاصد پست و شرم‌آور مشتی بی‌خرد طماع و جاه طلب بود مصداق حقیقی بشمار می رفت. قلم او هرگز از راه آزادیخواهی و عدالت انحراف نجست و مضمون اشعار وی سرشار از عشق و محبت به خلق و مملو از کینه و نفرت نسبت به دشمنان خلق است.

از خدمات او به عالم فرهنگ و آزادی ایران می‌توان از روزنامه طوفان که در سال ۱۳۰۰ خورشیدی انتشار یافت نام برد در صفحات این روزنامه اغلب به حقگوئی و طرفداری از ملت سخن می‌گفت و به همین خاطر کرارا توقیف میشد و به صورت بی دربی انتشار نیافت ولی به این توقیفها اعتنایی نداشته و افکار خود را تحت نشریات گوناگون به عناوین مختلف از قبیل ستاره شرق و قیام و پیکار و غیره منتشر کرد.

او که میدانست که در قبال فریادهایش حبس و تبعید و ضرب و شتم و هر نوع مصیبتی مستور است ولی با اعتقاد به این گفته ولتر که "حقایق را بگوئید و مردم را آگاه سازید ولی مطمئن باشید که کشته خواهید شد" به مبارزه‌اش ادامه میداد.

آثار فرخی از لحاظ ارزش ادبی مورد توجه و ستایش فرهنگیان و ادباء فارسی زبان و خاورشناسان یکی از مفاخر ادبی قرن اخیر ایران بشمار میرود. در بین ایرانیان کمتر کسی است که قسمتی از اشعارش را حفظ نداشته باشد و هم اکنون بعد از چندین سال از شهادتش میهنی که فرخی می‌پرستید و فرزندانش، فرزندانی که فرخی بخاطر آزادیشان جان شیرین خود را فدا کرد در دست یک مشت جنایتکار که به ناحق عنان انقلاب شکوهمند بهمن ماه را بدست گرفته و با بی رحمی و شقاوتی بیش از پیش فرزندان این خاک و بوم را بخون میکشند افتاده این غزل او خالی از مضمون نیست.

نای آزادی کند چون نی نوای انقلاب
باز خون سازد جهانرا نینوای انقلاب

انقلاب ما چو شد از دست ناپاکان شهید
نیست غیر از خون پاکان خونبهای انقلاب

اندر این طوفان خدا داند که کی غالب شود
ناخدای ارتجاعی یا خدای انقلاب

تا تو را در راه آزادی ترصد چاک نیست
نیستی در پیش یاران پیشوای انقلاب

با خط برجسته در عالم علم گردد بنام
آنکه بگذارد بدوش خود لوای انقلاب

گر رهد دستم ز دست این گروه خودپرست
با فداکاری گذارم سر بپای انقلاب

دل چه می‌خواهم نباشد در خط عشق دوست
جان چه کار آید نگردد گر فدای انقلاب

روانش شاد و یادش گرامی باد

زنده‌ای و نام تو در خاطر مردان حق
نقش بست و قرنها گردد بیان

در حاشیه بحرانهای درون حکومت

"چرا باید هرچند بار رهبر معظم انقلاب اینچنین فریاد زنند وکجی‌ها و ناخالصی ها، ایشان رانگران سازد". (منتظری ـ اطلاعات ۱۳ اسفند ۶۲)

وجود دار و دستهها، دزد ها و باند بازیهای مختلف در درون رژیم جمهوری اسلامی امریست واضح و اجتناب ناپذیر. علیرغم فریاد های ظاهری کلیه این دار و دستهها برعلیه قدرتهای خارجی (که اخیرا از شدت آن نیز کاسته شده است) تضاد های اصلی بین این دار و دستهها برسر وابستگی به این یا آن ابرقدرت و بر سر چگونگی سرکوب انقلاب ایران است. هرکدام ازاین باند ها سعی دارد ایران رابسوی ابرقدرتی که خود به آن متمایل است سوق دهد. دار و دستههای مختلف که تاقبل از ۳۰ خرداد ۶۰ برسرسرکوب دستاورد های قیام بهمن وبزیرکشیدن عناصر وجناحهای خلقی از درون رژیم متحد گشته بودند وپس از آن محور اتحاد جدیدی یافتند. محور جدید که تقریبا اکثر جناحها برسرآن یکنوعی وحدت داشتند و خمینی خائن هم طبل آن می کوبید جنگ بود. ولی حتی درمورد جنگ نیزهستند کسانی که ادامه آن رابه نفع موقعیت خویش نمی بینند، اما ازآنجائیکه سیاست عمومی رژیم و سیاست شخص خمینی ادامه جنگ است، جرئت ابراز نظرشان رانمی کنند. از همین زاویه است که خامنهای مسئله "برخورد قاطعانه با میکروبهای سیاسی درفضای معنوی جبهه‌ها" را مورد تاکید قرار میدهد. (رادیو رژیم ـ ۲۳ خرداد ۶۲). البته جنگ قدرت درهمه زمینههای سیاسی واقتصادی تبلوریافته است وکشمکشها بعد بسیار وسیعی دارند. بعنوان نمونه می توان از اختلافات دردوران انتخابات دوره دوم مجلس نام برد که درچندین شهرایی اختلافات به درگیری مسلحانه هم منجر گشته وانتخابات درهماشهرباطل شده، و به مرحله دوم انتقال یافت.

درزمینه اقتصاد داخلی وواردات وصادرات نیز تضاد ها بسیار شدید ند وتاکنون رژیم از اجرای یک برنامه مشخص دراین زمینه عاجز مانده است. سخنان حسینی‌نیا نماینده رژیم از رودسر در دوره اول مجلس مندرج در اطلاعات ۰ خرداد ۶۳ گویای این مسئله است. "....... اکنون ۰ سال از استقرار نظام جمهوری ـ اسلامی گذشته است. این مسئله ذهن نیروهای انقلابی این کشور رامی آزارد که مابا چه سیستم اقتصادی دراین کشور زندگی میکنیم. شعارهای علیه خان، سرمایه دار، فاسدان وزورگویان که یکی از محرکین انقلاب بود .... آنسوی دیگر قضیه بعد از گذشت چندی برادران ودوستان دیگر آمدند وگفتند ـ اینها (یعنی خان، سرمایه دار و ....) نیروهای کارآزموده مطلع، دانا مدیر ومدبرند." یک نمونه دیگر، پوراستاد تاجرآهن، نماینده مجلس وعضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی درششمین اجلاس اتاقهای بازرگانی سراسر کشورکه درآبانماه ۶۲ برگزارشد چنین می گوید: "....... آقا این جوانها که تخصص ندارند بیایند لااقل از تجربه بازارها استفاده کنید.... صنف آهن فروش حاضراست ومن پیشنهاد داده که باهمین ارزی که فعلا دولت برای آهن اختصاص داده

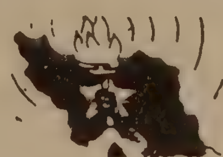
بقیه در صفحه ۱۴

ISA(SETAD)
P.O.BOX 780
STATION P
TORONTO-ONT.
M5S-2Z1
CANADA

ستاد

شماره ۳۰ — مرداد ۶۳

اخبار ایران



بعد از دیدارسران نظامی کشورهای عضو "پیمان شورای همکاری خلیج " تصمیم گرفته شد که کشتیهای نفت کش توسط هواپیماهای این کشور اسکورت شوند تا از خطر حملات ایران براین کشتیها جلوگیری شود .

٤ آواکس آمریکایی که درعربستان سعودی قراردارند اطلاعات مورد نیاز راد رمورد حرکت هواپیماهای منطقه به هواپیماهای اسکورت راخواهند رساند . به این علت رفت وآمد کشتیهای نفت کش بمنطقه زیاد شده وصادرات عربستان سعودی نیز افزایش یافته است . صادرات نفت ایران که در اوائل جنگ دریائی، زدن کشتیهای نفت کش کاسته شده بود بخاطر تاثیر نکردن آن در رفت وآمد کشتیها از ۸۰۰ هزار بشکه به ۱/۸ میلیون بشکه رسیده است .(گاردین ۲٦و ۲۷ ژوئن ۸٤)

جنگ ایران وعراق و منافع امریکا وشوروی

جرج شولتز وزیر امور خارجه امپریالیسم امریکا گفتکه : ایالت متحده امریکا واتحاد شوروی درباره جنگ ایران وعراق نگران هستند ولی مسئله جنگ ایران وعراق یک مسئله‌ای است که به تصادم روابط غرب و شرق مربوط نمی شود . او اضافه کرد ما کمی اختلاف منافع داریم اما هردوما اساسا خواهان باز ماندن آبراه بین المللی هستیم (مصاحبه باسی . بی . ان) او اضافه کرد که امریکا و دیگر کشورهای غربی درمنطقه حضورنظامی دریائی دارند وامریکا از ادامه کمکهای خود بعد وستان درمنطقه دریغ نخواهد کرد . اما آمریکا خواهان آن است که مسائل منطقه توسط کشورهای منطقه حل وفصل شود . این اعلام موضع از طرف شولتز برمبنای اختلافات امریکا باامپریالیستهای غربی است که امریکا خواهان کاستن نفوذ آنها (امپریالیستهای غربی) در منطقه یعنی دورکردن ناوگانهای آنها از منطقه می باشد .

اخبارجهان



به دنبال اعتصاب غذای زندانیان مبارز سیاسی ترکیه که از اوائل ماه ژانویه شروع شده و دهها نفر از این مبارزین به شهادت رسیدند اخیرا زندانیان سیاسی از اواسط آوریل دست به اعتصاب غذای مجدد زده اند . ۳ نفر از اعتصابیون در دومین هفته ماه ژوئن درزندان استانبول به شهادت رسیده اند و ۱۲ زندانی دیگر به علت وخامت وضع دربیمارستان بسرمیبرند ودرخطر مرگ حتمی قراردارند

خواستهای زندانیان سیاسی عبارتند از :

۱ ـ برسمیت شناختن حقوق سیاسی
۲ ـ لغو حکم اعدام
۳ ـ قطع شکنجه
٤ ـ آزادی اجتماعات وتشکیلات درزندان
۵ ـ ملاقات وکیلان و خانوادهایشان
٦ ـ رفت وآمد آزاد درزندان
۷ ـ داشتن رادیو وتلویزیون ومطبوعات

نخست وزیر ترکیه گفت که قبول هریك از این خواستها غیرقابل قبول است و در مورد برسمیت شناختن سیاسی بودن این زندانیان گفته است که دراین کشور حتی یك زندانی سیاسی وجود ندارد ..

دوره دوم اعتصابات غذا از ۱۱ آوریل درزندان "میترس" و " ساقمال چیلار" شروع شد .

بعد از کودتای نظامی بیش از ۳۰ هزارنفر دستگیر شده ودرزندان بسرمیبرند یك مقام ترکیه گفته است که ما به هیچیك از خواستهای زندانیان تن نخواهیم داد اگر همشان هم بمیرند ماتسلیم خواستهای "تروریستها " نمی شویم .

همچنین درمحاکمه سری دیگری از زندانیان سیاسی ۲۷ نفر به اعدام ، ۷ نفر به حبس ابد و ۱۲۵ نفر به زندانهای تا ۲٤ سال محکوم گردیدند .

دومین سالگرد شهادت شهرام میرانی

مطلب زیر توسط رفقای ما از هند ارسال گردیده است .

به مناسبت بزرگداشت دومین سالگرد شهادت رفیق شهرام میرانی .

در مسلخ عشق جز نکو را نکشند روبه صفتان زشت‌خو را نکشند
گر عاشق صادقی ز مردن مهراس مردار بود هرآنکه او را نکشند

امروز ما گرد هم آمده‌ایم تا خاطره سرخ همرزممان را که به دست ناپاك دژخیمان خمینی جلاد به خاك و خون کشیده شده گرامی بداریم. رژیم ددمنش و واپس‌گرای جمهوری به غایت ارتجاعی اسلامی باخیال باطل بر اینکه با زور و استبداد بتواند دمی چند بر زندگی ننگین خود بیافزاید و با بکار بردن حربه‌های متفاوت چهره کریه خود را آب و رنگی تازه ببخشد غافل از اینکه هوشیاری نیروهای انقلابی هر آنچه چند صباحی به خاطر اختناق مرگبار خمینی از کار علنی خود کاسته‌اند لیکن هرگز از وظیفه انقلابی خود که خدمت به خلق و آرمانهای والای آن میباشد دست بر نداشته و پس از هر ضربه با سازماندهی بهتر وتجربه از اشتباهات گذشته مصمم و راسختر به راهشان ادامه میدهند.

بقیه در صفحه ۵

فرخی آوازخوان انقلاب

دوستان هیئت تحریریه ستاد چون ماه تیر با شهادت شاعر آزادیخواه ایران فرخی یزدی مصادف است از این جهت نوشته زیر که در گرامیداشت اوست برای شما می فرستم که در صورت قبول در نشریه ستاد به چاپ رسد. متشکرم

بیاد فرخی یزدی شاعری آزادیخواه و مبارزی خستگی ناپذیر

روزی است که اقدام غیورانه کنیم * از پیر و جوان جنبش مردانه کنیم
وآن کاخ که آشیانه فتنه بوده * با آلت انتقام ویرانه کنیم
"فرخی یزدی"

در آبانماه ۱۳۱۸ رئیس زندان وقت یاور نیرومند بوسیله نامه‌ای به اداره آگاهی تاریخ مرگ و علت آنرا چنین اطلاع داد.

محمد فرخی فرزند ابراهیم در تاریخ ۱۳۱۸/۷/۲۵ به مرض مالاریا ونفریت فوت کرده است ولی بطوریکه در ادعانامه دادستان (در محاکمه عمال شهربانی بیست ساله) ذکر شده اینست که پزشك احمدی جلاد بوسیله

بقیه در صفحه ۱۵

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

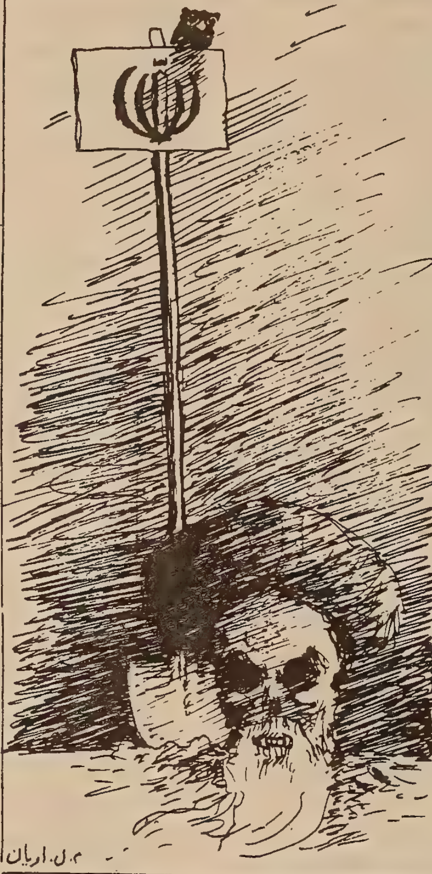
ستاد

شماره ۳۱ — سازمان توده انقلابی دانشجویان (ستاد) ـ بخش انگلستان — شهریور ۶۳

نگاهی بر انتخابات آمریکا

با پایان کنوانسیون حزب "دمکرات" آمریکا در هفته آخر ماه جولای و انتخاب والتر ماندل و جرالدین فرارو بعنوان نامزدهای ریاست و معاونت جمهوری در انتخابات ماه نوامبر آمریکا از سوی این حزب، بار دیگر سئوال مشخص "چه کسی" و "کدام" جناح امپریالیستی قدرت را در چهار سال آینده حکومت آمریکا بدست خواهد گرفت در محافل سیاسی متفاوت مطرح گردیده است. تبلیغات گسترده رسانه‌های امپریالیستی در انعکاس اخبار انتخابات آمریکا و در "هیجان" نگاه داشتن افکار عمومی تا نتایج نهائی آن از دو جنبه سیاسی میبایستی مورد بررسی قرار گیرد.

بقیه در صفحه ۵



شورای ملی مقاومت و سوسیال دمکراسی اروپا

اکنون مدت نسبتا زیادی است که شورای ملی مقاومت و در راس آن سازمان مجاهدین خلق در صدد "استفاده" از تضادهای امپریالیستها برآمده و تحت تاثیر این سیاست روابط نسبتا گسترده‌ای را با احزاب مختلف جهانی (عمدتا سوسیال دمکراسی اروپا) برقرار نموده است. تقریبا در کلیه نشریات مجاهد شاهد پیامهایی از نمایندگان این احزاب به شورای ملی مقاومت و حمایت و پشتیبانی آنها از این شورا و یا دیدار مسئولین شورا با سردمداران این احزاب هستیم.

بقیه در صفحه ۲

گنشر مسیحی و رفسنجانی مسلمان

همزمان با سی و دومین سالگرد قیام خونین ۳۰ تیر ۱۳۳۱ که به عقب نشینی ارتجاع و امپریالیسم انجامید، تجلیل جمهوری اسلامی از این روز تاریخی استقبال از وزیر خارجه آلمان غربی در اولین سفرش بعد از انقلاب ۵۷ بود. دولت آلمان غربی روابط اقتصادی خوبی با رژیم جمهوری اسلامی دارد. صادرات این کشور به ایران در سال ۸۳ رقمی در حدود ۲/۸ میلیارد دلار بود و ارقام دولتی آلمان غربی افزایش بازهم بیشتری نسبت به ماههای مشابه سال قبل را نشان میدهد. همزمان صادرات نفت ایران به آلمان غربی از ۱۱/۵ میلیون تن در سال ۷۹ به ۲/۱ میلیون تن در سال ۸۳ رسید. کل صادرات ایران به آلمان غربی در سال ۸۳ حدود ۵۷۰ میلیون دلار بود (گاردین ۲۱ ژوئیه ۸۴).

بقیه در صفحه ۷

در سالروز شهادت صمد

در صفحه ۸

اقتصاد ورشکسته ایران

در صفحه ۹

حجاب پوششی بر خفقان

هرسال بخصوص با فرارسیدن فصل گرما "مبارزه بر علیه بی‌حجابی" بسیار تشدید میگردد. در این رابطه مسائلی در اواخر تیرماه گذشت، که جای بحث دارد. ـ توضیح وقایع از طرف رژیم جمهوری اسلامی بدینصورت است که عده‌ای زیاد در تهران تظاهرات برپا کردند که هیچگونه مجوز قانونی هم نداشته و مامورین انتظامی هم از این تظاهرات حفاظت میکردند ولی مسائلی در این تظاهرات بوجود آمد که علت آن ازدحام بیش از اندازه و خارج شدن کنترل بر تظاهرات از دست مامورین انتظامی بود (بنقل از اطلاعات ۳۱ تیرماه ۶۳ ـ تاکید ها از ماست).

بقیه در صفحه ۷

بازهم از تروریسم خمینی

در صفحه ۷

بیاد جمعه خونین

در صفحه ۹

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!

شورای ملی مقاومت.....

بقیه از صفحه ۱

• در چندین شماره اخیر مجاهد، اینگونه ملاقاتها و دیدارها بعنوان مسئله‌ای محوری بخش بزرگی از صفحه اول را به خود اختصاص داده‌اند. آیا آنطور که مجاهدین و شورا ادعا می کنند این حرکت و سیاست بنفع انقلاب ایران است؟ برای پاسخ به این سئوال احتیاج به تاریخچه کوتاه داریم.

مختصری از تاریخچه سوسیال دمکراسی

سوسیال دمکراسی در جهان، در اواخر قرن نوزدهم پدیدار گشت. دلیل بوجود آمدن چنین جریانی معضلات عمیقی بود که جامعه را در خود فرو برده بود. در فرماسیونهای ماقبل سرمایه‌داری همواره جنبش ها و نیروهایی بودند که بر علیه استثمار مبارزه کرده و ایده و آمالشان برابری انسانها بود. در دوران برده‌داری، برده‌ها بر علیه برده‌داران قیام می کردند و سپس دهقانها در نبرد با زمینداران و فئودالها حماسه‌ها آفریدند. با بوجود آمدن و غلبه روابط تولیدی سرمایه‌داری و شیوه جدید استثمار، کارگران در مقابل سرمایه‌داران قرار گرفته و این دو نیرو در مقابل هم صف‌آرایی کردند. سوسیال دمکراسی به عنوان نیرویی که با شیوه جدید استعمار سرمایه‌داری مبارزه می‌نمود پا به عرصه وجود گذاشت و یا به عبارت دیگر سوسیال دمکراتها مبارزین عصر سرمایه‌داری بودند.

اما در حدود سالهای ۱۹۰۰ دو خط متفاوت در میان سوسیال دمکراتهای جهان بروز کرد. خط اول معتقد بود که وظیفه سوسیال دمکراسی سرنگونی نظام حاکم، انقلاب و برقراری نظامی نوین در جهت نابودی کامل استثمار است در صورتی که خط دوم سیری قهقرایی داشته و به دامن رفرمیسم غلطیده و مارکسیسم "کهنه گرا" را مورد انتقاد قرار می داد. برنشتین یکی از رهبران خط رفرمیست سیاست این جناح را در باره مهمترین مسئله سوسیال دمکراتها یعنی انقلاب چنین بیان می کند "سوسیال دمکراسی باید از حالت یک حزب انقلاب اجتماعی خارج شده، به یک حزب دمکرات اصلاحات اجتماعی بدل گردد."

ولادیمیر ایلیچ لنین، سوسیال دمکرات روسی نیز به عنوان یکی از نمایندگان جناح انقلابی سوسیال دمکراسی، به مبارزه‌ای وسیع و گسترده با رفرمیسم پرداخته و تبلیغ انقلاب کارگری برای نابودی استثمار را پیشه خود ساخته بود. این کشمکش و مبارزه میان دو جناح سوسیال دمکراسی، در سطح جهانی ادامه داشت تا اینکه با وقوع جنگ جهانی اول انشعاب بزرگی در میان سوسیال دمکراسی جهان صورت گرفت. در ماه اوت ۱۹۱٤ سوسیال دمکراتهای آلمانی در پارلمان خود به نفع اعتبارات جنگی و به پشتیبانی از جنگ امپریالیستی رای می دادند و بخش بزرگی از سوسیال دمکراتهای اروپا حرکتهای مشابهی را که به معنای دفاع جنگ و دفاع از بورژوازی امپریالیستی خودی انجام دادند دیگر بخش بزرگی از سوسیال دمکراسی جهان (اعضاء انترناسیونال دوم) به سوسیال شوینیستهایی بدل شده بودند که به انقلاب و پرولتاریا خیانت کرده و در خدمت بورژوازی امپریالیستی و سیاستهای جنگ افروزانه آن قرار گرفته بودند.

سوسیال دمکراتهای کنونی در اروپا

با گذشت زمان و با قدرت گیری برخی از احزاب سوسیال دمکراسی در کشورهای اروپایی از طریق انتخابات، اینگونه احزاب که امپریالیسم را مسئله‌ای سیاسی ارزیابی کرده و پایه های اقتصادی آن را ندیده و به آنها کاری نداشتند، خود به جناحهایی از امپریالیسم بدل شدند. دیگر این گونه احزاب تنها در اسم سوسیالیست و یا دمکرات بودند. به عنوان مثالهایی از این احزاب می توان از حزب کارگر انگلستان (ادامه سوسیال دمکراسی انگلیس) حزب سوسیالیست فرانسه و سوسیال دمکراتهای آلمانی، نام برد که ادامه دهندگان و یا دنباله روان سوسیال دمکراتهای انترناسیونال دوم می باشند.

احزاب بالا همراه با سایر بخشها و جناحهای امپریالیستی کشور خود در پیمان نظامی ناتو شرکت کرده، خود را برای یک جنگ جهانی امپریالیستی دیگر و برای سرکوب انقلاب در کشورهای متروپل و تحت سلطه آماده می کنند. در اشتباه و انحراف عمیق خواهیم بود اگر بر اساس وجود لغات زیبایی همچون حقوق بشر و آزادی در اساسنامه این احزاب و بر اساس نام آنها، بدنبال کوچکترین خصلت مترقی در آنها باشیم. به علت محدودیت مقاله بسیار مشکل است که سیاستها و حرکات اقتصادی کلیه این احزاب را بصورت مجرد توضیح داد و بالنتیجه در این مقاله عمدتا از حزب کارگر انگلیس به عنوان نمونه بارز اینگونه جریانات استفاده خواهیم کرد.

حزب کارگر انگلیس در مدتی که در قدرت سیاسی قرار داشت (قبل از سال ۱۹۷۹ و انقلاب ایران) نه تنها علنا به حمایت سیاسی از رژیم محمد رضا شاه می پرداخت بلکه روابط اقتصادی و نظامی بسیار محکمی با رژیم شاه داشت و صدور اسلحه (عمدتا تانکهای چیفتن که در زمان انقلاب در خیابانها برای سرکوب تظاهرات و مبارزات مردم به کار برده می شدند) یکی از بزرگترین ارقام صادرات انگلیس به ایران را تشکیل می داد. دفاع سیاسی امپریالیسم انگلیس (حزب کارگر) از رژیم شاه تا به آنجا پیش رفت که در یک مصاحبه تلویزیونی، درست در زمانی که انقلاب در ایران می رفت تا رژیم شاه را سرنگون کند، دکتر دیوید اوئن عضو کابینه امپریالیسم انگلیس اعلام نمود که ما برای حفظ منافع اقتصادی خود از رژیمهای فاشیستی و دیکتاتور همچون رژیم شاه دفاع کرده و به آنها کمک می کنیم. بعدها آقای اوئن از طرف برخی مسئولین حزب مورد مواخذه قرار گرفت. دلیل مواخذه این بود که چرا جناب اوئن سیاست امپریالیسم انگلیس را اینچنین آشکار و عریان بروی آب ریخته است. لازم به توضیح است که در درون حزب کارگر انگلیس و دیگر سوسیال دمکراتها، تضادهایی موجودند که خود آنها را به جناح های مختلف تقسیم می کنند (رجوع کنید به ستاد شماره ادیبهشت ۱۳٦۰) اما قدر مسلم این است که این تضادها نه از زاویه طبقه کارگر بلکه بخشی از تضادهای درونی امپریالیسم را تشکیل می دهند. دعوا در مورد سیاستهایی از قبیل ملی کردن صنایع، خروج امپریالیسم انگلیس از بازار مشترک، خلع سلاح اتمی و ... تنها بر زمینه این مطرحند که چگونه می توان امپریالیسم در بحران فرو رفته را نجات داد.

بقیه در صفحه ۳

شورای ملی مقاومت ..... بقیه از صفحه ۲

شورای ملی‌مقاومت‌ونیروهای بین المللی

برای بهتر تحلیل کردن برخورد شورای ملی مقاومت‌به نیروهای مختلف‌در سطح جهان باید در ابتدا سیاست‌شورا در قبال انقلاب‌ایران را بررسی نمود.

شورای ملی مقاومت‌و در پیشاپیش‌آن سازمان مجاهدین خلق مسئله مقابله با دیکتاتوری و اختناق حاکم را بعنوان اصلی ترین نقطه انقلاب‌ایران ارزیابی کرده و خود را بعنوان تنها آلترناتیو ممکن می شناسند،تقریبا هر عملی را که یا از اختناق موجود در ایران بکاهد و یا به قدرت‌گرفتن شورا کمك کند مجاز می دانند. نکته دیگر اینکه مجاهدین و شورای ملی مقاومت‌به نقش‌جنگ‌و استفاده رژیم از آن برای‌سرکوبی انقلاب‌واقفند و بالنتیجه می خواهند که جنگ‌هر چه زودتر قطع شود ولی می خواهند اینکار را با متقاعد کردن امپریالیستها و عمدتا جناح "مترقی" آن به حمایت‌از شورا و قطع حمایت آنها وقطع صدور اسلحه به رژیم خمینی انجام دهند و این‌سرابی بیش نیست.

حرکت‌شورا و مجاهدین برای‌جلب‌حمایت "نیروهای بین‌المللی" در واقع پس‌از ۳۰ خرداد ۶۰ و تشکیل شورا در خارج،توسط انجمنهای دانشجویان مسلمان و هواداران شورا در خارج آغاز گشت. در ابتدا این حمایتها محدود می شد به جریانات‌چپ‌نما،از قبیل جناحهای‌چپ احزاب‌کارگر و سوسیال دمکراسی اروپا (در انگلستان تونی بن ودارو دسته اش) و در جواب‌نیروهایی که این‌سیاست‌را به انتقادمی‌گرفتند گفته می شد که اینها مترقی اند و برعلیه امپریالیستهای‌خودی مبارزه می کنند. اما کم کم درهای‌اعلام حمایت‌بازتر گشته و جبهه‌نیروهایی که شورا از آنها طلب‌حمایت‌می کرد وسیعتر گشت‌تا جائیکه مسئولین‌شورا به دیدارها و ملاقات‌با کسانی چون هاینس دیتریش گنشر وزیر خارجه امپریالیسم آلمان،نیل کیناك‌رهبر حزب‌کارگر انگلستان اولاف‌پالمه نخست‌وزیر سوئد،کلود شسون وزیر خارجه امپریالیسم فرانسه و بسیاری‌دیگر از سردمداران امپریالیسم جهانی،دست‌زدند تا از آنها کسب‌حمایت‌نموده و با آنها "تبادل نظر" بنمایند. مشکل است‌بشود حدس‌زد که شورا با چه نیروها و اشخاصی تماس گرفته و آنها از حمایت‌از شورا خودداری کرده‌اند. اما بسیاری‌از کسانی که "حمایت" خود را از شورا اعلام کرده‌اند در صدر لیست‌جانیان و غارتگران جهانی قرار داشته و در دشمنی با انقلاب‌و آزادی‌چیزی کمتر از خمینی ندارند که هیچ،بلکه سابقه شان بسیار طولانی تراست جالب‌این است‌که اینروزها دیگر تنها سوسیال دمکراتها و "مترقی"‌ها نیستند که توجه شورارا به خود جلب‌کرده‌اند،بلکه کم‌کم کسانی چون فرانك. ر. ولف‌از حزب‌جمهوریخواه‌آمریکا (حزب‌در قدرت‌به رهبری‌رونالد ریگان) و لرد فان‌شاو نایب‌رئیس و مسئول امورخارجی حزب‌محافظه‌کار انگلستان (حزب‌در قدرت‌به رهبری مارگارت‌تاچر)نیز شروع به "محکوم کردن "جنایات‌خمینی و دفاع از برقراری‌حقوق‌بشر در ایران کرده‌اند و نشریه مجاهد با "افتخار" فراوان پیامهای این جانیان را،که سر کردگان،مسببین حامیان و عاملان امپریالیسم و اختناق و سرکوب‌و جنایتند،در کنار زندگینامه‌های‌شهدای‌خلق چاپ می کند.

علیرغم ادعای‌شورا مبنی بر اینکه این حرکت،استفاده از تضادهای بین نیروهای مختلف‌در جهان و به نفع انقلاب‌در ایران است، اینطور به نظر می رسد که شورا تنها یك‌سیاست‌را دنبال می کند و آن اینکه هر کس از شورا حمایت‌کند و ازآن خوش‌بگوید مترقی است و هر که مخالف‌شورا باشد و به آن انتقاد کند در خدمت‌ارتجاع است و یا به عبارت‌دیگر "هر که با ما نیست‌بر ماست". شورای ملی مقاومت‌و مجاهدین ادعا می کنند که به تبلیغ انقلاب‌ایران در میان افکار عمومی جهانیان پرداخته اند،در حالی که واقعیت‌این است‌که چاپ‌پیامهای اشخاصی از قماش‌بالا (که معمولا اراجیفی بیش نیستند) در زیر تیترهایی چون "حمایت‌گسترده بین المللی از مقاومت مردم به رهبری‌شورای ملی مقاومت" و "اعلام حمایت‌شخصیتهای مترقی از شورای ملی مقاومت" تبلیغ اینگونه افراد در میان افکار عمومی هواداران شورا و مجاهدین و ایرانیان است. به عنوان مثال در جمله زیر دقت‌کنید "جهت‌افشاگری پیرامون جنایات‌رژیم خمینی و جلب‌حمایت سیاسی نیروهای دمکراتیك‌و مترقی انگلستان،انجمن مذکور (انجمن دانشجویان مسلمان) ضمن بسیج نیروهای روابط خارجی خود اقدام به تماس گسترده و وسیع با اکثر احزاب،نیروها و شخصیت‌های‌سیاسی، مجامع و شخصیتهای‌حقوق بشری‌،سندیکاهای گوناگون کارگری ونمایندگان پارلمان گرفت." (بنقل از مجاهد شماره ۱۸۰ تاکیدات‌از ماست)

جزو کسانی که از شورا حمایت‌وسیع کرده‌اند می توان از آقای اریك‌هفر رئیس‌کمیته خاورمیانه حزب‌کارگر و عضو کمیته اجرایی سراسری‌حزب‌کارگر انگلیس (که شرح حمایتهای‌آن از رژیم شاه رفت) نام برد. مجاهد ۱۷٤ به نقل از این‌شخص‌می نویسد "اگر به گذشته مراجعه کنید حزب‌ما از انقلابی که‌بر علیه رژیم سرکوبگر شاه صورت گرفت‌حمایت‌کرده،به این امید که رژیم جدید یك‌رژیم دمکراتیکی‌خواهد بود که حقوق بشر،دمکراسی و آزادی‌را در ایران مستقر خواهد کرد." در اینکه یکی از بالاترین گردانندگان یك‌حزب‌امپریالیستی می تواند آنقدر بی شرم و حیا باشد که اینچنین تاریخ را تحریف کرده‌و دروغ‌بگوید جای‌هیچ شك‌و شبهه‌ای نیست. ولی باید از نشریه مجاهد‌سئوال کرد که آنها به چه مجوزو منظوری‌دروغها ولاطائلات‌این حضرات‌را به خورد خوانندگان خود داده و آقایانی از امثال اریك‌هفر را مترقی می کنند؟ اکنون این سئوال مطرح می شود که آیا تنها یك‌تاکتیك است؟ ما نمی توانیم در افکار و اذهان گردانندگان شورا و مجاهدین بگردیم ولی تاثیر سیاستهای‌آنها را می توانیم ببینیم. حتی اگر پاسخ به سئوال بالا آری باشد،این تاکتیکی است‌بس‌خطرناك که‌به ضرر انقلاب‌ضد امپریالیستی مردم ایران تمام شده و حتی با سرنگونی رژیم ددمنش جمهوری اسلامی و به قدرت‌رسیدن شورای ملی مقاومت،به‌امپریالیستها فرصت‌می دهد که همچون به غارت‌و یغمای ثروتهای‌مردم ایران به نفوذ سیاسی و اقتصادی و نظامی خود در ایران و به دشمنی‌با انقلاب

بقیه در صفحه ٤.

بقیه از صفحه ۲

شورای ملی مقاومت .....

و دمکراسی و استقلال بپردازند. از هم اکنون بسیاری از هواداران شورا (تحت تاثیر سیاستهای شورا و نشریه مجاهد) اعتقاد پیدا کرده‌اند که احزابی از قبیل حزب سوسیالیست فرانسه، حزب کارگر انگلیس و حزب لیبرال آلمان امپریالیست نبوده و خصلتهای مترقی و آزادی‌خواهی دارند. مسئله بخصوص وقتی نگران کننده تر می شود که همکاری و روابط با کشورهای مترقی را به عنوان یکی از هدفهای شورا پس از بقدرت رسیدن آن، در برنامه شورای ملی مقاومت مییابیم. و بخصوص وقتی که مسعود رجوی، بعنوان مسئول شورا و نخست وزیر منتخب شورا برای آینده ایران، در یک ضیافت شام که از طرف حزب کارگر انگلیس به افتخار حضور ایشان در لندن داده شده بود مخاطب به سردمداران حزب کارگر می گوید "یقینا مردم ما کسانی را که در یکی از سیاه‌ترین ادوار تاریخ ایران به محکوم کردن جنایات رژیم سرکوبگر و جنگ‌افروز خمینی و حمایت از تنها جانشین دمکراتیک - شورای ملی مقاومت - پرداخته اند از یاد نخواهد برد." (مجاهد ۲۱۱ صفحه ۲) حال ببینیم آیا این سیاست مجاهدین و شورا تاثیری در ایزوله نمودن جمهوری اسلامی در جهان داشته است یا نه. تنها به یک نمونه اشاره می کنیم.

همانطور که در بالا گفته شد هانس دیتریش گنشر وزیر خارجه آلمان و از گردانندگان حزب لیبرال آلمان از کسانی است که از شورای ملی مقاومت حمایت کرده است. او در یک ابریشمی گفته بود که خواهان برقراری صلح و دمکراسی در ایران است. آقای گنشر در اواخر تیرماه ۶۰ در صدر یک هیئت اقتصادی و سیاسی به منظور دیدار و تبادل نظر با جانیان و تبهکاران جمهوری اسلامی از قبیل ولایتی وارد ایران شد. شکی نیست که هدف از این دیدار، همانطور که هم مسئولین جمهوری اسلامی و هم اعضاء هیئت آلمانی اعلام کرده‌اند، با گسترش روابط سیاسی و اقتصادی بین دو رژیم است و گنشر به عنوان نماینده اول امپریالیسم آلمان در این سفر، می خواهد که حداکثر استفاده را از خوان یغمایی که جمهوری اسلامی گسترده است ببرد. ایشان که قرار است جنایتهای جاری را در ایران محکوم کرده و از شورای ملی مقاومت حمایت نموده باشند در دیدار با رفسنجانی اختلاف خود را با جمهوری اسلامی چنین توضیح می دهد "ما علایق مشترک و اختلافاتی با شما داریم. شما مسلمانید و ما مسیحی هستیم، ولی همیشه علایق مشترک بیشتر از اختلافات بوده که این مسئله می تواند مبنای خوبی برای روابط مستقیم و تیسمه یافته باشد." (اطلاعات ۳۱ تیرماه ۶۳) وقتی که منافع اقتصادی اقتضا کند آقای گنشر اعتقاد پیدا می کند که اختلاف بین امپریالیسم آلمان و جمهوری اسلامی در اسلام و مسیحیت است. اگر بخواهیم تمام احزاب و اشخاصی را که در زمینه بین المللی از شورا دفاع کرده‌اند نام ببریم و به سابقه و وضع کنونی آنها بپردازیم مثنوی هفتاد من کاغذ میشود ولی به قول معروف "تو خود بخوان حدیث مفصل از این مجمل".

به علت کمبود جا دیگر به مضرات و عواقب دیگر این سیاست شورا و مجاهدین نمی پردازیم و فقط به اختصار اشاره کنیم که حتی جمهوری اسلامی نیز با سیاست موزیانه و رذیلانه خود، با تبلیغ بر سر اینکه کلیه مخالفین رژیم با امپریالیستها در تماسند سعی دارد خود را مستقل و ضد امپریالیست جلوه دهد و سیاستهای شورا و مجاهدین در رابطه با مسائل بین المللی نیز مانند هیزمی هستند که به کوره تبلیغات این رژیم تبهکار ریخته بوند. در پایان بهتر است نظر خودمان را درباره با حمایتهای بین المللی از انقلاب ایران بگوییم.

وظایف ایرانیان خارج از کشور در این زمینه

ما معتقدیم که انقلاب و انقلابیون ایران به حمایتها و پشتیبانی بین المللی نیاز فراوان دارند، اما نه از طرف دشمنان انقلاب ایران امپریالیستها و مرتجعینی که خود یعنی کارگران، زحمتکشان و انقلابیون جهان، انقلاب ایران احتیاج به حمایت و پشتیبانی کارگران مبارز معادن انگلستان دارد که خود به نبرد برای حقوقشان برخواسته اند نه حمایت کسانی که در پی سرکوب کارگران معدنند. انقلابیون ایران احتیاج به حمایت و پشتیبانی انقلابیون و زحمتکشان، پرو، شیلی و... دارند نه به حمایت کسانی که به سرکوب خلقها برخواسته‌اند و به انحاء مختلف کوشش در سرکوبی انقلاب در کشورهای تحت سلطه دارند. مبارزین ایران پشتیبانی انقلابیون ایرلندی را که به مبارزه مسلحانه با امپریالیسم انگلیس مشغولند را می خواهند و نه پشتیبانی کسانی را که ایرلند را به اشغال نظامی خود در آورده‌اند. کسب این حمایتها و پشتیبانی ها به عهده ایرانیانی است که به دلایلی در خارج از کشور بسر می برند ولی قلبشان به عشق انقلاب و زحمتکشان می طپد. مهمترین کاری که در شرایط کنونی در این رابطه می توان نمود، افشاگری از جنایات رژیم جمهوری اسلامی و سیاست دفاع امپریالیستها از رژیم و تبلیغ مبارزات خلقهایمان در بین افکار عمومی مردم و در درجه اول کارگران و زحمتکشان است. این فایده‌ای ندارد که ما به کسانی بگوییم که در ایران شکنجه وجود دارد که خود از طریق دستگاههای جاسوسی و سرکوبشان شیوه‌ها و ابزار جدید شکنجه اختراع کرده و در اختیار رژیمهای سرکوبگر و فاشیستی همچون جمهوری اسلامی قرار میدهند این را بگوییم که ما مخالف استفاده از کسانی که ظاهری لیبرالی و مترقی دارند را در شرایط خاص (رفع مشکلات پناهندگان و...) نیستیم بلکه مخالفیم که کلیه هم وغم ایرانیان خارج این باشد.

نکته دیگر اینکه اگر ما خواهان پشتیبانی خلقها و انقلابیون جهان برای مبارزات مردم خود هستیم، نباید یکطرفه به مسئله نگاه کنیم و خود باید در مبارزات آنها شرکت نموده و از آنها پشتیبانی نماییم. هر چند که مسئولین و هواداران شورا و مجاهدین شرکت در اینگونه مبارزات و تظاهرات را در شان خود نمي دانند و به حساب اینکه اسکار ممکن است "حامیان" بین المللی شان را در وزارتهای خارجه و کمیته مرکزی های احزاب "مهم" برنجانند چشم خود را بروی مبارزات خلقهای دیگر و کارگران جهان می بندند، اما ما باید از مبارزات خلقها پشتیبانی کرده و با آنها اعلام همبستگی کنیم. شورای ملی مقاومت دفاع از جنبشهای آزادیبخش را تنها به عنوان یک بند در برنامه خود آورده و هیچ قدم عملی در جهت آن بر نداشته است. وظیفه ما به عمل در آوردن شعار همبستگی بین المللی است.

نگاهی بر انتخابات آمریکا

بقیه از صفحه ۱

نخست اینکه در شرایط بحران جهان امپریالیستی، امپریالیسم آمریکا در مقام سرکردگی امپریالیستهای غربی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی قرار داشته و بقول مفسران سیاسی خودشان کوچکترین "عطسه" در زمینه‌های بر شمرده در آمریکا بصورت "سرماخوردگی شدیدی" در میان متحدین و نوکرانش در چهارگوشه گیتی بروز می‌کند و مسلما هر گونه تغییر در خط مشی سیاسی در حاکمیت این امپریالیسم در صحنه جهانی صرفنظر از عدم تفاوت در ماهیت جناحهای برنده و بازنده در انتخابات، بصف‌آرائی ها و موضع گیریهای سیاسی و جدیدی منجر خواهد گشت که عکس‌العمل جدیدی را نیز در میان متحدین و وابستگان این امپریالیسم بدنبال خواهد آورد.

اوضاع داخلی آمریکا - علیرغم هیاهوی فراوان سردمداران و سخنگویان امپریالیستی مبنی بر رشد ۷/۵ درصد اقتصادی در ٦ ماهه اول سال جاری و ثابت نگاه داشتن درصد تورم، اوضاع نابسامان اقتصادی، وجود بیش از ۹ - ۸ میلیون بیکار، مالیاتهای کمر شکن، کسری بودجه، قطع خدمات اجتماعی و پزشکی برای جبران این کسری، رکود بیسابقه در صنایع ماشین سازی و ... به یمن سیاستهای چپاولگرانه و لجام گسیخته دولت ریگان همچنان چنگال خود را بر جامعه آمریکا می فشارد. تنها درطول مدت زمامداری ریگان بیش از ۴۰/۰۰۰ مورد ورشکستگی در میان صاحبان صنایع متوسط و کوچك آمریکا اعلام گردیده است. و این در حالیست که بیش از یکسوم بودجه دولت آمریکا در خدمت صنایع نظامی و جاسوسی و تربیت و سازماندهی کادرهای نظامی در آمریکا و کشورهای وابسته به آن در جهت سرکوب مبارزات زحمتکشان بکار می رود.

بحران حاد جامعه از سیستم گندیده امپریالیستی در داخل آمریکا محدود نمانده و از کانال سرمایه‌های در گردش این ابرقدرت به کشورهای متحد اروپا غربی و تحت سلطه آن واریز شود. در مورد کشورهای وابسته و تحت سلطه نفوذ سرمایه‌های امپریالیسم آمریکا جز فقر و فلاکت برای آنان ارمغانی بیش نیاورده که محلی برای بحث باقی نمی ماند. نمونه بارز انتقال این بحران برداخت روزانه بیش از یك میلیون دلار تنها بعنوان بهره بدهی های کشورهای آمریکای لاتین به آمریکا می باشد که ریشه انقلابات و طغیانهای مردم ستمدیده این سامان می باشد. تاثیرات این بحران اقتصادی بر کشورهای متحد اروپای غربی آمریکا نیز اخیرا بروشنی خود را در سقوط بیسابقه ارزش لیره استرلینگ انگلیس در مقابل دلار آمریکا نشان داد که بدنبال بالا بردن نرخ سود سپرده‌ها از سوی بانکهای آمریکایی و سودهای کلان حاصله از آن برای انحصارات امپریالیستی، رقبای اروپایی آنان را در منگنه اقتصادی بدی قرار داده.

"دمکراتها" راه حل اوضاع بحرانی؟ - "در دمکراسی بورژوایی هر چهار سال یکبار به توده‌ها آزادی داده می شود تا استثمارگران چهار سال بعدشان را انتخاب کنند".

حزب "دمکرات" یا لانه "بازها" از نظر تاریخی نماینده جناح انحصارات نفتی وانرژی و صنایع غیر نظامی در هیئت حاکمه آمریکا می باشند. این حزب بعلت پیوند سرمایه‌های این جناح با سرمایه جناح "سوسیال دموکراتها" و احزاب "کارگری" و "لیبرال" اروپایی در مقابل جناح "عقابها" (جمهوریخواهان) که نماینده هارترین انحصارات صنایع نظامی و بانکی میباشد دارای ظاهری "لیبرال" و "نرم" در صحنه سیاست بین المللی از سوی امپریالیسم آمریکاست. والتر ماندل که یکبار در دوران حکومت کارتر بعنوان معاون وی لیاقت در تامین منافع کل امپریالیسم آمریکا سابقه "درخشان" خودرا نشان داده اینبار در چهره جوش دهنده بخشهای متفاوت اجتماعی هوادار حزب دموکرات برای احراز ریاست جمهوری وارد میدان شده. شکست قابل پیش بینی برنامه‌های ریگان و دولتش و رشد نارضایتی عمومی کنونی مردم آمریکا که درشکل های متفاوت از جمله مخالفت با تسلیحات اتمی خود را نشان میدهد اوضاع ساعدی را برای پیروزی حزب دموکرات فراهم کرده اما این حزب با دو اشکال عمده عدم هماهنگی در سیاست داخلی و خارجی و وجود یك "اکثریت ساکت" که عدم شرکتش در انتخابات به نفع "جمهوریخواهان" تمام میشود روبرو بود. از این زاویه تئوریسینهای حزب دموکرات در دوران پیش از کنوانسیون با به پیش گذاشتن گاری هارت بعنوان "نماینده" نسل جوانتر و بوروکراتیك جامعه آمریکا و کشیش جسی جکسون بعنوان "سخنگوی" سیاهپوستان و اقلیتهای قومی به شکار آرا اقشار میانی جامعه پرداختند و دست آخر نیز با تائید سناتور ادوارکندی از والتر ماندل وی عملا حتی قبل از شروع کنوانسیون به نامزدی این حزب تعیین شده بود. نکته قابل اهمیت در طول اینمدت ظهور جسی جکسون بعنوان "نماینده رادیکال" سیاهان آمریکا و استفاده از او بنفع حزب دمکرات میباشد. وی با مسافرت به سوریه در سال گذشته و قانع کردن رژیم حافظ اسد به آزاد کردن یکی از خلبانان آمریکایی که در روزهای بمباران لبنان توسط هواپیماهای آمریکایی به اسارت گرفته شده بود چهره "عاقلانه" و "خیراندیش" حزب دموکرات را در بر خورد به مسائل سیاست جهانی بنمایش گذارد. جدا از نمایندگان بورژوازی سیاه آمریکا که حاکمیت امپریالیستی هیچگاه نقش واقعی و "شایسته" خود را برای شراکت در بهره‌برداری از این سیستم نداشته، جسی جکسون بعنوان سخنگوی این بورژوازی نوخاسته از سویی با سوء استفاده از موقعیت و محبوبیت نسبی اش سعی در درگیر کردن سیاهپوستان آمریکا به دفاع و مشارکت از سیستم امپریالیستی داشته و آنانرا جزئی از این کل معرفی میکند و از سوئی در حقیقت وی وظیفه دارد که این درگیری را در کانال کشاندن آنان بپای صندوق انتخابات بدفاع از حزب دموکرات بکشاند. که این ترفند نیز همواره در کشورهای امپریالیستی با جمعیتهای فراوان اقلیتهای نژادی ومذهبی بکار رفته و از آراء آنان به قیمت بقدرت رسیدن جناحهای متفاوت امپریالیستی که همه ماهیتی یکسان دارند استفاده شده است.

انتخابات آمریکا و اوضاع جهانی - به سختی میتوان سخنی از انتخابات آمریکا بمیان آورد اما فاکتور مسائل جهانی بویژه سیاستهای ابرقدرت شوروی را از خاطر دور نگاه داشت. دخالتهای دو بلوك شرق و غرب در نقاط مختلف گیتی و مبارزات خلقهای کشورهای تحت سلطه بر علیه اینده و

بقیه در صفحه ٦،

مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران!

نگاهی بر انتخابات آمریکا

بقیه از صفحه ۵

یکی از تناقضات اصلی دوران ما را تشکیل میدهد. خطر مستقیم یک جنگ امپریالیستی که اینبار در غالب یک جنگ محدود هسته‌ای از سوی ایندو ابرقدرت جهان را تهدید می کند امروز ما. بصورت مبارزات صلح طلبانه بویژه در اروپا و آمریکای شمالی بعدی دیگر از مبارز خلقها بر علیه تجاوزگریها و سیاستهای جنگ افروزانه امپریالیسم می باشد. در دوران بحران سیاسی - اقتصادی امپریالیسم بانکی و متحدینش و وجود لشگر میلیونی کارگران بیکار و خطر بروز آتشفشان انقلابات کارگری در اروپا چاره‌ای جز توسل بیک جنگ امپریالیستی با قطب دیگر امپریالیسم جهانی یعنی شوروی و افشارش و تقسیم مجدد منابع ثروت کره ارض و مناطق استراتژیکی برای امپریالیسم غرب باقی نمی‌گذارد.

ابرقدرت شوروی و متحدینش بعنوان یک پای افزایش تسلیحات اتمی در پناه شعار دروغین "دفاع از سوسیالیسم" در حقیقت به تسلیح خود و حکومتهای خودکامه محلی از قماش سوریه و اتیوپی و افغانستان دست زده‌و از اینراه مناطق نفوذ نظامی خود را در مقابل ریگان امپریالیسم آمریکا در منطقه افزایش میدهد. سیاست حمله‌جویانه دولت ریگان به منافع ابرقدرت شوروی برای نفوذ و غارت خلقها. شوروی مجبور به استراتژی کسب منافع از طریق سرمایه گذاری سیاسی - اقتصادی و نظامی دراز مدت شده . در مقابل تلاشهای ضمنی ابرقدرت شوروی در بقدرت رسیدن حزب دموکرات و به شکست کشاندن انتخاب مجدد ریگان صرفنظر از تفاهم امپریالیستی مشترک با حزب دمکرات در مقابله با کانونهای انقلاب جهانی شوروی را در موقعیتی برتر از گذشته قرار می دهد.

انتخابات آمریکا و اوضاع ایران - انقلاب ایران و عواقب سرنگونی شاه در منطقه ، انقلاب فلسطین ومسئله لبنان ، اشغال افغانستان و سرانجام ادامه جنگ ایران و عراق در مجموع چون دانه‌های درشت تسبیحی هستند که در دست نگهبان و مستاجر آینده کاخ و نظامیان پنتاگون بگردش درخواهند آمد." بازهای " حکومت کارتر زخم عمیقی از انقلاب ایران خوردند اما " عقابهای " دولت ریگان از صدقه سر مراحم جمهوری اسلامی از شدت این درد بر پیکر امپریالیسم آمریکا کاسته‌اند. رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی با سرکوب آزادیخواهان در سیاستهای وطن فروشانه مدتها حتی قبل از تصفیه‌های درونی و بیرون ریختن توده‌ای‌های خائن از حاشیه حکومت ، در جریان تحویل تحقیر آمیز گروگانهای آمریکائی عملا آمادگی خود را در از سر گرفتن روابط " محدود " اقتصادی - نظامی - سیاسی مستقیم با امپریالیسم آمریکا نشان داده بود . با ادامه جنگ ارتجاعی ایران و عراق منافع جناح غربی هیئت حاکمه جمهوری اسلامی در دو جناح ارتش و سرمایه‌داران وابسته و تجار تقویت شده و امپریالیسم آمریکا نیز در پناه ادامه این جنگ به تقویت مواضع نظامی و پایگاههای از دست رفته‌اش در ایران در نقاط دیگر خلیج پرداخته . گرایش اخیر رژیم عراق بسوی غرب در اثر فشارهای وارده بر این کشور از ادامه جنگ نیز مسلما موجبات قدردانی امپریالیسم آمریکا را از ادامه جنگ ایران و عراق فراهم می‌کند.

سیاست کلی و کنونی امپریالیسم آمریکا چه در جناح " دمکراتها " و چه " جمهوریخواهان " در مورد ایران بحث مفصلتری را می طلبد. اما بطور مقطعی امپریالیسم آمریکا پشتیبانی غیر مستقیم از جمهوری اسلامی را در مقابله با آلترناتیوهای دموکراتیک و انقلابی به پیش می برد. تضادهای ارتجاعی جمهوری اسلامی با شیوه حاکمیت بورژوائی و کمبود کادرهای بوروکراتیک و متخصص برای چرخاندن صنایع وسرمایه‌های امپریالیستی غرب در ایران این امپریالیسم را از دفاع قاطع از جمهوری اسلامی باز می دارد هدف غائی امپریالیسم آمریکا ، درغیبت مبارزات و رشد جنبش انقلابی مجا دادن بخشهائی از عناصر نظامی ، بوروکرات و کادرهای متخصص " وطنپرست " بازمانده و وابسته بدوران حکومت شاه درمسیر ادامه جنگ و در تنگنا قراردادن کل حاکمیت جمهوری اسلامی بداخل هیئت حاکمه میباشد . زمینه‌های چنین سیاستی از هم اکنون با نغمه‌های شوم نظامیان از قماش مدنی در " ابراز علاقه " به بازگشت به ایران و " استفاده از کادرهای غیر مکتبی " از سوی جمهوری اسلامی بچشم می خورد. انتخابات آینده آمریکا و نتایج آن جز افزایش و حدت تضادهای کنونی جهان نتیجه دیگری در بر نخواهد داشت و بیکمان مبارزات رهایی بخش خلقها در چهارگوشه جهان گور امپریالیسم جهان آمریکا را از هم اکنون آماده نموده است.

دوستان، بموقع نمایند
سازمان ما به کمک‌های شما
نیازمند است. ما را از این راه
یاری رسانید.

(کمکهای مالی)

کمک مالی رفقای سیاتل	۶۰ دلار
کمک مالی رفقای ویرجنیا	۲۰۵ پوند
کمک مالی رفیق ص- لندن	۴۰ پوند

آدرس ما:
I.S.A.
P.O.Box 1423
Jeff.City,Mo 65101
U.S.A.

B.M. Box 8561
London
WC1N 3XX
England

گنشر مسیحی و ......

بقیه از صفحه ۱

هیچ جای شکی نیست که تمام روزنامه های غربی خبراز بهترشدن روابط بـــا ایران راد ادند ووزیر خارجه آلمان غربی دربازگشت از ایران اظهارداشـــت که ایران خواهان روابط هرچه بیشتر بادنیای غرب اســت . بین دولت ایران وآلمان غربی موافقت نامه حفاظت از سرمایه گذاری منعقد شده اســـت بدین معنی که سرمایه هرشخصی اگر از بین برود دولت ایران موظف بـــه پرداخت خسارت می باشـد . (اطلاعات یکشنبه ۳ تیـر ۶۳) .

تاکنون ارتجاعیون بیشماری به ایران سفرکرده وبامقامات جمهوری اسلامی بـــه گفتگو نشسته‌اند ولی سفر گنشر از این زاویه قابل بررسی میباشد که متاســفانـه نیروهای تشکیل دهنده شورای ملی مقاومت انتظارات بی جائی از چنین نماینده‌ـ گان امپریالیستها راد ارد و ازآنان خواهان محکوم کردن رژیم خمینی و ..... میباشـند . اگرهم این " نمایندگان " رژیم خمینی رامحکوم کنند فقط درحـرف است ودرعمل بااو شریك جرم میباشند . رفسنجانی درمورد دیدار گنشر از قـبر بهشتی و رجائی معدوم میگوید : "آقای گنشر گلی رانثار آرامگاه شهید بهشتـی و رجائی کرد ,این یعنی چه ؟ اگر این صاحب قبر استحقاق گل دارد میتوان تروركنندگان آنها (یعنی مجاهدین) را مورد طرفداری قرار داد " (اطلاعات ۶ مرداد ۶۳) .

براستی که نه . گنشر فاشیست برمزار قبر جانیانی چون بهشتی و رجائی می رود وگل نثار خدماتشان می کند وعلنا دشمنی خود را با شهدای انقلاب ایران و ادامه دهندگان راه شهیدان بخوبی بنمایش میگذارد . همچنانکه‌گنشر در دیدار بارفسنجانی میگوید : " ما علایق مشترك و اختلافاتی باشما داریم ولی همیشـــه علایق مشترك بیشتر از اختلافات بوده که این مسئله میتواند مبنای خوبی برای روابط مستقیم وتوسعه یافته باشد . شما مسلمانید وماسیحی هستیم (ایـــن هم اختلاف بین گنشر مسیحی و رفسنجانی مسلمان . اطلاعات یکشنبه ۲۱ تیرماه ۶۲ داخل پرانتز و تاکید ازماست) .

دراین دیدار قرارداد های بیشمار دیگر اقتصادی ـسیاسی و فرهنگی بسته شـده وبرسر مسائل مختلفی از جمله جنگ ایران وعراق صحبت شده است . ایران در این مذاکرات خواهان صدور نفت بیشتر به آلمان غربی شده است که بهاحتمال زیاد مورد موافقت دولت آلمان غربی نیز قرارخواهد گرفت .

درشرایط کنونی که رژیم جمهوری اســلامی دربحران اقتصادی وسیعی غوطه ور شده وامپریالیسم همه جانبه به دادش رسیده تاهم از این یغما غنیمتی ببرند وهم درسرکوب انقلاب سهمی هرچه بیشتر داشته باشد .که سفر گنشر بزرگترین نمونـه آنـســت .

تقویم تاریخ

۱۲۹۹/۶/۲۲	شهادت شیخ محمد خیابانی
۱۳۲۰/۶/۳	تبعید رضاخان و پایان حکومت ننگین ۲۰ ساله او
۱۳۲٤/۶/۱۲	تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان
۱۳٤۷/۶/۹	شهادت رفیق صمد بهرنگی
۱۳۵۱/۶/۱۰	شهادت مهدی رضائی
۱۳۵۷/۶/۱۶	راهپیمائی چند میلیونی مردم تهران
۱۳۵۷/۶/۱۷	جمعه خونین ,شهادت هزاران نفر در میدان شهدا
۱۳۵۸/۶/۱۱	قتل عام اهالی دهکدهای قارنا وکانی مام سعید بدست رژیم جمهوری اسلامی
۱۳۵۹/۶/۳۰	تجاوز رژیم مزدورعراق برعلیه انقلاب ایران
۱۳۵۵/۶/۱۸	درگذشت رفیق مائوتسه دون آموزگار خلقهای جهان

بازهم از تروریسم خمینی

تعدادی از تروریستهای رژیم جمهوری اسلامی ماه گذشته درتاریخ ۲٤ ژوئیـــه دراسپانیا دستگیر شدند . پلیس اسپانیا درحمله به یك آپارتمان مقادیر زیادی اسلحه سبك وسنگین (سلاحهای کمری ,مسلسل ,نارنجك انداز و .....) را ضبط کرد وتعداد چهار ایرانی رابازداشت نمود . دستگیری درمنزل شخصـی بنام سید جابرحسینی صورت گفت . از این منزل برای " نگهداری " نورچشمیان خمینی که درجنگ خانمانسوز ایران وعراق زخمی میشوند استفاده میشـد . رژیم خمینی تعدادی از زخمیان جنگ رابرای معالجه به اسپانیا میفرستـد .

همزمان بااین دستگیری پلیس اسپانیا مسئول فرهنگی (ازاینجا اهداف انقلاب فرهنگی رژیم راهم میتوان دید) سفارت ایران دراسپانیا رادررابطه بااین جریان دیده و از سفارت ایران میخواهد که بااین شخص خاك اسپانیا راترك کند(بخاطر داشتن مصونیت سیاسـی) ویااینکه دردادگاه باچهارنفر دیگر شرکت نمایــد مسئول فرهنگی سفارت فرار را بر قرار ترجیـــح میدهــد .

چند روزی از این وقایع نگذشته بود که عده ای دیگر درفرانسه یك هواپیمارا ربوده و بعد از یك خیمه شب بازی (رژیم ایران اولین تقاضای ربایندگان رامبنی برفرود آمدن درفرودگاه ,مهرآباد ,ارد کرد) درتهران بزمین نشست . هواپیماربایان خواهان آزادی ۳ ایرانی و ۲ عرب از زندانهای فرانسه بودند . دولت فرانسه به خواستههای هواپیماربایان جواب منفی داد و تهدیدات تروریستها مبنی بـــر کشتن یك فرانسوی درهرساعت به آزادی همگی مسافران منجر شـد . یکی از مسافران هواپیما بعد از بازگشت به فرانسه اعلام داشت که دولت ایران درتهران به تروریستها سلاحهای مسلسل و مواد منفجره داد وتروریستها بکمك این مواد قسمتی از هواپیمارا منفجـرکردند .

نیروهای انقلابی و مترقـی زیراکه بااوج گیری مبارزات خلقهایمان ,این نـوع عملیات برعلیه مبارزین خارج از کشور هرچه بیشتر سازماندهی شده و خواهد شـد بهمین ترتیب لزوم مقابله باعملیات رژیم که باایجاد رعب ووحشت سعی درسـو عمل کردن مخالفین رژیم رادارد امری بسیار ضـروریست . رژیم جمهوری اسلامی تروریستهای خود رابانام دیپلمات به خارج میفرستد و مصونیت سیاسی برایشان می خرد : باافشای هـرچـه بیشتـر رژیـــم از طـریق عملیات دفاعـــی و تبلیـغی و ...... بمقابـلـه باآن برخیزیـــم .

حجاب پوششی برخفقان

بقیه از صفحه ۱

بنابراین ادعای رژیم ,آنها از انجام این تظاهرات خبرداشتند وماموربن برای‌ـ اسکورت آن هم ترتیباتی داده بودند تابتوانند درمقابل حملات احتمالی مـــردم بیزاراز رژیم برصف تظاهرات جلوگیری نمایند و نه بالعکس. زیراکه درتظاهرات ۳ مرداد که از طرف رژیم برگزارشد ,شعار حزب‌اللهی ها که از طرف رژیم فرمولـه میشود اعدام بی حجابان بود (برخی از این شعارها بدینقرارند ـ زنی کـه بی حجاب است ,دشمن انقلاب است ـ خون شهیدان ما ,منتظر جواب است) .

رژیم جمهوری اسلامی بصورت ابلهانه‌ای‌سعی میکند خود رادرگیر مسائل جاری‌ننماید غافل ازآنکه همگی میدانند سررشته نخ کجاست. بدنبال این وقایع دستههای حزب‌ـ اللهی اجیرشده به زنان حمله ورمیشوند و تیمهای گشتی مبارزه بامنکرات که توسط پاسداران از فاصله مناسبی اسکورت میگردند مسائل رابه زنان "تفهیم" می نمایند .

مسئله حجاب همچون‌مسئله دیگری عکس‌العمل تودهها را باخود دارد . اخبارهای پراکنده نشانگر آن است که مردم شدیداً مقاومت میکنند وهرجاکه توانستهاند درس خوبی به مزدوران رژیم داده‌اند (نمونه بارزآن واقعه خیابان دماوند تهران و عکس‌العمل مردم به دستگیری یك زن و شعار مرگ برخمینی مردم حاضر ـمنقل از مجاهد شماره ۲۱٤) رژیم برای تشدید جو خفقان تیمهائی درجاده چالوس بکار انداخته و تمام ماشینهائی که بسمت شمال کشور حرکت میکنند ویادرحال برگشتند رامتوقف و بازرسی مینماینـد .

رژیم برای مقابله بامسئله حجاب همچون مسائل دیگر دست به اسلحه برده است (سخنان ناطق نوری رادرمورد فیلمهای تلویزیون که در قسمت "بخوانیدو ...." آمده است بخاطر بیاورید) . ولی سرانجام مردم اسلحه بدست حساب ایـــن جانیان رابه کـف دستشان خواهند گذاشت .

در سالروز شهادت صمد

نهم شهریورماه مصادف است با سالگرد مرگ نویسنده بزرگ ومردمی صمد بهرنگی.

صمد یکی از بزرگترین نویسندگان ایران بود که از دل مردم برخواست و با مرگش ضربه‌ای به ادبیات مردمی وارد آورد.

صمد ۱۸ ساله بود که راهی روستاهای آذربایجان شد. او برای مبارزه با حق کشیها، فسادها، تباهیها وزورگوییهای دوره خویش قلمش را بکار انداخت واز بچه‌ها این سازندگان فردا شروع کرد.

بهرنگی با تیز بینی به اوضاع زمان خود نگریست. او بخوبی دردها را از نزدیک لمس کرده و همیشه از فرق عظیم طبقاتی و فقر مادی ومعنوی در روستاها رنج میبرد. صمد کتابهایش را ارزان چاپ می کرد ومعتقد بود که کتاب خوب احتیاج به زرق وبرق ندارد، او معتقد بود محتوی کتاب باید دارای مسائل مردم وارتقاء ادبیات ایران باشد همچنین مطالب ساده وبامعنی نوشته شده باشد.

صمد از هرفرصتی استفاده میکرد وهرچه میداشت ونداشت میداد کتاب وروزهای تعطیل با کیف پراز کتاب توی روستاها راه می افتاد و به همه کتاب امانت میداد.

صمد بهرنگی ضمن سفرهای همیشگی اش به روستاها، سفرنامه های کوتاهی نوشته که در آنها نکته بینی خاص او به چشم می خورد. او مسائل مهم را بازبان ساده توضیح میدهد.

روستا و روستازاده

نوشته حاضر نتیجه بررسیهای صمد بهرنگی از اخلاق و روحیات روستازادگان و ونشان دادن موقعیت روستاهای دورافتاده و محروم از وسائل اولیه اجتماعی وزندگی، میباشد.

صمد مینویسد: "غرض این است که کودک روستا وخود روستا را بشناسیم وبدانیم که چگونه با او روبرو شویم ودرس و مشق و پرورش را برچه پایه بگذاریم و مشکلات معلم روستاشدن چیست. کارسختی است. خیلی چیزها را باید شناخت وبررسی کرد تا به این هدف رسید.

من بچشم پوشی از هرچه کتاب تربیتی فارسی که داریم چون میدانم که دردی را درمان نمیکند و تاآنجا که یارایی دارم، این کار را میکنم. بی آنکه حرفهای گنده بزنم و "عبارتهای فلسفی و تربیتی!" بکار ببرم که حرفهایم را پرمعنا جلوه دهم و تعریفهای خشك و خالی از اصطلاحهای تربیتی و روانشناسی بکنم. کوشش من براین است که تماس عینی و حسی با مسائل پیدا کنم و علاقمندان را هم شریك کنم. کارمن دیدن و نشاندادن وسط گود است وادعاهم نمی کنم که موفق می شوم".

رابطه خویشی میان روستائیان را صمد بخوبی میشکافد ومی گوید: "...... این هم هست که خیلی خانواده های چندآبادی نزدیك به هم قوم وخویش یکدیگرند ...... عروسی روستائیان درسنهای خیلی پائین است دامادهای پانزده، شانزده ساله فراوان دیده میشوند. درروستا کسی ناشناخته نیست. از یکی بخواهی تمام مردم ده را بنام ونشان می شمارد .... با این حساب باید گفت که یك شاگرد کلاس اول روستا برخلاف بچه‌های شهری روزهای اول در بستان احساس غربت نمیکند. یا خیلی کم. حتی دستکم با پنج، شش نفر بچه‌ها قوم وخویش هستند. شاگردان پیش از دبستان بارها به خانه یکدیگر رفته اند و سریك سفره آش بلغور خورده اند. حتی ممکن است خواهرکوچك یکی، نامزد دیگری باشد وببینی که شوهر خواهر وبرادرزن روی یك نیمکت نشسته‌اند و الفباء درس میگیرند."

در مقاله چند سطری هم به فقر ومسکنت روستائیان میپردازد که آنها را برده وسته تقسیم میکند و میگوید: "شاید پدر یکی رعیت زیردست دیگری باشد یاحتی نوکرش. که این رابطه میان دانش‌آموزان شهری دیده نمی شود ویا خیلی بندرت میشود دید."

روابط غالب برروستاهای ایران درچهارچوب مردسالاری قرار دارد و سنتی که ازاین روابط عقب افتاده برزنان و دختران روستایی میرود می نویسد .... زنان ودختران روستایی پرکارترین مردمانند. آنها درمزرعه کار می کنند، دوشیدن گاو وگوسفندان، جابجا کردن سرگین آنها وپخت وپز بعهده آنهاست. رابطه زن ومرد روستایی برپایه احتمال خیانت زن، ناقص‌عقل بودنش، تحقیرشدنش و خدمتگزار مرد بودنش گذاشته شده است .... زن روستا نباید درگذر عمومی ظاهرشود و طرف مشورت باشد اونباید دوراز انظار مردم به حمام برود که چشم نامحرم بروی بیفتد. او باید درخانه از مردش بترسد وخود را زیردست او بداند واین حق را به مرد خانه بدهد که کتکش بزند و ازخانه بیرونش کند. و .... اینهاست آداب ومعاشرت وتربیت روستایی وهرگز با چند پند واندرز وسخن دهن پرکن از میان نخواهد رفت.

معلم هوشیار روستا باید بداند که شاگردش از چنین محیطی وازپدر دست چنین پدر و مادری رهاشده و آمده به مدرسه و دهنش محتوای چیست واد ب چه چیز را میگوید، چقد رکتك خورده وفحش شنیده ویاد گرفته وعقده تودلش تلنبارشده ومانده.

خیلی معلم می شناسم که بمحض شنیدن فحش ازدانش‌آموزی به توپ وتشرش می‌بندند وکتکش می زنند وداد که: فضولِ احمق! این حرفها ی بد چیه میگی؟ اگه یه دفعه دیگه ازاین غلطها بکنی دهنت را میدوزم و ...... نتیجه چنین توپ بستنهایی چیست؟ نهایتش این است که شاگرد پس از چند دفعه کتك خوردن و ...... شنیدن جلومعلم لب ازلب برنمی دارد و فحشهایش را نگه میدارد که دوراز چشم اوبدهد .... معلم آگاه میداند که رفتارصحیح رفتاری است که درغیاب معلم هم روی شاگرد اثرداشته باشد. ... نمی گویم که جلوبچه‌ها را رها کنید که هرچه میخواهد بگوید وبکند بچه‌ها از فحشهایی که میدهند چیززیادی سردرنمی آورند چون دیده وشنیده که پدرش وقت خشمگین شدن "فلان فلان شده" میگوید او هم به تقلید می گوید. هیچ مانعی ندارد که کم وبیش بچه درفحش دادن آزاد باشد. و معلم خود را به نشنیدن بزند تا وقتی که محیط کلاس و رابطه شاگردان خیلی دوستانه شود، البته باکوشش آگاهانه معلم، موردی برای فحش دادن پیش نیاید و بچه بعد از آن عادت به فحش ندادن بکند. خود مانیم. مگرنه این است که خود ما اگرروزی دستکم پنجاهتا فحش به این زندگی سگی و دست وپاچلفتی خودمان ندهیم، دلمان خنك نمی شود؟

روستایی دربرخورد اول خیلی خجول و کم حرف است. اما اگر کمی گرم بگیری و چند روز الفت و خیزکنی، زود اخت میشود و دست از سرت برنمی دارد. بچه های روستا باوجود کمرویی خارج از حد چنان قابلیت خودمانی شدن ودوست شدن با معلم را دارند که قابل قیاس با بچه‌های شهری نیستند .... اغلب معلمهایی که مدتی درروستاخدمت کرده اند، شکایت میکنند که از روستایی آدم درنمی آید. طرز رفتار و حرکتشان را نمی دانند، با آدم بدتا می کنند و ...... می خواهم بدانم آیا راستی راستی نمی شود باروستائیان کنارآمد و رفتاروحرکتشان را تحمل کرد؟ علت چیست که یك ده به بدی ومردمش به بدخلقی مشهور می شوند؟ نخست این را بگویم که روستایی هرقدر بد، بدعا و کج خلق باشد با یکی دوبار سلام کردن وتعارف ساده همه چیز را کنار میگذارد و فکر میکند که راستی راستی فلانی عجب آدم خوبی است. این عادت روستایی است. پس چطور میشود که با معلمها بدتا می کنند؟ .... معلم تازه کاروبی تجربه با هوای شهر وارد ده میشود وخواه ناخواه رفتارش به نظر روستایی عجیب و بسر خورنده می آید و محل به معلم نمی گذارد واین به آقامعلم برمیخورد ومعرکه بالا میگیرد و یکدفعه می بینی که روستائیان عریضه به اداره نوشته اند که ما فلانی را نمی خواهیم. این بچه‌های ما را گمراه میکند ودرس نمی دهد .... آنها از آدم باسوادی مثل معلم پیش از هرچیز ادب ظاهری میخواهند.

معلم نمی تواند اجتماعهای روستائیان را ندیده بگیرد. باید به مجالس آنها برود و آش بلغور وقتهایشان راهم بخورد. اسم اینها را میگذارم "زبان روستا را آموختن".

نتیجه می گیریم که: معلم روستا اگر بتواند خشونت ونبودن تربیت خانوادگی را

بقیه در صفحه ۹

بقیه از صفحه ۸

در سالروز.....

دربارهٔ شاگردانش با محبت ورفتار صحیحش جبران کند ،کار بزرگی کرده است و میتواند برتمام عاطفهها واندیشههای بچهها دست بیابد وتربیتشان کند وچیز یاد بدهد . تمام پدران ومعلمها مخالف بازیهای هستند که بچهها پیش از مدرسه به آنها عادت کرده ودوستشان دارد . مثلا چرانباید بچه توی مدرسه هم قاپبازی کند ؟ کجای این کاربد است ؟ چه مانعی داردکه بچه کمی از زنگ ـ ورزش رابه این بازی بگذرانند ؟ همان کاری که عصرتادیروقت درکوچه وبازارخوا ـ هند کرد ،بگذار صبح درمدرسه زیر نظر معلم بکنند وعصر به درس ومشق برسند وبه پدرشان کمك کنند . بجای بازیهای لوس مأخذ از فرنگ که درکلاسهای تربیت معلم به خورد معلمها میدهند واسمش رامیگذارند " بازیهای دبستانی " چرااین ومانند هایش را نگذاریم که هم معلم وهم بچهها تمام سوراخ وسمبههایش را بلدند ؟ فقط باید مواظب بود که مثل بازی عصر جنبه قماربازی نگیرد . . . . این هم هست که بچه روستایی به مدرسه غریب نمی شود و به رغبت واشتیاق درس می خواند .

معلم روستا یك چیزدیگر هم باید توجه کند . دانش‌آموزان روستایی برخلاف ـ شهریها تابستانشان رابابیکاری و کوچهو خیابانگردی وگردش و کنار دریاو ییلاق (ثروتمندان) وکلاس درس تقویتی و خصوصی و بندرت کتابخوانی نمی گذرانند . تابستان برای آنها فصل کاروبیل زدن است پدرهاشان از اول خرداد وزود تر معلم راگیج می کنند که آقا بچهها راکی ول میکنید . چاره چیست ؟ کارملك ومزرعه ریخته مانده . آدم لازم است که کارکند . وقتی درمدرسه بسته شد دانش آموزان هم کتاب رامی بندند تاآخرهای مهر ماه که دوباره به فکر کتاب و مدرسه بیفتند .

دانش‌آموزان دبستان روستایی همه مال آنجانیستند. بعضی هایشان از روستاهای دیگر پامیشوند و می آیند . نیم ساعت یك ساعت پیاده روی میکنند ومی رسند به مدرسه . درزمستان اغلب یك ساعت ونیم دیرمی آیند . پیاده روی میان برف وبوران در سرمای صبحگاهی باآن کفش ولباس ،خجالت میکشم بگویم کفش ولباس وسن وسال وغذایی که میخورند ،کارآسانی نیست .

هروقت از روستائیانی که فرزندانشان رااز مدرسه درآورده بودند پرسیدم که چرا درآورده ،جواب داد ماند کمکارها روبه راه نمی شود . می گویند که ماخودمان می ـ دانیم که آدم بیسواد کوراست ,اماچکارکنیم .

نتیجه میگیریم که اگر میخواهیم روستائیان راباسواد کنیم و به خواستمان ایمان ـ داریم ,نخست باید به اقتصاد لنگ روستا پرداخت . اگر کاروبار روستایی روبراه شود ,می آید که بچهاش راباسواد کنند وخودش رانیز همینطور . روستا ـ یی پس از آن همه تلاش برای هیچ وخستگی کشنده اصلا حال وحوصله ندارد بیاید وبنشیند روی نیمکت والفبا یاد بگیرد . یاگاهی مجبور میشوم بروم درخانه وبه پدرش التماس کنم . تابچه اش رااز بیل زدن باز دارد و بفرستد به کلاس ، اینهاست مشکلات روستا و روستائیان تاچه قبول افتد وچه درنظر آید . "

ازکتاب " کندوکاو درمسائل تربیتی ایران "

اقتصاد ورشکسته ایران

به گزارش روزنامه اطلاعات ۲۱ تیرماه ۶۳ شاخص بهای عمده فروشی کالاها درخرداد ماه نسبت به اردیبهشت ماه ۴/۳ درصد بالا رفته . این رقم درمقایسه باسال قبل ۹/۹ درصد ترقی نشان میدهد .

به گزارش روزنامه اطلاعات دوم مرداد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی درمناطق شهری درسه ماهه اول سال جاری نسبت به سال قبل ۱۴/۹ درصد افزایش ـ نشان میدهد . بنابرهمین گزارش درمقایسه باخرداد سال قبل شاخص بهای مواد خوراکی ۱۰٪ ،دخانیات ۳۵٪ ،پوشاك ۱۶٪ ،مصالح ساختمانی ۱۷٪ ،خدمات ساختمانی ۲۸٪ ،کرایه خانههای مسکونی ۱۲٪ ،تحصیل و مطالعه ۲۲٪ طلا ـ آلات ۲۴٪ و .... بالارفته است .

بادرنظرگرفتن میزان ثابت حقوق ,افزایش بیکاری ,هجوم روستائیان از روستاها به شهرها دراثر سیاستهای خائنان براندازجمهوری اسلامی , بسته شدن کارخانهها واخراج بی رویه کارگران و کارمندان میتوان به وضع اسفناك اقتصادی مردم پی برد . غرضی وزیر نفت اعلام داشت که " دولت جمهوری اسلامی وظیفه خود میداند درامور اداره کشور بدون نفت طرحهایی رااجرا نماید که بعضی از آنها سروسامان داده شده است " . اطلاعات ۱۶ تیر ماه ۶۳

اگر فرض شود که این گفتهها صحیح باشند چنین نتیجه میگیریم که سیاست جمهوری اسلامی از جهتی بالابردن تولید داخلی و ازجهتی صادرات بیشتر مواد غیرنفتی برای موازنه باواردات خود از خارج کشور میباشد برطبق گزارش بانك مرکزی دراطلاعات ۲۱ تیرماه ۶۳ درسهماه اول سال ۶۳ از طریق گمرك جلفا بیش از ۷ هزارتن کالا صادر و ۵۰۰ هزارتن کالا وارد شده است که صادرات عمدتا سنگهای ساختمانی بوده است که چند کامیون آن به این مقدار میرسد وبنقل از روزنامه جمهوریت چاپ ترکیه ۳۰ آوریل واردات ایران از ترکیه شامل موادی از قبیل موچین ,مهر ـ موم ,ماستوبره ,جارو ,هندوانه ,شیرینی و ...... هم میباشد که دوفرض بالا را رد میکند .

واقعیت این است که دولت جمهوری اسلامی چه درصحنه سیاست و چه ازلحاظ اقتصادی ورشکسته است و برای جبران این مسئله بحران اقتصادی رابه تودهها تحمیل نموده و به حیات ننگین خود چند روزی بیشتر ادامه میدهد .

بیاد جمعه خونین

به سنگفرشهای میدان شهر
به جز از لختههای خون نماند هیچ دیگر رنگ،
و پوکههای هزاران فشنگ !

اما،
بر چهره دشمنان این مردم
در هر لباس و در هر رنگ
کدام واژه گویاتر از ـ،
صد نفرین و از صد ننگ؟

نفیر جان ستان تیر
چنان چون می سرود بقلب تودهها آن واپسین آواز
ز ناقوسهای شهر چنین آمد هر آهنگ،

بیا ای تودههای باز مانده میدان
بصف باید که آمد روزگار جنگ!.

تفنگ است پاسخ آخر
آری ،تنها تفنگ،تنها تفنگ!

چنین بود پیام آن میدان
چنین باد پیام این دوران

۲۴ / جولای / ۱۹۸۴

پیش بسوی ایجاد سازمان واحد سراسری جنبش دانشجویی

بخوانید و...

اطلاعات
یکشنبه سوم تیرماه
۱۳۶۲شماره ۱۷۳۳۲

باپایان یافتن ماهمبارک رمضان،

هفت فیلم جدید از شبکه دوم تلویزیون پخش می‌شود

جنگل زیر اقیانوس
فیلمی علمی و مستند بمدت ۵۵ دقیقه و تحقیقی در
ارتباط بایک نوع گیاه دریائی که مصرف داروئی‌دارد.
اسرار دنیای افعی‌ها
اسرار دنیای افعی‌ها فیلمی است بمدت سی دقیقه
مستند از زندگی عجیب و حیرت‌انگیز افعی‌ها .
اسرار دنیای مارها
فیلمی علمی ومستند بمدت ۵۵ دقیقه از زندگی
حیرت‌انگیز مارها و چگونگی برخورد بعضی ازانسانها
با این مارهای عجیب و غریبو نحوه استفاده داروئی‌از
زهر مارها .
دو روز به مسافتراك كافه»
مسافت‌راك كافه» عنوان غاری است که در این فیلم
۵۵ دقیقه‌ای مستند ورزشی، جریان سفر گروهی از کوه
نوردان به‌این غار وبازدید از آن نمایش داده میشود.
اسرار زندگی عقربها
فیلمی است علمی و مستند بمدت ۳۰ دقیقه درباره
زندگی ترسناك عقربها و چگونگی مبارزات آنها باانسان
و کشتن افراد و خطرات واقعی عقربها.

اطلاعات
یکشنبه سوم تیرماه
۱۳۶۲شماره ۱۷۳۳۲
۱۱

جمهوری اسلامی در نمایشگاه بین‌المللی علوم‌و تکنولوژی در ژاپن شرکت می کند

جمهوری اسلامی ایران روز پنجشنبه بطور رسمی،
موافقتنامه‌ای برای شرکت در نمایشگاه بین‌المللی علوم‌و
تکنولوژی که قرار است ازبهار آینده در ژاپن برگزار سود
را امضاء کرد

دکتر هادی ندیمی رئیس دانشکده معماری دانشگاه
شهید بهشتی که مسئول طرح ساختمان غرفه ایران است،
طی گفتگوئی اظهار داشت غرفه ایران بیشتر برجنبه های
فرهنگی تاکید خواهد داشت و تلاش خواهد کرد،دیدگاه
فرهنگ اسلامی در مورد انسان . گذشته و آینده‌اش را
تصویر کند .

با الهام از پیام امام به مسئوال‌راسخ‌دهید
دعوت‌اطلاعات‌ازهمه‌صاحبنظران
پاسخ صاحبنظران
به‌سئوالات
اطلاعات

مسلما تجارت باید در خدمت
تولیدکنندمو مصرف‌کننده باشد.
نه اینکه تولید و مصرف در خدمت
تجارت قرار گیرد .

نمایندگان مجلس باید تا آنجاکه
ممکن است به احکام اولیه اسلام،
و آنجا که ضرورت است ، بهاحکام
ثانویه روی آورند .

اطلاعات
یکشنبه ۱۷ تیرماه
۱۳۶۲شماره ۱۷۳۴۳

دربعضی از روایات اسلامی که تجار را از لحاظ
درجه و مقام بعداز انبیاء وعلماء ذکر کرده ، گفته‌شده
است که :

لانهم یقربون البعیدویبعدون القریب
علت عظمت آنها این است که کالای دورزا وارد
میکنند ودر دسترس مردم قرار میدهند وکالای نزدیک
راصادر میکنند وبه دست مشتریانش میرسانند.

اطلاعات
شنبه ۲۳ تیرماه
۱۳۶۲شماره ۱۷۳۴۸

آیت‌الله‌العظمی منتظری ازدولت خواستند تولیدات اساسی روستائیان را گران بخرد وسطح خدمات رفاهی وامکانات کشت در روستارا بالا ببرد:

ایشان درهمین رابطه هشدار دادند : این‌تفکر غیر
اسلامی درگوشه وکنار جامعه هنوز احیانا دیده میشود که
بعضی‌ها باپولدار و متمکن شدن بعض دیگرمخالفند وچنین
میپندارند که‌اگرامردایر شود که‌همه‌مردم‌فقیر باشندیا عده‌ای
فقیر و عده‌ای متمکن وآن عدهمتمکن از طریق اعانات و
خیرات ونوع دوستی به دیگران کمک کنند بنظر اینهابهتر
آنست که‌همگی فقیر و غیر متمکن باشند . وبنظر من این‌یک
جهتگرائی وکوته‌نظری‌است که‌درجامعه ما هنوز آثار آن
دیده میشود وتفکر درستی نیست .

ایشان آنگاه بمسئله عرضه وتقاضا اشاره کردند و
گفتند: درزمان پیامبر اکرم مدتی قحطی شد و پیامبر دستور
دادند تمام انبارهایی را که‌درآنها جنس احتکار شده بود
مامورین بازکنند و دراختیار مردم قرار دهند و حضرت در
جواب اینکه بعضی گفتند : یارسول‌الله قیمت‌اجناس راشما
تعیین نمائید، فرمودند : قیمتش را خداتعیین کرده و مراد
حضرت همان عرضه‌وتقاضابود.

انقلاب های کمونیستی ، اگرچه درد محرومانو
مستضعفان را درمان نکرده است ، اما سیلی محکمی
برچهره شوم متکاثران ، نواخته است.
انقلابهای کمونیستی ، انقلاب عدالت نیست، بلکه
ظلمی است علیه ظلمی و باطلی است برضد باطلی!
در دنیا از اینگونه انقلابها بسیار شده است. در تاریخ‌اسلام ،
عباسیان علیه امویان انقلاب کردند . در نتیجه آن انقلاب ،
ظلمی رفت و ظلمی آمد . باطلی سرنگون شد و باطلی‌پرسر
کارآمد !

از صفحه ۱۲

اخبار جهان

بحران در شوروی

دولت شوروی همچون دیگر دول ارتجاعی در شرایط کنونی با بحران عظیم اقتصادی روبرو می باشد. بیش از یک‌سوم مزارع شوروی ضرر می دهند که ارقام آن سر به‌فلک می کشد. تعداد ۱۵ هزار مزارع کشاورزی توسط سوبسید دولتی سرپا نگهداشته شده‌اند در این مزارع که به اصطلاح بصورت " کلکتیو " از آن استفاده می شود، کشاورزان کم کاری می کنند زیرا که نتیجه کار انجام شده به کشاورزان تعلق ندارد. میلیاردها دلار از وسایل وارد شده که قرار بود در کارخانجات نصب شود بخاطر عدم نگهداری صحیح زنگ‌زده واز بین رفته‌اند.

بخاطر وضع نابسامان روستاها، میلیونها نفر کوچ کرده و بطرف شهرهای بزرگ رفته‌اند. دولت برای مقابله با این بحران حقوق متوسط را در شهرها ماهیانه ۱۷۰ روبل و در روستاها به ۲۵۰ روبل رسانده است و از این طریق می خواهد به تشویق کشاورزان به اقامت و کار در محل خود بپردازد. به کشاورزان زمین های خصوصی داده شده تا از این طریق در آمد دیگری هم داشته باشند؛ دولت کشاورزی و زمین های خصوصی را تشویق می‌کند و به آنها آب مجانی، تراکتور، کود شیمیایی، مواد شیمیایی علیه آفت و ... می دهد که تقریبا ۵۰ درصد کل سرمایه گذاری است که مجانا در اختیار کشاورزان قرار می گیرد. بر طبق آمار دولت روسیه مثلا در استان لیتوانی ۳ درصد زمینهایی که بطور خصوصی کشاورزی می‌شوند بیش از ۳۱ درصد محصول را تولید می‌کنند. این امر بخوبی نشان می‌دهد که کشاورزان اکثر نیروی خود را در خدمت مزارع خصوصی قرار می دهند و با تولید کم برای دولت جامعه با کمبود محصولات مواجه شده و این زمینه‌ای برای فروش محصولات تولید شده خصوصی با قیمت گران فراهم می آورد، بطوریکه گوجه فرنگی در بازارهای " آزاد " مسکو کیلویی ۷ روبل فروخته می شود (۷روبل را با مزد یک کارگر در ماه ۱۷۰ روبل مقایسه کنید. حقوق یک کارگر کمتر از قیمت یک کیلو گرم گوجه فرنگی در روز است. این واقعیت از طرف دیگر بیانگر مسئله دیگری است که باید قشری از جامعه موجود باشد که قادر به خرید این باشد که قادر به خرید این محصولات در بازار آزاد باشد و گرنه تولیدات خصوصی برای فروش در بازار آزاد امری بیهوده خواهد بود و از طرف دیگر درآمدهای غیر به اصطلاح قانونی برای کارگران که از طریق فروش بیشتر نیروی کار خود در کارخانجات مختلف است.)

استثمار کارگران در شهرها نیز شدت بیشتر یافته است. بر طبق طرحی که آندره پوف به اجرا درآورده، به مدیران کارخانجات اختیارات ویژه دیگری داده شده است. مدیران حق تعیین نوع و حجم محصولات تولیدی را دارا می باشند و به کارگران " خوب " پاداش می‌دهند. کارگر " خوب " در قاموس استثمارگران یعنی کسی که بیشترین کار را بکند و هیچ اعتراضی هم ننماید.

برنامه مسکن و امتیازات دیگر برای کارگران و کشاورزان با تاخیر چندین ساله مواجه شده است. بخش های دیگر جامعه از قبیل کارمندان خدمات اجتماعی، کارمندان دولت، معلمان و ... در اوضاع بسیار بد اقتصادی بسر می برند. اخیرا دولت مجبور به افزایش حقوق بمقدار ۳۰ در صد برای رسیدن به حقوق متوسط بیانگر بالا بودن در صد تورم در این کشور می باشد.

بحران در کمپ غرب

بحران بسیار عمیقی کل جهان امپریالیستی را فرا گرفته و گلوی هر کدام را بگونه‌ای می فشارد. امپریالیسم که سرکردگی بلوک غرب را دارد برای رهائی از بحران موجود به همپیمانان امپریالیست خود نیز فشار آورده و سعی در خلاصی از این بحران دارد. با لارفتن نرخ سود در آمریکا ضربات اقتصادی فراوانی را به کشورهای همپیمان زده است بگونه‌ای که دولت انگلستان صدها میلیون پوند از این طریق خسارات مالی خورده است. با بالا رفتن نرخ سود در آمریکا نوساناتی که بدنبال آن در زمینه ارزش پول رایج در هر کشوری بوجود می‌آید، واردات و صادرات این کشورها را با بحران مواجه ساخته و ضربات زیادی به آن می زند. از یکطرف قیمت پوند در برابر دلار پائین آمده که این امر به بالا رفتن قیمت محصولات وارداتی می انجامد و از طرف دیگر قیمت محصولات صادراتی پائین می آید. دولت انگلستان که سیاست " پائین نگهداشتن تورم " را درصدر برنامه خود قرار داده با مشکلات فراوانی روبرو گشته است. سود بانکی و وام خانه و ... بسیار بالا رفته و قیمت محصولات وارداتی بسیار بیشتر شده است. درصد بیکاری از سال ۱۹۷۹ تا کنون ۷/۲ درصد افزایش یافته که در مقایسه با حد متوسط بیکاری در جهان امپریالیستی (۳/۳۰ درصد) نزدیک به ۲/۵ برابر بیشتر است. درآمد " ملی " انگلستان ۱/٤ درصد بوده که در مقایسه با سال ۱۹۷۹ ، ۲/۵ درصد کاهش یافته است. صادرات انگلستان در سه ماهه اول سال ۱۹۸٤، ۱/۵ درصد کاهش یافته و واردات ۲ درصد بالارفته است. (کلیه آمار از گاردین ویکلی ۱۵ ژوئیه ۱۹۸٤ بنقل از ارقام دولتی است که ارقام واقعی بیشتر از آن می باشد).

این بحران فقط در انگلستان نبود بلکه کلیه کشورهای غربی و شرقی با آن دست به گریبانند. بیکاری در بین سیاهان آمریکا بر طبق آمار دولتی امریکا به ٤٥ درصد می رسد و بیش از ۹ میلیون نفر بیکارند. کابینه میتران در فرانسه بخاطر بحرانهای اقتصادی سقوط می کند و ... .

امپریالیستها برای خلاصی از بحران، بخش وسیعی از این بحران را به کشورهای تحت‌سلطه و نفوذ خود منتقل می کنند. برای مثال فقط با بالا رفتن نرخ سود در بین ماههای مارس تا ژوئیه سود بدهیهای کشورهای آمریکای لاتین در سال بیش از ۵ میلیارد دلار افزایش یافته که این رقم از کل صادرات کلیه کشورها در مدت یکسال بیشتر می باشد. از طرف دیگر کلیه این کشورها ارزش پولشان نسبت به دلار پائین آمده و به اقتصاد وابسته این کشورها ضربات مهلکی خورده است.

این بحرانها بقدری عمیق می باشند که رژیمها را خلاصی از این بحران امری بسیار محال است. فشارهای روز افزون بر توده‌ها هرروزه بیشتر گشته و به موجهای انقلاب در این کشورها دامن می زند. تنها راه رهائی از این بحرانها انقلاب است و بس.

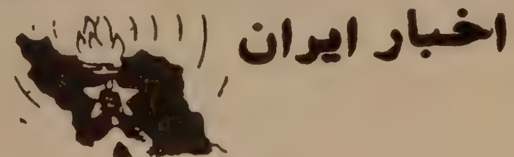
مرگ بر دولت ضد خلقی روس و ایادی داخلیش

ستاد

شماره ۳۱

شهریور ۶۳

اخبار ایران



بدنبال متهم کردن رژیم خمینی به مین گذاری دریای سرخ از جانب امپریالیستها رژیم که در اوائل از این امر اظهار شادمانی میکرد وآنرا از "قدرت جمهوری اسلامی" ناشی میدانست ناگهان پس از نطق خمینی و توبیخ بخشی از هیئت حاکمه که چنین تبلیغاتی "ما را در تمام دنیا تروریست معرفی میکند" به سرزنش این عمل پرداخت ودر مقابل امپریالیستها را "برای حضور نظامی بیشتر در منطقه" متهم به عمل مین گذاری نموده !

بگزارش روزنامه فاینشنال تایمز ۲۱ آگوست، تن از وزرای مشاور ومعاونین وزارت صنایع که بهزاد نبوی عاقد قرارداد گروگانها وزیرآن میباشد بجرم اختلاس ورشوه گیری از ۱۴ شرکت ایرانی دستگیر و آماده محاکمه شده اند . مبلغ رشوه ۳۰ - میلیون ریال ذکر شده است .

گاردین شنبه ۱۸ آگوست از دادگاه هواپیماربایان ماه گذشته در ایتالیا می نویسد که علاوه برد وهواپیماربا سه تن ازمسافران که قراربود با آن هواپیما به مسافرت مکه بروند نیز در ایتالیا مانده وتقاضای پناهندگی سیاسی نموده اند . یکی از این سه نفر بدادگاه اعلام داشت که "تقریبا تمامی مسافران دلشان میخواست در ایتالیا بمانند !

رویتر ۱۸ آگوست گزارش میدهد که خلبانان سوئیسی درماه گذشته چندین فروند هواپیمای "آموزشی" این کشور راتحویل ایران داده اند . بنابرگزارش روزنامه سوئیسی "لالیبرته" هواپیماهای "پیلاتوس پ - س - ۲۷" (P.C. 27 Pilatus) که در ردیف هواپیماهای غیر نظامی شمرده میشوند مدتها موضوع بحث این دولت بوده که درمواقع لازم از آن بعنوان هواپیمای نظامی نیز میتوان استفاده کرد .

اخبارجهان



هنگ کنگ

بعد از ۲ سال از مذاکرات باصطلاح مخفی دولت انگلستان وچین برسر مسئله هنگکنگ ,نکات مورد توافق طرفین علنی شده است . هنگکنگ ۸۶ سال پیش به دولت انگلستان برای مدت ۹۹ سال اجاره داده شد . برطبق این قرارداد دولت انگلستان باید در سال ۱۹۹۷ این کشور راتحویل چین دهد . دولت چین تاسال ۱۹۷۶ هیچ گونه بحثی رابادولت انگلستان برسر مسئله هنگ کنگ نداشت ولی بعد از بقدرت رسیدن ارتجاعیون وغصب رهبری بتوسط تنگ سیائوپین ,مذاکرات شروع شد . نتایج این مذاکرات بدینقرارند

۱ . حفظ سیستم قانونی هنگ کنگ

۲ .. اقتصاد وسیاست مستقل

۳ . ادامه جدائی هنگ کنگ بعنوان یك سرزمین مستقل بافرهنگ مستقل و با حق شرکت درمسائل بین المللی

۴ . تامین بودجه هنگ کنگ توسط آن کشورو خرج آن در داخل هنگ کنگ

۵ . پول رایج همان دلار هنگ کنگ باقی میماند

۶ . حق حرکت پول در داخل و به خارج از کشور

۷ . کلیه بندهای بالا تا ۵۰ سال بعد از سال ۱۹۹۷ لازم الاجراست.

البته مسائل فرعی دیگر که اساسا هیچ و پوچ میباشند مورد بحث طرفین است و قرارداد نهائی درماه سپتامبر به امضا دولتین چین وانگلستان خواهد رسید . البته جای هیچ گونه شکی نبود که دولت ارتجاعی حاکم برچین که تمام دستاوردهای انقلاب چین رابزیر پاگذاشت وبه انقلاب یك سوم جمعیت بشری خیانت نمود درحق مردم هنگ کنگ هم دست به چنین خیانتی نزند .

باین وجود دولت هنگ کنگ همچنان در دست امپریالیستهای انگیسی خواهد ماندو استعمار انگلستان برعلیه سخنان تنگ سیائوپین که "مارشال دوگل به استعمار فرانسه پایان بخشید وتاچر به استعمار انگلستان پایان میدهد" (گاردین ۱ اوت ۸۴) همچنان ادامه خواهد یافت .

نه مارشال دوگل ونه تاچر هیچکدام برعلیه استعمار نبوده وخود از پایههای اصلی استعمار و استثمار میباشند ودولت چین هم از خدمتگزاران این سیاست است . قرارداد هنگ کنگ نمونه بارز آن می باشد .

بقیه در صفحه ۱۱

درحمایت از پناهندگان ایرانی

تظاهرات ایستاده به حمایت از پناهندگان

در روز پنجشنبه ۱۹ جولای تظاهرات ایستادهای در مقابل سفارت پاکستان در اعتراض به رفتار وحشیانه دولت پاکستان نسبت به پناهندگان انقلابی و مبارز ایرانی از طرف "کمیته موقت برای دفاع از پناهندگان ایرانی در پاکستان" در لندن برگزار شد. که متن گزارش آن در ستاد شماره ۳۰ اطلاع خوانندگان رسید. تظاهرات ایستاده دیگری در روز پنجشنبه ۲ اوت اینبار در مقابل دفتر سازمان ملل در لندن از طرف کمیته مذکور بوگزار گردید. برخی از شعارهای تظاهرات عبارت بودند از: "اخراج پناهندگان سیاسی ایرانی از پاکستان بمعنی اعدام آنهاست، مرگ بر امپریالیسم، مرگ بر ارتجاع، زنده باد انقلاب، و ..." در طول تظاهرات که در شلوغ ترین ساعات بعد از ظهر انجام گرفت. مردم حمایت خودرا از تظاهرات نشان می دادند همانطور که قبلا به اطلاع خوانندگان رسید بیش از پانزده تن ازپناهندگان سیاسی ایرانی در پاکستان دستگیر شدهاند و رژیم ارتجاعی پاکستان در پی استرداد آنها تحت لوای قرارداد "استرداد مجرمین" به رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی میباشد.

رفقا و دوستان مبارز، اسنادی مبنی بر توطئههای دو رژیم ایران و پاکستان بر علیه پناهندگان مبارز سیاسی در ستاد قبلی به چاپ رسید. برای مقابله و افشاء این توطئهها هیچ راهی بجز مبارزه با آنها نیست. با برپایی تظاهراتها و آکسیونهای اعتراضی پناهندگان مبارز ایرانی را در پاکستان یاری دهید و سیاستهای مرتجعانه سازمان ملل را بر علیه پناهندگان ایرانی افشاء سازیم . و توطئه مشترك دولتین ایران و پاکستان را بر علیه پناهندگان سیاسی ایرانی درنزد جهانیان افشاء کنیم .

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق !

ستاد

شماره ۲۳ — سازمان توده انقلابی دانشجویان (ستاد) ـ بخش انگلستان — دی ٦٢

"حقایقی" چند از زبان "رئیس جمهور"

در یك كنفرانس مطبوعاتی كه از طرف وزارت ارشاد اسلامی ترتیب داده می شود خامنه‌ای به سئولات بعضی از خبرنگاران خارجی جواب می دهد . این مصاحبه كه در اطلاعات ۲۱ آبانماه بـه چاپ رسیده در مورد مسائلی است كه كشور ایران گریبانگیر آن می باشد و جوابهایی را از جانب خامنه‌ای بدنبال دارد كه حاوی جنبه‌هایی از "حقیقت" است . گرچه هر یك از این سئوالات نكاتـی را در بر دارد اما ، با توجه به پاسخهای خامنه‌ای سیاست ـ جمهوری اسلامی در قبال آزادی و رفاه مردم ,و استقلال اقتصادی و سیاسـی جمهوری اسلامی را باز مـی كنیـم .

در پاسخ این سئوال كه "چه تعداد از گروههای مذهبی و سیاسی مجاز به شركت در انتخابات اینده مجلس به غیر از حزب جمهوری اسلامی می باشند ." می گوید .

بقیه در صفحه ۲

در حاشیه
سمینار پزشكی در تهران

از تاریخ ۲۹ آبان تا ٦ آذر سمینار بیـن المللی پزشكی در محل هتل هیلـتون تهران با شركت پزشكان و متخصصان كشور های پاكستان هند فیلیپین و انگلستان و آلمانغربی و چند كشور دیگر آسیائـی و آفریقائی در ایران تشكیل شـد . رژیم مرتجع خمینی كه در دشمنی با علوم دانش شهره خاص و عام است و سیاست های اختناق و فلاكتبار اقتصادی و ـ سیاسی اش هزاران پزشك و متـخـصص ایرانی را به جلای وطن واداشته بـا اجرای این نمایشنامه عوامفریبانه سـعی در نشان دادن ثبات خود نمـود و مضحكتر حتی برنامه كار این سمینـار را هم كه گویا به درمـان و آسایش دردمندان و بیماران بـایـد بـه گفت و گو بنشینند بـه جولانگاه ناشیسم و خونریزی مبـدل كـرده و ـــ

بقیه در صفحه ٤

رویدادهای لبنان و انقلاب فلسطین

اختلافات بین دو جناح متخاصم یاسر عرفات و چریكهای هوادار ابوموسی و طرفداران به مراحل بسیار حساسی رسیده و انقلاب فلسطین را دچار بحران بزرگی نموده است . این اختلافـات بخصوص بعد از بیرون رفتن چریكهای فلسطینی از بیروت شـدت بیشتری گرفت و باعث انشعاب در صفوف جبهه فلسطین شـد . انشعابگران در مرحله اول با تكیه بر یكسری انحرافات یاسر عرفات ونشست و برخاستهایش با ارتجاعیون عـرب ,تصمیمات انفرادی , قبول طرحهای ارتجاعیون منطقه و . . . .توانست در بین مبارزین فلسطین وجهه‌ای كسب نمایند وحتی تعداد زیادی از چریكهای فلسطین را بسمت خود بكشند . ابوموسی وطرفدارانش كه از

بقیه در صفحه ۳

اتحاد مبارزه پیروزی



برگزاری تظاهرات و شب بزرگداشت مشترک در سالروز ١٦ آذر

در صفحه ١٢

پاسخ به خوانندگان — در صفحه ٥

كردستان (٤) — در صفحه ٧

صمد جاودانه شد (۳) — در صفحه ٨

اخبار ایران وجهان — در صفحه ١٢

"خانه ایران" یا دفتر جیره خواران امپریالیسم امریكا ؟! — در صفحه ٦

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی !

"حقایقی" چند ...

بقیه از صفحه ۱

"در جمهوری اسلامی شرکت در انتخابات برای همه احزاب آزاد است". به نظر ما هم آقای رئیس جمهور صحیح می گویند و کلیه احزاب آزادند که در انتخابات شرکت کنند، آری رئیس جمهور دروغ نگفته چراکه حزب موجود همان حزب جمهوری اسلامی است، و به عبارت دیگر همان "حزب الله" معروف شان است، دیگر بر همگان روشن است که چگونه گروهها و دستجات ارتجاعی چون حزب توده که با اصرار فراوان مجیز گویی دولت جمهوری اسلامی را پیشه خود کرده بودند، با اردنگی بیرون شدند.

دار و دسته حاکم بر ایران در انحصار طلبی گوی سبقت را از تمامی جریانات فاشیستی ربوده اند اگر در امریکا و انگلیس رقابت بین چند سرمایه دار است، اگر در زمان شاه انتخابات در میان چند حزب مردم فروش بود و غیره اینان دیگر چه در عرصه انتخابات و چه در عرصه های دیگر فقط و فقط همان حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی را دارند و بس پیخود نیست که خامنه‌ای در میان خبرنگاران که به آنها اصرار می ورزد اخبار درست را منعکس کنند، قبل از آنکه گندش بیرون بیاد خیلی سریع و بدون آنکه توضیح بیشتری دهد اعلام می دارد "در جمهوری اسلامی شرکت در انتخابات را برای همه احزاب آزاد است" و از آنجاکه تنها حزب جمهوری اسلامی در چهارچوب رسمی حکومت قرار دارد پس آزادی شامل همه احزاب میشود و یا شاید هم منظور رئیس جمهور مرتجع از احزاب همان باندها و دستجات درون "حزب جمهوری اسلامی" است. کسی نمی داند ؟!

خامنه‌ای در پاسخ این سئوال که "چرا انقدر تورم در ایران وجود دارد" جواب میدهد که "تورم یك عارضه جهانی است و فقط مربوط به کشور مانیست". همه توجه کنند آقای خامنه‌ای اینبار هم دروغ نگفته است چرا که عادت ندارند دروغ بگویند ولی نیمی از حقیقت را میگویند و روشن است که در اکثر مواقع نیمی از حقیقت نقشی جز وارونه جلوه دادن حقیقت را در بر ندارد. این درست است که تورم یك عارضه جهانی است و مختص کشور خاصی نمی باشد. عارضه‌ای که میتواند گریبانگیر هر کشوری که از اقتصاد مریض و ناسالمی برخوردار است بشود، عارضه‌ای که از بحران بر میخیزد و با شدت استثمار شدت میباید.

در هر کجا که نیروی کار مردم زحمتکش جامعه و درآمد های ملی بیشتر در راههای غیر تولیدی همچون خرید اسلحه و صرف هزینه‌های ارتش و جنگ و مقاصد قدرت طلبی عده‌ای بکار گرفته شود تورم نیز افزایش می یابد. تورم در هرکجا که شدت وابستگی بیشتر باشد، بالا است. و این مختص ایران نمی باشد، بلکه یك عارضه جهانی است و متعلق به تمام کشورهایی است که فاشیسم و دیکتاتوری حاکم است و وابستگی اقتصادی بیشتری به جهان امپریالیستی دارند و این بقیه آن حقیقتی است که خامنه‌ای از ادامه‌اش سرباز می زند.

این آن دلیلی است که چرا قیمتها بطرز سرسام‌آوری در کشور رو به افزایش است و گوی سبقت را از بقیه کشورها ربوده است.

مسئله قابل اهمیت دیگر جنگ است که در این باب سئولات فراوانی از آقای خامنه‌ای "رئیس جمهور" شده که اگر از جوابهای معمول آن بگذریم در مورد تعداد کشته شدگان جنگ می گوید "شهدای ما چه کم و چه زیاد برای ما عزیزند ما فکر نمی کنیم که تعداد و کمیت بتواند از سنگینی غمی که ما در از دست دادن عزیزانمان بر دل داریم بکاهد. ما بجز میدانهای جنگ در شهرها هم شهید داشته‌ایم ....." پر واضح است که خامنه‌ای منفور از جواب به این سئوال طفره میرود نه با این خاطر که نمی داند بلکه به این دلیل که از افشاشدن ترس دارد. کسی که از خبرنگاران می‌خواهد اخبار "درست" را منعکس کنند معلوم می کند که منظورش همان اخباری که بنفع جمهوری اسلامی و خائنین از آن قماش می‌باشد، است. او وحشت دارد که مردم جهان بدانند چند صد هزار نفر از جوانان مملکت قربانی هوی و هوس قدرتطلبان حاکم در قدرتند غافل از اینکه مردم نتایج فلاکتبار ناشی از جنگ را دریافته‌اند و در پی سرنگونی این رژیم خیره سر میباشند. خامنه ای خائن بازهم تحت فشار سئوالی دیگر قرار میگیرد، از او در مورد تاثیرات و خرابیهای ناشی از جنگ سئوال میشود که پاسخ میدهد. "جنگ فشارهای اقتصادی زیادی را بر ملت ما تحمیل کرده است اگر جنگ نبود بی‌گمان این فشارها هم نبود."

باز هم نیمی از حقیقت "اگر جنگ نبود فشارهم نبود" ولی اگر این رژیم ظلم و زور برروی کار نمیبود و یك رژیم انقلابی دمکراتیك و مردمی قدرت را در دست داشت آیا باز هم جنگ به این صورت که فقط نتیجه‌اش بدبختی و فلاکت را نصیب مردم کند ادامه مییافت؟

بقیه در صفحه ۱۱

رویدادهای لبنان و ...

بقیه از صفحه ۳

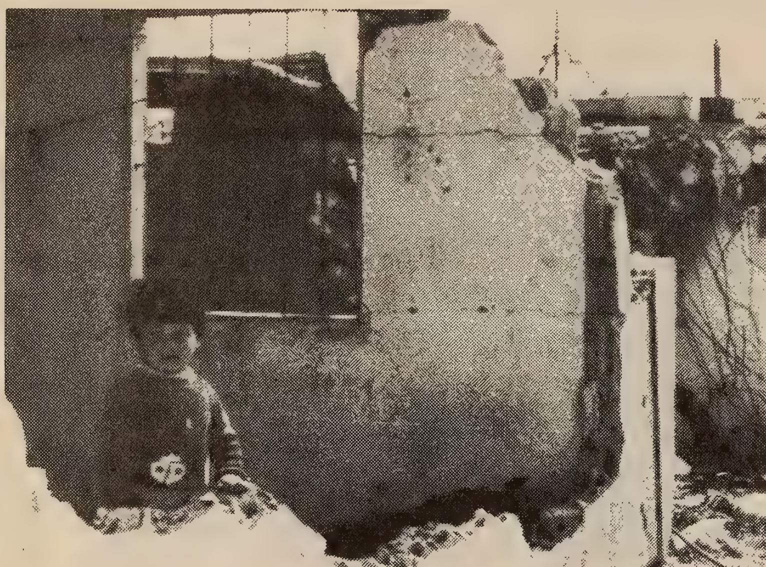
جانب سوریه ,لیبی و ایران کمك میشوند برای حل اختلافات به جنگ علیه یکدیگر برخاستند و در عمل بدام توطئه‌های امپریالیست ها افتادند . ابوموسی که در شرایط کنونی تحت تاثیر سیاستهای سوریه ود ر ادامه آن نفوذ ابر قدرت شوروی است باکشیدن اسلحه بروی یاسرعرفات و یارانش در نزد مردم فلسطین اعتبار گذشته خود را از دست داد . در چندین اردوگاههای فلسطینی تظاهرات بر علیه ابوموسی صورت گرفت. در اردوگاه " نهرالبلید " مردم تظاهرات کردند و با اخراج هواداران ابوموسی خود کنترل این اردوگاه را بدست گرفتند . در این درگیریها تا کنون از طرف هواداران عرفات بیش از هزار نفر شهید و ۲ هزار نفر زخمی شده‌اند . ابر قدرت ها و سگان زنجیریشان در منطقه از این اختلافات استفاده نموده و هرکدام جهت نفوذ هر چه بیشتر در جنبش فلسطین به تکاپو افتاده‌اند .

نمایندگان عربستان سعودی و سوریه در دمشق بر سر یافتن راه حلی جهت سرکوب هرچه بیشتر فلسطین چندین بار ملاقات نمودند . فرستاده مخصوص امریکا با نمایندگان سوریه به مذاکره پرداختند . نمایندگان رژیم لبنان بر سر خروج نیروهای فلسطین از لبنان در درجه اول ونیروهای سوری به مذاکره نشستند . همه این توطئه‌ها جهت سرکوب انقلاب فلسطین است و بس، و هر چه دو ابر قدرت امریکا و شوروی در این سرکوب سهیمند . ابرقدرت شوروی که تا چندی پیش موضع به اصطلاح بی طرف اتخاذ نموده بود ,در تاریخ ۲۸ نوامبر پیامی ,به عرفات میفرستد واز مخالفان عرفات انتقاد میکند . ولی کیست که نداند پشت سر مخالفان عرفات کیست وچه کشوری به آنها سلاح می رسانند .

شرایط بسیار بحرانی و نگران کننده است . چریکهای فلسطین از یکطرف زیر حملات نیروهای سوری و مخالفان هستند و از طرف دیگر زیر حملات نیروی دریائی و هوائی اسرائیل . از یکطرف اسرائیل چند هزار زندانی فلسطینی در مقابل ٦ زندانی اسرائیلی آزاد میکند و از طرف دیگر آنان را زیر حملات بمب و مسلسل قرار میدهد . همه این درگیریها و کشمکشها ورفت وآمدها نشانگر یك مسئله است . انقلاب فلسطین بهر قیمتی که شده باید نابود گردد و تمام ارتجاعیون منطقه به همراه اربابانشان همین قصد راد ارند و بس .

هواداران عرفات که در حال حاضر در محاصره مخالفان و نیروهای سوری قرار دارند حاضر به خروج از بندر طرابلس شده‌اند . اسرائیل تهدید نموده است که اجازه خروج به این نیروهای تحت "حفاظت" سازمان ملل را نخواهد داد و در روزی نامه‌های امپریالیستی جهت ربودن یاسر عرفات توسط اسرائیلیها میشود . نکته ای که نباید فراموش شود آن است که سیاستهای غالب بر رهبری جنبش فلسطین خود در بوجود آمدن این اختلافات تاثیر داشته است .

این امر باعث سوءاستفاده مخالفان قرار گرفته وسعی در نابودی عرفات می‌کنند . اساساً در شرایط کنونی امپریالیستهای غربی و همپیمانانش و بهمراه سگان زنجیریش سعی در آن دارند که



بالا یکی از کمپهای فلسطینی در لبنان را نشان میدهد .

با به اصطلاح حمایت از عرفات در این اختلافات نفوذ خود را در جنبش فلسطین بیشتر نمایند . شخص یاسر عرفات هم با موضع مشخص اتخاذ نکردن و بازیهای به اصطلاح دیپلماتیك به نفوذ آنان در این جنبش می دمد . عرفات از فرانسه خواسته است که اسکورت هواداران خود را به یمن شمالی و تونس توسط کشتی های یونانی مسافرت خواهند کرد بعهده بگیرد .

رژیم فاسیستی حافظ اسد فشار خود را بر نیروهائی که در این اختلافات از عرفات طرفداری میکنند و در حال حاضر در سوریه دفتر سیاسی دارند بیشتر نموده است . از عمده این نیروها ژرژ حبش است که تا کنون ۲ بار توسط رژیم ارتجاعی سوریه زندانی شده است. چریکهای هوادار وی را که در دره بقاع مستقر هستند محاصره نمود و حق ورود آنان به سوریه را گرفته است. نشریات سازمانی آنان ممنوع اعلام شده و اجازه ورود و خروج رهبران این تشکیلات به دره بقاع از آنان گرفته شده است .

دولت سوریه عملیات تخریبی وترساندن رهبران و چریکهای هوادار این سازمان را بطور وسیعی ادامه می دهند . نشریه غیرقانونی تشکیلات ژرژ حبش بر علیه حافظ اسد به افشاگری پرداخت و برای سومین بار باز داشت شد . دولت سوریه اعلام نموده است که ژرژحبش یا باید بر علیه عرفات موضع بگیرد و یا سوریه را ترك کند . یکی از نزدیکان جنبش اعلام داشت که جنبش هیچکدام از مشروط اسد را قبول نخواهد کرد .

دولت سوریه حتی از عملیات این سازمان بر علیه دولت اسرائیل نیز جلوگیری می نماید . در شرایط کنونی سیاست امپریالیست ها در شقه کردن جنبش و از بین بردن استقلال سیاسی ونظامی آن است. اینکه امپریالیستها تا چه حد در این امر بطور موقتی پیروز خواهند شد بستگی به مبارزات خلقهای فلسطین بر علیه ارتجاع و امپریالیسم و انحرافات عمیق و خطرناك درون جنبش فلسطین دارد .

مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران!

در حاشیه سمینار ...

بقیه از صفحه ۱

و با قرارداد دو بحث درباره: "کاهش مفاسد اجتماعی پس از انقلاب در ایران" و "اثرات انفجارات شیمیائی" و مسمومیت ناشی از آن در جبهه‌های جنگ با عراق قصد دارد به سیاست جنگ افروزانه و ضد مردمیش چهره‌ای رسمی و مرتب بدهد.
مفاسد اجتماعی در جمهوری اسلامی به برکت از دست دادن هزاران فرزند و نان آور خانواده در جبهه‌های جنگ ناخواسته و کشتارهای رژیم از انقلابیون و مبارزین، نه تنها کاسته نشده بلکه با ترویج فحشا و مواد مخدر و اشاعه افکار قرون وسطائی تمامی نهادهای اجتماعی خانواده و مدرسه و ادارات و غیره به جو سوءظن و دشمنی و بیقانونی و توحش آلوده شده که باوجود پاسداران و آدمکشان حرفه‌ای خمینی در تمام معابر تمامی مملکت را عفریت این رژیم در چنگال خود میفشرد. رژیم تبهکار خمینی که هزاران هزار از نونهالان و امیدهای آینده ایران را برای مطامع ضد انقلابی خود و همپالگیهایش بکام مرگ در جبهه های جنگ با عراق میفرستند تا اسلحه فروشان انگلیسی، کره‌ای و دلالان و سوداگران مرگ ایتالیائی و آمریکائی و اسرائیلی و روسی، با پول خون مردم ما ارتزاق کنند احمقانه پزشکان ومتخصصان را از گوشه و کنار دنیا با مخارج هنگفت به تهران دعوت میکند تا بر جسد بی سروپای هزاران ایرانی "آزمایشات پزشکی" بکنند تا معلوم شود بمبی که عراق بکار میبرد آیا شیمیائی و مسموم کننده بوده یا نه؟
تو گوئی اگر صدام جنایتکار با توپ روسی وخمپاره فرانسوی فرزندان دهقانان و کارگران ایرانی را بخاك و خون بکشد تا اینجایش اشکالی ندارد و این صرفاً استعمال بمبهای شیمیائی است که صدام وعده شکنی در نحوه کشتار مردم می‌کند! زهی بیشرمی.
بی شك خشم بی پایان مردم، از مظالم حکومت ددمنش خمینی که جز مرگ و فقر و جهالت، خیری برای مردم قهرمان ما به ارمغان نیاورده آتش خواهد گشت که سراپای این حکومت خائن را خواهد سوزانید.

اخبار ایران

بقیه از صفحه ۱۰

را بین ایران وعراق برقرار سازد وبگفته منابع سیاسی، مذاکرات مقامات جمهوری اسلامی با توجه به گرمی روابط ایران وانگلیس میتواند به نتیجه برسد. السفیر اضافه کرد، که ایران در حملات اخیرخود به آمریکا وفرانسه از حمله به انگلیس خودداری کرده و از طرف دیگر صادرات انگلیس به ایران در ٦ ماهه گذشته ٤٠٪ افزایش یافته است ولی فاینشیال تایمز از رویتر نوشت: انگلستان طرحی برای فروش بمب افکن های جاگوار به ایران جهت خنثی کردن سوپر اتاندارد عراق ندارد.
نشریه اقتصادی خاورمیانه درشماره ١٤ اکتبر خود اطلاع داده است که کارخانجات اتومبیل سازی نیسان وتویوتا از دولت ایران نامه هائی دریافت کرده‌اند که در آن برای تأسیس کارخانه های مونتاژ اتومبیل کمك خواسته شده است، کارخانه نیسان در سال ۱۹۷۰ اقدام به ایجاد کارخانه مونتاژ وانت بار در ایران نمود. درنامه به کارخانه نیسان خواسته شده است که تأسیسات خود راتوسعه بدهند. شنیدنی است که طی هفت ماهه اول ۸۳، کارخانجات اتومبیل سازی ژاپن ٤٣ هزار اتومبیل به ایران صادر کرده است، که درمقایسه باسال قبل ٥ برابر افزایش داشته است.
رئیس بانك مرکزی اعلام کرد که میزان بدهی های ایران به کشورهای خارجه از ١٥ میلیارد دلار زمان قبل از انقلاب به رقمی حدود ٥٠٠ میلیون دلار کاهش یافته. این هم گوشه‌ای دیگر از خدمات رژیم جمهوری اسلامی به امپریالیستها، بدهی های شاه را فرزندان خلفش به اربابانش میپردازد.

گزارشی از مجلس شورای اسلامی

(ایران تایمز چهارم آذر ٦٢ – ایرانشهر ٢٧ آبانماه)

به گزارش روزنامه جمهوری اسلامی که صورت جلسه مذاکرات مجلس را منتشر می سازد سئوال یکی از نمایندگان از وزیر صنایع پیرامون نحوه توزیع تولیدات صنایع ملی شده، قیمت کالاهای صنعتی و علت افزایش نرخ تولیدات کارخانجات ملی شده، را چاپ نموده است.
بعد از شروع سخنان وزیر صنایع ناگهان شجوئی نماینده کرج با حمله به وزیر صنایع گفت (اینهایی که می گوئید فقط در بازار سیاه پیدا می شود چی می‌گوئید شما اصلا ؟) نایب رئیس

گفت که شجوئی در میان سخنان وزیر صنایع حرف نزند شجوئی در ادامه اعتراض خود گفت (خود دولت گران کرده، دولتی که لیاقت ندارد استعفا بدهد برود پی کارش).
شجوئی بدون توجه به تذکر رئیس مجلس که در غیاب هاشمی رفسنجانی جلسه مجلس را اداره میکرد گفت بروید توی بازار سیاه همه چیز پیدا میشود، لاستیك هست، سیمان هست، همه چیز یافت میشود، وی اعلام کرد با توجه به ٤٥٠ درصد گرانی برخی کالاها، دولت مسئول آن است. و در پاسخ رئیس مجلس که مرتبا از وی می خواست (ساکت باشد) گفت "چه بگویم، ما اصلا رو نداریم با مردم صحبت کنیم یك حدی بدارد این کارها) وی سپس گفت (من دیروز چراغ ماشین را ١٤ هزار تومان خریدم). آقای شجوئی، شما که دم از گرانی و حتما تنزخود تان دفاع از مستضعف است. اگر خود تان خون این زحمتکشان را به شیشه نکرده باشید چگونه فقط قیمت چراغ ماشینتان ١٤ هزارتومان میشود. حتما ماشین شما چند میلیون است و این بدونه استثمار زحمتکشان ممکن نیست.

پاسخ به خوانندگان

رفقا سئوالات، نظرات و انتقادات خود را به بخش پاسخ به خوانندگان، به آدرس ستاد بخش انگلستان، بفرستید

★ رفیقی پرسیده است که ایدئولوژی ستاد چیست؟

قبل از پاسخگوئی به این سئوال بایستی پایگاه طبقاتی دانشجویان را مشخص کنیم. دانشجویان دارای طرز تفکر، دیدگاههای طبقاتی ـ ایدئولوژیک سیاسی گوناگونند و در تولید جامعه نقشی ندارند که در ارتباط با آن منافع طبقاتی خاصی را دنبال کنند.

به همین دلیل است که ما معتقدیم جنبش دانشجوئی میبایستی دمکراتیک باشد و براساس خواسته و منافع خلق که دربرگیرنده منافع کلیهٔ توده‌های دانشجوئی است حرکت کند. ستاد نیز همین اساس را مبنای کار خود قرار داده و تبلیغ ایدئولوژی خاصی نمیپردازد بلکه معتقد است که هر دانشجو با ایدئولوژی خاص خود بشرط آنکه با دشمنان خلق مرزبندی نماید و خط مشی دمکراتیسم بیگیر انقلابی را در مقابل لیبرالیسم بورژوازی تبلیغ نماید، در یک سازمان توده‌ای دانشجوئی میتواند به مبارزه بر علیهٔ امپریالیسم و ارتجاع بپردازد. سازمان دمکراتیک دانشجوئی نمیتواند ایدئولوژی خاصی را اتخاذ نماید و یا نقش پشت جبهه ای سازمانی را بعهده بگیرد، گرچه این حق دمکراتیک هر عضوی است که به تبلیغ ایدئولوژی و نظرات خود بپردازد.

برای توضیحات بیشتر در این مورد رفیق سئوال کننده را به دو جزوهٔ "ماچه میگوئیم ..." از انتشارات ستاد ایران و "جنبش دانشجوئی و تز اتوریته" نوشته ستاد ایتالیا رجوع می دهیم.

★ رفیقی دیگر پرسیده‌اند که "نظر ما در رابطه با شورای ملی مقاومت چیست؟"

رفیق عزیز، ما بارها در گذشته نظراتمان را در مورد شورای ملی مقاومت روشن ساخته‌ایم. در ستاد شماره ۳ ضمن بیان عقاید و مواضع خودمان در مورد مسائل کلیدی انقلاب ایران و با تأکید بر اعتقادمان به این امر که برقراری جمهوری دمکراتیک خلق تنها ضامن آزادی و استقلال ایران میباشد: نوشتیم که برنامهٔ "شورای ملی مقاومت" به دلیل نارسائیها و اشکالاتش قادر نیست که جوابگوی مسائل پیش‌پای انقلاب باشد.

بمنظور پاسخگوئی به این سئوال و همچنین مشخص کردن چگونگی برخورد ما به شورای ملی از قطعنامه نشست سراسری "ستاد" بخش انگلستان مصوبه ژانویه ۱۹۸۳ را در زیر میاوریم

"شورای ملی مقاومت علیرغم طیف ناهمگون از نیروهای تشکیل دهنده آن و عدم مرزبندی با بخشهائی از امپریالیستهای غربی، بخصوص ابرقدرت ضد خلقی شوروی و بسیاری دیگر از ضعفها و ناروشنی ها که در برنامه آن موجود بوده و حکومت پیشنهادی آنرا تبدیل به جریان مترقی ولی نیم بند و لیبرالی میکند در مجموع بخشی از مبارزات خلق را سازماندهی کرده و نمایندگی می نماید. سازمان ما از مبارزات شورای ملی مقاومت پشتیبانی کرده و در عین حال ضعفها و عدم مرزبندی شورا با بخشی از دشمنان انقلاب را مورد انتقاد شدید قرار میدهد."

این قسمت نظر و برخورد ما را به برنامهٔ شورای ملی مقاومت بیان میدارد. جزوهٔ دیگری از طرف سازمان بنام برنامه "شورای ملی مقاومت" و نظرات ما بزودی منتشر میشود که عمده‌ترین تفاوتهای این برنامه را با نیازهای انقلاب دمکراتیک به نقد می کشد، برنامه و خواسته‌های آلترناتیو حکومتی را که ما به تبلیغ آن می پردازیم در جزوه دیگری بنام "جمهوری دمکراتیک خلق" نیز منتشر خواهد شد.

اتحاد، مبارزه، پیروزی

بقیه از صفحه ۱۲

۱ـ سازمان دانشجویان ایرانی در بریتانیا هوادار چریکهای فدائی خلق ایران.

۲ـ اتحادیه دانشجویان و محصلین ایرانی در بریتانیا ـ لندن هوادار سابق سازمان پیکار.

۳ـ سازمان دانشجویان ایرانی در انگلستان، ویلز، اسکاتلند، هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران.

۴ـ سازمان توده انقلابی دانشجویان (ستاد) بخش انگلستان.

لازم به تذکر است که برای برگذاری این تظاهرات از "انجمن دانشجویان مسلمان (هوادار سازمان مجاهدین خلق ایران)، هواداران "حزب کار ایران" (طوفان) و هواداران "حزب کمونیست ایران" نیز دعوت شده بود که، هواداران حزب کار برگزاری تظاهرات مشترک را رد کرد و دو سازمان دیگر هیچگونه پاسخی به این دعوت ندادند.

عصر همان روز جلسه مشترکی از طرف سازمانهای فوق باستثنای ـ سازمان دانشجویان ایرانی در انگلستان، اسکاتلند، و ولز، هواداران چریکهای فدائی خلق ایران، در محل یونیون دانشگاه لندن برگزار شد. در این جلسه که با حضور بیش از ۱۲۰ نفر برگزار شد، شامل مقاله‌ای در رابطه با جنبش دانشجوئی، سرودهای انقلابی و همچنین شعرهایی که از شهید سلطانپور، شهید گلسرخی، شاملو و جنتی عطایی، توسط ایرج جنتی عطایی خوانده شد، و در قسمتی از برنامه بزرگ اشت که به بحث آزاد اختصاص داده شده بود رفقای ما نظرات خود را در مورد چگونگی پیشبرد امر وحدت جنبش دانشجویی مطرح کردند

و در انتهای برنامه نمایش طنزی از "بازگشایی اسلامی دانشگاهها" که ماهیت واپسگرا و قرون وسطایی رژیم مرتجع خمینی را نشان میداد. اجرا گردید. در پایان جلسه با شعارهای "مرگ بر خمینی زنده باد انقلاب"، "اتحاد، مبارزه، پیروزی" و "زنده و جاوید باد یاد شهیدان ما" خاتمه یافت.

پیش بسوی ایجاد سازمان واحد سراسری جنبش دانشجویی

"خانه ایران" یا دفتر جیره خواران امپریالیسم امریکا ؟!

بر اساس اطلاع رفقای ما از اتریش در اکتبر امسال در شهر وین مرتجعینی از قماش بختیاریون و شرکاء در شهر وین اقدام به افتتاح "خانه ایران" نمودند . این حرکت که در ادامهٔ فعالیتهای وسیعی است که در پس آستانبوسی بختیار از ارباب صورت گرفته و امروز در کنار آریانا و امینی به جبهه نیم پهلوی قسم خورده تا که دفتری نوین از حلقه بگوشی خود بسرمایهٔ انحصاری بین‌المللی را بگشاید . توطئه نوینی که در ابعاد وسیعی با برنامهٔ دراز مدت برای وابستگی از جانب امپریالیسم آمریکا علیه خلقهای تحت ستم ایران در حال تکوین است. توطئه‌ایست که با ظاهری آراسته به مخالفت با سیستم جمهوری اسلامی ایران و در لوای "ملی گرائی" در شرف شکل گیری می باشد . و این همانا سیاست به "مرگ" گرفتن از جانب رژیمی است تا به "تب" رژیمی دیگر راضی شدن ,گرچه در نهایت ماهیتاً بین دو رژیم تفاوتی وجود ندارد .چرا که هر دو آبشخور امپریالیسمند و هدف و عملکردی به غیر از غارت و چپاول ,کشتار و بی خانمانی برای ایران و ایرانی را ندارند .وحدت و هماهنگ کردن برنامه‌های نظری و عملی "نهضت مقاومت ملی" با جریان علی امینی و ارتشبد آریانا و جبهه ملی و به رسمیت شناختن "نیم پهلوی" ابعاد وسیع این توطئه را به آشکارا بیان میکند . واین هم حرکتی است که در لوای "ملی گرایی" شاهپور خان بختیار و در ضدیت روبنایی با سیستم جمهوری اسلامی ایران بنیان‌گذارده میشود که بتوانند اهداف دراز مدت امپریالیسم را تحت رژیمی نوین پاسخگو باشد .

در اطلاعیه ایکه چند ماه پیش در رابطه با برگزاری جلسهٔ سخنرانی از جانب "نهضت مقاومت ملی" در شهر وین از طرف سازمانهای دانشجوئی مبارز در اتریش انتشار یافت میخوانیم که :

"مسئله ملی و ملی‌گرائی همانند دیگر واژه‌های اجتماعات طبقاتی مسئله‌ایی طبقاتیست و دقیقا از همین رو نمایندگان سیاسی و مدافعین آن طبقاتی از اجتماع در فاز معین تاریخی میتوانند مدافع واقعین مسئله ملی باشند که در پروسه رشد نیروهای مولده جامعه در آن فاز مشخص نقش فعال و سازنده و رشد دهنده داشته و توان حل این مسئله که امروز و مشخصاً منطبق بر بکف‌آوری استقلال و آزادی از امپریالیسم حل مسئله ارضی و برقراری دمکراسی در میهن است را از نقطه نظر جایگاه طبقاتی خود دارد باشند ."

"شاهپور خان بختیار ونهضتش مرکز ثقل "مبارزات" عوامفریبانه شان را بر حول ملی گرائی استقرار کرده‌اند ,ملی گرایی اینان بیش از هر چیز از کانال سیستم سلطنتی و نوکری بی چون وچرای امپریالیسم میگذرد . اینان جامعه را به زیر آن پرچم بارها‌بارها‌یی دعوت میکنند که پیشتازشان در اوج مبارزات مردم میهنمان ,زمانیکه توده‌های میلیونی با شعار مرگ بر شاه ایران و جهان را به لرزه در آورده بودند و باآفرینش بزرگترین حماسه‌ها برای درهم کوبیدن سلطنت و دربار محمد رضاشاهی در تهاجم بودند و ارتش سه‌تم یافته امریکائی ایران با توپ و تانک در مقابل مردم ایستاده بود بدست بوس محمد رضاشاه آن نوکر امپریالیسم امریکا که تاریخ جنایت خود و پدرش و چپاول و غارت از ملت و ملیت‌های ایرانی در خونرقصی برای بیگانه گوی سبقت از همپالگان بین‌المللی اش را ربوده بود رسید و اتفاقا با همان تز "ملی گرایی" خود تلاشی مذبوحانه برای حفظ سلطنت و سلطه امپریالیسم نمود . "

بر عهده دانشجویان مبارز و انقلابی است که در جهت درهم کوبیدن این توطئه امپریالیستی قدم بردارند و اجازه خود نمایی به این قاتلان خلق را ندهند .

اما متاسفانه افتتاح این دفتر جیره خواران امپریالیسم در شهر وین با برخوردی منفعلانه از جانب سازمانهای دانشجویی روبرو شد که ما با سهم خود به انتقاد بدان دانشجویان مبارز و سازمانهایشان را به اطلاعیهٔ منتشره خودشان که در رابطه با برگزاری جلسهٔ سخنرانی از جانب "نهضت مقاومت ملی" منتشر شده بود رجوع می دهیم :

"از این رو برخورد جنبش دانشجویی و سازمانهای انقلابی متشکل آن به جریانهای مرتجع بختیار متکی به همان شیوه برخوردی خواهد بود که در رابطه با رژیم جمهوری اسلامی ایران است و این دقیقاً آن شیوهٔ برخوردی است که از چگونگی تحلیل و برخورد به امپریالیسم نشأت می گیرد . "

کردستان (۴)

آنچه در سه شماره گذشته "ستاد" از نظر خوانندگان گذشت تا ریخچه مختصری از مبارزات خلق کرد بود که نشان داد علیرغم جانفشانیهای خلق کرد ، بدلایل ضعف در رهبری به شکست انجامید و همچنین خواندیم که جمهوری کردستان نیز به علت چیرگی، مشی ناسیونال رفرمیستی بر رهبری آن و همچنین برخورد نادرست به مسئله دهقانان ، عمده ترین نیروی خلق کرد نتوانست کردستان را به منطقه آزاد شده تبدیل کند . وحالا به دنباله آن می پردازیم.

درحقیقت سازش بورژوازی وخرده بورژوازی کرد درجمهوری مهاباد با فئودالهای کرد ازیکسو بضرر دهقانان و بسیج انقلابی آنان بنفع جنبش وازسوی دیگرپایه مدارا جوئیهای این جمهوری با رژیم فئودال کمپرادور را تشکیل میداد . علاوه بر آن متاسفانه آن عامل اساسی که در آن زمان هم به جمهوری وهمچه آذربایجان بتواند کمک نمیداد تا پابرجا بمانند ودرجهت منافع زحمتکشان کرد و آذری به تمام خلقهای ایران ادامه دهند یعنی تشکیلات انقلابی وستاد سیاسی طبقه کارگر قهرمان ایران که کارگران همه خلقهای ایران را متحد ویکپارچه رهبری نماید ، وجود نداشت وحزب توده هم بجای پشتیبانی اصولی از این جمهوریها جواب گوی درست به اعلام آمادگی طبقه کارگر برای انجام مبارزه قاطع در درهم نوردیدن نظام موجود درفکر گرفتن کرسی های وزارت و وکالت و سازش با رژیم خونخوار بودند . رهبران خائن حزب توده در شماره ٤ مجله مردم در مقاله "اندرز تاریخ" گستاخانه به رهبران فرقه آذربایجان وضمنا کردستان تاختند وبه تملق چاپلوسی ارتجاع پرداختند و خائنانه کشتار بیش از ۲۵ هزار نفر از مردم آزاد آذربایجان و کردستان را بنام "حفظ صلح درداخل ایران" ستودند این بزدلان خیانت پیشه چنین قلمفرسایی کردند : "در ماه گذشته نیروهای دولتی به تبریز مرکز ایالت آذربایجان وارد شدند و این عمل طبق دستور دولت و قبول تلگراف استاندار آذربایجان و انجمن ایالتی آن سازمان انجام گرفت . پیش از انکه استاندار آذربایجان و رئیس انجمن ایالتی موافقت خود را با دستور دولت اعلام دارند برخی از رهبران فرقه دمکرات آذربایجان که پس از حادثه زنجان نسبت به قوای دولتی خوش‌بین نبودند قصد مقاومت داشتند . ولی از قرار سرانجام کمیته مرکزی فرقه دمکرات مسالمت را در هر حال بر مناقشه ترجیح داد و بخاطر حفظ صلح در ایران که برای حفظ صلح جهان مفید است وبمنظور جلوگیری از جنگ و برادرکشی از قصد مقاومت صرفنظر نمود و ترک مخاصمت اعلام شد . با توجه به فوائد کلی تری که از این اقدام ناشی میشود باید بهر جهت از آن هواداری کرد زیرا یک عقب نشینی سودمند از یک حمله زیانبخش بیشتر در خور قبول است" این بود "اندرز" نارهبران خائن حزب توده به خلقهای ایران . تریبونهای تبلیغاتی حزب توده با بیشرمی از خلقهای داغدیده و ستم کشیده کرد و آذری میخواستند که از کشتار ۲۵ هزار نفر از فرزندان ، برادران و خواهران خود توسط جانیان رژیم مزدور پهلوی "هواداری" کنند .

آری رهبران نالایق و سازشکار حزب توده بجای پشتیبانی و کمک به جنبشهای آذربایجان وکردستان با پیشبرد سیاستهای آشتی طلبانه خود عملا دست ارتجاع را برای حمله به این دو کانون آزادی باز گزارد . از سوی دیگر ملیون ایران نیز در رابطه با جمهوریهای آذربایجان وکردستان بجای ایجاد یک رابطه دوستانه در خدمت نابودی رژیم حاکم ، از آنجا که خصلتا و بقول لنین "دست دیگر (ازپشت) بسوی امپریالیسم دراز کرده و خواهان "سلطنت کردن" شاه بودند همراه تبلیغات های ارتجاع قیامگران قهرمان آذربایجان وکردستان را "تجزیه طلب" نامیده ولعن ونفرین میکردند. بعد از کشتار وحشیانه در آذربایجان وکردستان دکتر مصدق نماینده ملیون لیبرال در دیماه ۲۵ در مسجد شاه چنین گفت : "بسیار خوشوقتم که دولت آذربایجان را به حیطه تصرف درآورده وارتش شاهنشاهی در آنجا مستقر شده است و فراموش نمی کنیم ایالتی که دولت ازشریف‌آباد بالاتر نرود بعرسند تجزیه طلبان تا چه حد گستاخ شده وتاآخرین مرحله چگونه تقویت مادی ومعنوی شدند " ما تفسیر این سخنان را بخوانندگان واگذار میکنیم واینجا کافی است که اشاره کنیم ملیون ایران تا زمانیکه از تایید سیاستهای شوونیستی رژیم ارتجاعی حاکم علیه خلقهای تحت ستم ایران دست نکشند وهمراه خلقهای ایران برای خرد کردن تاج وتخت شاهی وبیرون راندن امپریالیسم شرکت نکنند ، هرگز نخواهند توانست به کوچکترین خواستهای خویش دست یابند . تازه اگر هم این یا آن خواست لیبرالی ومحدود ایشان برآورده شود این نیز به برکت مبارزات توده های زحمتکش و خلقهای سرتاسر ایران است ونه نتیجه سیاستهای "معقول" این آقایان .

در کنار این بورژوازی پلاسیده بزدل و شوونیست فارس عده ای ناسیونالیست کرد نیز هستند که در ارزیابی ازعلل شکست جمهوری مهاباد "یکی ازعلل بسیار مهم از میان رفتن جمهوری کردستان" را در "نبودن اتحاد محکم و وحدت عمل در میان نیروهای دمکراتیک ایران" می بینند ولی هرگز نمی خواهند وقادر نیستند بپذیرند که همین آقایان خود یکی از پایه هائی بودند که آن "اتحاد محکم" را با جدا کردن سرنوشت زحمتکشان کرد از زحمتکشان سراسر ایران و بسیج آنان تنها بدور مسئله ملی ، سست نموده اند یکی از طرحان شعار "تشکیلات نه بر اساس منافع طبقاتی بلکه بر اساس منافع ملی و اشتراک زبانی" همین آقایان هستند که امروز از نبود "اتحاد محکم" در آن دوران دم میزنند . نارهبران حزب توده بعلت پیروی از یک مشی رفرمیستی و رسیدن به کرسیهای وکالت و وزارت از یک طرف پافشاری و دامن زدن به شوونیسم فارس از طرف دیگر، ملیون بر اثر پیروی از سیاست شوونیسم فارس و دمکراتهای آذربایجان بعلت غرق شدن در سیاست ناسیونال رفرمیستی خود .

این است چگونگی همراهی سازشکاران با ارتجاعیون و در نتیجه کشتار خلق کرد . اما سیل جنایات محمد رضاشاه آخر کار سرکوب خلق کرد نبود و تاریخ یکبار دیگر بصورت کمدی تکرار می شود . بعد از قیام نیز تاره به قدرت رسیدگان رژیم جمهوری اسلامی، راهی جز سرکوب خلق کرد را در پیش نگرفتند و ورق تازه‌ای در تاریخ مبارزات قهرمانانه خلق کرد را آغاز کردند ، که پرداختن به این وقایع را به شماره آینده موکول میکنیم .

ادامه دارد

آدرس ما

B.M. BOX 8561
LONDON WC1 3XX
ENGLAND

I.S.A.
P.O.BOX 1423
JEFF. CITY,
MO 65101
U.S.A.

POSTFATCH 410853
5 KOLN 41
WEST. GERMANY

هموطنان مبارز ـ کمکهای مالی خود را به حساب زیر ارسال نمائید

I.S.A. (SETAD)
AC 39387054
NATIONAL WESTMINSTER BANK
104 TOTTENHAM COURT ROAD
LONDON W1

زنده وجاوید باد یاد شهیدان خلق

صمد جاودانه شد

در قسمت اول کتاب صمد جاودانه شد که در شماره های گذشته "ستاد" به چاپ رسید مختصری .از خصوصیات صمد بهرنگی نویسنده مردمی و متعهد باز گو گردید ،در شماره گذشته خواندیم که او چگونه بین شاعر و نویسنده متعهد با یك شاعر و نویسنده متظاهر که صرفا بخاطر خود نمایی می نویسد و یا شعر می گوید تفاوت قائل می شود و یکی را در خدمت مردم و دیگری را در خدمت هوی و هوس های روشنفکرنمایانه می نگرد ،وحالا در سومین قسمت به دنباله کتاب مزبور را ادامه می دهیم .

او بخوبی دردها را از نزدیک لمس کرده بود و مگر اینطور نیست : آیا میشود نادیده گرفت کودکانی را که‌درزمستان پشت میزهای مدرسه از گرسنگی ضعف می‌کنند ؟ آنها که توی برف و سرما اگر گیوه‌ای هم داشته باشند از پا بیرون می‌آورند و زیر بغل میگیرند تاگلی و خیس نشود و زیادتر دوام بیاورد ، انهاکه‌زیرشبه شلوارپاره‌وپوره‌ی‌خودچیزی نپوشیده‌اند. درشاه‌آباد غرب درس میدادم . زمستان بود . یکی از بچه‌های کلاس هشتم را برای پرسیدن درس به پائین کلاس صدا کردم . آمد ، متوجه شدم که شلوار پروصله‌اش دگمه جلو ندارد و او غافل . چه بایستی میکردم ؟ شاگردان میز جلو متوجه شده بودند و من برای اینکه نگذارم بدتر شود خودم را بین او و کلاس انداختم وموضوع را به نحوی فیصله دادم وبه‌او گفتم که برود بنشیند . تاآخرکلاس دیگر نفهمیدم چه گفتم و آن بیچاره چه یاد گرفت .

بهرنگی‌میگوید: **«چرامیگوئیم دروغ بد است، چرامیگوئیم دزدی بد است چرا می‌گوئیم اطاعت از پدر و مادر پسندیده است چرا نمی‌ائیم ریشه‌های پیدایش و رواج دروغگویی و دزدی را برای بچه‌ها روشن کنیم ؟» (۱۱)**

و او با چه مو شکافی در داستان «الدوز وکلاغها» آنجا که بین اولدوز و ننه کلاغه گفتگو است این موضوع را بیان می‌دارد :

«اولدوز منقارش را بوسید ، منقارش بوی صابون میداد.

گفت : ننه کلاغه تو صابون خیلی دوست داری ؟

ننه کلاغه گفت : می‌میرم برای صابون !

اولدوز گفت : زن‌بابا بدش می‌اید . اگر نه یکی برایت می‌آوردم ، می‌خوردی !

ننه‌کلاغه گفت : پنهانی بیار ، زن‌بابات بونمی‌برد .

اولدوز گفت : تو نمی‌روی به‌اش بگوئی ؟

ننه‌کلاغه گفت : من ؟ من چغلی کسی را نمی‌کنم .

اولدوز گفت : آخر زن بابام می‌گوید : «توهرکاری بکنی، کلاغه می‌اید خبرم می‌کند .»

ننه کلاغه از ته دل خندید و گفت : دروغ می‌گوید جانم. قسم به این سرسیاهم ، من چغلی کسی را نمی‌کنم . آب خوردن را بهانه می‌کنم می‌ایم لب حوض ، بعدش صابون و ماهی می‌دزدمو در می‌روم .

الدوز گفت : ننه کلاغه دزدی چرا ؟ گناه دارد .

ننه کلاغه گفت : بچه نشو جانم . گناه چیست ؟ این،گناه است که دزدی نکنم ، خودم و بچه‌هام از گرسنگی بمیرند . این ، گناهست جانم/. این ، گناهست که نتوانم شکمم را سیرکنم . این، گناهست که صابون بریزد زیردست و پا و من گرسنه بمانم . من دیگر آنقدر عمر کرده‌ام که این چیزهارا بدانم. این راهم تو بدان که با این نصیحتهای خشک و خالی نمی‌شود جلو دزدی را گرفت . تا وقتی که هر کس برای خودش کاری می‌کند دزدی هم خواهد بود .» (۱۲)

. وقتی که‌ننه‌کلاغه در دام زن‌بابا گرفتار میشود می‌گوید :

«ای‌زن‌بابای‌نفهم، توخیال‌میکنی‌که‌کلاغهاازدزدی خوششان می‌اید؟ اگر من خورد و خوراک داشته باشم که بتوانم شکم خودم و بچه‌هایم را سیر کنم ، مگر مرض دارم باز هم دزدی‌کنم؟ .. شکم خودتان را سیر میکنید خیال میکنید همه مثل شما هستند!..» (۱۳)

بهرنگی دریافته بود که این آخوندبازیها و این نصایح همراه ساز و آواز بمنظور خالی کردن میدان برای چپاول دیگران است . او تمام این مسخره‌گیها راببادانتقاد میگرفت وباچه شدتی. واقعا انسان وقتی می‌خواند ، می‌خواهد به دیوار مشت بزند .

صمد تنها به این قناعت نمی‌کند . او به دیگران هم اجازه نمی‌دهد که سر کودکان‌کلاه بگذارند. راجع به‌کتاب «آوای نوگلان» که برای تی‌تیش‌مامانیهای فرنگی مآب نوشته شده است و شبیه آن خیلی زیاد توی دست و پای بچه‌ها ریخته و بدبختانه باید این گونه کتابها زیاد باشد تا کودکان مطیع و بره‌واری بار آورد ، چنین می‌نویسد :

«این (جزوه‌ی نظم) هیچ پیامی برای بچه‌ها ندارد جز مقداری سرگرمی ازراه لفاظی وپرحرفی ومشتی احکام کلی‌اخلاقی و احیانا متحجر . مثلا جابجا فتوی صادر می‌کند که آدم باید مهربان باشد . من می‌پرسم آدم‌باید نسبت به کدام دسته از مردم مهربان باشد ؟ آیا میتوان نسبت به آن مردم که به دستورش بمب برسر مردم ریخته میشود ، مهربان بود ؟ آیا میشد به جلادان هیتلری که کارشان شکنجه‌ی آزادی خواهان بود . مهربانی کرد؟ » (۱٤)

و همین باعث شده بود که‌آدم بیحالی‌ازآن نوع مهربانهای افیونی ، پیرو مکتب مسیحیت عهد بوق ، صمد را متهم کند که به بچه‌ها حس کینه‌جوئی می‌آموزد . آیا واقعاامروزه دوره‌ایست که بچه‌های خود را طوری بار آوریم که سوی دیگر صورتشان رابرای سیلی دوم پیشکش‌کنند؟ مگرتا کنون چه حاصلی از تربیت آنطوری گرفته‌ایم جز اینکه یک عده اطفال ترسوی بره‌وار تحویل داده‌ایم؟

چند سطر پائین‌تر می‌نویسد : **«وصفی که آقای یمینی در اثر(!) خود از «بچه‌ی بد» و «لولو»می‌کند درست وصف میلیونها بچه‌ی فقیر و کارگر و قالیباف و ولگرد هموطن ماست. ایشان خیال می‌کنند همه‌ی بچه‌های ایران و حتی دنیا مثل آن چند نفر بچه‌ی تی‌تیش مامانی دور و برشان هستند ؛ با موهای روغن زده و شانه خورده که اتوی شلوار کوتاهشان خیار تر را بدو نیم می‌کند و هرگز در ملاء عام فحش از دهنشان شنیده نمی‌شود و داد هم نمی‌زنند و توی خاکروبه‌ها نمی‌لولند و صبح تا شام توی خیابان‌ها و رستورانها بلیط بخت آزمائی هم نمی‌فروشند و چوب رختی و روپوش لباس و آب یخ و غیره هم نمی‌گردانند و در زیر زمین‌های نمور و تاریک هم قالی نمی‌بافند و ...... بس نیست ؟ این همه بچه که صبح تا شام در کوره‌ی تجربه‌های تلخ زندگی می‌پزند وجزغاله می‌شوند به نظرآقای یمینی بچه‌های بدی هستند، اما آن چند بچه‌ای که هنرشان فقط داد نزدن و فحش ندادن و تر و تمیز بودن و با قاشق و چنگال غذا خوردن و اطاعت از پدر و مادر است ، بچه‌های خوب و نمونه‌اند .» (۱۵)**

*

ادامه دارد

۱۱ـ همان مقاله .
۱۲ـ اولدوز و کلاغها ص ۹ و ۱۰ .
۱۳ـ همان قصه . ص ۲۵ .
۱٤ـ «ادبیات کودکان» ص ۱۲۳ و ۱۲٤ «مجموعه‌ی مقاله‌ها» .
۱۵ـ همان مقاله .

اخبار جهان

بقیه از صفحه ۱۲

قبلا همین افراد مقالاتی در روزنامه های رسمی نوشته بودند و "خطر "عمده را لیبرالها وآنهائیکه اشاعه کننده افکار غربی هستند یاد کرده بودند ولی با رو شدن مسئله مجبورند دشمن اصلی راهدف قرار دهند وآن مبارزه با مردمی است که درمقابل این رژیم ایستادگی میکنند .
همزمان با حملات ارتجاعیون چین برعلیهٔ مائو , دولت چین جهت جلوگیری ازحرکت مردم ,خود نودمین سالگرد تولد مائو رامیخواهد جشن بگیرد واز این عمل ابزار تبلیغاتی برای خود ایجاد نماید ./ گاردین ۲۱ دسامبر

السالوادور

ارتش دست نشانده السالوادور بدنبال شکست های ماه گذشته از انقلابیون ,بیش از ۱۰۰ زن ومرد وکودك رادر سه شهر کوچك بجرم هواداری از انقلابیون تیرباران کرده است .

پرو

دولت فاشیستی پرو درزمان "انتخابات "که در ۱۳ نوامبر صورت گرفت , ۴۰ نفرازمردم بی سلاح رادریکی از شهرهای نزدیک پایتخت اعدام کرد . این اعدامهای وحشیانه بخاطر مجبور کردن مردم جهت شرکت درانتخابات فرمایشی بود . درمیان اعدام شدگان ۴ زن وجود دارند که یکی ازآنان حامله بوده است . انقلابیون پرو (راه درخشان) این انتخابات رابایکوت کرد وبه مبارزه علیه آن پرداخت .

یونان

پارلمان این کشور ,استفاده آمریکا از پایگاههای یونان را برای ۵ سال آینده به اتفاق آرا تصویب نمود . نمایندگان حزب پاساك (حزب حاکم به رهبری پاپ آندرو) که درزمان انتخابات ماسك " ضد آمریکائی "به چهره داشتند بعد از بقدرت رسیدن همگی راٴی مثبت به استفاده آمریکا از پایگاههای این کشور دادند .

شوروی

روزنامهٔ "ستارهٔ سرخ " ارگان رسمی ارتش شوروی دریك مقالهٔ خود ایران را مانعی جهت پیداکردن راه حل برای پایان دادن به جنگ ایران وعراق یاد کرده است .
ابر قدرت شوروی تا کنون موضع بیطرفی اتخاذ نموده بود وهمزمان به مسلح کردن عراق وبخشا ایران مشغول بود ودرجنایات این جنگ هم سهیم است باقطع امید ازایران بخصوص بعد از دستگیری سران حزب توده که عامل وجاسوس مستقیم روس در ایران میباشند چنین موضعی را اتخاذ نموده است که شاید کمکی به رسوخ هرچه بیشتر شوروی درعراق بنماید ./

اندونزی

درمدت ۹ ماه گذشته دیکتاتورهای حاکم براندونزی جهت جلوگیری از طغیان های مردم تیم های مخصوص ,که متشکل از ارتش وپلیس میباشند ترتیب داده وتاکنون ۴۰۰۰ نفر رااعدام کرده‌اند .

نیکاراگوئه

بعد از سرنگونی رژیم فاشیستی سوموزا وبرروی کارآمدن جبههٔ ساندانیستها ,امپریالیسم آمریکا جهت از بین بردن دستاوردهای انقلاب نیکاراگوئه دست به تحریکات جدیدی زد . ضد انقلابیون هوادار رژیم سرنگون شده را جمع ومسلح نمود . به تحریکات مرزی ولشگرکشی درنواحی مرزی نیکاراگوئه باهندوراس و کوستاریکا دست زد . پایگاههای نظامی درکنار مرزهای نیکاراگوئه ایجاد نمود ,به مانور نظامی دست زد ,تحریم اقتصادی نمود و.... اینها همه جهت بسازش کشاندن رهبران حاکم بر نیکاراگوئه وتقویت جناحهای گرایش بخود واحتمالا وابسته بخود در درون وبیرون قدرت سیاسی بود . اخیرا دولت نیکاراگوئه دست بیکسری عقب نشینی در برابر امپریالیسم آمریکا زده است که بسیار خطرناك میباشند . دولت اعلام نموده است که در سال ۱۹۸۵ انتخابات صورت خواهد گرفت وتمام ضد انقلابیون میتوانند برگردند ,حزب خود رابسازند ودرانتخابات شرکت کنند , از اواسط سال ۱۹۸۴ آزادی اعتصاب ,اجتماع ,احزاب و... خواهد بود واز رادیو تلویزیون نیروهای ارتجاعی حق استفاده خواهند داشت . دارائی افراد فراری باز گردانده خواهد شد وزمینداران به زمینهای خود باز خواهند گشت و....

دولت نیکاراگوئه همچنان از نیروهای مترقی که دراین کشور دفتر سیاسی دارند خواسته است که این کشور راترك کنند . مردم از این بابت بسیار ناراحت ونگران هستند ومیگویند : "..... بعد از چهارسال جنایت توسط آنان ,حال باید شاهد بازگشت این حیوانان وثروتمند ترشد نشان باشیم " . امپریالیسم آمریکا نیز این عمل رابه فال نیك گرفته وآنرا قدمی برای رسیدن به "دمکراسی "یاد کرده است . مواضع اخیر دولت نیکاراگوئه برعلیهٔ خلقهای این کشور وانقلابشان میباشد . امیدواریم که با مبارزه مردم این کشور برعلیه ارتجاع وامپریالیسم خطوط انحرافی طرد ومبارزه تا پیروزی نهائی ادامه یابد .

(کمکهای مالی)

رفقای شیکاگو (آمریکا)	۴۸۰ دلار
رفقای جفرسون سی تی (آمریکا)	۲۰۰ دلار
رفقای سیاتل (آمریکا)	۷۰ دلار
رفقای تورنتو (کانادا)	۱۷۰ دلار
رفقای مونترال (کانادا)	۲۸۶ دلار
رفقای آلمان برای کمك به رفقای زندانی در ترکیه	۱۴۰۰ مارك

مرگ بر دولت ضدخلقی روس و ایادی داخلیش

اخبار ایران بقیه از صفحه ۱۲

فراموش می کند درباره ۹۵ درصد بقیه صحبت کنند که براثر سوء تغذیه وعدم بهداشت یعنی بزبان ساده تر گرسنگی ونرسیدن دولت به وضع مردم جان خود را از دست میدهند رژیم جمهوری اسلامی مسئول مستقیم قتل این عده کثیر از مردم کشور ماست .

اخیرا اکثر گردانندگان رژیم درمورد چگونگی برخورد ونحوه عمل ارگانهای رژیم صحبت کرده اند . در دیداری که اعضای شورای عالی قضایی ,دیوان عالی کشور وبقیه مسئولان امور قضائی سراسر کشور با خمینی مرتجع داشتند می گوید : "در قضاوت احتیاط کنید وتوجه کنید که حق مظلومی ضایع نشود ....توجه کنید که حق کسی پایمال نشود که این مسائل باعث گرفتاری میشود " . (تاکیدات از ماست) . بعد از دیدار باخمینی این عده به دیدار منتظری میروند . او در "فرمایشاتش" میگوید : " .... از لحاظ اسلامی در زمان حال غیر از مواردی که مربوط به ضد انقلاب است وتوطئه علیه نظام نباشد وفقط جنبه گناه عادی دارد نباید قضات تجسس وپیگیری زیاد کنند " .

ناطق نوری در همین زمینه میگوید : " .... اگر در تصمیم گیریهای خود دچار اشتباه شدید ممکن است شیرازه یك خانواده را ازهم بپاشید . خیلی دقت کنید که کار بازرسان در ارتباط مستقیم باحق الناس است " . همچنین جمعی از اعضاء گشت ارشاد دادستانی انقلاب اسلامی همراه لاجوردی جانی وهمچنین گروهی از گشت ثارالله سپاه پاسداران با موسوی اردبیلی ملاقات کردند . موسوی اردبیلی گفت : " ... نباید مبارزه با منکرات شما نتیجه اش ناراضی کردن مردم وبهانه دادن بدست ضد انقلاب باشد ..... باید سعی کنید مسائل را با برخورد های اسلامی وکارفرهنگی حل کنید " .

ازکلیه این "فرمایشات" چنین بر میاید که اجحافات ارگانهای دولتی بقدری شدید وغیرقابل وصف است که سران رژیم رامجبور به صحبت درباره " برخورد اسلامی " .. " عادلانه " ... " کارفرهنگی " ... غیر کرده است ,ولی کیست که نداند همه بلایا از همین رژیم حاکم است ومردم دربرابر اجحافات وزورگوئی مقاومت میکنند واین مقاومت مردم است که خمینی را وادار میکند که بگوید این مسائل باعث گرفتاری میشود . بهتر بگوئیم انقلاب میشود وبگذار که بشود وریشه این رژیم قرون وسطائی رابسوزانند .

اقتصادی

اخیرا از سوی بانك مرکزی ایران شاخص بهای کالا ها وخدمات مصرفی درمناطق شهری کشور اعلام شد . برمبنای این گزارش - شاخص بهای کالاها وخدمات مصرفی بطور متوسط ۲۰/۵ ٪ - نسبت به ماه مشابه سال قبل افزایش داشته . این گزارش حاکی از آن است که درمقایسه باشهریور سال قبل شاخص خوراك حدود ۱۹٪ ,پوشاك ۳۱٪ , مصالح ساختمانی ۳۱٪ ,اجرت کارگران ساختمانی ۳۱٪ ,کرایه خانه های مسکونی ۱۰٪ ,اثاثه خانه ۱۷٪ ,هزینه مربوط به رفت وآمد ۲۴٪ و بهای طلاآلات ۲۵٪ بالا رفته است . به گزارش بانك مرکزی بهای حبوبات در هفته گذشته ۳/۳ درصد افزایش داشته وکلا شاخص قیمتها نسبت به سال مشابه به سال قبل ۱۰/۸ ٪ افزایش نشان داده است .

مطابق آمار منتشره در طی ۵ ماهه اول سال جاری ٦۲ , بهای عمده فروشی کالا درایران بطور متوسط هرماه ۲۰/٦ ٪ نسبت به ماههای مشابه سال قبل افزایش یافته است .(وای بحال خرده فروشی !) .

رژیم جمهوری اسلامی باتبلیغات زیاد خود دم از استقلال میزند ولی مقامات رژیم اخیرا ادعا کرده اند که تجارت شرقی وغربی سرش نمیشود وشعار نه شرقی نه غربی در رابطه با چیزهای دیگر است ,نه روابط بازرگانی واقتصادی , خبرهای زیر گویای چند صد مین باراین واقعیتند . که رژیم چهارنعل به سوی وابستگی تمام وکمال به سمت امپریالیستهای ریز ودرشت میتازد وشعار - رژیم دراین رابطه هم شرقی وهم غربی است ولی باغرب مسئله بسیار جدی تراست .

به نوشته (نشریه اخبار خاورمیانه چاپ آمریکا - ۱۵ نوامبر ۸۳) صادرات ایالات متحده به ایران در ۹ ماه گذشته ۸۱٪ افزایش یافته است واز ۸۰ میلیون دلار به ۱٤۵ میلیون دلار رسیده است . بنا به این گزارش - صادرات نفت ایران به ایالات متحده ۱/۵ برابر افزایش یافته است واز ۳۰٦ میلیون دلار به ۷۸٦ میلیون دلار بالغ شده است

این نشریه مینویسد ,این آمار که بوسیله مقامات دولتی آمریکا منتشر شده ,جنبه ظاهری دارد ودرحقیقت مبادلات بازرگانی دو کشور ده ها برابر ازآمار رسمی بیشتر است .

میدل ایست نیوز ۱۵ نوامبر ۱۹۸۳

اخیرا اطلاعات موثقی بدست رسیده (به نقل ازنشریه مجاهد شماره ۱۷۸) که رژیم خمینی درماه اوت سال ۸۲ تعداد ۸۰ فروند هواپیمای جنگی مدل پلاتوس ازشرکت سوئیسی Get-Avilation که یکی از دلالان طرف معامله ایران میباشد خریداری کرده ودر ماه گذشته تعداد ٦ فروند از این هواپیماها به ایران تحویل داده شده است . رژیم خمینی این نوع هواپیماها راجهت آموزش خلبانی سپاه پاسداران خریداری کرده تا از آنها دررابطه با جنگ عراق وبمباران مردم بیدفاع کردستان استفاده کند .

این خبر درآخرین شماره نشریه سوئیسی بنام (۲٤ ساعت) درتاریخ ۱۰/ ۱۱/ ۸۳ بااستفاده از آمار رسمی گمرك سوئیس درج شده است . درضمن خبر گزاری فرانسه بتاریخ ۱۰ نوامبر به نقل از روزنامه السفیر چاپ بیروت گزارش میدهد که ایران جهت خرید هواپیماهای جاگوار که طرح مشترك انگلیس وفرانسه میباشد بطور محرمانه با دولت انگلستان وارد مذاکره شده است . السفیر مینویسد که ایران فکر میکند که پس از تحویل هواپیماهای سوپر اتاندارد به عراق ,این هواپیماها میتواند توازن نظامی

بقیه در صفحه ٤

"حقایقی"چند ...

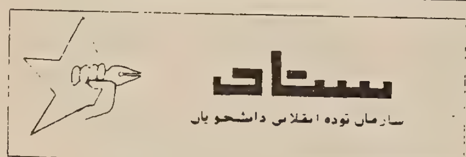
بقیه از صفحه ۲

این آن سئوال است که مردم پاسخ صریح می‌خواهند و نیز خود جواب آنرا یافته‌اند رهایی از قید ظلم وستم را در گرو سرنگونی این فاشیستهای حاکم می‌بینند و تا سرنگونی آن به پیش خواهند رفت. در ادامه سئوالات جنگ در جواب اینکه اگر ایران کرکوك را فتح کند آیا منافع ترکیه صدمه خواهد دید ؟ "خامنه‌ای صریحا وبا قاطعیت اعلام میکند "کشور ترکیه کشور دوست وبرادر ماست و منافع این کشور برای ما حائز اهمیت است و این منافع نبایستی مورد تهدید قرار بگیرد والبته مورد تهدید هم قرارنخواهد گرفت این پاسخ سیمای کلی از چگونگی سیاست خارجی رژیم ضد خلقی جمهوری‌اسلامی را نشان میدهد و معلوم میشود که کشورهائی که دوست وبرادر جمهوری اسلامی هستند از چه نوع کشورهایی می‌باشند ,منظور خامنه‌ای مردم ترکیه نیست بلکه آنکه را دوست و برادر خود می‌پندارد افرادی از قماش رئیس حکومت نظامی فاشیستی ترکیه میباشد ,این رژیم بوسیله کودتای مسیقیم وآشکار امریکا بروی کار آمد و از زمان بروی کار آمدنش تا بحال لحظه‌ای از سرکوب مردم غافل نبوده و هرروزه تعداد بسیاری از انقلابیون را به جوخه‌های اعدام می‌سپرد تا که منافع امپریالیسم امریکاو متحدانش را بسر آورده سازد . رژیم مستبد ترکیه نه حافظ منافع خلقهای ترکیه بلکه حافظ منافع امپریالیسم امریکاو متحدانش میباشد و این همان منافعی است که برای رئیس‌جمهور " جمهوری‌اسلامی " حائز اهمیت است و... .نبایستی مورد تهدید قراربگیرد." تازه آقای خامنه‌ای تا همینجا بسنده نکرده و بار دیگر این سیاست را تائید میکند و وقتی از او سئوال میشود "چه تدابیری برای جلوگیری از اقدامات گروههای ارامنه علیه منافع ترکیه اتخاذ شده‌است" جواب می‌دهد " هیچ گروهی در کشور ما حق ندارد برخلاف خطوطی که در زمینه سیاست خارجی ما ترسیم شده‌است اقدام وعملی انجام دهد "(تاکید از ماست). خامنه‌ای بار دیگر اعلام میکند که در سیاست خارجی رژیم دفاع از دولتهای سرکوبگر و فاشیستی همچون ترکیه است که منافع شان همان منافع امپریالیستها است و از آنها در مقابل جنبشهای آزادیبخش و منافع اقلیتها و مردم دفاع می‌کند . در مصاحبه کوتاهی که انجام میشود بسیاری از حقایق از زبان " رئیس‌جمهور " علیرغم میل خودشان بازگو میشود که حکایت از فلاکت و بدبختی مردم ,تورم وافزایش قیمتها ورشکستگی اقتصادی رژیم در نتیجه جنگ خانمانبرانداز و ترس و وحشت از قدرت مردم و خلاصه تسریع سیر وابستگی بسوی امپریالیستها میکند . امروزه عجزو بیچارگی رژیم به حدی است که از پنهان داشتن آن عاجز می‌مانند و انچنین خود را لو می‌دهند، بدون شك نتیجه این نارضایتی ها و سیاستهای خانمانبرانداز خشم توده‌های مردم را صد چندان میکند و رژیم پوسیده و ارتجاعی را سرنگون خواهد کرد ,پیروزی از آن مردم است .

تقویم تاریخ

- ۱۳۴۶/۱۰/۱۷ شهادت جهان پهلوان تختی
- ۱۳۵۶/۱۰/۱۹ قیام مردم قم
- ۱۳۵۷/۱۰/۲۲ فرار شاه خائن
- ۱۳۵۷/۱۰/۲۷ کشتار مردم دزفول و اندیمشك
- ۱۳۵۷/۱۰/۱ شهادت کامران نجات اللهی
- ۱۳۵۸/۱۰/۱۱ شهادت حسین فاضلی " ستاد تبریز "
- ۱۳۵۹/۱۰/۲۱ شهادت رحیم تحویلی، " ستاد شیراز "
- ۱۳۵۹/۱۰/۳۰ سازش ننگین رژیم جمهوری اسلامی، وآزاد ساختن جاسوسان امریکائی
- شهادت شکرالله پاکنژاد
- ۱۹۶۵/۱۰/۱۱ آغاز انقلاب مسلحانه خلق فلسطین

منتشر شد



برنامه
"شورای ملی مقاومت"
و
نظرات ما

۱۳۶۲

ستاره

اتحاد مبارزه پیروزی



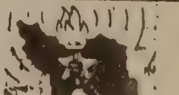
گوشه ای از بزرگداشت ۱۶ آذر .

دشمنی ددمنشانه رژیمهای مرتجع شاه و خمینی ، با جنبش مردم و هزاران شهید از جنبش دانشجوئی در راه مبارزه بارژیم ارتجاعی جمهوری اسلام، و بسته ماندن بخش اعظم دانشگاهها و " پاکسازی" دانشگاهها از عناصر مبارزه ضد رژیم ، فرا رسیدن ۱۶ آذر روز دانشجو و سالروز حمله مزدوران رژیم آمریکایی شاه به دانشگاه تهران و شهادت سه مبارز خلق ، شریعت رضوی ، قندچی ، بزرگنیا ، . بخش عظیمی از نیروهای مبارز جنبش دانشـــــجویی در انگلستان (لندن) را برانداشت تا با تظاهرات مشترکی در مقابل سفارت جمهوری اسلام، و همچنین برگزاری شب بزرگداشتی، در روز شنبه ۱۰ دسامبر ۸۳ ، به افشای جنایات رژیم بپردازند تا بتوانند با اتحاد عمل خود مشت محکمی بر دهان مرتجعین بکوبند. در طی تظاهرات شرکت کنندگان شعارهای کوبنده ای بزبان انگلیسی همچون " شکنجه واعدام را متوقف کنید ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد " " انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی ، نابودی جنبش دانشجوئی " و سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی و همچنین " اتحاد، مبارزه، پیروزی " به افشای رژیم پرداختند و صدها اعلامیه افشاگرانه در رابطه با روز دانشجو درمیان عابرین پخش شد .

این تظاهرات بوسیله سازمانهای زیر سازماندهی شده بود :

بقیه در صفحه ۵

اخبار ایران



کشف مزار ۴۰۰ زندانی تیرباران شده

در دوم فروردین ماه ۶۲ ، ۴۰۰ تن از فرزندان مبارز خلق توسط جلادان رژیم جمهوری اسلامی در زندان اوین تیرباران میشوند . برخی از خانوادههای این شهدا بعد از ماهها تلاش اخیـــرا از تیرباران آنان مطلع شده وتوانستهاند مزار این شهدا را کـــه بطور دستجمعی درگوشهای از قطعه ۹۴ بهشت زهـــرا دفـــن شدهاند کشف نمایند .

مرگ و میر بدلیل عدم بهداشت

منافی وزیر بهداری گفته است : " درحال حاضر سالانه ۵۶۰ هزار نفربدلیل عدم بهداشت وسوء تغذیه جان خود را از دست میدهند که ۵۰ درصد این تعداد قبل از رسیدن به سن پنج سالگی براثر بیماریهـــای ساده رودهای واسهال وغیره که قابـــل پیشگیری ودرمان است از بین میروند " . البته وزیر بهداری ،

بقیه در صفحه ۱۰

اخبار جهان



چین

مسئلهٔ اخراج مخالفان دولت حاکم از " حزب " درچین از تاریخ ۶ دسامبر جان دوباره گرفته است . این عمل از طرف روزنامـــه حزب "People'sDaily" باچاپ مقاله ای درحمله به مائــــو شروع شده است . هدف این تصفیه پاک کردن افکار باقی مانـــده از دوران مائوست که دربرابر برنامه های رهبران جدید ایستادگی میکند . روزنامه حزب همچنین اضافه میکند که این پاک سازی بـــه صورت غیرقابل اجتنابی به مقابله رودررو کشیده خواهد شد ، بابرخورد نـــرم درد مداوا نمیشود .

اعضاء بالای کمیته مرکزی درمقاله هائی که چاپ کردهاند ، اظهار میدارند که "احتیاج به یك پاکسازی شدیدا حس میشود " .

یکی ازنارهبران اعلام داشته است : " وجود چپ روها از عوامـــل مهم بی ثباتی است " .

بقیه در صفحه ۹

برقرار باد جمهوری دمکراتیك خلق !

ستاد

شماره ۲۲ — سازمان توده انقلابی دانشجویان (ستاد) ـ بخش انگلستان — آذر ۶۲

کردستان بگورستان مرتجعین مبدّل خواهد شد

از حوالی مرداد ماه گذشته رژیم جمهوری اسلامی حملات جدیدی تحت نام والفجر ۲ شروع کرد. این حملات برعکس حملات قبلی رژیم که تماما در قسمت جنوبی جبهه صورت میگرفت بطرف شمال آورده شد و در کردستان متمرکز گردید.

باتعویض منطقهٔ جنگی، اهداف جنگ هم تغییر نمود. هدف این حملات جدید بستن راه عبور ومرور از کردستان ایران به کردستان عراق وکامل کردن محاصره کردستان وسرکوب جنبش خلق کرد است.

بقیه در صفحه ۲



راه ۱۶ آذر جاودانه است در صفحه ٤

اشغال سفارتخانه و دفاتر هواپیمائی

توسط هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) در صفحه ٦

تجاوز به گرانادا جنایتی دیگر توسط امپریالیسم آمریکا

کشور گرانادا جزیره کوچکی دردریای کارائیب است و نزدیک به ۱۱۰ هزار نفر جمعیت دارد. این کشور کوچك از لحاظ نظامی بسیار با اهمیت بوده و از همین رو ابرقدرتهای غرب و شرق همیشه سعی در کنترل این جزیره داشته‌اند. وقایعی که در یکماه گذشته در این کشور اتفاق افتاده خود نمونه بارزی از کشمکشهای دو ابر قدرت بر سر کنترل کامل بر این جزیره بود. علل این درگیریها وجود دو خط تمایل به غرب و شرق بود.

بقیه در صفحه ٥

لزوم وحدت در شرایط کنونی

مسئله محوری جنبش دانشجوئی خارجه (۲)

در شمارهٔ پیش ما مختصرا مروری برچگونگی پیدایش کنفدراسیون، تاریخچه آن و مسئلهٔ انشعاب دردرون کنفدراسیون را بررسی کردیم وگفتیم که کنفدراسیون درطول مبارزاتش چهرهٔ کریه محمد رضاشاه راافشاء کرد. دراعتراض به کشتار ده ها سفارتخانه رااشغال نمود ودرهنگام سفر شاه در دیدار از ارباب خود کارتر جنایتکار به صف ساواکیها حمله کردند وآبروی نداشته محمد رضاشاه خائن وارپابش رابردند.

بقیه در صفحه ۲

برنامه ۵ ساله جمهوری اسلامی

گامی دیگر بسوی وابستگی

مرداد ماه گذشته نخستین "برنامه پنجساله آبادانی" جمهوری اسلامی به مجلس برده شد. در پس هیاهو وفریاد وصلواتهای نمایندگان مجلس دست نشانده ونامردمی جمهوری اسلامی که با هزار بسمه اله ودعاگوئی برای "پیروزی" این برنامه درکرنای خود دمیدند، بیهودگی تمامی برنامه وشکست ناگزیرآن درآینده ای نه دور از هم اکنون پیداست.

بقیه در صفحه ۷

مضحکه "انتخابات" در جمهوری اسلامی

در صفحه ۹

کردستان (۳)

در صفحه ۸

صمد جاودانه شد (۲)

در صفحه ۱۲

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!

از صفحه ۱

...کردستان به گورستان

قبل از شروع حمله والفجر ۲ رژیم در بهار سال ۱۳۶۲ نیروی زیادی را در شمال کردستان متمرکز کرد وحمله وسیعی را آغاز نمود. در تابستان گذشته نیروهای وسیعی را بنام جنگ با عراق به جنوب کردستان آورد و سعی کرد دراطراف پیرانشهر حمله را متمرکز کرده وراههای کوهستانی آنجا راببندد. در تاریخ ۲۱ جولای حمله والفجر ۲ رژیم در طول نوار مرزی، از مرز گذشت وپادگان حاج عمران راکه از آنجا به کردستان کمك شد، تحت تصرف خود درآورد. در همین حملات چندین اردوگاه که در آنها بیش از ۲۰ هزار آواره کرد ایرانی سکونت داشتند از میان بردند. این اردوگاهها بوسیله حزب دمکرات کردستان ایران وتحت نظر افسران عراقی اداره میشد. حمله رژیم به حاج عمران و رواندوز جهت بستن راه کردستان به عراق در شمالی ترین نقطه مرز کردستان عراق بود. در ادامه حملات والفجر ۲، رژیم مرتجع جمهوری اسلامی در نیمه دوم اکتبر حملات والفجر ۴ راشروع کرد. این حملات هم تحت نام بی مسمای جنگ باصدام نامگذاری شد ولی مرکز اصلی حمله در مناطق مرزی بین ایران وعراق وبا همان اهداف والفجر ۲ یعنی محاصره وسرکوب کردستان بود. اگرچه رژیم بابوق وکرنا اعلام میکند که به پنجوین رسیده ومیخواهد آنجا رابگیرد وتمام تبلیغات خود را بروی عراق متمرکز میکند ولی اصل فشار وحمله بروی کردستان است. رژیم از دو ناحیه سردشت از شمال و بانه از جنوب دست به حمله زده است وقصد دارد این دو شهر را بهمدیگر وصل نماید وارتفاعات مشرف به جاده بین دوشهر راتسخیر ومنطقه راتحت کنترل خود دربیاورد به همین منظور در حملات والفجر ۴، رژیم خمینی متجاوز از ۱۰ لشگر از واحدهای جنگ دیده خود را که بالغ بر ۸۰ هزار نفرهستند بسیج کرده وحملات سختی راشروع کرده است. رژیم نیروهای خود را در سه قسمت ودر طول وسیعی از مرز پراکنده کرده است. اول قسمت پنجوین عراق که دراین قسمت موفق نبوده، دوم قسمت شمالی سردشت که در آنجا ارتفاعات استراتژیکی هوینما لوچند ده راتصرف کرده وسوم قسمت بانه که حملاتش باشکست مواجه شده است. فعلا رژیم به حملات وحشیانه خود ادامه میدهد ومسلما تا زمانیکه شکست قطعی نخورده است به این حملات تاقبل از رسیدن زمستان ادامه خواهد داد.

حملات اخیر رژیم علیرغم اینکه ظاهرا باهاری ونیروی زیاد صورت میگیرد بخاطر ضعف زبونی درونی رژیم هم میباشد. رژیم بخوبی میداند که اگر فصل زمستان برسد وتا آن موقع نتواند تکلیف خود را درکردستان روشن نماید، کلیه مناطقی راکه امروز بدست آورده ازدست خواهد داد وروحیه نیروهایش تضعیف شده وبرای بسیج مجدد نیروها دچار اشکال بیشتری خواهد شد. برطبق گزارشات اخیر، مناطق دهگانه سپاه پاسداران در ارسال نیروهائیکه تعهد کرده بودند عاجز مانده اند.

رژیم مجبور گشته است به بهانه کنکور، مشمولین نظام وظیفه را به نام نویسی وادار سازد و......

در تاریخ بشریت همیشه نیروهائیکه درحال زوال هستند باهاری بیشتر دست به حمله میزنند و ناامیدانه خود رابه هرطرف می کوبند.

در جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۲ فاشیسم آلمان ۱/۵ میلیون نفر رابرای تسخیر استالینگراد وحرکت بطرف مناطق نفتی باکو بسیج کرد. این نیرو شامل زبده ترین نیروهای ارتش آلمان که از اروپا وآفریقا جمع آوری شده وبخش بزرگی از نیروی هوائی هم جهت پشتیبانی این نیرو به آنجا آوردند. این نیروهای وسیع برای ۴۸ روز تمام به استالینگراد حمله بردند ولی بعلت مقاومت قهرمانانه نیروهای ارتش شوروی، مهاجمین نتوانستند شهر رابه تصرف خود دربیاورند وبعد از ۴۸ روز حلقه محاصره شکسته شد. استراتژی هیتلر که تسخیر شوروی واتصال قوای آلمان وژاپن ورسیدن به منابع نفتی باکو وعبور به خلیج فارس بود با شکست مواجه شد واز اینجا بود که تغییر اساسی درصحنه جنگ پیدا شد. نیروهای بلوك آلمان، ژاپن دچار شکستهای پی درپی شدند وبالاخره در سال ۱۹۴۵ بطور قطعی شکست خوردند.

حمله های رژیم به کردستان با حملات فاشیسم هیتلری به استالینگراد دریك نکته وجه مشترك دارند. این حملات نه از موضع قدرت بلکه از موضع ضعف است.

رژیم میداند که بزودی زمستان فرا خواهد رسید، رژیم میداند که بااشکالات بیشتری درآینده در بسیج نیروها مواجه است، رژیم میداند که کردستان مرکزی برای تجمع نیروهای انقلابی است، رژیم میداند که انقلاب هرروزه اوج بیشتری می گیرد .... ورژیم میداند قبل از اینکه نیروهایش ته بکشد، کردستان قهرمان رامحاصره وجنبش راسرکوب کند. ولی کردستان قهرمان به همت مبارزات توده ای خلق کرد به گورستان ارتجاع بدل خواهد گشت. از همین زاویه است که رژیم آخرین قدرت ضربتی خود راکه تجارب جنگی هم دارند بسیج وروانه کردستان نموده است. اما رژیم جمهوری اسلامی همچون تمام نیروهای که درشرف نابودی هستند شکست خواهند خورد. رژیم که اول نیروهای خود را درمنطقه وسیعی پخش کرده بود متحمل ضربات زیاد گشته است وتلفات رژیم در کردستان تا ۳۰ هزار نفر هم گزارش شده است.

علیرغم حملات وحشیانه با تانك وتوپ، کاتیوشا وبمباران هوائی دهات و مردم بی دفاع، روحیه درمیان نیروهای رژیم بسیار پائین است. برای نمونه، افراد اردوگاه بردوك که ماه گذشته دراثر حملات سازمان مجاهدین خلق ودیگر نیروها، فرماندهاش کشته وبیش از ۱۵۰ نفر از افرادش به درك واصل شدند، خواهان تعطیل شدن این پایگاه شده، چراکه گفته‌اند این پادگان تبدیل به قتلگاه ماخواهد شد.

امروز کردستان وخلق قهرمان کرد درمقابل یك نبرد حساس وتعیین کننده قرار گرفته است، این نبرد درسرنوشت کل انقلاب ایران تاثیر بسزائی داشته وباید به هروسیله ممکن بدفاع از کردستان بلند شده وشکست رژیم را دراین دوره از حملات تضمین کنیم.

سازمان ما (ستاد. بخش انگلستان) در دفاع از مبارزات خلق کرد ومحکوم کردن رژیم جمهوری اسلامی در تاریخ ۵ نوامبر تظاهراتی درمقابل سفارت جمهوری اسلامی بر پا نمود. دراین تظاهرات اعلامیه های انگلیسی درافشای رژیم خمینی ومحکوم کردن جنایات رژیم درکردستان پخش ومورد استقبال قرار گرفت. ضمنا همان شب جلسه همبستگی با مبارزات خلق کرد برگزار گردید. این جلسه شامل نمایش عکس از مبارزات خلق کرد، مقاله درباره اوضاع کنونی جنبش وبخصوص جنبش خلق کرد ...... بحث آزاد که باخواندن دستجمعی سرود انقلاب درمیان روحیه تنفر از رژیم به پایان رسید.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران!

از صفحه ۱

لزوم وحدت در شرایط کنونی

ضمن آن توضیح دادیم که علت انشعاب درون کنفدراسیون وجود مبارزه دو خط یکی خط راست و دیگری خط دمکراتیسم انقلابی بود.

دراین قسمت اوضاع فعلی جنبش دانشجوئی خارجه وتزهای مطرح شده از طرف بخشهای مختلف این نهضت در رابطه با مسئلهٔ وحدت همچنین مبانی وحدت جنبش دانشجوئی ومواضع ودستاوردهای اساسی آن ازدیدگاه ما مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بررسی اوضاع فعلی جنبش دانشجوئی خارجه:

مدتهاست که نهضت دانشجوئی ما در حالت تفرقه وتشتت به سر میبرد که دلائل عمده این پراکندگی خط و مشی های راست روانه وهمچنین تز پشتگاه یا پشت جبهه (اتوریته) بوده از طرفی ضربه خوردن جنبش انقلابی در ایران بی تاثیر برجنبش دانشجوئی نبوده است. کلیهٔ این عوامل، بخشهائی از نهضت دانشجوئی را در راستای گیجی بی عملی وپاسفیسم کشانده است. تز " پشت جبهه " یا سازمان دانشجویان هوادار با پاره پاره کردن جنبش عملا پراکندگی را تقدیس میکند واز علائم مضر دیگر این تز، قدرت اندیشیدن به مسائل غامض جامعه را از دانشجو میگیرد واستقلال فکری را از دانشجو سلب میکند. درنتیجه ملعبه دست سازمان مادر میشود، به این معنی که کلیهٔ خطوط سیاسی وایدئولوژیك از طرف سازمان مادر مشخص میشود وسازمان هوادار فقط حق تبلیغ مواضع سیاسی سازمان مادر را دارد. درضمن باید اشاره کرد جذر ومد های سازمان مادر رابطهٔ ارگانیك باسازمان هوادار پیدا میکند یعنی وقتیکه سازمان مادر مورد هجوم ارتجاع قرار میگیرد وضربه میخورد ودیگر کسی نیست که مواضع سیاسی سازمان هوادار را تعیین کند اتوماتیك وار سازمان هوادار از کار میافتد. ما درسطح خارجه بارها شاهد این مسئله بودیم که متاسفانه بعد از ضربه خوردن سازمانهای مادر در داخل چگونه سازمانهای هوادار به عرصهٔ پاسیفیسم وبی عملی کشیده شدند.

پس موانع سد کننده درتز پشتگاه را در موارد زیرخلاصه میکنیم:

الف ـ پارمپاره کردن نهضت دانشجوئی متحد به سازمانهای هوادار.

ب ـ سلب کردن استقلال فکری وفقدان خطوط سیاسی وایدئولوژیك.

ج ـ فقط تبلیغ وترویج مواضع سیاسی سازمان مادر.

د ـ با ضربه خوردن وتضعیف شدن سازمان مادر، سازمانهای هوادار به بی عملی وپاسیفیسم کشیده میشود.

دانشجویان مبارز؛ امروز درسطح خارجه یك سازمان سراسری دانشجوئی که بتواند کل این جنبش رابصورت واحد ویکپارچه هدایت کند وجود ندارد وحتی درپاسخگوئی به تعرضات اوباشان وچاقوکشان رژیم جمهوری اسلامی، کلیه بخشهای جنبش دانشجوئی نتوانسته‌اند حرکت مشترکی رابرعلیهٔ اوباشان رژیم سازمان دهند. بااستفاده ازاین جو، رژیم مرتجع جمهوری اسلامی یکسری از لومپنها وچاقوکش هایش را تحت نام " دانشجو " به کشورهای مختلف گسیل کرده (که البته این اوباشان از " وامهای دانشجوئی " که رژیم دراختیارشان میگذارد استفاده میکنند) ؛ این آدمکشان اکثرا از مصونیت سیاسی برخوردار میباشند وتا بحال ٦ دانشجوی مبارز، درهند، فلیپین، فرانسه، آمریکا وآخری درپاکستان که همین اواخر اتفاق افتاد بدست این آدمکشان شهید شده اند وجنبش دانشجوئی تابحال نتوانسته درمقابل این گستاخیهای رژیم یك حرکت گسترده وسراسری را سازمان دهد.

مرتجعین امروز به کارهای تبلیغی وتهاجمی دست زده اند. ازقبیل ۷ روز نمایشگاه عکس درلندن، برگزاری جشن عید، تبلیغ مواضعشان بوسیلهٔ سخنرانان درمحیط هاید پارك (لندن) وگاهی تهاجم به صفوف دانشجویان مترقی حاضر درهاید پارك وحملهٔ اوباشان رژیم به تظاهراتها وپیکتها وخوابگاههای دانشجویان مترقی دربرخی از کشورهای اروپائی وآمریکائی را میتوان اضافه کرد.

بنابراین با درنظرگرفتن شرایط ویژه فعلی درخارجه، صفت مشخصهٔ اوضاع واحوال کنونی جنبش دانشجوئی درنکات زیر متبلور میگردد.

الف ـ پراکندگی نهضت دانشجوئی خارجه ویکسری تعرضات رژیم برعلیهٔ دانشجویان مبارز که ازطرفی سدی شده است مقابل بسیج مبارزات هرچه بیشتر تودهٔ دانشجو علیهٔ رژیم خونخوار خمینی.

ب ـ تز پشت جبهه یعنی هواداری از سازمان مشخصی ودنباله روی ازآن دیگر به بن بست رسیده ونتایج حاصله ازآن جز پاسیفیسم دربهترین شرایطش بی هدفی وسردرگمی رابرای هوادارانش دربرنداشته است

ج ـ گرایش عمیق درمیان دانشجویان برای متشکل شدن وروی آوردن به مبارزهٔ سراسری درسازمانهای دمکراتیك دانشجوئی.

امروز از طرف بخش های مختلف جنبش دانشجوئی طرح هائی برای وحدت این جنبش مطرح شده که ماقبل از اینکه به بررسی آنها بپردازیم پاسخ به چند سئوال را ضروری می دانیم. سئولات به این گونه مطرح است که آیا شرایط برای وحدت مساعد است؟ آیا زمینهٔ مادی برای امر وحدت درنهضت دانشجوئی موجود است؟ آیا ایجاد سازمان واحد جنبش دانشجوئی صحیح است؟ پاسخ مابه این سئولات مثبت است. بطورکلی زمینهٔ مادی وحدت رابابد درشرایط عینی جامعه ومرحلهٔ انقلاب جست. برای پیروزی انقلاب دمکراتیك باید تمامی اقشار وطبقاتی که تحت سلطهٔ ارتجاع وامپریالیسم هستند برسر داغان کردن ماشین دولتی وتاراندن امپریالیستها وحدتی صورت گیرد.

ازطرفی نهضت دانشجوئی بخشی لاینفك از جنبش خلق میاشد ومسائل آنان جدا ازکل جامعه نیست وبطورکلی آنان متاثر از وقایع وجریانات سیاسی موجود درسطح جامعه‌اند پس میتوانند درمبارزه علیه امپریالیسم وارتجاع بنابر چنین ضرورتی که درکل جامعه موجود است وحدت کنند وسازمان واحد وسراسری را بوجود آورند.

همانطور که قبلا اشاره کردیم از طرف بخشهای مختلف دانشجوئی طرحهائی دررابطه بامسئله حیاتی یعنی وحدت ارائه شده که ما به دو نظریه دراین رابطه برخورد می نمائیم:

اولین آنها سولیدارتی میباشد که از طرف هواداران سازمان مجاهدین خلق ارائه شد. بطورکلی سولیدارتی ترکیبی ازنیروهای مترقی تروتسکیستی و" سوسیال دمکراتهای اروپائی " میبود (ازاینکه ما کلمهٔ " میبود " رااستفاده میکنیم به دلیل این استکه سولیدارتی مدتهاست که حرکتی درخارجه نداشته است.) وازاول معلوم بودکه با این ترکیب نمیتواند برای مدت زیادی باقی بماند واین جریان از اول، باهدف بسیج کردن مبارزات دانشجویان وسراسری کردن این جنبش وهماهنگ کردن مبارزات تعرضی دانشجویان برعلیه رژیم تشکیل نشد و کلیهٔ هم وغم خود را جهت گرفتن پشتیبانی برای شورای ملی مقاومت از لردها ونمایندگان مجلس وکمك مالی ویکسری حرکات دیگر گذاشت.

ادامه دارد.

پیش بسوی ایجاد سازمان واحد سراسری جنبش دانشجویی

راه ۱۶ آذر جاودانه است

از صفحه ۱

جنبش دانشجوئی میهنمان، همواره نقش بسیار ارزنده‌ای در پیشبرد مبارزات داشته‌است. دانشگاه به "سنگر آزادی" لقب گرفته و دانشجویان مبارز از این سنگر سالیان متوالی است که پاسداری کرده‌اند. دانشجویان طی مبارزات خونین، بارها پیوند ناگسستنی خود را با خلق زحمتکش ایران با بجا گذاشتن شهدای بیشمار برای نیل به آزادی و استقلال ایران به اثبات رسانده‌اند. بجاست که با فرارسیدن ماه آذر یاد اولین شهدای دانشجوئی پرافتخار ایران را گرامی داشته و مقاومت دلیرانه آنها را علیه ارتجاع داخلی و امپریالیسم سرمشق قرار دهیم. پس از کودتای خائنانه ۲۸ مرداد ۳۲ و سلطه مجدد امپریالیسم و ارتجاع در ایران، نیکسون معاون رئیس‌جمهور امریکا برای بازدید "پیشرفتهای" کودتا در سرکوب انقلاب و انقلابیون راهی ایران شد. دانشجویان مبارز برای اعتراض به دولت دست به تظاهرات وسیعی زده و صحن دانشگاه را به مقاومت علیه ارتجاع و امپریالیسم مبدل میکنند و با این حرکت قهرمانانه خود نشان میدهند که جنبش مردمی هیچوقت از پای ننشسته و این خلق قهرمان همواره میرزمد و همچنانکه ارتجاع و ظلم وستم بر ایران حاکم است این مبارزات همچنان ادامه دارد. شاه خائن که از این حرکت متهورانه دانشجویان به وحشت می افتد دستور قتل عام صادر میکند، در این اندیشه که با کشتن تنی چند از دانشجویان مبارز و انقلابی قادر به نابودی این جنبش خواهد بود، ارتش مزدور شاه بی درنگ به صف دانشجویان مبارز یورش برده و آنان را بخاک و خون می‌کشد اما دانشجویان مبارز غرق در خون با شعار "مرگ بر شاه" تا آخرین نفس به مبارزات خود ادامه دادند. در این حمله ناجوانمردانه رژیم سه تن از بهترین فرزندان دلیر خلق "شریعت رضوی، قندچی و بزرگنیا را به شهادت میرساند و دهها نفر زخمی و صدها نفر روانه سیاهچالها رژیم میشوند. شهادت این سه تن دانشجوی مبارز تاریخ مبارزات دانشجوئی کشورمان را شعله ورتر ساخته و پیوند آنهارا با کارگران زحمتکش جامعه عمیق تر ساخته است. کشتار وحشیانه دانشجویان مبارز از طرف رژیم در ۱۳ آبان ۵۷ که در پشتیبانی از طبقه زحمتکش خود بپاخاسته بودند و با بجاگذاشتن شهدای بیشماری بار دیگر مقاومت دلیرانه این دانشجویان را علیه ارتجاع حاکم به نمایش می‌گذارد. از جمله مبارزات دانشجویان باید به نقش ارزنده آنان در راه به ثمر رساندن انقلاب ۵۷ نام برد.

دانشجویان و دانش‌آموزان همراه با سایر اقشار و طبقات جامعه دست به مبارزه قهرآمیز زده تا آنجاکه نقش پرافتخاری در راه سرنگونی رژیم منفور پهلوی ایفا میکنند. جنبش دانشجوئی خارج از کشور نیز همواره نقش پرارزنده‌ای در رابطه با افشای رژیم و امپریالیسم برخوردار بوده است، از جمله میتوان حمله دانشجویان مبارز را به صف هوراکشان شاه در دیدار با اربابش کارتر در امریکا را نام برد که این عمل متهورانه دانشجویان مبارز شاه‌را در انظار عمومی جهان بی آبرو کرد. بدنبال آن با برگزاری آکسیونهای متعدد دفاعی از زندانیان سیاسی ایران و برگزاری تظاهرات افشاگرانه علیه شاه و امپریالیسم همه وهمه مبارزات چشمگیری بود که به اهدای انقلاب ایران کمك ارزنده‌ای نمود. با پیروزی انقلاب ایران در بهمن ۵۷، دانشجویان کماکان به حراست از این سنگر آزادی پرداخته و دانشگاهها را تبدیل به یك مجمع سیاسی کرده تا جائیکه سیل اقشار جامعه و نیروهای انقلابی به آنجا سرازیر میشد. دانشجویان چون گذشته به افشای بی امان عناصر ضد خلقی درون رژیم می پردازند. مرتجعین و سازشکاران در درون قدرت که از این حرکت دانشجویان به وحشت می افتند، اینبار نیز مذبوحانه با دسیسه‌گری و بسیج "حزباللهی" به دانشگاه ها یورش می برند. تظاهرات و میتنگهای آنان را بخاك و خون میکشند و با این عمل پلید خود بار دیگر خاطره ۱۶ آذر را در دلها زنده میکنند. دانشگاه این سنگر آزادی را که تجمع نیروهای انقلابی و مردمی بود به منظور بهاصطلاح "انقلاب فرهنگی" منحل اعلام میکنند. و بکشتار دانشجویان و زندانی کردن بسیاری از آنها می پردازند با این خیال که این جنبش را سرکوب نمایند زهی خیال باطل، چراکه اگر چه دانشگاه بسته شد ولی دانشجویان مبارز انقلابی به میان زحمتکشان رفته و به آنها پیوستند.

.. رژیم ددمنش خمینی که همواره دشمنی خود را با این قشر روشنفکر نشان داده‌است، برای آنکه صدای دانشجویان خارج از کشور را که علیه رژیم منحوسش رساست خاموش کند، پاسداران را بعنوان دانشجو راهی کشورهای مختلف میکند. اما حمله آنان به صفوف دانشجویان مبارز این خیال خام رژیم‌را بگور میبرد. این رژیم خونخوار باید بداند که جنبش دانشجوئی خارج از کشور علیرغم پراکندگی به راه ووظایف خود تا سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و قطع دست کلیه امپریالیستها از ایران عزیز ادامه خواهد داد. بر ماست که به خود آئیم و با صفوف متحد و یکپارچه، وظایف اساسی جنبش دانشجوئی را آنطور که شایسته ماست بمرحله عمل درآوریم و به شهدای ۱۶ آذر و ۱۳ آبان قسم یاد کنیم که به راهشان وفادار بمانیم و تا آخرین نفس در راه آزادی و استقلال ایران به مبارزه ادامه دهیم.

"زنده و جاوید باد یاد شهدای ۱۶ آذر

هموطنان مبارز ـ کمکهای مالی خود را به حساب زیر ارسال نمائید

I.S.A. (SETAD)
AC 39387054
NATIONAL WESTMINSTER BANK
104 TOTTENHAM COURT ROAD
LONDON W1

آدرس ما

B.M.-BOX 8561
LONDON WC1 3XX
ENGLAND

I.S.A.
P.O.BOX 1423
JEFF. CITY,
MO 65101
U.S.A.

POSTFATCH 410853
5 KOLN 41
WEST. GERMANY

زنده وجاوید باد یاد شهیدان خلق

از صفحه ۱

تجاوز به گرانادا

اساسا خط گرایش به غرب از طرف نخست وزیر کشته شده بجلو میرفت ولی همزمان با آن از آنجایی که در شورای رهبری و بخصوص در قسمت نظامی ابر قدرت روس و هم پیمانانش همچون کوبا نفوذ داشتند خواهان کنترل کامل هیئت حاکمه بودند. درگیریها از اواسط ماه اکتبر شروع شد وسر انجام معاون نخست وزیر بنام بارنارد کوارد نخست وزیر وقت (موریس بیشاپ) را تحت پیگرد خانگی قرارداد. هواداران موریس بیشاپ جهت بدست گرفتن دوباره کنترل دست به تظاهرات میزنند و به رهبری صاحب یك کمپانی به یك مقر نظامی در پایتخت جهت گرفتن اسلحه و کشتن معاون نخست وزیر براه می افتند. درگیریها بالا میگیرد و همزمان ارتش جهت کنترل وضعیت موجود وارد عمل شده و با کشتن نخست وزیر و سه وزیر کابینه و تعداد زیادی از مردم کنترل را بدست گرفته و حکومت نظامی اعلام می نماید.

ضمنا اعلام میشود که هرکس در بیرون از منزل باشد تیرباران خواهد شد همزمان با تکمیل کودتا، دولت کوبا با نمایندگان امپریالیسم امریکا تماس گرفته و به آنها قول میدهد که نگران اوضاع نباشند وجان آمریکایها در آن جزیره در خطر نخواهد بود و سعی خواهد شد اوضاع به حالت عادی برگردد (بنقل از سخنرانی فیدل کاسترو در هاوانا ـ گاردین ۲۷ اکتبر)

حکومت کودتای ژنرال آستین از آنجایی که موقعیت خود را باثبات نمیدید و ازآنجاییکه این جزیره توسط سگان امپریالیسم آمریکائی محاصره شده ,از طریق کوبا مجبور به دادن امتیاز میشود و کاسترو اعلام می نماید که, " نگران اوضاع نباشید ". ولی امپریالیسم امریکا حاضر به از دست دادن این جزیره استراتژیکی نیست وحمله را آغاز مینماید. امپریالیسم امریکا دوکشتی جنگی با چندین هزار نفرات نظامی بسمت جزیره می فرستد در تاریخ ۲۵ اکتبر نیروهای امریکائی با بمباران ساحل وکستن صدها نفر جزیره را بتصرف خود در می آورند. کشمکش جهت کنترل فرودگاه و مراکز نظامی و بخصوص پایتخت (سنت جورجیز) بمدت چند روز طول میکشد ولی امپریالیسم آمریکا با آوردن بیش از ده هزار قشون و همچنین نیروهای از کشورهای منطقه کنترل کامل را بدست میگیرند و معاون نخست وزیر و فرمانده نظامی دستگیر می گردند. علت تسخیر فوری این جزیره توسط امپریالیسم آمریکا راباید در بی پایه بودن رژیم کودتا دانست چراکه مردم بهیچوجه بدفاع بر نخاستند و تنها کشمکش کوچکی هم که شد از طرف مزدوران رژیم حاکم و کوبائی ها بود. امپریالیسم انگلیس هم که سالها براین جزیره سلطه داشته جهت بردن سهمی یك کشتی جنگی بنام (انتریم) به این منطقه فرستاده است. امپریالیسم آمریکا در مقابل چشمان میلیاردها نفر به این جزیره کوچك لشکرکشی نمود و جهت حفظ منافع امپریالیستی خود چه جنایتها که مرتکب نشد. برای نمونه یك بیمارستان که تعداد زیادی افراد ناقص العضو در آن بسر میبردند تقریبا با خاك یکسان شد و هرجا و مکانی که به آن ظنین شدند ویران کردند.

این جنایات بقدری فجیع بود که حتی " سازمان ملل " مجبور به محکوم کردن تجاوز آمریکا گشت وقطعنامه‌ای مبنی بر بیرون کشیدن کلیهٔ نیروهای خارجی از گرانادا را صادر نمود. امپریالیسم آمریکا درجواب اعلام نموده است که تعداد زیادی از سربازان آمریکائی برای مدت طولانی (یکسال) درآنجا خواهند ماند وعلاوه بر نیروهای آمریکائی الاصل ,رژیمهای وابسته به خود نیز را درآنجا باقی خواهد گذاشت.



گوشه‌ای از وحشیگریهای مزدوران امریکائی

مهمترین مسئلهٔ امپریالیسم امریکا در شرایط کنونی ,برقراری حکومتی وابسته به امپریالیسم آمریکاست که در شرایط کنونی صحبت از عناصری میشود که سالیان دراز بدست سازمان سیا پرورش داده شده وتا کنون در آمریکا بسر برده‌اند.

ابر قدرت شوروی وهم پیمانانش فعلا این کشمکش را به امپریالیسم آمریکا وغرب باخته‌اند ولی این پایان بازی نیست. تا زمانیکه ابر قدرتها ویارانشان بتوسط قدرت توده‌های مردم وطبقهٔ کارگر این کشور سرنگون نشوند ,چنین مسائلی بارهاوبارها اتفاق خواهد افتاد. تنها راه, انقلاب ,سرنگونی ارتجاع وامپریالیسم است

ما تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا را در جهت سرکوب مردم گرانادا اشدیدا محکوم میکنیم.

تقویم تاریخ

۱۸۲۰/۱۱/۲۸ سالگرد تولد انگلس
۱۹۴۴/۱۱/۲۹ سالروز آزادی آلبانی
۱۳۰۰/۹/۱۳ شهادت میرزا کوچك خان
۳۲/۹/۱۶ روز دانشجو
۱۹۰۵/۱۲/۹ سالروز قیام مسلحانه کارگران مسکو
۱۹۶۷/۱۲/۱۱ تاسیس جبهه خلق برای آزادی فلسطین
۱۳۵۶/۹/۱۸ اشغال لانه جاسوسی شاه در رم توسط کنفدراسیون (برای احیاء...)
۱۳۲۴/۹/۲۱ قیام آذربایجان برهبری پیشه وری
۱۳۲۵/۹/۲۱ سرکوب آذربایجان و قتل عام بیش از ۲۰ هزارنفر خلق ترك

پاسخ به خوانندگان

دوستان و رفقا

نشریه ستاد از شماره آینده صفحه‌ای مبنی بر پاسخ به خوانندگان باز نموده و سعی در جواب به سئوالات مطرح شده از طرف خوانندگان خواهد داد.

سئوالات و انتقادات خود را به آدرس ستاد انگلستان ارسال نمائید.

به امید پیروزی ـ ستاد

۰۰۰۰اخبار ایران

ازصفحه ۱۲

رژیم جمهوری اسلامی برای بسیج نیرو دچار اشکال است

در روزنامه اطلاعات ٤ آبان ٦٢ اطلاعیه دولت در مورد اعزام به خدمت مشمولان دیپلمه متولد ۴۳–۱۳۳۸ به چاپ رسیده که در قسمت آخر می نویسد "لازم به تذکر است مشمولانیکه در کنکور سراسری شرکت کرده‌اند – چنانچه در مورد مقررجهت اعزام به خدمت خود را معرفی نکنند، حتی اگر قبولی آنها نیز اعلام شود، از ادامه تحصیل در دانشگاه ها بعلت داشتن غیبت محروم خواهند بود و مشمولانیکه به خدمت اعزام می شوند قبولی آنها در کنکور بعدا اعلام میشود، در هر مرحله‌ای از خدمت باشد جهت ورود به دانشگاهها مرخص خواهند شد."

رژیم منفور و جنایت پیشه می خواهد باسوء استفاده از امید جوانانیکه قصد رفتن به دانشگاه و ادامه تحصیل دارند سوء استفاده کرده و کسانی را که برای نظام وظیفه نام نویسی نکرده و باصطلاح "فراری از خدمت" میشوند شناسایی کرده و به جبهه های جنگ اعزام دارد.

اخبار کوتاه از منابع مستقیم

عده ایرانیانی که از ایران از راه باصطلاح غیر قانونی وارد پاکستان شده‌اند روز بروز افزایش پیدا می کند. این عده که اکثرا جوان هستند بخاطر فشار شدیدی که رژیم این روزها برای سربازی اعمال می کند به پاکستان آمده‌اند. افسری که خود از جبهه سومار فرار کرده و اخیرا وارد پاکستان شده می‌گفت که برای رهایی از شر جنگ انگشت خود را با تیر زده است تابتواند به این بهانه معافی بگیرد اما دایره سیاسی اید ئولوژیك ارتش در جبهه او را به مدت دو ماه در بازداشت نگهداشته و بالاخره وی توانسته است خود را به پاکستان برساند. او می گفت با تیر زدن خود بمنظور فرار از جبهه که اصطلاحا به "خود زنی" معروف است رواج بسیار پیدا کرده و نه تنها سربازان بلکه افسران هم به این کار مبادرت میورزند. خود وی که درجه سروانی دارد شاهد زنده‌ای بر این ادعا است.

طبق مشاهدات او در تهران که از منابع مختلف نیز تائید شده رژیم بر سر خیابانها ریوهای ارتشی قرار میدهد و جوانهای عابر را تماما گرفته و به سربازخانه ها می برند و تا زمانی که مطمئن نشوند که به خدمت رفته و دوره های احتیاط را نیز طی کرده‌اند آنها را آزاد نمی سازند.

کسانی که به خدمت نرفته باشند از همان پادگان مستقیما به جبهه اعزام می کنند.

وابستگی غذایی به خارج از کشور

روزنامه اطلاعات طی گزارشی از سمینار سالانه تحقیقات و برنامه ریزی غلات کشور نوشت: نیاز کشور به گندم حدود ۷ میلیون تن است که بیش از ۱/٥ میلیون تن آن ازخارج تامین می شود. طبق آمار ارائه شده به این سمینار گفته شده که ازمساحت ۱٦٥ میلیون هکتار اراضی کل ایران حدود ۱۸–۱۷ میلیون هکتار زیر کشت محصولات کشاورزی است واز این میزان ٦ میلیون هکتار زیر کشت گندم و ٥/۱ زیر کشت جو قرار دارد. گندم آبی تولید شده در داخل ۲۳۹/۲ میلیون تن گندم دیمی ۲۲٤/۲ میلیون تن است بقیه کسری آن از خارج وارد میشود.

بعنوان مقایسه اضافه کنیم که تولید گندم در سال ۱۳٥٤–٥٥/٥ میلیون تن بوده (تهران اکونومیست ۲٤ مهر ۱۳٥٥) که حدود ٥۰۰ هزار تن بیش از تولید امسال است و از سوی دیگر واردات گندم در سال ٥٥ بالغ بر ۱/۲ میلیون تن بوده‌است. با مقایسه این آمار رژیم جمهوری اسلامی سیاست های خائنانه و وطنفروشانه شاه را دنبال نموده و حتی وابستگی به مواد غذایی از خارج را بیشتر و دهقانان را بیش از پیش خانه خراب کرده است.

دانشگاهها را باز می کنند

روز اول مهر ماه طبق وعده‌های بازگشائی و نوگشائی که از جانب رژیم داده می شد، درهای دانشگاه باز شد. اما بعد از ٤ سال که ۲۰۰ دانشگاه و موسسه آموزش عالی بوسیله دولت بسته بود بجای ۲۳ هزار دانشجو فقط ٤۰۰۰ نفر که از هزار و یك صافی اید ئولوژیك عبور کرده‌اند به دانشگاهها راه پیدا کرده‌اند. از این عده فقط یك دهم یعنی حدود ٤۰۰ نفر دختر هستند. کلیه معلمین و اساتید زن اخراج شده‌اند.

در کلاسها نیز دانشجویان دختر از پسر بوسیله پرده‌ای جدا شده‌اند و دختران حق صحبت نداشته و سئوالات خود را بایستی بروی کاغذ نوشته و تحویل استاد بدهند!!

بجای ۱۰۰ رشته تحصیلی در گذشته فقط ٦ رشته دایر است. کتابهای درسی فعلا در دسترس نیست و بجای آن از نوشته های خمینی و چند آخوند مرتجع دیگر استفاده می شود. درسها همگی با تلاوت آیاتی از قران شروع می شود. دروسی که تدریس می شوند در رشته کشاورزی از جمله طرز صحیح اقامه دعای باران است. در رشته های دیگرتدریس می شود که زنها ضعیفو خطرناکند و داروین و انیشتن و مارکس همگی جاسوسان صهیونیسم هستند. تابحال فقط سوریه لیبی و سیرالئون رشته های این دانشگاه را به رسمیت شناخته اند.

اشغال سفارتخانه و دفاتر هواپیمائی

ازصفحه ۱

در روز دوشنبه ۷ نوامبر ۱۹۸۳ مطابق با ۱٦ آبان ۱۳٦۲ دفتر هواپیمائی ایران درلندن وچندکشور اروپائی دیگر، توسط دانشجویان مبارز هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اشغال گردید.

این اشغال دراعتراض به کشتار انقلابیون توسط رژیم ودرهمبستگی بازندانیان سیاسی وخلق دلاور کرد انجام گرفت. دراین آکسیون که مدت یکساعت بطول انجامید عکس خمینی جلاد به پائین کشیده شد و شعارهایی درافشای رژیم ارتجاعی خمینی بردرودیوارنقش گرفت وبالاخره آکسیون باخواندن سرود های انقلابی به پایان می انجامد.

برطبق اطلاعیه کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مورخ ۱۸ آبان درهمانروز سفارت جمهوری اسلامی دربلژیک ودفتر هواپیمائی ایران درفرانسه وهندوستان نیز توسط رفقای هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اشغال شد ودرکشورهای دیگر از جمله کانادا – آمریکا وسوئد نیز آکسیونهایی جهت افشاگری جنایات رژیم برگزارگردید.

۱۰ نفر دانشجوی اشغال کننده هواپیمایی ایران درلندن علیرغم گذراندن دودادگاه همچنان درزندان بسر میبرند واین مسئله جز روابط خوب وحسنه رژیم جمهوری اسلامی با امپریالیسم انگلیس از چیز دیگری حکایت نمیکند. جالب اینجاست که رژیم دریکی از روزی نامه‌هایش اطلاعات این حرکت را به کردهائی که از کردستان رانده شده‌اند نسبت میدهد غافل از اینکه ایرانیان مبارز هیچ جای ساکت نمی نشینند وتاسرنگونی رژیم ددمنش خمینی به مبارزات بحق خود ادامه می دهند.

از صفحه ١

برنامه ٥ ساله جمهوری اسلامی

گامی دیگر بسوی وابستگی

با شکافتن چندی از نکات آمده در این برنامه به ژرفای پوسیدگی و واماندگی حکومت وچگونگی تلاش در بازسازی دستگاه وابسته حکومت شاه میتوان پی بـــرد . آشفتگی ونابسامانی اقتصادی حکومت تبهکار خمینی امروز دیگر برهیچکس پوشیده نیست . از سردمداران حکومتی گرفته تاپادوهای مطبوعات هرروز وشب میگویند ومینویسند و "چاره" برای گرانی ,احتکار بیکاری ,فقر وآشوب اقتصادی ـ سیاسی جامعه می اندیشند ,بی آنکه به پایه این گرفتاریها ونابسامانیها یعنی حکومت خودشان اشاره ای ـ بکنند که این البته جای شگفتی هم نیست !

موسوی نخست وزیر درهنگام ارائه "برنامه پنچساله اول "به مجلس اعلام میکند : "جمهوری اسلامی جهت حرکت خود را تعیین نموده وآمـــاده است تاد ریهنه گیتی برنامه های مدون خود را فرار راه مستضعفان قرار دهد "وآنها را " به رهائی از وابستگی ترغیب نماید " .

اما ببینیم این "رهائی از وابستگی " تاچه اندازه دربرنامه های جمهوری اسلامی بدست آوردنی میباشد .

بنیان یك حکومت ناوابسته ورها شده را عدم وابستگی اقتصادی فــرهنگی وسیاسی تشکیل میدهد , که از این میان اقتصاد سالم وناوابسته کـــه برد وپایه بخشهای پیشرفته کشاورزی وصنعتی استوار است در رمرتبـــه نخست اهمیت قرار دارد .

درحکومت دست نشانده شاه سرمایه داران وابسته وملاکان وزمینداران درتنگاتنگ با دربار بزرگترین عوامل وعناصر وابستگی این رژیم محسوب ـ میشدند که سرمایه گذاریها وقدرت اقتصادی وسیاسیشان مجری این وابستگی بودند . دربرنامه پنچساله جمهوری اسلامی درقسمت سرمایه گذاریهـــا دربخش صنعتی بیش از ٥٠ درصد (یعنی ٨٦٥ میلیارد ریال) و در بخش کشاورزی بیش از ٦٣ درصد (یعنی ١٣٣٨ میلیارد ریال) بدست " بخش غیر دولتی " بقول موسوی ویابهتر گفته باشیم بخش خصوصـــی وباز هم بهتر گفته باشیم سرمایه داران وابسته وملاکان رژیم گذشتـــه سپرده شده اند که این حتی ٦ درصد هم از سرمایه گذاری بخش خصوصی دررژیم شاه بیشتـــراست!!

بخش بزرگ درآمد های دولت برای اجرای برنامه های آبادانی قرار است از فروش نفت تأمین شود که مبلغ آن به ٦٥ درصد کل درآمد های ٥ساله دولت (١٩٥٧٠ میلیارد ریال) سر میزند . جدا از این که اقتصاد تك محصولی یکی ازنشانه های وابستگی بشمار میرود اختصاص ١٠٢٠٠ـ میلیارد ریال فروش نفت که باقیمتی پائین تر از قیمت تعیین شده اوپـــك از طرف ایران دربازارهای آزاد عرضه میشود درمقابله با افزایش نـــرخ تورم داخلی وعدم ثبات بازارنفت جهانی جمهوری اسلامی را درآینـــده وادار به افزایش این ٦٥ درصد منبع درآمد هایش خواهد کرد که جـــز تاراج هرچه بیشتر نفت معنی دیگری نخواهد داشت .

با توجه باینکه بازار خشکبار وفرش یعنی دومنبع درآمد های دولت در ـ رکود بیسابقه ای بسر میبرند اینجا تازیانه جمهوری اسلامی برای بـــاج ستانی از مردم یعنی مالیات گیری بکارمیافتد تابیش از ٣٠ درصـــد از درآمد های دولت را در این برنامه پنجساله بخود اختصاص بدهد .

خوشرقصی جمهوری اسلامی دربرابر سرمایه داران وشرکتهای خصوصی ـ همین بس که درتمامی برنامه مالیات گیری تنها ٦ـ٥ درصد کل مالیاتهای مستقیم متوجه آنان میشود که باهزار اهرم قدرت در دولت ومجلس جمهوری اسلامی این رقم البته مورد لطف مأمورین مالیاتی و "برادران مسلمانشان " هم قرار خواهد گرفت وگردن کلفتان وصاحبان کارخانجات وصنایع دربخش خصوصی قرانی هم به درآمد های دولت برای مخارج همگانی نخواهنـــد پرداخت . واین درهنگامیست که جمهوری اسلامی " اولویت درسیاستهای مالیاتی دراخذ مالیات مستقیم " راسرلوحه سیاست مالیاتی خودش قـــرار داده که نتیجتا به کشیدن آخرین رمق زحمتکشان وفروشندگان خرده پا وکارمندان دون پایه دولتی می انجامد . از دیگر نکات "برنامه ٥ ساله اول " افزایش درصد واردات درطول این برنامه میباشد .

سیاستهای درهای باز رژیم شاه که درگذشته بازارهای فرآورده هـــای داخلی رابسود بنجل های امپریالیستی نابود کرده بود یکبار دیگـــر درجمهوری اسلامی تکـــرار میشود .

با وابستگی بیش از ٨٥ درصد منابع اولیه مواد خام ونیم ساخته وقطعات و وسائل مونتاژ به کشورهای امپریالیستی غرب وشرق ,اختصاص بیش از ٤٦٠ میلیارد ریال از درآمدهای نفت درطول این برنامه به واردات , جز افزونی این وابستگی ونابسامانی هرچه بیشتر اقتصادی وفقر وفلاکت همگانی برای مردم ما معنی دیگری ندارد .

و این درزمانیست که کوچکترین قدمی درراه خودکفائی کشاورزی وصنعتـــی کشور برداشته نمیشود ومیلیاردها دلار پول نفت بدون هیچ "برنامه ای " درراه ادامه جنگ ناعادلانه ویاهزینه سازمانهای سرکوبگر ودستگاههـــای تبلیغاتی رژیم خرج میشوند .

بی جهت نیست که برای پرداخت این همه مبالغ , دولت کسر بودجـــه خود را درطی این برنامه پیش بینی هم کرده وازهم اکنون دست تکـــدی به سوی بانکهای دولتی وحراج بیشتر نفت وافزایش مالیاتها برده است .

کوتاه سخن حکومت وامانده خمینی که به یمن تاراج منابع ملی وسرکوب ـ انقلابیون براریکه قدرت نشسته درلابلای کلاف سردرگمی از گرفتاریهـــای اقتصادی گیر افتاده است که تلاش برای گریز از آن بیهوده است .

بی گمان برنامه پنچساله اول جمهوری اسلامی درمقابله با برنـــامه عاجل مردم ماکه همانا سرنگونی این رژیم است به بایگانی تـــاریخ خواهد پیـــوست



مرگ بر دولت ضد خلقی روس و ایادی داخلیش

کردستان ۳

دردوقسمت قبل که درستاد های شماره* ۱۸ و ۲۰ به چاپ رسید ، در باره مبارزات خلق کرد وبرخورد امپریالیستها به مسئله کرد صحبت کردیم ودر ادامه* آن علل شکست مبارزات را که اساسا بخاطر ضعف رهبری جنبش بود باز نمودیم . بعد از بروی کار آمدن رضاخان ، از آنجائیکه او دشمنی سختی با کرد وترك داشت ستم فراوانی به این خلقها نمود ولی با شروع شدن جنگ جهانی دوم واز آنجائیکه جبهه متحدین - فاشیست طرح حمله به اتحاد جماهیر شوروی استالینی را از طریق ایران می ریختند ارتش متفقین به رهبری شوروی وارد ایران میشود وحکومت سیاه رضا خان درهم کوفته شده وبابه فرار میگذارد . دراین دوران جنبش دمکراتیك خلق ایران بهمراه جنبش بین المللی ضد فاشیسم اوج میگیرد دراواخر سال ۱۳۲۱ ـ کومله ژیانه وه کورد (انجمن زنده کردن کرد) تاسیس شد وقاضی محمد دربهار ۱۳۲۲ به عضویت آن درآمد . این تشکیلات دارای یك برنامه* کاملا ناسیونالیستی بود . بدنبال کوششهای قاضی، حزب دموکرات کردستان در ۲۵ مرداد ۱۳۲۴ تشکیل میشود ودراولین اعلامیه اهداف خود را تشریح میکند . دراین برنامه به مسئلهٔ اصلی جنبش یعنی دهقانان وخواسته هایشان برخورد درستی نشد وهمچنین تشکیل انجمن ولایتی کردستان رابراساس قانون اساسی حکومت مرکزی بیان میکنند . رویهم رفته برنامه، مطرح شده از طرف قاضی محمد یك برنامه مترقی بود . الان دنباله مقاله را میخوانید .

قاضی اعدام شد .بر خلاف تصور و منطق ارتجاع هیچ خلقی، با شهید شدن رهبرانش از مبارزه برای کسب آزادی و خواستهای برحقش دست نخواهد کشید و خلق کرد هم با از دست دادن رهبر وفادارش که درد امان همین خلق پرورش یافته بود مایوس نشده بلکه سوگ خود را با پیشبرد مبارزه دقیق تر بیان نمود. مردم مهاباد و اطراف با شنیدن خبر جنایت خونین و شهادت سه تن از رهبران و فرزندان قهرمان شان چون دریائی خشمناك خروشیدند و بدون توجه به سدهائی که باتانك زره پوش و توپ خلق سیاهپوش جنازه رهبران را از دست جلادان پس گرفته و سیل ماتمزده و خشمگین خلق، جنازه ها را در کوه " داشامجید " بخاك سپردند سه شبانه تعطیل وعزای عومی بود . شاه فاشیست صفت با شنیدن خبر بحرکت درآمدن خلق کرد عوامفریبانه اعلام کرد که گویا اجرای حکم اعدام بدستوررزمارا و بدون اطلاع وی انجام گرفته است . این مزدور جنایت پیشه خیال میکند که با این گونه حیله ها وعوامفریبی ها میتواند تاج و تخت لرزان و پوسیده اش را از خشم خلق داغدار وستم کش برهند . فرزندان آزادیخواه اگاه خلق کرد امروزه دیگر بروشنی میداند که راه نجات خلق کرد تنها از طریق درهم نوردیدن بساط امپریالیسم ها و جیره خوارانش و استقرار حاکمیت خود بهمراه ودست در دست دیگر خلقهای قهرمان ایران ممکن است و بس .

جمهوری مهاباد بخون کشیده شد وکشتار آزادیخواهان همه شهرها و دهات کردستان وحشیانه ادامه یافت در بوکان ، سقز نقده ، ودیگر ... مبارزین پاکباخته ای چون رسول نقده ای، احمد فاروقی ، علی شیرزاد ، احمد اوستا حسن ، محمد نانوازاد وصدها قهرمان دیگر بدست قداره بندان رژیم منحوس پهلوی شربت شهادت نوشیدند هزاران نفر دستگیر و زندانی و تبعید شدند اما خلق مبارز کرد نتنها مرعوب وحشیگریهای ارتجاع و امپریالیسم نشد بلکه در همان فردای بخون کشیده شدن مهاباد مبارزه را از نوع سازماندهی کرد . اعضای پراکنده حزب دمکرات دوباره جمع شده و شروع به انتشار مجله ای بنام " ریگا " کردند با استقبال فروانی روبرو شده خلق درحال تجمع صفوف خود بود که حادثه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ اتفاق افتاد و ارتجاع مجددا یورش خود را بصوف آزادیخواهان میهن پرستان سر تا سر ایران و منجمله مبارزان کرد از سر گرفت وعده زیادی از اعضای حزب دمکرات بزندان افتادند . خلق زحمتکش کرد که زخمهای عمیقی از ارتجاع محمد رضا شاهی برداشته بود از هر موقعیتی استفاده میکرد تا نفرت و خشم عمیق خود را از جنایتکار پهلوی بیان دارد . درسالهای ۳۰ - ۳۱ جنبش وسیع دهقانی در دهات اطراف مهاباد و بوکان بوقوع پیوست که باز هم بوسیله ارتش ارتجاعی محمد رضا شاهی و با همکاری فئودالها و خانهای کرد بخون کشیده شد . در انتخابات سال ۳۱ کاندیدای حزب دمکرات برای مجلس شورابا وجود تمام دسیسه ها ، فشار ، تهدید او ارعاب پلیس و ژاندارمری و ... در مهاباد و حومه هشتاد تا نود و نه درصد آرا ـ بدست آورد و رژیم مجبور به انتصاب نماینده خود شد و نماینده مردم کرد را بمجلس راه نداد .

در رفراندم محدودیت قدرت شاه در سال ۳۱ پنجهزار رای در مهاباد بصندوق ریخته شد که تنها دو نفر از شاه و رژیم سلطنتی پشتیبانی کرده بودند . آری تنها دونفر در مهاباد و حومه و تنها ۱٪ از مردم این نواحی که همان جاسوسان و مزدوران رژیم و امپریالیست هستند مدافع ـ نماینده و پوسیده و ننگین شاه هستند . اینست آن پایه‌ای که محمد رضا شاه خائن در میان خلق دارد حال بگذار جار چیان خود فروخته در بوق و کرنای تبلیغاتی خود بدهند، های وولة راه بیاندازند که کردستان و آذربایجان به میهن عزیز " این جغدان شوم بازگشته و گویا مردم این بازگشت را جشن میگرند از ... ۵ نفر با وجود تمام فشارها و دسیسه ها فقط ۲ نفر خواهان رژیم سلطنتی و شاهنشاهی هستند . آری ـ واقعیت بیش از هر چیزی کذب و دروغ ادعای ارتجاع را عریان می ـ سازد .

جنبش خلق کرد باآنهمه آمادگی، زحمتکشان کردستان برای جانبازی و فداکاری در راه مبارزه علیه رژیم و امپریالیسم درهم کوبیده شد و تا کنون ارزیابیهای مختلفی از علل آن انجام گرفته است . ما نیز بسهم خود میکوشیم که هر چند مختصر و ناقص به برخی اشتباهات این جنبش بر خورد بکنیم . حزب دمکرات کردستان در تاریخ ملت کرد اولین حزبی بود که بروشنی خواستهای بورژوازی کرد را بیان میکرد و از لحاظ مضون و شکل و ترکیب آن بنسبت به نتیجه تشکیلاتهای گذشته جنبش کرد گامی بجلو بود . این حزب توانست توده های وسیع خلق کرد را تحت رهبری مشی سیاسی، خود یعنی بورژوازی ناسیونالیست کرد گرد آورد .

بقیه در صفحه ۹

از صفحه ۱

مضحکه "انتخابات"

دغل بازی و عوام فریبی در جمهوری اسلامی حد و مرز نمی شناسد. رژیمی که بزور سرنیزه و اختناق و زندان از امروز به فردایش را می گذراند باز هم علم شنگه "انتخابات" راه انداخته.

گر چه تمامی "برگزیدگان" و روسا و وزیران حکومت از دید مردم ما فاقد هر گونه اعتبار و رسمیتی هستند و تمامی انتخابات و رای‌گیریها علرغم تقلبات و فشارها آنجا هم که سوگلی های دربار خودشان بنا به اختلافات درونی فرصت را برای شاخ و شانه کشیدن بر حریفان حکومتی و کسب مواضع بیشتر غنیمت میشمارند حتی این جنگ زرگری را هم نمی توانند تحمل کنند و سر و کله اماشان برای ختم بزن بزنها و جمع و جور کردنها پیدا می شود.

این بار خیمه شب بازی "انتخابات" مربوط می شود به مجلس شورای اسلامی که به قول خمینی در دستورالعملش برای انتخابات نمایندگان باید توجه‌هایش کاری بکنند که "مانند زمان مشروطیت مستبدین مشروطه خواه نشوند وبلکه آنهایی که با اسلام سروکار دارند (توبخوان مشروعطلبان ازقماش شیخ فضل‌اله یعنی همان اتفاقا مستبدین!) روی‌کار بیایند". اطلاعات ۹/آبان ۶۲.

جناهای درگیر حاکمیت هم در این زور آزمایی بیکار ننشسته‌اند و در این میان اعضاوکاندیداهای حزب جمهوری اسلامی که در بیشتر ارگانهای حکومتی نفوذ دارند مواضع خود را در مقابل "لیبرالها" و خط‌حجتیه در خطر دیده و خامنه‌ای خائن بعنوان سخنگوی این جناح با خط و نشان کشیدن برای حریفان اعلام میدارد "کسانیکه میخواهند ما را در مسابقه قدرت در انتخابات وارد کنند کور خوانده‌اند" اطلاعات هفتم آبان ۶۲

از جانب دیگر منتظری مرتجع پا درمیانی می کند و برای اتحاد ارتجاع در مقابل مبارزات مردم و اینکه حالا وقت دعوامرافه نیست اعلام می دارد "اینکه در انتخابات گفته میشود فلانی در خط‌چی و فلان کس در خط فلانی و یا فلان کس در خط بازار و این حرفها، اینها همانطور که امام فرمودند به وحدت و انسجام ملت!! ضربه می زند."

و با عقل ناقص‌خود نتیجه می گیرد "در نهایت خدای ناکرده به شکست انقلاب و جمهوری اسلامی تمام می شود." یکشنبه اول آبان ۶۲ کیهان.

اما نتیجه انتخابات را که بخیال خام اینان یکدست‌تر شدن جناحهای حاکم برای سرکوب هرچه بیشتر و وابستگی فراوانتر انجام می‌گیرد خامنه‌ای از هم اکنون بهتر پیش‌بینی کرده وتوضیح میدهد "ما آماده هستیم انتخابات با سالمترین و شیرین‌ترین!!! وموفق‌ترین شکلی که دل امام را راضی کند انجام گیرد."

"شیرین‌ترین" نتیجه "بدل امام" یعنی تلخ ترین بدن مردم و نزدیک شدن به سرنگونی این دلقکان.

از صفحه ۱۰

اخبارجهان

شیلی

در تاریخ ۲۸ اکتبر دهها‌هزار نفر در سانتیاگو ودیگر نقاط شیلی دست به مبارزه برعلیه رژیم نظامی پینوشه زدند. این مبارزات بخصوص در مناطق زاغه نشین پایتخت شدت بیشتری داشت مردم بابستن باریکادها با نیروهای انتظامی درگیر شدند. درمرکز شهر دانشجویان بابمب های دستی بمدت ٤ ساعت با نیروهای نظامی به زدوخورد پرداختند که تعداد زیادی در این‌روز زخمی و دستگیر شدند. از آمار کشته شدگان هنوز خبری در دست نیست. این موج تظاهرات بخصوص در رابطه باقانون منع هر گونه تظاهرات‌غیر قانونی است. مردم در ادامه مبارزه خود و به مسخره گرفتن قوانین دولت ونشان‌دادن اینکه دولت کنترل خود را از دست داده است دست به تظاهرات زدند. جرم کسانی که دراین تظاهرات ها شرکت کنند تبعید وحبس‌ابد است. در همین دوران احزاب ارتجاعی ووابسته‌به امپریالیسم امریکا که با دولت و رژیم پینوشه در حال مذاکره هستند دست به یک تظاهرات قانونی زدند.

پرو

انقلابیون راه درخشان اعلام نمودند که جلوی "انتخابات" میان دوره‌ای را خواهند گرفت. بر طبق اعلامیه توضیحی که از طرف انقلابیون پرو وسیعا در سراسر کشور باوجود حکومت نظامی پخش‌شده، بعد از افشاگری موثر از رژیم بلاندهتری و سیاستهای امپریالیسم امریکا در این کشور، در پایان اعلامیه چنین میخوانیم که سیاستهای رژیم باعث گرسنگی عده کثیری از مردم پرو گشته است ولی قبل‌از اینکه از گرسنگی بمیریم در راه انقلاب خواهیم مرد.

کاندیداهای انتخاباتی بجز اندکی جرائت نمیکنند در این انتخابات شرکت نمایند.

از صفحه ۸

کردستان ۳

در طی سالهای ۲٤ – ۲٥ حزب با طرح نادرست مسئله‌ملی وعدم دید درست از رابطه‌بین مسئله ملی و مسئله طبقاطی در عصر امپریالیسم، ذهن کارگران کرد را نسبت به مسئله طبقاتیشان کدر نموده و آنان را عمدتا حول مسئله ملی (آنهم ناقص) بسیج نمود جمهوری مهاباد بجای مراجعه به زحمتکشان سراسر ایران و حرکت مشترك برای در هم کوبیدن نظام پوسیده موجود و از این طریق کسب و تحکیم خود مختاری اساسی (نه خود مختاری در چهار چوب دولت شاهنشاهی و قانون اساسی) به قوام السلطنه روباه صفت و رژیم دستپرورده امپریالیسم رجوع کرد. رهبران جمهوری مهاباد (و همچنین فرقه) در مذاکراتشان با قوام‌السلطنه خدعه گر بصرف قبول خود مختاری نیم بند از سوی رژیم پذیرفتند که باز هم ارتش مزدور شاهنشاهی که تازه خلق از شرش‌راحت شده بود تحت‌عنوان کنترل بر انتخابات مجددا پابه کردستان آزاد شده بگذارد.

جمهوری کردستان بعلت چپرمگی مشی ناسیونال رفرمیستی بر رهبری آن در مجموع نه کوشید و نه در توانش‌بود که کردستان را آنچنان به منطقه آزاد شده ای تبدیل کند که از آنجا آزادیخواهان سراسر ایران مبارزه خود را برای سرنگونی رژیم استبداد فاشیستی به پیش‌برند و فقط در فکر مسائل "خود" بود. دولت جمهوری کردستان با برخورد نادرست به مسئله ملی نتوانست مسئله دهقانان را که عمده ترین نیروی خلق کرد را تشکیل میدهند، حل نمایند و زمین را در اختیار آنان گذارد. بیهوده نیست که حزب در اعلامیه ای که تشکیل خویش‌را اعلام میدارد این چنین آپورتونیستی به مسئله دهقانان ستمدیده کرد برخورد نموده و میگوید "ـه باید براساس‌یك قانون عموی درمیان کشاورزان و مالکان توافقی بوجود آید که آینده هردو طرف را تامین نماید."

ادامه دارد.

اخبارجهان

از صفحه ۱۲

السالوادور

انقلابیون السالوادر در دو حمله جداگانه دو شهر مهم را به تصرف خود در آوردند . اولین شهر بنام "تجو تپه کیو" نام دارد که در ۲۵ مایلی پایتخت قرار دارد . دومین شهر "سیوداد سباریوس" در استان "سان میگوئل" است ودومین شهر این استان از لحاظ جمعیت است .
انقلابیون السالوادر در نبرد های اخیراز نیروهای زیاد برای گرفتن شهرها استفاده نموده اند . در هردواین شهرها ارتش قادر به مقابله با انقلابیون نبود و تقریبا بدونه جنگ مجبور به فرارگشت و همه آنهائی که مقاومت کردند به درك واصل شدند که تعدادشان از صد تجاوز میکنند . با سقوط پادگا نها مقادیر بسیار زیادی مهمات وسلاحهای سنگین بدست انقلابیون افتاده است . یکی ازعلل نجنگیدن سربازان سیاست درستی است که انقلابیون السالوادر نسبت به آنان روا میدارند .
امپریالیسم امریکا جهت سرکوب انقلاب در السالوادر سیاست "بی عمل کردن دهقانان را با دعوت آنان به بازگشتن برروی زمینهاو قول کمکهای مالی به آنان پیش میبرد ولی مردم که به دفاع از انقلاب بلند شده اند جواب رد دادند واین سیاست امپریالیسم هم شکست خورد . خطر دیگری که السالوادر را تهدید میکند مذاکراتهائی است که بین رهبران کنونی انقلاب با نمایندگان امپریالیسم امریکا (ریچارد استون-هنری کی سینجر) و همچنین با هئیتی از دولت حاکم بر السالوادر (کمسیون صلح) پیش میبرند . علل نشستن پای مذاکره با نمایندگان امپریالیسم وارتجاع را باید در ضعف رهبری و پایگاه طبقاتی آن جستجونمود . انقلابیون السالوادر در همین حملات اخیر نشان دادند که قادر به سرکوب ضد انقلاب بوده و اگر سیاست مبارزه قاطع بر جنبش غالب شود دیری نخواهد پائید که ما شاهد سرنگونی ارتجاعیون حاکم بر السالوادر خواهیم بود .

افغانستان

از اویل ماه اکتبر نیروهای اشغالگر روسی حملات وحشیانه ای را از طریق زمین و هوا برعلیه خلقهای افغانی سازماندهی کرده اند . در شمال کابل نصف دهکده ها بر اثر بمباران های فجیع از بین رفته و بوی اجساد منطقه را گرفته است . اکثر پناهندگان که بسمت کابل میایند زخمی هستند وبیمارستانها گنجا یش مداوا را ندارند .
در مناطق هرات رژیم دست به عملیات پاکسازی زده و بنابر ادعاهای پناهند گان که اجبارا به پاکستان رفته اند تعداد بسیاری زیادی کشته شده اند اکثر درگیریها ی یکماه گذشته در مناطق اطراف شهر "ایستالیف" بوده است . نیروهای روسی وقتی وارد شهر شدند خانه هاو مغازه ها را غارت کرند و در برابر انظار مردم ۱۲ بچه را توسط سر نیزه شهید کردند . جنگ بعد از خروج نیروهای مخالف دولت به منطقه "گلدره" کشیده شد . بنابر گزارشات رسیده بمدت یکسال است که بین دو حزب "حرکت اسلام" و حزب اسلام" درگیری مسلحانه وجود دارد و همچنین در بین نیروهای تشکیل دهنده دولت (احزاب پرچم و خلق) این روزها درگیری بسیار زیاد شده و همدیگر را میکشند .
در داخل شهر کابل با وجود حکومت نظامی مبارزه همچنان ادامه دارد و روزی نیست که تعدادی از مزدوران روسی و افغانی بدرك واصل نشوند در اوائل ماه نوامبر به سفارت شوروی و مقر فرماندهی شوروی در کابل حمله شده است . ۲ هواپیمای روسی که حامل اسلحه به شهر "خوست" بود سرنگون شد . این شهر در محاصره نیروهای مخالف دولت است.
همچنین تعدادی از سربازان افغانی که در لباس شخصی بشهروارد میشدند شناسائی وکشته شدند . درگیریهای پراکنده دهها نفر از اعضای حزب حاکم بدرك واصل شده ,تعدادی از مزدوران روسی کشته وعده ای مشتشاران نظامی دستگیر شده اند . مبارزات همچنان ادامه دارد .

چین

باردیگر مسئله پاکسازی حزب به اصطلاح کمونیست چین از طرف تنگ سیا ئو پین خائن مطرح گشته و این پاکسازی که چندین بار قبلاهم انجام شده بعنوان مرگ و زندگی "حزب" بشمار میرود .
قراراست بر طبق این طرح تمام افرادی راکه در بین سالهای ۱۹۷۶-۱۹۶۶ ,یعنی در دوران انقلاب فرهنگی به حزب پیوسته و به درجات بالاتری رفته اند همگی اخراج شوند . این حزب نزدیك به ۴۰ میلیون عضو دارد که قرار بود اول ۱۰ میلیون تصفیه شوند ولی رژیم مرتجع حاکم بر چین مجبور به تعویض موضع شد و تعداد تصفیه شوندگان را به ۱۰ در صد و بعد به ۲ درصد تقلیل داد . بنابر گزارشات پراکنده ای که میرسد مردم برعلیه سیاستهای اقتصادی رژیم حاکم مقاومت میکنند ومانع پیش برد کامل اهداف مرتجعین حاکم در بسیاری از زمینهها میباشند . از همین رو بنابه گزارش هرالد تریبون , ۲۰ اکتبر ۸۳ تاکنون نزدیك به ۷۰۰ هزار نفر در چین دستگیر شده اند که تعدادی از این افراد اعدام و عده زیادی زندانی و بقیه به کمپهای کار اجباری فرستاده شده اند .
موج اعدامها در انظار عمومی هر روزه شدت بیشتری میگیرد . این اعدامها که از ماه اوت ۸۳ شروع شده بنابر گزارشات امپریالیستها تاکنون ۵ هزار بوده است . البته آمارهای واقعی چندین برابر رقم بالاست .
بعنوان مثال ۱۰ اکتبر ۵۰ نفر, ۱۸ اکتبر ۱۳ نفر, ۲۱ اکتبر ۴۰ نفر, فقط در پکن اعدام شدند واین اعدامها نیست که از طرف رژیم حاکم در چین اعدام شده است . دولت چین این عناصر را به جرم دزدی و تجاوز اکثرا اعدام می نماید ولی بنابرگزارشات موثق اکثراین "مجرمین" سیاسی بوده و برعلیه رژیم مبارزه کرده اند . بعنوان نمونه جرمهای بعضی از اعدام شدگان بدینقراراست . حمله به رهبران بالای دولت چین ,حمله به شخص تنگ سیائوپین حمله به گاردهای محافظ او ,حمله بیك پناهنده تایوانی "تجاوز" به دختر عضو بالای حزب و . . . . .
بنابر اعترافات دیپلماتهای غربی که در چین بسر میبرند واز مدافعان دولت چین هم میباشند ,"مبارزه دولت علیه جنایات" قسمتی از برنامه رژیم ارتجاعی حاکم برای تصفیه کردن اضافه های باقی مانده از دوران انقلاب فرهنگی میباشد . انقلابی که تنگ سیائو پین را هم بعنوان نماینده ارتجاع از همه شغلهای دولتی عزل نمود .
ضمنا دولت چین در ماه گذشته جرم اعدام را در مورد افرادیکه مرتکب جرمهای اقتصادی ,فروش دختر و فعالیهای سیاسی ضد رژیمی داشته باشند را صادر کرده است

بقیه در صفحه ۹

صمد جاودانه شد

از صفحه ۱۲

صمد هیجده ساله بود که راهی روستاهای آذربایجان شد . درهمان سنی که جوانان همسالش توی مسائل ساختگی دست و پا می‌زنند . اما او ناچار بود . می‌بایست هر چه زودتر به داد پدر رسید . او رفت اما تنها به درآوردن نان بخور و نمیر قناعت نکرد . اوبرای‌مبارزه باحق‌کشی‌ها ، فساد وتباهیهای‌دوره‌ی خود قلمش را ، که برای بعضی‌ها سلاح خطرناکی است ، بکـار انداخت . از بچه‌ها شروع کرد . چه می‌دانست که به پیروپاتالهای خرده‌بورژوا و یاجوانان فریب خورده‌ی سرگردان که به زور بـه آنها حقنه کرده‌اند که مساله‌ای دارند و مساله آنها هم تنها بد لباس و روژ لب میوه‌ای وشلنگ تخته انداختن است ... و او می‌دانست که کسی لازم است تا نیشتر به این دمل چرکین بزند . زیرا می‌دانست به بسیاری از شعر او نویسندگان دوره‌ی خـود امیدی نیست دراین باره بهترین توصیف رابایداز خودش بشنویم:

«ما شاعری نمی‌خواهیم که آرزو کند : (کاش ماهی سرخ رنگ توی بطری عرق بودم !) و همین جا توقف کند و چشمهایش را به تمام پستی‌ها و آلودگیها و حوادث دیگر دوروبرش کورکند . همچنین شاعری را لازم نداریم که امروز بطور سطحی دم‌از «یاس و بیداد» می‌زند وفردا که پای عمل به میان آمد خود را به کوچه علی چپ میزند ، گوئی که آب از آب تکان نخورده ، راستی کـه شعر خوب هرگز مرتکب این کثافتکاریها نشده است .».(۶)

و راستی که شاعری نمی‌خواهیم که سنگ مردم کوچه و بازار رابه سینه بزند وهنگام روبرو شدن باآنها بگریزد ودرباره‌ی آنها فقط درکتابها و یاپشت میز آبجو خوری مطالبی بدست‌آورد . جای دیگر می‌گوید :

«این جماعت شاعران و نویسندگان شهری و پایتختنشین شعرشان را کـه می‌خـوانی بـوی دود گازوئیل و «هر» و «تر» می‌دهد . همه‌ی شعر و حرفشان اینست : آخ واوف ، ما چقدر تنهائیم و فراموش شده ، دیگرشمعدانی گل نخواهد داد . شرح دوست بازیهاو می خوارگیها و«شیر مستی‌ها» راهم گاهی چاشنی شعر می‌کنند . چقدر هم پرمدعا هستند که این ملت هنر نشناس هنوز خیلی مانده که بفهمد شعر یعنی چه و هنر یعنی چه و قدر ما را بداند . هرگزقدم رنجه نمی‌دارند که بیفتند توی مردم و روستا و شهرستانها را بگردند و ببینند برای کدام مردم شعر می‌گویند و داستان می‌نویسند . اگرنیما را محترم می‌داریم به‌خاطر این‌است که قبل‌از شاعر بزرگی بودن ، انسانی بزرگ بود ، پژوهنده بود . هر گز قبول نکرد که هوای کوهستان هم از دود گازوئیل سیاه و کثیف شده است . وی قناعت به دود گازوئیل خیابانهای شهر و دود افیون نکرد وشعر مصور برای‌صفحه‌ی سرگرمیهای مجله‌های هفتگی ترتیب دادن را جزو کار شاعری خود نشمرد . نشخوارگر نبود . اگر هم به افیون پناه برد ، نه برای این بود که روشنفکر بازی‌درآورد . نیما شاعر بود نه متشاعر .

فلان شاعر که دوسه روزی بیشترنیست توخط شعرافتاده و هرگز هر پیچ و خم چرخ گردان ـ چنان‌که افتد و دانی ـ گرفتار نیامده ، یکدفعه میبینی که تریاکی از آب درآمده و روز و شبش درمیخانه‌ها می‌گذرد.که چه ؟ یعنی: ای جماعت هنرنشناس‌عاصی، بدانید و آگاه باشید که من شاعر خیلی روشنفکری هستم و دارم از یاس و حرمان و شکست منفجر میشوم . عرق میخورم و تریاک می‌کشم که منفجر نشوم . شما باید قدر بیقدر مرا بدانید که قلبم از گل نازکتر است وزودقهر می‌کنم .» (۷)

و صمد چه باتیزبینی به اوضاع زمان خود می‌نگرد و می‌فهمد که قرشمالیهای بعضی از شاعران پایتخت نشین چگونه درروح و جان جوانان شهرستانی اثر میگذارد و چطور درابتدای جوانی و درآن‌های وهوی نام‌آوری قبل‌از هرکاری برای تقلید افیونی و هروئینی می‌شوند و موها را تاپشت کمر رها می‌سازند و بالباسهای عجیب و غریب صبح‌تا عصر از بالا تاپائین خیابان (که درشهرستانها غالبا یک یا دو تابیشتر نیست) قدم می‌زنند تـا خود را بمردم بنمایانند و اصلا در این فکر نباشند که ذهن-خودرا بارور سازند ودو قدم آنطرفـتر ازخیابان به‌آن محله‌های توسری خورده هم سری بزنند . و کاش می‌توانستیم شماره‌ی این جوانان را داشته باشیم تا به رقم وحشتناک معتادین جوان پی ببریـم . درکرمانشاه که این عدد سر به آسمان می‌زند .

بهرنگی کتابهایش را ارزان چاپ می‌کرد و به هرسرمایه‌دار گردن کلفتی هم نمی‌داد که بچاپد . او می‌دانست که کتاب خوب احتیاج به زرق‌وبرق ندارد و اطلاع داشت که ماشاءالله درمملکت ما کتاب از لحاظ جلد از خیلی کشورها جلوتر است ، چنانکه از لحاظ ساز و دهل و بوق وکرنا مقام‌اول‌رادارد. اما از لحاظ محتوی کتاب بدبختانه خیر . محتوی خوب فکرخوب می‌سازد ومیدانی که فکر خوب ... پس‌صورت نمایشی دادن به هرچیز بهتر و بی‌دردسر ترست. همه‌ی ما به این درد دچاریم ؛ ریش برای نمایش ، لباس برای نمایش ، مدرک و عنوان برای نمایش ، اصلاحات بـرای نمایش . بهرحال بدنیست ازگفته‌های خود اومثال‌بیاوریم . راجع به دو کتابچه‌ی شعر که هرکدام به نوعی چاپ شده است می‌گوید:

«به نظر من اگر کتاب اول نیز بدون آن زرق‌وبرق‌ها و زوایدش باهمان قیمت ارزان و ظاهر ساده‌ی کتاب دوم چاپ میشد بجاتر و مفیدتر بود . میدانیم که هفت ریال وسی وپنج ریال خیلی باهم تفاوت دارد .» (۸)

دکتر غلامحسین ساعـدی نویسنده و نمایشنامـه‌نویس معاصر می‌نویسد :

«درنامه‌هائی که به دوستانش می‌نوشت یا به اهل قلم ، همیشه التماس می‌کرد که چرا کتابها اینهمه گران است و او خود هرچه داشت و نداشت کتاب می‌خرید ، روزهای تعطیل باکیف پرکتاب توی دهات راه می‌افتاد . به همه امانت می‌داد .» (۹)

بهرنگی قبل‌از هرچیز بفکر نجات‌بچه‌ها ، این سازندگان دنیای آینده افتاد ؛ تصمیم گرفت آنها را طوری بسازد که دردنیای پرمکر و فریب تبلیغات بتوانند خود و همنوعانشان را نجات دهند ؛ فریب سروصداها ونوشته‌های وسایل گفت وشنود همگانی را نخورند و کلاه افسانه‌های انشاءالله درست می‌شود ، پناه برخدا، خدا میرساند، خداکریم است ، سرشان نرود . اومی‌گوید:

«آیا نباید به کودک بگوئیم که درمملکت توهستند بچه‌هائی کـه رنگ گوشت و حتی پنیر را ماه به ماه و سال به سال نمی‌بینند چرا که عده‌ی قلیلی‌می‌خواهند همیشه «غاز سرخ کرده درشراب» سرسفره‌شان باشد . آیا نباید به کودک بگوئیم که بیشتراز نصف مردم جهان گرسنه‌اند و چرا گرسنه‌اند و راه برانداختن گرسنگی چیست ؟ آیا نباید درک علمی و درستی از تاریخ و تحول و تکامل اجتماعات انسانی به کودک بدهیم ؟ چراباید بچه‌های شسته‌ورفته و بی‌لک‌وپیس و بی‌سروصدا و مطیع تربیت کنیم ؟» (۱۰)

۶ـ مقاله‌ی «شعر و اجتماع» ، ص ۱۵۲ «مجموعه‌ی مقاله‌ها» .
۷ـ منظری به ادبیات امروز» ، ص ۱۰۵ «مجموعه‌ی مقاله‌ها» .
۸ـ مقاله‌ی «یادی‌از حیدربابای شهریار» ص ۱۸۴ «مجموعه‌ی مقاله‌ها» .
۹ـ آرش شماره ۱۸ ، مقاله‌ی «کچه‌دور ، باغ ، کچه‌دور» .
۱۰ـ «ادبیات کودکان» ص ۱۲۰ «مجموعه‌ی مقاله‌ها» .

ادامـه دارد .



در قسمت اول کتاب صمد جاودانه شد اثر علی اشرف درویشیان - مختصری درباره شخصیت صمد بهرنگی نویسنده انقلابی ومتعهد وخصوصیاتی که او را از روشنفکر نمایان جدا میکند گفته شد , همچنین به آشنائی با درد ورنج مردمی که او باآنها سروکار داشت اشاره شد . حالا قسمت دوم ازاین کتاب را در این شماره به چاپ میرسانیم .

بقیه در صفحه ۱۱

فعالیتهای دفاعی ستاد کانادا



قسمتی از نمایشگاه عکس ستاد کانادا در افشای جنایات رژیم ددمنش خمینی

در تاریخ ۳۰/ ۹/ ۸۳ ستاد کانادا در مونترال نمایشگاه عکسی در افشای جنایات رژیم خمینی و جلب حمایت و پشتیبانی از این دانشجویان دربند و جمع آوری امضاء درخواست آزادی آنها از زندان برقرار گردید .

این نمایشگاه با استقبال گرمی روبرو گردید , بیش از ۴۰۰ نفر از نمایشگاه دیدن کردند . اعضا و هواداران ستاد برحول نمایشگاه عکس برای بازدید کنندگان به کار توضیحی پرداخته و پشتیبانی آنان را از انقلاب ایران و اعتراض آنان را نسبت به اعمال فاشیستی رژیم برانگیختند . همچنین بسیاری از بازدیدکنندگان فعالانه به دفاع از دانشجویان دربند در ترکیه پرداخته و برای کمک به آزادی آنان اقداماتی انجام دادند .

از سوی رفقای کانادا ۴۷۰ دلار بعنوان کمک مالی برای فعالیت بمنظور آزادی رفقای زندانی در ترکیه جمع آوری و ارسال شده است .

اخبار ایران

جنك



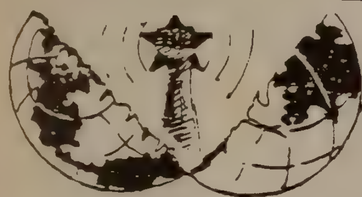
عراق شهرهای ایــــران را با موشك میزنند .

عراق روز یکشنبه ۲۳ اکتبر دزفول و مسجد سلیمان را با موشك زد . سه موشك عراقی به نقاط مختلف در مسجد سلیمان اصابت کرد و ۹۴ نفر کشته شدند . روز ۲۷ اکتبر ۸۳ به گزارش روزنامه کیهان در اثر پرتاب موشك به سوی بهبهان و مسجد سلیمان جمعا ۹۵ نفر دیگر کشته و بیش از ۴۰۵ نفر زخمی شدند . سنگینترین تلفات در بهبهان بود. بعد از حمله قبلی به مسجد سلیمان بسیاری از مردم شهر را ترك کرده بودند و بهمین علت تلفات در این دفعه کمتر بود . در بهبهان یکی از موشکهای پرتاب شده به مدرسه ای اصابت کرد و دهها دانش آموز را به خاك و خون کشید .

این نخستین بار بود که عراق فاصلههای دوری را با موشك مورد حمله قرار داده . شهر بهبهان ۲۲۵ کیلومتر از مواضع عراقی ها فاصله دارد , همین موضوع باعث می شود گمانهائی درباره ارسال موشکهای جدید از شوروی به عراق هست تقویت گردد .

بقیه در صفحه ۶

اخبارجهان



توطئه دیگر ترکیه وعراق

فاشیستهای حاکم در ترکیه ,بهمراه رژیم جنایتکار صدام در عراق درحال تدارك یك حمله نظامی دیگربه شمال عراق میباشند .

بهانه این حمله "آزاد کردن" دو خلبان ترك است که هواپیماهای نظامی آنها توسط انقلابیون کرد وارامنه در تاریخ ۱۴ سپتامبر در عراق سرنگون شد . ولی هدف واقعی سرکوب مبارزات خلقهای کرد وارامنه وداغان کردن پایگاه انقلابیون در این منطقه است . در اواسط ماه اکتبر وزیر خارجه ترکیه بهمراه یك هیئت نظامی وارد بغداد شدند و بامقامات نظامی و سیاسی عراق بر سر طرح نقشه حمله مذاکره کرده اند و هردو طرف آماده شرایط مناسب جهت حمله به انقلابیون میباشند .

رژیم جمهوری اسلامی هم بهمراه رژیمهای مرتجع ترکیه وعراق موافق حمله به انقلابیون کرد وارامنه در این منطقه میباشد .

بقیه در صفحه ۱۰

برقرار باد جمهوری دمکراتیك خلق !

ستاد

شماره ۲۱ | سازمان توده انقلابی دانشجویان (ستاد) ـ بخش انگلستان | آبان ۶۲

ناقوس مرگ رژیم خمینی رساست !

«تلفن کردم بیك روحانی ، گفتم بیا فلان شعبه دیوان عالی کشور را اداره کن و ایشان میگفت من نمیتوانم من گرفتارم ...... اینقدر چك و چونه زدیم ، آخرش من ناراحت شدم .... گفتم حق داری من باید التماس کنم شما باید ناز کنید . چون اسلام ارثیه پدر من و مهریه مادر من است .... من بشما میگویم این کار مانده .... التماس میکنم ، دستش را میبوسم حاضر نیست بیاید ... می گوید من میترسم» (موسوی اردبیلی خائن نماز جمعه)

«اگر این خیانت منافقین نبود ، سوار پیکان قراضه میشدیم خدا شاهد است پیوسته رنج میبریم . به اینها (محافظین سپاهی) میگوئیم بابا جان ما را کردماید آریامهر ، بگذارید ما برویم توی مردم (؟!) اما میگویند ما وظیفه داریم اینها میگویند اگر شما سوار این ماشین ها (ماشین های ضد گلوله) نشوید فردا همه شما تشریف میبرید پیش آقای بهشتی » (کیهان ۶۱/۷/۱۷ ـ مشکینی خائن) .

این خائنین که برای پست و مقام گلوی یکدیگر را پاره میکنند ، بزرگترین خیانتها را به خلق ایران روا داشتهاند امروز نمی توانند وحشت خود را از مبارزات مردم و انقلابیون پنهان نگاه دارند . بقیه در صفحه ۲

لزوم وحدت در شرایط کنونی

مسئله محوری جنبش دانشجویی خارجه (۱)

پراکندگی که هم اکنون گریبانگیر صفوف کنونی جنبش دانشجوئی خارجه گردیده نمیتواند که نگرانی هر دانشجوی متعهد ومبارز را در قبال آن بر نیانگیزد . این پراکندگی وتشتت نه تنها از شدت ضربات جنبش دانشجوئی بر پیکر رژیم جمهوری اسلامی میکاهد بلکه درعین حال موجب بی اعتمادی ودلسردی وسردرگمی ودربعضی موارد پاسیفیسم شده و در نتیجه به مثابه سدی دربرابر پیوستن دانشجویان به صفوف جنبش دانشجوئی عمل میکند . بدون از میان برداشتن پراکندگی کنونی نمیتوان به وظایف خطیری که دربرابر ماست عمل کرد . بقیه در صفحه ٦

رشد روابط با امپریالیستها

نگاهی به آخرین آمار واردات و صادرات ایران

رژیم مرتجع جمهوری اسلامی ، پیرو سیاست هم شرقی هم غربی خود ، خوان گسترده امپریالیستها را برای به یغما بردن فرا میخواند و چهار نعل به سوی وابستگی تام پیش میرود .

نگاهی به جدول زیر نشان میدهد که منظور سردمداران رژیم از شعار "نه شرقی نه غربی" چنانچه بارها خود با وقاحت توضیح دادهاند و چیست . بقیه در صفحه ه

بازرگان افشاء می کند یا....

در صفحه ۳

مقاومت برنجکاران در برابر رژیم

برنجکاران شمال در برابر طرحهای غارتگرانه رژیم مقاومت می کنند

در شماره های اخیر ستاد ما بارها در مورد مساله کشاورزی و دهقانان ـ نوشتهایم علت این توجه ریشه در اهمیت دهقانان بعنوان یك نیروی انقلابی و کثیرالعددترین بخش جامعه دارد . در شرایط امروز ایران بخاطر ظلم و اجحافات بیحدی که از جانب زمینداران و فئودالهای بزرگ و دولت حامیشان بر دهقانان وارد می شود در گوشه و کنار صدای اعتراض و حق طلبی دهقانان محروم بلند است .

اخیرا رژیم در پی سیاستهای خانمان برانداز و ضد دهقانی خود حمل و نقل برنج را از استانهای شمالی به سایر نقاط ممنوع اعلام کرده و قاچاق اعلام نمود . مجازاتهای سنگینی برای «قاچاقچیان»! قایل گردیدهاند. باینترتیب مانع بسیار بزرگی در راه فروش برنج در بازار ایجاد کردهاند . بقیه در صفحه ۸

در لبنان چه میگذرد

در صفحه ۹

در این شماره

شهادت دو مبارز دیگر

بیاد ستارگرد آزادی

اخبار ایران وجهان

فعالیتهای دفاعی ستاد

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی !

ناقوس مرگ رژیم خمینی

بقیه از صفحه ۱

سیاستهای خانمان برانداز رژیم باعث بحرانهای شدید اقتصادی شده و خشم مردم را صد چندان کرده و حتی امروز از خمینی خائن گرفته تا دیگر مرتجعیین درون قدرت از کمبود ها و نارسائیها صحبت میکنند (البته فقط در حرف) خمینی خائن میگوید "من به اینهائی که دارای املاك زیادی هستند و دارای ثروت هستند به اینها عرض میکنم که یك قدری بحال این فقرا برسید .... اینها هم زندگی داشته باشند ... این مستمندان را به یك زندگی برسانند آنها بیچاره ها قانع هستند". بدین وسیله این فاشیست میخواهد جلو مبارزات توده های زحمتکشی را که امروز بپا خاسته‌اند را با دادن تکه نانی خاموش سازد زهی خیال باطل چرا که زحمتکشان ایران براستی خود را آماده چنان مبارزه‌ای کرده‌اند که هیچ صحبتی و یا حتی رفرمی نمیتواند جلوی این خشم عمیق را بگیرد.

در طی دو سال و اندی که از کودتای شوم خمینی مرتجع و داروِ دسته‌اش میگذرد مردم ایران براستی که یکی از وحشی ترین وسیاه ترین رژیم ها را در مقابل خود دیده‌اند.

در طی دوسال و اندی ,جنگ به عنوان وسیله‌ای جهت سرکوب مردم و انقلابیون ادامه پیدا کرده و در نتیجه این سیاست خائنانه هزاران نفر از جوانان این مرز و بوم در راه اهداف ارتجاعی رژیم جان خود را از دست داده‌اند , میلیونها نفر بی خانمان و سرگردان شده‌اند امروز جنگ ارتجاعی در نواحی غرب کشور جهت سرکوب خلق قهرمان کرد ادامه پیدا میکند. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بزور اسلحه و سر نیزه جوانان را راهی جنگ ارتجاعی میکند ولی با تمام سعی و کوشش خود در رابطه با اینکه فتح کردیم و چنان و چنین کردیم امروز صحبت از شکست خود میکنند و چهار پایشان در گل گیر کرده است. مشکینی مزدور میگوید : "بی پرده بگویم ما در عملیات والفجر شکست خورده‌ایم و اگر وضع به همین منوال باشد بطور حتم در مابقی حملات شکست میخوریم" (مجاهد شماره ۱۶۷).

در طی دوسال و اندی ,هزاران نفر از مردم و انقلابیون به جرم آزادیخواهی به چوبه‌های دار سپرده شدند. ,هزاران نفر از فرزندان دلاور این خلق گرد پرور در سیاهچالهای رژیم بسر میبرند و هزاران نفر در کشورهای خارج سرگردان میشوند.

در طی دوسال و اندی ,سیل قراردادهای اسارتبار با غرب و شرق رو به افزایش میگذارد و رژیم جمهوری اسلامی حتی پرده‌های تبلیغات را نیز دریده و امروزه دیگر رفت و آمد سرمایه داران و غارتگران امپریالیستی از قماش نمایندگان کانادا ,ایتالیا ,ژاپن و انگلستان و به زودی آمریکا برایش امر عادی گشته است. به ادعای خود رژیم ایران از لحاظ واردات رکورد داشته و از بالاترین واردات زمان شاه معدوم هم بیشتر شده است. هفته نامه تایم چاپ آمریکا مینویسد : "بنا به اطلاعات جمع‌آوری شده توسط تایم ,هر سال صد ها میلیون دلار سلاح آمریکائی علیرغم تحریم فروش هر نوع سلاح به ایران توسط وزارت امور خارجه‌ی آمریکا به آن کشور ارسال میگردد. عرضه کنندگان این سلاح ها شامل حداقل ۲۰ شرکت آمریکائی وعلاوه بر آن دلالان بین المللی اسلحه که در آمریکا فعالیت دارند میباشد". بطور کلی روز بروز رشد روابط با کلیه امپریالیستها و بخصوص امپریالیستهای غربی و هجوم آنان به کشور ما افزایش مییابد.

تکیه رژیم ارتجاعی به صدور نفت و از طرف دیگر وارد کردن محصولات کشاورزی باعث ورشکستگی هرچه بیشتر کشاورزی داخلی گشته. هراتی نماینده مجلس ارتجاعی میگوید : "وزارت نفت از وزارتخانه‌های موفق و توانای ما در نظام جمهوری اسلامی است دقت کنید که امروز اقتصاد ما حدود ۹۰ درصد متکی به نفت است .... وزارت نفت در سال ۶۱ بالاترین رقم درآمد را در طول سالهای بعد از انقلاب به خزانه‌ی مملکت وارد میکند و سطح تولیدش با تمامی کارشکنی ها و توطئه ها و برخلاف انتظار محافل جهانی در حد اعجاب انگیز است". (کیهان ۷/۶/۶۲).

نوروزی مرتجع نماینده مجلس میگوید : "... . اگر پیشرفت کشاورزی به این شکل باشد یقیناکشاورزی ما رو به سقوط میرود".

دهقانان ستمکش در بد ترین شرایط هم چون گذشته اسیر سیستم عقب مانده بسر میبرند و مسئله گرهی آنها یعنی مسئله زمین که یکی از مسائل گرهی انقلاب دمکراتیك و ضد امپریالیستی میباشد هم چنان باقی است و بخاطر فشار بیش از حد بر این طبقه است که دسته دسته از دهقانان روانهٔ شهرهای بزرگ میشوند تا بتوانند لقمه نانی گیر آورند و شکم خود و خانواده را سیر نمایند.

کارگران قهرمان در زیر شدید ترین نحوهٔ استثمار وحشیانه قرار گرفته و از کوچکترین حقی در مقابل سرمایه داران و کارفرمایان برخوردار نمیباشند.

زحمتکشان شهر و پیشه وران و کارمندان و دانشجویان نیز بمانند سایر طبقات تحت فشار و سرکوب رژیم قرار داشته و هر روز که میگذرد بر وخامت آن افزوده میگردد. سیل سرمایه های خارجی ضربه‌های فراوانی نیز به نیروهای بینابینی وارد آورده و شانس هرگونه رشد سرمایه داخلی را از بین برده.

بیك کلام فشار اقتصادی که در سالهای اخیر بر مردم زحمتکش ما آمده بی سابقه بوده و هر روز بر وخامت آن افزوده میگردد. کمبود ارزاق عمومی و قیمت سرسام آور آن ,خرج سرسام آور جنگ ارتجاعی بودجهٔ هنگفت تجهیز پاسداران و دیگر نیروهای سرکوبگر رژیم ,سیل قراردادهای اسارتبار با امپریالیستهای رنگارنگ ,اختناق ,کشتار ,شکنجه و .... باعث خشم خلقهای ایران بر علیه رژیم مرتجع جمهوری اسلامی گردیده و توده های زحمتکش میدانند که عامل تمام بدبختی آنها این رژیمددمنش است و باید خرد و داغان شود.

در ماههای اخیر مبارزات زحمتکشان و کارگران و دیگر اقشار جامعه بر علیه رژیم اوج بیشتری بخود گرفته و هرروز دامنهٔ آن گسترده تر میشود. و همین دلیل است که با تغییر و تحولات در درون کابینهٔ موسوی خائن روبرو میشویم.

این تغییرات در زمانی بوجود میآید که زحمتکشان در تهران و تبریز و رشت و لنگرود و میاندوب و خرم‌آباد و کرج و .... بپاخاسته‌اند.

این تغییرات در زمانی بوجود میآید که کارگران قهرمان کارخانه های سایپا ,ذوب‌آهن ,سیمان آبیك ,بلر ,کنتورسازی ,پارس‌الکتریك

بقیه در صفحه ٤

مرگ بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران!

بازرگان افشاء می‌کند یا....

از صفحه ۱

مبارزات مردم در چند ماه گذشته بحق که شتاب بزرگی گرفت و مسافت زیادی را برای رسیدن به نقطه سرنگونی رژیم خونخوار حاکم پیمود. این مبارزات بعد از یک دوره رکود نسبی موقت بخاطر فشارهای طاقت فرسای همه جانبه اقتصادی و سیاسی که نتیجه‌ای جز فقر و فلاکت، گرانی و بی‌خانمانی و آوارگی و.... نداشت به نقطه گرهی رسید و مردم را وادار به اعتراضات علنی نمود. فشارها بحدیست که دیگر تور اختناق و فاشیسم حاکم قادر به جلوگیری کامل از آن نشد و در چندین نقطه از ایران تظاهراتهای اعتراضی با شعارهای سرنگونی رژیم بر پا گردید.

حرکت اعتراضی توده‌های محروم از پائین، اقشار و طبقات بالای جامعه حتی ارتجاعیون را وادار به حرکت کرده است چرا که قدرت گیری اعتراضات مردم، توده‌ای شدن و بهم پیوستن آن برابر با مرگ رژیم حاکم است.

در میان این عده از "معترضین" برای چندمین بار شاهد آقای بازرگان هستیم. همینجا باید اعلام کنیم که اعتراضات بازرگان قبل از بهمن ۵۷ با بعد از کودتای خرداد ۶۰ فرق اساسی دارد.

از نطق‌های آقای بازرگان در روز ۲۰ مرداد ماه ۶۲ در مجلس است که در اطلاعات همان روز نیز بچاپ رسیده است. او بعد از دعا و صلوات به جمهوری اسلامی و بنیانگذارش و انیکه هیچ خواسته‌ای جز خلاف چهارچوب قانون اساسی ندارد وارد اصل مطلب شده که از نظر آقای بازرگان "ارزش حیاتی درجه یک برای مملکت و اهمیت اساسی و فوری برای انقلاب و جنگ و جمهوری اسلامی دارد و آن انتخابات آینده مجلس است".

مجلس نزدیک به ۸ ماه دیگر اولین دوره خود را تمام خواهد کرد. مجلسی که خیانتها و جنایتهایش بر هیچ آدم میهن پرست و آزاده‌ای پوشیده نیست ولی آقای بازرگان قبل از همه پایان دوره اول را به نمایندگان تبریک می‌گوید. او برای تحقق آرمان مشترک انقلاب و جهت حفظ وتداوم نظام موجود دو راه به قدرتمندان پیشنهاد می‌کند.

۱ـ اجرای انتخابات در شرایط و جو حاضر

۲ـ انجام انتخابات واقعا آزاد و ملی بر طبق قانون اساسی

در مورد راه حل اول آقای بازرگان اعلام می‌کند که نامزدهای انتخاباتی در شرایطی که همه چیز در انحصار است بخصوص در شهرستانها نگران از حملات و خطرات شدید هستند و اگر انتخابات در شرایط حاضر برگزار شود عکس‌العمل طبیعی و معنی‌دار مردم، اگر بحال خود رها شوند (یعنی با جبر و زور و تهدید بپای صندوقهای رای کشانده نشوند ـ ستاد) تعلل و تقلیل مشارکت است و آقای بازرگان چنین انتخاباتی را قبول ندارد.

راه حل پیشنهادی آقای بازرگان حالت دوم است که از قدرتمندان می‌خواهد به تمام گروهای مخالف بر طبق قانون اساسی و مطبوعات اجازه نطق ..... داده شود تا مردم با نظراتشان آشنا گردند، ولی آقای بازرگان آزادی پیشنهادی را فقط برای خود و شرکایش می‌خواهد نه برای خلق و نمایندگان واقعیش که در مبارزه بر علیه نظام موجود بیش از ۳۰ هزار شهید و صد هزار زندانی داده‌اند. او در مقابل آنان موضع گرفته و در نهایت به ادامه همین مجلس گدایی تن می‌دهد و اعلام می‌دارد که اگر

بقیه در صفحه ۱۱

اخبار جهان

فیلیپین

بقیه از صفحه ۱۲

صدها هزار نفر در سراسر فلیپین خواهان برکناری مارکوس شدند و با پلیس وارتش درگیر گشتند که در این تظاهرات تعداد بسیاری کشته وصدها زخمی شده‌اند. در تظاهراتی که در مانیل برگزار شد نزدیک به هزار نفر از صف تظاهراتی که از نزدیکی کاخ ریاست جمهوری میگذشت جدا شده و به طرف کاخ روانه شدند. تعداد مأمورین امنیتی بسیار زیاد بود و آنها بسمت مردم وحشیانه تیراندازی کردند. مردم ماشین‌ها و اتوبوس‌ها را به آتش کشیدند. تظاهر کنندگان با بمب‌های آتش‌زا و سنگ بسمت پلیس حمله کردند. در این درگیریها چند ارتشی بدرک واصل شدند. تظاهرات در تمام مدت شب ادامه داشت. دولت از مردم خواست که آرام باشند و با آنان صحبت کنند تا از بروز خونریزی جلوگیری شود ولی مردم مبارزه را ادامه دادند و شدت بیشتری بان بخشیدند. مارکوس اعلام کرد که در چند هفته دیگر جواب دندان شکنی به عناصر مخرب خواهد داد وحکومت نظامی را سخت‌تر خواهد کرد. مبارزات ودرگیریهای مردم با قوای دولتی همچنان ادامه دارد وهر روزه اوج بیشتری میگیرد.

بلژیك

در ماه گذشته اعتصابات سراسری بلژیك را فلج کرد. نزدیك به ۸۰۰ هزار نفر از کارکنان دولت در اعتراض به سیاست حقوقی دولت بلژیك دست به اعتصاب زدند وبدنبال آن کارکنان و کارمندان بخش خصوصی نیز بخشا به اعتصاب پیوستند. مردم جهت بدست آوردن مایحتاج زندگی صف‌های طویلی برای خرید غذا وسوخت بستند وبیم آن دارند که بزودی فروشگاهها وپمپ‌های بنزین از غذا وسوخت خالی خواهند شد. اداره پست فلج شده وبازنشستگان که حقوق خود را از این اداره دریافت میکنند پولشان تمام شده است. قطارها که مواد صنعتی وخوراکی را حمل میکنند کاملا تعطیل شده وفرودگاه بروکسل نیز بخاطر اعتصاب کنترلچیها به اشکال بر خورده است. کارکنان وگاردهای مرزی در اعتصابند و ورود وخروج بسختی انجام میگیرد. دبستانها تعطیل اجباری شده ومعلمان در اعتصابند. خلاصه کرده باشیم حالت فوق العاده در بلژیك حکمفرماست ونخست وزیر اعلام نموده است که اگر به خواسته‌های کلیهٔ معترضین جواب داده شود عواقب وخیمی ببار خواهد آورد.

ایرلند

در تاریخ ۲۶ سپتامبر تعداد ۳۸ نفر از زندانیان سیاسی ایرلند با یك طرح قبلی وبه کنترل گرفتن زندان چندین ساعت قبل از فرار توانستند با ماشین حامل غذا وکشتن یك نفر از زندان بگریزند. تا کنون ۱۹ نفر از این عده دستگیر شده‌اند که ۱۷ نفر از آنان همانروز بخاطر نداشتن لباس وبعد از ساعتها مخفی شدن در زیر آب (توسط لوله‌های نی نفس می‌کشیدند) دستگیر میشوند. در میان ۱۹ نفر باقیمانده افراد سرشناس و ردهٔ بالای ارتش انقلابی ایرلند دیده میشوند. جهت بازداشت این افراد عملیات وسیعی که در تاریخ ایرلند سابقه ندارد شروع وهمچنان ادامه دارد

ناقوس مرگ رژیم خمینی

بقیه از صفحه ۲

رشت ,معادن زغال سنگ زیراب ,صنایع زغال سنگ شاهرود ,لند رور ,کوکاکولا ,ارج ,لیلاند موتور و . . . . با اعتصابات و اعتراضات خود لرزه بر اندام پوسیده رژیم انداخته است .

این تغییرات در زمانی بوجود میآید که مردم سرتاسر ایران نفرت خود را از جنگ ارتجاعی نشان میدهند و با شعار "مرگ بر جنگ" به خیابانها می ریزند .

این تغییرات در زمانی بوجود میآید که در اثر مبارزات تودههای زحمتکش تضادهای درونی رژیم هر چه بیشتر حادتر گشته و مانند دزدان سرگردنه به جان هم می افتند .

دوزدوزانی نماینده مجلس ارتجاع میگوید : "از وزارت بازرگانی در پوشش هر چه اسلامی تر نمودن داد و ستد و . . . . آتشی بر آمد که خیلی زود دامن همان ۸۰٪ محروم که وزیر بازرگانی به قول خودش به حضور امام گزارش کرده بود ,سوخت".

الویری نماینده مجلس ضد خلق میگوید : "باید توجه داشت که نابسامانی هائی که در وزارت بازرگانی و وزارت کار . . . بوجود آمده بسیار عمیق و گسترده است . . . . علاوه بر جایگزینی دو وزیر مستعفی ,احتمال تغییرات بیشتری در کار کابینه وجود دارد" .

زرهانی منفور میگوید : "آقای نخست وزیر برای انتخاب و معرفی وزاری جدید باید شرایط عمومی کشور و تنگناها و دیدگاههای روشن مجلس را در نظر گرفته و به هیچ وجه افراد ضعیف و یا مسئله سازی که در عمل معکمت باعث ادامهی کشمکش ها و درگیری های دیگری شوند به مجلس معرفی ننماید . زیرا کشور مواجه با مشکلات فراوان و پیچیده است و دیگر یارای تحمل اینگونه جنگ های خانگی را ندارد" .

ناطق نوری مزدور وزیر کشور میگوید : "ملت شهید پرور ما نباید از این کمبود ها و فشارهای مقطعی و موسمی که طرح ضد انقلاب است مایوس شوند . . . . آنچه نگران کننده است ایجاد اختلاف و تفرقه بین خود مردم و نهاد های انقلابی میباشد" .

کیهان ۲٤ مرداد ٦۲ می نویسد : "اگر انجمن حجتیه در گذشته هیچ نقطه ضعفی به جز رضایت ساواک جهنمی در ادامه فعالیت های انجمن نداشت . . . . جا داشت حداقل پس از پیروزی انقلاب اسلامی و جهانی شدن اسلام و فقاهت در جهان (!!) ,انجمن اینگونه از گذشته خود تعریف و تمجید ننماید . امت ما اگر خط ها و موضع گیری های انجمن . . . . را در گذشته و تا پیروزی انقلاب به علت جهالت سران انجمن ببخشد (؟؟) آیا میتواند اصرار بر این جهالت ها را نیز در زمانی که خورشید حقیقت ولایت فقیه در مملکت امام زمان درخشش آغاز نموده است انگارد؟ . . . . آیا نتیجهی این چشم ها را بستن جز دست و پا شکستن چیز دیگری است؟" .

خلخالی زنجیری خائن میگوید : "آن کسی را که راضی از اعمال شما (انجمن حجتیه) است آن امام زمان نیست ,بلکه شیطان زمان آمریکا است که شما اعلامیه میدهید و شما نوار دارید" .

و . . . . . . کوتاه سخن رژیم ددمنش خمینی درمانده تر از همیشه هم از بیرون آماج حملات زحمتکشان است و هم از درون در حال پاشیدگی و به همین دلیل است که تو گوئی با تغییر چند وزیر مزدور میتواند به اوضاع در حال انفجار سر و سامانی دهد . اگر رژیم منفور پهلوی توانست با تغیر کابینه ها خود را از آتش خشم خلقهای بپا خاسته ایران دور سازد شما مرتجعیین حاکم هم خواهید توانست.

امروز سردمداران رژیم از دشواری اوضاع سخن میرانند خامنهای خائن میگوید : "برای روزهای دشوار آینده باید آماده باشیم". و یا اینکه "این ساده لوحی است که ما ادعا کنیم همه عناصر این گروهکها را از بین بردهایم"

براستی طنین ناقوس مرگ رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی رسا است.

امروز وظیفه نیروهای انقلابی است که مبارزات مردم را سازماندهی کنند و نگذارند که جریانات لیبرالی باردیگر بر این مبارزات سوار شوند و رهبری آن را بدزدند . وظیفه نیروهای انقلابی است که در مبارزات مردم خواستهایشان را ارتقاء داده و در استقرار جمهوری دمکراتیک خلق بکوشند ,چرا که این مبارزات و مردم تشکیل دهنده آن منتظر نمیشوند تا سازمانهای انقلابی بخود آیند . آنها آماده دگرگونی بنیادی جامعهاند و رهبری انقلابی می طلبند . نبود رهبری انقلابی همانا , افتادن رهبری مبارزات مردم بدست لیبرالها همانا .

....اخبار ایران

بقیه از صفحه ۱۰

در تاریخ ۲۸ سپتامبر یک کشتی نفت کش ایرانی بنام "سیوند" بر اثر برخورد بادهانه بندرگاه "ایم مینگهام" در هامبر صدمه بزرگی دید واکتریت نفت خام که نزدیک به ۱۰٤ هزار تن بود (نصف حجم کل کشتی) به دریا ریخت . خبرگزاریها مدعیند که کشتی ایران نفت از نیجریه به انگلیس حمل میکرده . این ادعا کاملا غلط است . زیرا شرکتهای نفتی امپریالیستی حمل ونقل راتحت کنترل دارند . کشتی سیوند حامل نفت ایران باسند جعلی "نیجریه ای" بوده وامپریالیستها جهت حفظ قیافه "ضد امپریالیستی" رژیم خمینی چنین پوششی را استفاده میکنند . براستی مگر اینکه امپریالیستها برای رژیم خمینی آبروی ضد - امپریالیستی بخرند .

شرکت ماشین سازی تالبوت بلطف جمهوری اسلامی سود آور شد .

شرکت تالبوت سازنده اتومبیلهای پیکان که درسال ۱۹۸۲ مبلغ ٤۰ - میلیون پوند استرلینگ ضرر کرده بود درنیمه اول سال جاری ۱/۰ - میلیون پوند سود داشته است (گاردین ۹ سپتامبر ۱۹۸۳) . طبق گفته رئیس تالبوت یکی ازبزرگترین علل این سوددهی افزایش صادرات به ایران بوده است . تااین تاریخ ۵۸ هزاربسته مونتاژ نشده پیکان به ایران فرستاده شده وانتظار میرود که این رقم تاآخر سال به ۸٦ هزار بسته برسد .

این کمپانی از قبل بیکار کردن کارگران انگلیسی وبخصوص سود های هنگفتی که از جیب زحمتکشان ایرانی بیرون کشیده فقط تانیمه سال جاری ٤۱/۵ میلیون پوند اضافه تر از سال گذشته به کیسه خود سرازیر کرده است و چنین سود هنگفتی میسر نبود مگر به لطف خیانت ووطنفروشی جمهوری اسلامی .

رشد روابط با امپریالیستها

بقیه از صفحه ۱

از خود کفایی اقتصادی رژیم خمینی همین بس که در ۶ ماهه اول سال ۸۳ مجموعا وارداتی برابر با ۴۹۱۷/۶ میلیون دلار از این کشورها داشته است. و در مقابل نفت مملکت را به حراج گذاشته و بشکهای ۲۴ دلار یعنی ۹ دلار کمتر از قیمت تعیین شده (اوپک) میفروشند.

جدول بازرگانی ایران باکشورهای غربی در چهار ماهه اول سالهای ۱۹۸۲ – ۱۹۸۳

نام کشور	صادرات ایران (شامل نفت) به — چهارماهه اول سال ۱۹۸۲	چهارماهه اول سال ۱۹۸۳	درصد افزایش یا کاهش	واردات ایران از — چهارماهه اول سال ۱۹۸۲	چهارماهه اول سال ۱۹۸۳	درصد افزایش یا کاهش
امریکا	۳۳/۹	۳۱/۲	−۷/۹	۹/۶	۱۸۱/۲	۱۸/۸ برابر
ژاپن	۱۴۷/۳	۴۵۲/۷	+٪۲۵۷/۰	۹۰۲/۷	۱۰۹۰/۵	+٪۲۰/۸
بازارمشترک اروپا	۷۱۶/۴	۱۳۴۳/۳	+٪۸۷/۵	۸۰۹/۴	۱۸۵۲/۴	+٪۱۲۸/۹
فرانسه	۶۰/۶	۱۱۴/۳	+٪۸۸/۶	۳۹/۵	۲۹۳/۷	+٪۶۵۳/۰
آلمان غربی	۳۰۰/۳	۶۱۸/۶	+٪۱۰۶/۰	۴۹/۵	۴۴/۱	−٪۱۰/۹
ایتالیا	۱۵۳/۵	۲۰۷/۳	+ ٪۳۵/۴	۴۹۸/۰	۷۲۲/۷	+ ٪۴۵/۱
انگلستان	۹۶/۳	۱۷۴	+ ٪۸۰/۰	۴/۸	۳۳/۰	+ ٪۵۸۷/۵

توضیحات : ارقام مذکور به میلیون دلار میباشد
ماخذ : مجله میدل ایست سپتامبر ۸۳

امروز امپریالیستها از تثبیت رژیم ایران و ثبات اقتصاد پیش سخن میگویند (گزارش کنفرانس ویلیا مزبورگ ستاد شماره ۱۷) رئیس اطاق بازرگانی و صنایع لندن میگوید : " هیئتی از جانب ما در ماه نوامبر ۸۳ به ایران خواهد رفت چنانچه معتقد نبودیم که امروزه ایران چشم انداز خوبی دارد و شرایط تغییر بسیار کرده است این هیئت را روانه نکردیم ." (میدل ایست سپتامبر ۸۳) گزارشات مطبوعات خارجی نیز بر چند ماه گذشته حاکی بود که هیئتهایی اقتصادی دسته دسته راهی ایران شده اند و هتلها پر از خارجی است و صفهای طولانی از ایشان در مقابل ساختمان وزارت اقتصاد و بازرگانی و .... تشکیل میشود.

آخرین " شاهکار " رژیم برگزاری نهمین نمایشگاه بین المللی است . این نمایشگاه با شرکت بیش از ۴۰۰ واحد صنعتی و ۱۰۰ کمپانی تولیدی از ۳۲ کشور و بمدت ۱۰ روز تشکیل شد . کارگزاران رژیم اعلام کردند که برگزاری این نمایشگاه مبین ثبات اقتصادی سیاسی ایران است و در ایجاد و گسترش روابط بازرگانی سیاسی ، اجتماعی باشرکت کنندگان نقش بسیار موثری دارد . در طول این ۱۰ روز امپریالیستهای ریز و درشت هیئت اقتصادی به ایران فرستادند و با مقامات ایرانی به مذاکره نشستند . از آلمان غربی ۱۵۰ کمپانی در رشتههائی از قبیل ماشین سازی الکترونیک تاسیسات و ارتباطات در این نمایشگاه شرکت کردند . وزیر اقتصاد و دارایی این کشور نیز در راس هیئتی هم زمان در ایران بود و آمادگی خود راجهت " سازندگی اقتصاد ایران " اعلام داشت .

در پایان کار نمایشگاه رژیم برای ابراز ارادت خالصانه خود به پیشگاه سرمایه داران " دیپلمهایی از نوع صنایع دستی پوست همراه قابهای صدفی و خاویار به مدیران غرفه های کشورهای مختلف اهدا " نمود (اطلاعات) . در طول مدت برگزاری نمایشگاه صفحات نیازمند یهای روزینامهها پر بود از آگهی شرکتها و آگهی نیاز به ساختمان برای سکونت هیئتهای نمایندگی . این هجوم شرکتهای خارجی برای کنترل بازار ، بازگشت عده ای سرمایه دار وابسته به ایران و امضا قراردادهای بیشمار اقتصادی با امپریالیستهای ریز و درشت نه بیان ثبات اقتصادی ، بلکه بیان اوج وطن فروشی و خیانت رژیم به انقلاب و خلقهای ایران است .

آدرس ما

B.M. BOX 8561
LONDON WC1 3XX
ENGLAND

I.S.A.
P.O.BOX 1423
JEFF. CITY,
MO 65101
U.S.A.

POSTFATCH 410853
5 KOLN 41
WEST. GERMANY

لزوم وحدت در شرایط کنونی

در شرایط کنونی که زمینه های وحدت بیش از هرزمان دیگر وجود دارد ، این مسئله ازطرف بخشهای مختلف دانشجوئی با بینش های متفاوت مطرح میشود .

اصولا زمینه مادی وحدت راباید درشرایط کنونی جامعه ومرحله انقلاب جست . انقلاب ایران اینك درمرحله دمکراتیك وملی بوده ووظیفه اش سرنگونی رژیمی که حامی منافع طبقات ارتجاعی وکسب آزادی واستقلال میباشد وتمامی اقشار وطبقات خلقی درانجام آن شریکند . وهم ازاینروست که وحدت تمامی اقشار وطبقات خلقی دراین مبارزه لازم وضروریست .

جنبش دانشجوئی که بیان مبارزه قشر دانشجوعلیه ارتجاع وامپریالیسم است همچنین بیان گروهبندیها ونظرات گوناگون درمقیاس جامعه نیز میباشد وهم از اینرو وحدت این جنبش درمبارزه علیه ارتجاع وامپریالیسم نیز برچنین ضرورتی درکل جامعه ,لازم وضروری میباشد واین بویژه در شرایط حساس کنونی جامعه که تمامی اقشار وطبقات خلقی بپای یك تعرض همه جانبه علیه حکومت نشانه میروند ,اهمیت دو صد چندان پیدا میکند .

قبل ازاینکه ما به بررسی اوضاع فعلی جنبش دانشجوئی خارج بپردازیم لزوم اموحدت درشرایط فعلی ونظرات خود مان راپیرامون آن بررسی کنیم , لازم است که تاریخچه مختصری از کنفدراسیون ومبارزات درونی آنرا بازگو کنیم . باشد که تجربیات ومبارزات دانشجویان درون کنفدراسیون رهگشا ورهنمای امروز ما باشد .

<u>نگاهی به گذشته کنفدراسیون</u>

کنفدراسیون سازمانی بود دمکراتیك وضد امپریالیست . کنفدراسیون برهیچگونه وحدت ایدئولوژیك مستقر نبود وبخاطر وجود نظرات مختلف در آن قادر نبود از یك ایدئولوژی ویا راه خاصی پیروی کند . درنتیجه نمیتوانست دفاع از منافع طبقه خاصی رامطرح سازد ; بلکه ازمنافع کل خلق دفاع میکرد . اگرچه فعالیت کنفدراسیون واصولا جنبش دانشجوئی از فعالیت ومبارزه سایر طبقات واقشار خلق تاثیر میپذیرد ولی علت مبارزه دانشجویان مترقی علیه استبداد وسلطه امپریالیسم وجود این سازمان یاآن سازمان سیاسی نبوده ویاشدت وتخفیف مبارزه این گروه ویا آن گروه نبوده ,بلکه مبارزه درموقعیت اقتصادی ,اجتماعی وسیاسی این قشر نهفته است .

درطول سالهای پس ازکودتای شوم ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دسته دسته از جوانان وطن راهی کشورهای اروپائی وآمریکائی شدند واز "آزادی" نسبی جوامع بورژوازی استفاده کرده وسازمان متشکل وعلنی خود را بوجود آوردند . اول انجمنهای دانشجوئی درسطح شهرهای مختلف بوجود آمد ,بعد فدراسیون دانشجوئی (تشکیل دوسازمان شهری دریك کشور رافدراسیون میگویند) بوجود آمد ودرادامه آن نیاز بیك سازمان سراسری وواحد درسطح جهانی بود که بالاخره کنفدراسیون جهانی بنیانگذاشته شد . کلا کنفدراسیون ازبدو پیدایش تاانشعابی که درآن صورت گرفت ۱۶ کنگره برگزار کرد . شعار کنفدراسیون دردوره‌های اول بورس تحصیلی بیشتر ووام دانشجوئی بود وپس از بالا گرفتن مبارزات مردم وتبلور آن بر کنفدراسیون شعارها ارتقاء پیدا کرد ,از قبیل کار برای همه ,بهداشت برای همه ,لغوقرارداد کاپیتولاسیون ,آزادی دکتر مصدق وآزادی زندانیان سیاسی مطرح گردید . ازکنگره ۶ تا کنگره ۱۶ کمیته مرکزی حزب توده بعنوان سازمان ضدخلق, دشمن جنبش ملی ودمکراتیك



اشغال جاسوسخانه شاه در رم توسط کنفدراسیون برای احیا

خلق ارزیابی گردید .

کنفدراسیون از بدو پیدایش درگیرعناصر وجریاناتی بود که به مثابه عامل سد کننده درجلوی حرکتهای رادیکال کنفدراسیون می شدند. گرچه مطالعه تاریخچه کنفدراسیون نشان داده که این عناصرنتوانستند دوامی بیاورند ویکی پس از دیگری به کناری زده شدند .

بطور مثال درهمان ابتدا این عناصر کنفدراسیون راعضو یك سازمان دانشجوئی جهانی که تحت نظر کشورهای امپریالیستی بود درآورد . علیرغم ارائه مدارکی دال بروجود جاسوسان سیا دراین سازمان (کوسك) درکنگره ششم سازمان فرانسه . ولی خط راست برادامه عضویت درآن پافشاری میکرد واز پیوستن کنفدراسیون به I.U.S. که متشکل از ۵۰ سازمان دانشجوئی ضد امپریالیست بود جلوگیری بعمل می آورد .

از نمونه های دیگر حرکات راستروانه این عناصر عدم درك صحیح از امپریالیسم ومستقل دانستن شاه از آمریکا بود وپرداختن به کارهائی از نوع نامه پراکنی به جناحهای مختلف امپریالیسم می پرداختند و ونمونه های بسیاری ازاین قبیل .

حرکات کنفدراسیون دراین دوره عمدتا برحول مسائل صنفی دورمیزد و همانطورکه گفته شد عناصر راست سعی درجلو گیری از رادیکال شدن مبارزات کنفدراسیون میکردند . درکنگره ۱۲ مبارزهای همه جانبه بین هواداران منشور کنگره ۱۲ که میگفتند "کار درچهارچوب حقوق بشر وقانون اساسی ومخالفین این منشور که به "سرنگونی" معروف شده بودند بالا گرفت". اختلاف نظرات برسر مسائل مشخص سیاسی بود . آیا جنبش دانشجوئی خارج به مثابه بخشی از جنبش خلق باید خواهان سرنگونی رژیم وقطع نفوذ امپریالیسم درایران باشد ویا درجهت منافع صنفی دانشجویان حرکت کند . استدلالات بسیاری از جانب خط

پیش بسوی ایجاد سازمان واحد سراسری جنبش دانشجویی



یورش اعضای کنفدراسیون برای احیا به صف هوراکشان ساواک هنگام سفر شاه به امریکا ۱۵ نوامبر ۷۷

راست جهت توجیه سیاست خود عرضه شد که اشاره به تمام آنان از حوصله مقاله خارج است ولی فقط برای نشان دادن اینکه اینان برای جامه عمل پوشاندن به نظرات لیبرالیشان به کجاها که متوسل نشده ماند، چند نمونه میاوریم، که مشت خود نمونه خروار است.

" اگر خواست سرنگونی بیاید توده ها خواهند رمید "!! ، " برای آوردن سرنگونی درمنشور ابزار نداریم "!! ، " ما درمناطق سفید (منظور کشورهای امپریالیستی ویا کشورهائی که سلطه ارتجاع برقرار است) زندگی میکنیم ونه درمناطق سرخ (منظور آزاد شده است) ودرنتیجه باید درچهارچوب امکانات ، مبارزه کرد ونمیتوانیم سرنگونی رژیم را مطرح کنیم "!! "؟ از اینجا درک لیبرالی اینان رااز حزب طبقهٔ کارگر نیز میتوان فهمید . ویا " سازمان توده ای وکنفدراسیون دمکراتیک است ولذا نمیتواند خواستهای ریشه‌ای طرح کند ودرنتیجه سرنگونی نباید بیاید " !! میگفتند جنبش توده ای میتواند ، اما سازمانهای توده ای نباید شعار سرنگونی را طرح کنند !! ، " سرنگونی خواست واقعی وسیع ترین توده ها نیست وفقط خواست اقلیت برگزیده است : !! توگوئی خواست توده ها معاشات با رژیم بود ؟؟؟ وبسیاری اراجیف دیگر که نشان دهنده این است که خط راست هیچگاه خواست اولیه توده های زحمتکش که همانا سرنگونی رژیم مرتجع پهلوی بود را درک نکرد .

کنگرهٔ ۱۲ نقش تعیین کننده ای درصف بندی درون جنبش راایفاء نمود ، مبارزهایکه مدتها قبل از کنگره ۱۲ تحت عنوان وبه منظور دقیق نمودن خط مشی غالب برکنفدراسیون آغاز گردیده بود وبویژه درکنگره دهم با ارائهٔ خط ومشی به نقطه حساس رسید ، این سه خط ومشی که به طرحهای پیشنهادی " سازمان گراتس " ، " سازمان پاریس " و " سازمان آمریکا " مشهور بودند . البته ناگفته پیداست که درواقع دو خط مبارزه — کردند یکی خط راست ودیگری خط انقلابی . باید گفت که خط ومشی " سازمان گراتس " که اساسا توسط طرفداران کمیته مرکزی تنظیم یافته بود ، درکلیتش یک پیشنهاد تمام وکمال رفرمیستی وسازشکارانه میبود . (درمقدمه این طرح میخوانیم) " آیا ساده ترنیست که درچهارچوب همین قوانین خواستهای انقلابی توده ها رامطرح کرد که اولا ، بسیج توده ها آسانتر وثانیا " فشار هیئت حاکمه ضعیف تر خواهد بود "؟ ودر جمعبندی از طرح فوق مینویسد " کنفدراسیون سازمانی است توده ای علنی که براصل ماده ۲۰ اعلامیه حقوق بشر و اصل ۲۱ متمم قانون اساسی تشکیل واز حقوق صنفی — ملی (میهنی) دانشجویان ومحصلین ایرانی — دفاع مینماید. طرح پیشنهادی " سازمان پاریس " طرحی بود که درعمل به همان طرح گراتس میرسید . این طرح مینویسد " امروز وضع عمومی جنبش به حدی از رکود رسیده است که ..... در ایران سابقه نداشته است وکنفدراسیون که مستقیما تحت تاثیر جذر ومد های نهضت قرار دارد وظیفه اساسیش شناخت این جذر ومد وحرکت درجهت آنست وبالاخره — کنفدراسیون اگر نسبت به تعریف خود صادق بماند راهی جز این ندارد که دائما کوشش کند مرحلهٔ مبارزه را درک کند ومتناسب با آن گام بر دارد درنتیجه رکود ومطالعه آکادمیک اوضاع ایران را وظیفهٔ اساسی کنفدراسیون قلمداد مینمود وبا ارزیابی انحرافی از جنبش دانشجوئی بعنوان دنباله رو جنبش عمومی ودید نادرست نسبت به جنبش خلق ، پائین کشانیدن سطح سیاسی جنبش دانشجوئی را ترویج مینمود .

وبالاخره طرح پیشنهادی " سازمان آمریکا " درمجموع طرحی انقلابی بود ووظیفه قرار گرفتن درجهت " حل بنیادی تضادهای اساسی جامعه " منطبق با مرحله انقلاب درایران را دردستور کار قرار میداد و بمدت ٤ سال بین کنگرهٔ ۱۲ تا ۱٦ مبارزه قاطع را برعلیه خط راست دردرون — کنفدراسیون جلو میبرد تا نتیجتا موفق شد که درکنگرهٔ ۱٦ درسال ۱۹۷۵ تصویب شعار سرنگونی را درمنشور کنفدراسیون بگنجاند که البته راست روان که از مدتها قبل خصومتی دیرینه با این شعار داشتند کنفدراسیون رابه انشعاب کشاندند . کنفدراسیون درمرحلهٔ اول به سه بخش منشعب شد . که عبارت بودند از سازمان انشعابگران وسازمان خط راست و — کنفدراسیون برای احیاء سازمان واحد جنبش دانشجوئی که درمراحل بعدی سازمان انشعابگران وخط راست به چندین تکه تقسیم شدند وبا وجود انشعابات متعدد دردرون کنفدراسیون ولی فقط مبارزه دو خط در نهایت بیشتر وجود نداشت ، یکی خط راست که اساس حرکت خود را درچهارچوب قانون اساسی محمد رضا شاهی وبگرد خواسته های صنفی قرار داده بود ودیگری خط دمکراتیسم پیگیر بود که بنام سازمان آمریکا وبعدها به نام کنفدراسیون برای احیاء سازمان واحد دانشجوئی مشهور شد .

همانطور که قبلا اشاره شد جریانات سازشکار بعد از انشعاب دوام نیاوردند وانشعابات متعدد دردرون آنها سرنوشت محتوم سازشکاران بود . درمقابل جریانی که برروی مشی دمکراتسم پی گیر وموازین اصولی کنفدراسیون پای میفشرد توانست مبارزات کنفدراسیون متحد رادنبال کرده وتکامل بخشد وبا انجام وظایف خود درمقابل میهن به تعهد انقلابی خود جامهٔ عمل بپوشاند . اگر بخواهیم تک تک عملیات مبارزاتی بی شمار آنان را نام ببریم صفحات فراوانی رابه خود اختصاص خواهد داد وبا ذکر چند نمونه ، بدون شک یادآور مبارزات پرشکوه این مبارزان میباشند .

بقیه در صفحه ۱۰

زنده وجاوید باد یاد شهیدان خلق

مقاومت برنجکاران در برابر رژیم

بقیه از صفحه ۱

۲۰۰ـ۳۰۰ سال پیش از این قافله‌های بازرگانان بر سر هر گردنه‌ای که قلمرو حکومت یکی از شاهزادگان و خوانینّ بود باید مبلغی بنام "سلامت رو" و یا حق عبور به عمال حضرت والا جنابخان می پرداخت تا از این گردنه تا گردنه بعدی که راهش را یکی دیگر ببندد به "سلامت" برود.

امروز در جمهوری اسلامی نیز نرخ "سلامت رو" چنین معین شده است ـ که تا ۲۰۰ کیلو کل برنج را ضبط و مبلغی جریمه می کنند و بیشتر از ۲۰۰ کیلو برنج علاوه بر جریمه وسیله نقلیه "قاچاقچی" دو کیسه برنج نیز بنفع رژیم اعلیحضرت خمینی خائن وارث بر حق گردنه بندان دوران گذشته ضبط خواهد شد و این سرنوشت کسانی است که بخواهند برنج را به مراکز بازار خارج از گیلان و مازندران برساند.

غارت کشاورزان از اینجا شروع می شود برنجی که بوسیله این قانون از حمل و نقل آن جلوگیری شده است از کشاورزان هر کیلو شلتوك بمبلغ ۹ تا حد اکثر ۱۴ تومان توسط دولت خریداری می شود در حالیکه در بازار آزاد برنج هر کیلو بیشتر از ۱۰۰ تومان به فروش میرسد.

علاوه بر این سهمیه برنج را از یك طرف ۱/۵ کیلو در ماه تعیین کردند تا مازاد برنج را در بازار آزاد به قیمت ۱۰۰ تومان و بیشتر بفروش رسانده و مابه‌التفاوت آنرا به جیب بریزند.

در اردیبهشت ماه نماینده اصفهان در مجلس گفته بود مساله دیگر آزاد کردن برنج است که نزدیك ۵ میلیارد تومان بجیب عده‌ای سرمایه‌دار رفته چه کسی مسئول این وضع ننگ آور است؟ (اطلاعات ۶۲/۲/۱۷) و حال دوباره خرید اجباری در برنامه دولت آمده است تا آن ۵ میلیارد تومان را دارودسته های دولتی و رفقای نماینده "محترم" اصفهان به جیب میزنند که خدای نکرده بجیب "عده‌ای سرمایه‌دار" نرود!

اما خورد کردن کشاورزان برنجکار و در نتیجه تولید داخلی کشاورزی با ـ جلوگیری از فروش آن یك طرف سکه سیاست رژیم است و روی دیگر آن رو کردن به تامین غذا از خارج، نماینده نجف آباد در صحبتهای خود فاش کرد که جمهوری اسلامی مجموعا برای وارد کردن ۶۰۰ هزار تن برنج برنامه دارد و این ۲۰۰ هزار تن بیشتر از مقداریست که دولت پیش‌بینی خرید آن را از کشاورزان داخلی کرده است. واردات برنج و کنترل قیمت خرید از برنجکاران و ایجاد بازار سیاه دولتی برای پر کردن کیسه های "آقایان" به ـ نارضایتی مردم افزوده و به دافانی کشاورزی و ورشکستگی دهقانان می انجامد و طبیعتا کشاورزان برنجکار که مستقیما تحت فشار این سیاست ـ خانمان برانداز و غارتگرانه قرار دارند دست به مقاومت میزنند.

رژیم بنا بر سیاست عمومی خود از پخش اخبار هر گونه مبارزات و مقاومت ـ مردم جلوگیری می کند اما شکست طرح خرید اجباری برنج از آمار هائی که درباره آن میدهند معلوم می شود. طبق ارزیابی های منابع دولتی رژیم می توانست ۴۰۰ هزار تن برنج از کشاورزان خریداری نماید و باین منظور علاوه بر تسهیلات خرید از مزارع نزدیك به ۲۰۰ ایستگاه خرید برنج نیز ایجاد کرده‌اند و حالا بعد از این همه تشکیلات عریض و طویل مقدار برنجی که تا ۱۶ شهریور خریده‌اند ۵۰۰ تن شلتوك (برنج پوست نکنده) از ـ گیلان و ۴۰۰۰ تن از مازندران بوده است. بقیه ۳۹۵/۵ هزار تن برنج پیش‌بینی شده را به چه نحو می خواهند خریداری کنند معلوم نیست.

اما بعلت عدم استقبال برنجکاران از این طرح معادل ۱۰ درصد کل فروش هر کشاورز بصورت جایزه اضافه باو داده می شود که بتواند اجناسی مثل ـ فرش ماشینی، پتو، ساعت، چرخ خیاطی و غیره را با قیمت دولتی تهیه کند.

علیرغم همه این چاره جوئی ها شالیکاران برنج خود را به دولت نفروخته و در بازارهای گیلان و مازندران به فروش میرسانند.

بقیه از صفحه ۷

لزوم وحدت در شرایط کنونی

از جمله میتوان به حمله دانشجویان مبارز تحت رهبری کنفدراسیون (برای احیاء...) بصف هوراکشان شاه نام برد که توطئه سیا ـ ساواك را به منظور تبلیغات برای شاه عقیم کرد وبا این حرکت بزرگ توانست چهره کریه شاه خائن و اربابش را در سطح جهان افشاء نماید. دیگر میتوان از اشغال مجسمه آزادی توسط کنفدراسیون (برای احیاء..) اشغال سفارتخانه ها وسایر مراکز جاسوسی رژیم توسط کنفدراسیون که همراه با افشاگری، اعتراض وکشف اسنادی در زمینه های مختلف همراه بود، نام برد.

برگزاری هزاران آکسیون وعملیات دفاعی در رابطه با افشای رژیم ودر دفاع از زندانیان سیاسی وبرگزاری تظاهراتهای افشاگرانه به هنگام سفر نورچشمی ها در دیدار از اربابانشان از مبارزات موفق بود که کنفدراسیون در طول حیات خود بجلو میبرد ونشان داد که یك سازمان دمکراتیك دانشجوئی باپافشاری برروی موازین اصولی و مرزبندی با دشمنان خلقهایمان و طرد وافشای مشی لیبرالیسم بورژوازی ومبارزه با تزهای سازشکارانه میتواند درراهی رزمنده وپیروزمند قدم بردارد.

****

قسمت دوم مقاله درباره اوضاع کنونی ونظرات ما درباره وحدت جنبش دانشجوئی خواهد بود.

بقیه از صفحه ۱۲

شهادت دو مبارز دیگر

احمد ذالانوار در پاکستان از طرف عوامل مزدور، خمینی مورد حمله قرار گرفته و بر اثر ضربات وارده چاقو دچار خونریزی مغزی گردید و پس از بی نتیجه ماندن معالجات در بیمارستان شهید شد.

قابل ذکر است که نظیر این عمل فجیع توسط عمال خمینی در روز ـ یکشنبه ۱۴ اگوست ۸۳ در امریکا رفیق فیروزه دهقان پور که از دانشجویان سال سوم دانشگاه اوماها بوده و از عناصر فعال هوادار چریکهای فدائی خلق ایران در خارجه بوده را با ضربات چاقو بقتل میرسانند.

قتل ومجروح کردن دانشجویان قبلا نیز توسط مزدوران خمینی در کشورهای هند ـ فلیپین وفرانسه صورت گرفته است وبازهم خواهد گرفت.

رژیم جمهوری اسلامی جهت خفه کردن صدای اعتراض دانشجویان مترقی که با اوج گیری مبارزات مردم شدت بیشتری خواهد گرفت مدتهاست خود رابسیج کرده ومیکند. برماست تابابسیج ووحدت کلیه نیروهایمان توطئه های ارتجاع را درهم شکنیم ورژیم راهرچه بیشتر درانظار عمومی جهان بی آبرو سازیم.

مرگ بر دولت ضد خلقی روس و ایادی داخلیش

در لبنان چه میگذرد

از صفحه ۱

نزدیک به دو سال پیش، بعلت رشد جنبش انقلابی فلسطین ـ لبنان امپریالیستها به نوزاد خود، صهیونیسم دستور سرکوب انقلاب را میدهند. وبعد از مدتی تدارکات نظامی حمله اسرائیل به لبنان وپیشروی بسمت بیروت، بهمراه هم پیمانان خود یعنی نیروهای فالانژیستها آغاز میگردد انقلابیون فلسطینی ولبنانی درکنار همدیگر مقاومت جانانهای رابا فداکاریها ورشادتها واز جان گذشتگیهای خود برعلیه ارتش اشغالگر اسرائیل درجنوب بیروت بنمایش میگذارند وهرگز اجازه ورود به جنوب بیروت رابه صهیونیستها نمیدهند. ولی از آنجائیکه رهبری خود را ـ برای شرایط سخت مبارزاتی آماده نکرده بود سرانجام به سازش تن داد ودستور خروج چریکهای فلسطینی را صادر نمود. از همان ابتدا ما اعلام نمودیم که هدف، سرکوب انقلاب درلبنان وبرقراری رژیم وابسته به امپریالیسم امریکاست که درنهایت هم سرکوب انقلاب فلسطین خواهد بود وهم لبنان. تغییر وتحولات چند ماهه گذشته صحت نظرات ما را بخوبی نشان داد. هجوم نیروهای سرکوبگر امپریالیسم آمریکا انگلیس، فرانسه وایتالیا به بهانه نیروهای حافظ صلح بهمراه ارتش لبنان واسرائیل هدفی جز سرکوب انقلاب درلبنان را نداشت. ولی انقلاب لبنان هنوز جان داشته ودارد.

از آغاز ماه سپتامبر، بدنبال عقب نشینی نیروهای اسرائیل از ـ کوهستانهای شوف براثر مبارزات انقلابیون لبنان وفلسطینی های باقی مانده که بیش از ۲۰۰ نفر از مزدوران اسرائیلی به درک واصل شد وبخشا بخاطر بالا گرفتن اعتراضات مردم دراسرائیل وبخصوص درمناطق فلسطینی نشین، مستقر شدن درمناطق "امن تری" در جنوب رودخانه آرالی، انقلابیون لبنان حمله خود راجهت کنترل مناطق تخلیه شده درادامه انقلاب لبنان آغاز نمودند وجنگ سختی بین مسلمانان "دروز" وارتش لبنان جهت کنترل مناطق تخلیه شده درگرفت وهرروزه ابعاد گسترده تری یافت.

از همان آغاز درگیری کلیه نیروهای "حافظ صلح" وعمدتا تفنگداران دریائی آمریکا که در اطراف فرودگاه بیروت مستقر بودند، بهمراه ارتش لبنان وارد جنگ شدیدی بامخالفین دولت دست نشانده لبنان به رهبری جمایل شدند وخبرگزاریهای مختلف درگیری نیروهای امریکا را از نظر شدت ووسعت باجنگ ویتنام مقایسه کردند. دولت ریگان به تفنگداران خود وهمچنین فرماندهی ناوگان ششم اجازه داده است که هرلحظه صلاح دانستند بدون رعایت سلسله مراتب اقدامات لازم راانجام دهند. ناوهای آمریکا دراین مدت مواضع انقلابیون لبنان را بمباران کرده واز طریق هواپیماهای شناسائی خود (هواپیماهای آواکس مستقر درعربستان سعودی وهواپیماهای مستقر درناوهای هواپیما بر آیزنهاور ونیو جرسی) اطلاعات لازم رابه ارتش لبنان گزارش میدادند ولی با تمام مشکلات موجود، پیشروی از جانب انقلابیون بود وجمایل که موقعیت حکومت خود را علیرغم تمام کمکهای بیدریغ امپریالیستهای غربی متزلزل میدید حاضر به مذاکره با مخالفین شد.

مخالفین دولت لبنان دارای طیف وسیعی است، ولی مبارزه اصلی از جانب مسلمانان دروز، میلیشیای مسلمانان چپ وکمونیستها که جمعا چهار هزار جنگنده دارند واساسا رهبری آنها را ولید جنبلاط بعهده دارد.

سازمان امل برهبری منیع بری که دارای امکانات وسیعتر وارتش صد هزار نفر میباشند سهم آنچنانی دراین درگیریها ندارند وانتظار بیش از این نباید داشت. رهبراین سازمان ارتجاعی اعلام نمود که تفنگداران آمریکائی هرگز مورد هدف آتش مانیستند ومابا آنان روابط بسیار خوبی داریم وبه کلیه خدمات نیروهای حافظ صلح درلبنان ارج میگذاریم باید از سازمان امل که مورد پشتیبانی رژیم جمهوری اسلامی ایران نیز میباشد پرسید که از کدام یک خدمات نیروهای حافظ صلح صحبت مینماید. تنها خدمتی که ماشاهد آن بودیم سرکوب انقلاب لبنان ـ لبنان میباشد ومنیع بری ازاین خدمات دفاع میکند وبه آن ارج می نهد. آتش جنگ لبنان ارتجاعیون منطقه را برآن داشت که هرچه زودتر شعلههای آنرا خاموش سازند وعربستان سعودی بعنوان جلودار این جریانات وهمچنین ضعف رهبری جنبش لبنان تقاضای آتش بس ـ بین نیروهای مخاصم را نمود وسرانجام ولید جنبلاط نیز ناتوانی خود را از بسرانجام رساندن انقلاب همچون یاسر عرفات به عرصه نمایش گذاشت. مابا وجود دفاع از مبارزات ولید جنبلاط، حرکت سازشکارانه او را محکوم کرده وآنرا برعلیه انقلاب لبنان میدانیم.

بعد از آتش بس وباز شدن مجدد فرودگاه بیروت امپریالیستهای غربی از این فرودگاه جهت رساندن وسایل نظامی به ارتش لبنان استفاده می نمایند وخود رابرای یورش بعدی به این انقلاب آماده میسازند. ابر قدرتهای غرب وشرق دراین میان هرکدام جهت گرفتن امتیاز بیشتر رقابت میکنند. غرب ازطریق نیروی نظامی خود ودولت لبنان وشرق از طریق نفوذ سوریه درلبنان ودربین نیروهای مخالف جمایل عمل میکنند بهرحال غرب وشرق بدنبال منافع خود درمنطقه بایکدیگر رقابت می کنند ودرمقابل خلقهای لبنان که درپی استقلال وآزادی وتمامیت ارزی و رهائی ملی است ایستاده اند. قبول آتش بس از جانب رهبری ـ انقلاب لبنان حرکتی است که خود زمینه سازشهای بزرگتری راباارتجاع منطقه بدنبال خواهد داشت، همچنانکه قبول آتش بس از جانب رهبری انقلاب فلسطین ضربات مهلکی براین جنبش زد. ما امیدواریم که مبارزین لبنان با درسگیری از تجارب غنی مبارزات خود ودیگر خلقها، جنگ را تا سرنگونی کامل ارتجاع وقطع نفوذ کلیه امپریالیستها ادامه دهند. نیروهائی که غیر از این کنند ودرازای شرکت درحکومت آینده، خون مردم را وثیقه معامله قرار دهند چیزی جز نفرین وخشم مردم رانسبت بخود نخریده اند.

پوزش

درستاد شماره ۲۰ مهر ـ ۶۲، صفحه ۵ درآخر مقاله حیدرعمواغلی چکیده انقلاب اشتباها بجای قوای متجاوز انگلیس قوای متجاوز روس آمده است. درتوضیح این اشتباه باید اضافه کنیم که درآنزمان حکومت شوراها کمک های شایانی به جنبش جنگل نمود و از آن دفاع کرد. امپریالیسم انگلیس درآنزمان دشمن اصلی این جنبش بود ولی بخاطر درک ناصحیح ورهبری این جنبش از امپریالیسم بدام توطئه ـ های عوامل مستقیم وغیر مستقیم آن افتاد وبا حمایت رهبری این جنبش حیدر عمواوغلی بشهادت رسید. از اینکه درشماره قبل چنین اشتباهی شده است از خوانندگان ستاد پوزش می طلبیم.

فعالیتهای دفاعی ستاد

بقیه از صفحه ۱۳

روز اول اکتبر ۱۹۸۳ به منظور افشای امپریالیسم انگلیس ودفاع از مبارزین ایرلندی ، از طرف "سازماندهی برای یك جبهه" متحد همبستگی با ایرلند " که از برخی نیروهای انگلیس تشکیل شده ،تظاهراتی برگزار شد ،ستاد واحد لندن نیز دراین تظاهرات بصورت فعال شرکت کرد . برخی از شعارهای این تظاهرات عبارت بودند از " مرگ برامپریالیسم انگلیس" ، "ارتش انگلیس از خاك ایرلند بیرون " ، " ایرلند ،ایران ،یك مبارزه ،یك رزم " .

درپایان این تظاهرات پیامهای همبستگی سازمانهای مختلف به تظاهرات ارائه شد . درپیام سازمان ما ضمن تاکید همبستگی خلقهای ایران وایرلند برعلیه" امپریالیسم ،جنایات رژیم جمهوری اسلامی درایران وروابطش با امپریالیسم بخصوص امپریالیسم انگلیس افشا شد .

دردهمین سالگرد کودتای ننگین سیا برعلیه دولت ملی سالوادور آلنده درشیلی وبدنبال اوج یابی مبارزات مردم شیلی علیه حکومت پینوشه ومحکوم ساختن امپریالیسم آمریکا درآمریکای لاتین ،تظاهرات عظیمی درلندن برگزار شد که سازمان ما (ستاد) نیز باشعارهای "مرگ برپینوشه ،مرگ برخمینی " ، "مرگ برامپریالیسم آمریکا " دراین تظاهرات شرکت نمود .

درتاریخ شنبه ۱۷ سپتامبر۸۳ تظاهراتی درلندن دردفاع از خلق قهرمان فلسطین وبه منظور محکوم کردن ،کشتار سبعانه درصبرا وشتیلا درسال گذشته بتوسط مزدوران آمریکائی فالانژ ،صهیونیستها که منجر به شهادت بیش از ۵ هزار تن زن ومرد وکودك شد ،بوسیله سازمانهای مختلف فلسطینی وانگلیسی برگزار شد .

بمنظور همبستگی با خلق فلسطین وابراز انزجار از سیاستهای غارتگرانه امپریالیسم آمریکا وصهیونیستها ،سازمان ستاد ،واحد لندن نیز در این تظاهرات شرکت نمود . درطول تظاهرات از طرف ،ستاد ـ لندن شعارهائی چون "مرگ برصهیونیسم ،مرگ برخمینی " مرگ برامپریالیسم مرگ برارتجاع ،زنده باد انقلاب ؛" فلسطین ،ایران یك مبارزه یك رزم " درکنار شعارهای عمومی تظاهرات که نزدیك به هزار نفر بودند قرار گرفت.

اخبار ایران

بقیه از صفحه ۱۲

اخبار کوتاه :

بگزارش کار شماره ۱۷۰ که اخیرا درخارج از کشور پخش شده است . پس از جریان افسریه ،درجوادیه ،در ۱٤ تیر در یکی از محلههای اطراف لشکرآباد و در نیمه دوم تیر در شهرك المپیك در اطراف کرج ،در محله هاشمی ،نازی‌آباد پاخچی‌آباد تهران همچنین در شهرهای تبریز ،ارومیه و بندرعباس تظاهراتی بخاطر آب و برق و نان صورت میگرد دربرخی از این حرکتها شعار مرگ بر خمینی داده میشود .

۱۸ تیر ماه حدود ۵هزار نفر در میدان سپه تظاهرات کرده و شعارهائی علیه بیکاری میدهند .

در کارخانه ایران ساپیا کارگران بطور دستجمعی دست به اعتراض و تحصن می زنند .

درکارخانجات ذوب آهن و مس سرچشمه کارگران برای انحلال انجمن اسلامی و افزایش دستمزدها دست به حرکتهای اعتراضی و اعتصاب میزنند از جمله در کارخانجات رنو ایران ،ایران سرعت ،سیمان آبیك ،صنایع الکترونیك بلر ،کنتور سازی و همچنین شرکت صنعتی البرز کارگران دست به اعتصاب زده‌اند که در بعضی موارد رژیم را وادار به عقب نشینی کرده و به خواستهای خود دست یافته‌اند .

کردستان

در ادامه حملات گسترده‌ای که رژیم از ابتدای تابستان تحت لوای "عملیات والفجر ۲ " و جنگ با عراق به کردستان شروع کرده بود اخبار جدیدی از حملات و باصطلاح پاکسازی دهکده‌های کردستان یاد ،واقع کشتارگری در روستاهای کردستان از جانب رژیم گزارش شده‌است مقامات رژیم اعلام کرده‌اند که ۳۰ روستا در مناطق بوکان و بانه در نزدیکی مرزعراق مورد حملات ارتش و پاسداران قرارگرفته و پیشمرگان از آنجا رانده شده‌اند (ایرانشهر ۲۵ شهریور ٦۲) بعلاوه براساس روزنامه‌های اطلاعات ۳۵ روستا نیز در منطقه منگور مورد حمله رژیم قرار گرفته و باصطلاح پاکسازی شده‌است .

از سوی دیگر به گزارش نشریه مجاهد (شماره ۱۷۲ ، ۱٤/مهرماه ٦۲) روز اول مهرماه طی یک حمله وسیع پایگاه رژیم بنام " کردوك " مورد حمله پیشمرگان مجاهد و حزب دمکرات قرار گرفته و همچنین در سر راه نیروهای کمکی رژیم که به محل حمله میامدند کمین گذاشته میشود .

در این حملات ۱٦۰ نفر از مزدوران رژیم کشته و تعداد زیادی زخمی میشوند . رژیم ضد خلقی با هلی کوپترهای توپدار منطقه درگیری را به توپ بسته و مزارع دهقانان را نابود میکنند .

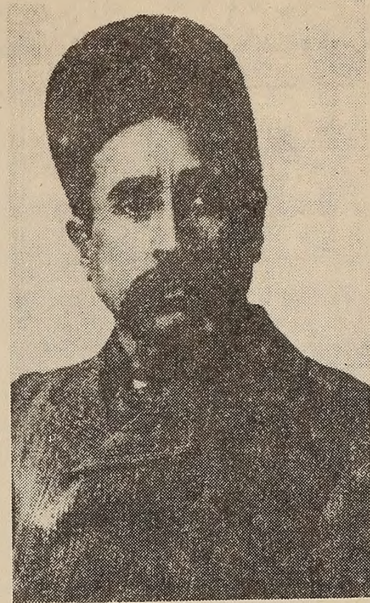
بگزارش رادیو بی بی سی (۱۰/اکتبر ۱۹۸۳ ساعت ۲۱ شب) نیروهای حزب دمکرات شهر بوکان را از تصرف رژیم خارج کرده‌اند .

بگزارش مجاهد : روز شنبه ۲٦ شهریور یکی از پاسداران مزدور خمینی دخترك ۱۲ ساله‌ای را دزدیده و در منطقه گوهردشت کرج مورد تجاوز قرارداده و بقتل می رساند و سپس جسد وی را به بیابانهای قزل حصار (زندان) برده و رها میکند. دو روزبعد جسد کشف شده و قاتل شناخته میشود . ۲۹ شهریور در تشییع جنازه مقتول صدها نفر از اهالی گوهردشت کرج شرکت کرده در خیابان اصلی گوهردشت تظاهرات کرده و شعار مرگ بر پاسدار و مرگ بر بسیجی میدهند . پاسداران که ناظر واقعه بودند از ترس هیچ عکس العملی نمی کنند . رژیم از ترس گسترش مبارزات پاسدار مزبوررا در روز هفت مقتول به دار میاویزد . خشم مردم از این رژیم تا بدانجاست که صد هزار نفر از اطراف برای تماشای مراسم اعدام آن مزدور از اطراف و اکناف به گوهردشت آمده بودند .

رژیمی که خود دختران زندانی را قبل از اعدام به دست خون آلود و کثیف پاسداران می سپرد تا مورد تجاوزقرار دهند و صدها کار کثیف تر از این را علنا انجام میدادند و با وقاحت توجیه میکرد . امروز در مقابل خشم مردم مجبور به عقب نشینی شده و برای حفظ خود پاسداران مزدور و فرمانبر خود را نیز به دار میاویزد و گرنه در جمهوری اسلامی برای جان دختر بچه ۱۲ ساله ارزشی قائل نیستند . بقیه در صفحه ٤

بیاد ستارکرد آزادی

" تفنگ بر دوش
با گامهای سهمگین
پرچم سرخ در دست
وآتش‌خشم در چشم
بر سرکوی امیر خیز ایستاد
در ناباوری وشور وحشت تهران .
باد بیرق را استوار تر می‌کرد .
بر لب سرود آزادی خواند و
بنام میهن و مردمش
پرچمهای سفید سازش‌را
یك بیك از بامها فروکشیـد .
اکنون شعله‌های آتش انقلاب بود
که از قلب ستـار به امیر خیـز
واز امیر خیز به تبریز
و از تبریز به ایران زبانه میکشیـد "



"او" – آبان ٦٢

٦٠ سال از درگذشت ستارخان میگذرد . نام و یاد ستار و یاران مجاهد وی یاد آور حماسه جانبازیها و مبارزات نیاکان فراموش‌ناشدنی ماستکه در سیاهترین دوران معاصر تاریخ سراسر پراز پیچ وخم ایران سرسختانـه برای کسب آزادی واستقلال میهنمان در مقابل دربار فاسد قاجار و پشتیبانان خارجی آنان ایستادند و بانبرد مسلحانه حمله انانرا به شکست کشاندند . ستار خان و خواسته‌های سیاسی ـ اجتماعی وی نشانگر تـولد فرهنگ مبارزاتی طبقه‌ای بود که شرایط آن زمان ودر روند تاریخی خـود پس‌از آن بعنوان پیگیرترین قشر برای کسب استقلال و آزادی ایـران رزمید مو می رزمد .به زبان دیگر طبقه کارگر قهرمان ایران امروز حق دارد خود را وارث سنت ستار و یارانـش بـدانـد .

۸۱ سال پـس‌از مجاهد تهای ستار و همراهانش‌سرانجام آرزوی پدران‌ما در سر نگونی دربار و سلطنت با مبارزات بی امان تودمها برعلیه رژیـم دستنشانده شـاه در قـیام بهمن ۵۷ به حقیقت پیوسـت .

اما همانگو نه که انقلاب مشروطه در اثر نبود رهبـری انقلابی تا به آخـر سازشکاری بورژوازی و تردید خرده بورژوازی وحمایت مشروعه چیان از دربار مستبد قاجار به شکست انجامید ,انقلاب بهمن‌نیز به همان درد گرفـتار آمـد

هنگامیکه مـو میائی مرتجعین مشروعه طلب انقلاب مشروطه در کالبد ضـد انقلاب ولایت فقیـه زنده میشود ,شیخ فضل‌المنوری یاور محمد علی شاه نماینده " مبارزات " مردم معرفی میشود لاجرم ستارخان ها و باقـرخانها امروزی میبایستی به خشم ضد انقلاب "جمـهوری اسلامی " گرفتار آینـد .

اما مگر میشود نام ویاد ستـار را که با مبارزه برای کسـب آزادی و استقلال ایران گره خورده از زبان انقلابیون و کارگران و زحمتکشان ایران گرفت و به جای آن واژه تـهوع‌آور "حـزب الله " را نشـانـد .

امروز یکبار دیگر در تند پیچ تاریخی حیات‌مردم ما قـهر انقلابی ستـارو یارانش‌میبایستـی سر مشـق‌مبارزات قرارگرفتـه و در مبارزه برعلـیه دربار فـقیه راه ورسمشان زنده گردد .

آن نیروهائیکه امروز خود را رهروان ستارخان و مجاهدین مشروطه میـدانند نباید فراموش‌کنند که خواسته‌های ستارو یارانش‌مبارزه بـی امان با دشمنان آزادی و استقلال ایـران از هر رنگ و لباس ,سر سختی در برابـر متجاوزین وجهانخواران رنگارنگ و به پیش‌گذاشتن آرمان زحمتکشان وتهیدستان میبوده و در بـرابـر سازشکاری نیروهائیکه بدین خواسته‌ها خیانـت ورزیدند ایستادگی نمودند . و درست بهمین خـاطـر است که نام سـتار در تاریخ ایـران زنـده مـانده و میمانـد . راه و رسـم او جـاودان بـاد

بازرکان افشاء می‌کند یا ....

بقیه از صفحه ۳

قرار است انتخابات در همین جو حاضر صورت‌گیرد بهتر است بخاطـر شرایط استثنایی (سو استفاده کردن ضد انقلاب از انتخابات آزاد ؟ ! ستاد) دریك رفراندم از ملت بخواهید!! (مردم با شرایط موجود رای بر نابودی کل رژیم را داده‌اند آقای بازرگان) که این مجلس‌به کار خود ادامه دهد . ضمنا بازرگان در سخنانش‌به سلطنت طلبها حمله کرده و خود و نهضت آزادی را از اولین گروههایی که برعلیه رجعت آنان قد علم خواهد کرد یاد می‌برد !! در همینجا نیز باید بگوئیم که آقای بازرگان و نهضت آزادی برعلیه سلطنت نیست . او در دفاعیات خود در زمان شاه چنین می‌گوئد : " ما افتخار می کنیم در زیر سایه قانون اساسی بدنیا آمده‌ایم و امیدواریم که در زیر همین سایه بمیریم ." ولی الان که ناخدای دیگری کشتی را می راند آقای بازرگان از قانون اساسی جمهوری اسلامی سخن می راند واز ولایت فقیه آن دفاع می نماید .

بهر حال از مسائل کناری که بگذریم به اصل سخنان آقای بازرگان می رسیم او در ادامه سخنانش درباره طرح پیشنهادی دوم می گوید : ..... مضافا به اینکه باز شدن سوپاپهای اطمینان و تبدیل محیط مسدود فعلی به محیط باز و برادری , داروی شفابخش بسیاری از ناراحتیها و نارضایتها و بیتابیهای دائم التزاید عومی (رشد مبارزات مردم) خواهد شد و بهمین دلیل تکیه بر ضرورت و فوریت آن کردم . "

اصل مطلب همینجاست آقای بازرگان رشد ناراحتیهاو نارضایتها وبیتابیهای دائم‌التزاید عومی را می بیند و جهت جلوگیری از سرنگونی رژیم خونخوار حاکم نسخه‌ای که می پیچد (بازشدن سوپاپهای‌اطمینان) انتخابات در چهار چوب قانون اساسی کذائی است . او در خاتمه سخنانش‌چنین جمعبندی می‌کند که در صورت قبول پیشنهاد دوم ,رضای‌خدا , رستگاری خودتان و پیروزی انقلاب و ملت را خواهید خرید درغیر ایـن صورت خشم و خصومت مردم را زیاد کرده و همگی خسرالدنیاو الاخره خواهیم شد . والسلام علی الذین ....

آقای بازرگان ,از نظر خلق و انقلاب هر راه حلی که شما پیشنهاد کنیـد در مقابل خشم و خصومت دائم‌التزاید عومی دوام نخواهد آورد و نخواهید توانست از طریق سوپاپ اطمینان پیشنهادی شما جلوگیری از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی کنید . جمهوری اسلامی که شما هم یکی از نمایندگان مجلس‌کذابی آن هستید . هر کاری که کنید خشم و خصومت مردم را زیاد کرده و همگی شما خسرالدنیاو الاخره خواهید شد .والسلام

ستاد

شماره ۲۱

صفحه ۱۲

یاد و راه شهیدان آبان ماه ۵۷ جاودانه است

شهادت دو مبارز دیگر

بدست تروریستهای جمهوری اسلامی

مزدوران صادراتی بار دیگر شهدای دیگری به خیل شهدای انقلاب ایران افزودند. جمهوری اسلامی که با وحشت از بی آبرو شدن بیش از پیش خود در انظار خلق قهرمان ایران با گسیل صدها تروریستهای صادراتی رویه خارج از کشور نهاده و با ایجاد جو رعب و وحشت در میان دانشجویان خارجه می خواهد که فریاد آزادیخواهی و حق طلبانه مردم مبارز و قهرمان ایران را خاموش سازد ولی کوششی است بیهوده مزهی خیال باطل! زیرا خلقهای قهرمان ایران مبارزات بی امان خود را برعلیه خمینی و دارودسته پلیدش در سخت ترین شریط هم به پیش میبرند و هر روزه خبر از گسترش و اوجگیری این مبارزات برعلیه نظام پوسیده و قرون وسطائی جمهوری اسلامی حکایت می کند. رژیم درمانده، توسط تروریستهای صادراتی که از طرف سفارتخانههای رژیم تغذیه میشوند بار دیگر یکی از پناهندگان ایرانی (هوادار سازمان مجاهدین) بنام

بقیه در صفحه ۸

فعالیتهای دفاعی ستاد

کاونتری :

در تاریخ ۱۶ سپتامبر در مقابل کارخانه" تالبوت در محلی که رژیم خمینی کارآموزان خود را به منظور آموزش طرز کار با اتوموبیل های انگلیسی به آنجا میفرستد از طریق هواداران ستاد در بیرمینگهام تظاهرات ایستاده ای برگزار شد. این تظاهرات به منظور افشای روابط اسارت بار رژیم جمهوری اسلامی با امپریالیسم انگلیس که رو به افزایش است برگزار گردید که با موفقیت انجام یافت گوشه ای از تظاهرات از تلویزیون پخش گردید.

منچستر :

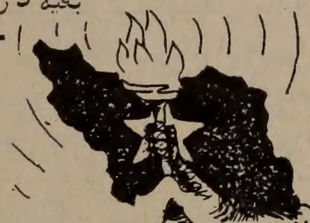
در تاریخ ۳۰ سپتامبر در مرکز شهر منچستر نمایشگاه عکسی که نمایانگر جنایات رژیم خمینی بود توسط ستاد بخش انگلستان و هواداران حزب کار در ایران به معرض نمایش گذارده شد که با استقبال عومی مردم روبرو گردید، در این افشاگری تعداد زیادی اعلامیه به زبان انگلیسی پخش گردید.

بقیه در صفحه ۱۰

ـ رفسنجانی ـ خامنه ای و . . . اعلام گشته بود، موضع خود را عوض کرده و رفسنجانی در نماز جمعه ۲۲ مهر ۶۲ اعلام نمود که اگر تنگه هرمز بسته شود اولین ضربه را خودمان خواهیم خورد.

بقیه در صفحه ۱۰

اخبار ایران



جنگ

در تاریخ ۱۵ سپتامبر ایران حملات جدیدی را از منطقه مریوان به مواضع عراق شروع نمود. برطبق ادعای ایران در این درگیری ۹ تپه مهم بتصرف قوای ایرانی درآمد وقوای ایران از رودخانه " شیلر" گذشت.

از مسائل مهم دیگر حول محور جنگ تحویل ۵ هواپیمای سوپر اتاندارد فرانسوی به دولت عراق است. این هواپیماها قرار بود تا تاریخ ۱۸ سپتامبر به دولت عراق برای مدت ۲ سال "قرض" داده شود در این میان آلمان غربی، انگلیس و آمریکا نسبت به دادن این هواپیماها اعتراض کرده اند. دولت فرانسه در جواب به اختلافات درون امپریالیستها اعلام نمود که فرانسه به قراردادهای خود احترام میگذارد.

بنابر آخرین گزارشات این هواپیماها در اوائل اکتبر به عراق تحویل داده شد و چند روز بعد در جنگ دریائی یك ناو و یك کشتی ایران توسط نیروهای عراق غرق شد. ایران تاکنون درباره غرق شدن کشتیها سکوت کرده است. صدام حسین اعلام نمود که هنوز این هواپیماها تحویل داده نشده، درصورتیکه فرانسه اعلام نموده مدتی است که هواپیماها در بغداد هستند (گاردین ۱٤ اکتبر ۸۳). بنابر گزارشات پراکنده فرانسه با عراق توافق کرده است که از این هواپیماها جهت غرق کشتیهای نفتکش ایران استفاده نکند. رژیم ایران نیز برخلاف ادعای گذشته مبنی بر بستن تنگه" هرمز درصورت دادن هواپیماها که از طرف خمینی

اخبار جهان



فیلیپین

مبارزات مردم فلیپین بعد از کشتن آکینو بدست جلادان حاکم در فلیپین اوج عظیمی بخود گرفته است. در تاریخ ۲۰ سپتامبر نزدیک به ۲۰ هزار نفر کارمند در مرکز تجارت مانیل به خیابانها ریختند وشعار " مارکوس استعفا بده " و "عدالت برای آکینو " دادند. باوجود یکه مخالف مارکوس (آکینو) یکماه است که کشته شده ولی با مرگ او جنبش برعلیه" مارکوس جان دیگری گرفته است. در یازدهمین سالگرد اعلام حکومت نظامی که دولت آنرا جشن میگرفت مردم به خیابانها ریختند. دولت که درحال تشکیل یك تظاهرات به پشتیبانی از خود بود، عده ای را به اجبار به مرکز شهر آورده بود تا شعار به نفع مارکوس بدهند، ولی مردم به این تظاهرات حمله کرده و پلاکاردها را گرفته و آتش زدند. یکی از مخالفان لیبرال مارکوس" سالوادور اورال "گفت که تا چند هفته" دیگر اگر مارکوس کنار نرود وسائل بصورت مسالمت آمیز حل نشود، انقلاب به راه خواهد افتاد. بگذار که انقلاب براه بیفتد (ستاد)! با اوج جنبش لرزه براندام ارتجاع افتاده و زن مارکوس اعلام کرده است که میخواهد از سیاست کناره گیری کند، چرا که مردم بعنوان یکی از طراحان قتل آکینو باو نگاه میکنند. در روزهای بعد

بقیه در صفحه ۳

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!